
ارزیابی اجتماعی-اقتصادی فرآیند الگوسازی مشارکت جامعه‌ی محلی در استقرار کشاورزی پایدار

گزارش نهایی

(به ترتیب حروف الفبا)

گروه مشاوران:

نغمه عباسی، دلارام علی، کاوه مظفری و نسترن موسوی

ارزیابان استانی:

بهرام حسن‌زاده، بهرام طهماسبی، سمیرا قربانی، حسین مرادیان،

مریم وزیری و عبدالله وهابی

شهریور ۱۳۹۶

فهرست مطالب

فهرست واژه‌های اختصاری.....	۴
فهرست جدول‌ها.....	۴
فهرست نمودارها.....	۵
فهرست نقشه‌ها.....	۵
چکیده‌ی گزارش.....	۶
۱- پیش‌گفتار.....	۹
۱-۱ ضرورت ارزیابی اجتماعی-اقتصادی.....	۹
۱-۲ هدف ارزیابی اجتماعی-اقتصادی.....	۱۰
۱-۳ گستره‌ی جغرافیایی.....	۱۰
۱-۴ دست‌اندرکاران و بهره‌مندان بالقوه‌ی گزارش ارزیابی.....	۱۱
۲- زمینه و بستر ارزیابی.....	۱۲
۲-۱ زمینه‌ی کلی.....	۱۲
۲-۲ زمینه و بستر پیمایش کمی.....	۱۴
۲-۳ زمینه و بستر پیمایش کیفی.....	۲۳
۳- عملکرد «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...».....	۲۵
۳-۱ هدف‌ها و خروجی‌ها.....	۲۵
۳-۲ ذی‌نفعان و بهره‌گیران.....	۲۷
۳-۳ پشتیبانان بین‌المللی.....	۲۷
۳-۴ همکاران اجرایی.....	۲۹
۴- روش‌شناسی و پایه‌ی مفهومی ارزیابی‌های ترکیبی کمی و کیفی.....	۳۱
۵- فرآیند ارزیابی.....	۳۴

۳۴.....	۵-۱ گام‌های اجرایی.....
۴۰.....	۵-۲ محدودیت‌های ارزیابی.....
۴۱.....	۶- یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها.....
۴۲.....	۶-۱ مهمترین تأثیرات اجتماعی-اقتصادی طرح بر زندگی و معیشت روستاییان.....
۵۰.....	۶-۲ موثرترین شیوه‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار.....
۶۶.....	۶-۳ یافته‌های دیگر.....
۷۰.....	۶-۴ چالش‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار.....
۸۲.....	۷- فرصت‌های پیش رو برای بهبود عملکرد طرح.....
۸۲.....	۷-۱ کاربست هر چه بیشتر معیارهای مدیریت یک‌پارچه/تلفیقی.....
۸۳.....	۷-۲ تقویت مشارکت در چارچوب یک‌سان‌سازی برداشت از این مفهوم.....
۸۴.....	۷-۳ بازبینی در چند رویه‌ی اجرایی.....
۸۵.....	۷-۴ تعیین شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی روشن‌تر برای پایش‌ها و ارزش‌یابی‌های آتی.....
۸۷.....	۸- پیوست‌ها.....
۸۷.....	۸-۱ فهرست مصاحبه‌شوندگان.....
۸۸.....	۸-۲ ابزارهای پژوهشی.....
۱۰۳.....	۸-۳ جدول زمانی ارزیابی (نسخه‌ی بازبینی شده).....
۱۰۴.....	۸-۴ پانوشته‌ها.....

قدردانی

انجام دادن این ارزیابی میسر نمی‌بود اگر از همراهی آقای حمید سلطانی، کارشناس فنی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، و گروه ارزیابان استانی، خانم‌ها وزیری و قربانی و آقایان وهابی، مرادیان، حسن‌زاده و طهماسبی برخوردار نمی‌بودیم. هر چند کاستی‌های آن به تمامی متوجه‌ی گروه مشاوران است.

فهرست واژه‌های اختصاری

واژه‌ی اختصاری	عبارت اصلی
GEF	Global Environment Facility تسهیلات جهانی محیط زیست
UNDP	United Nations Development Program برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد
PDM	Participatory Design Matrice جدول برنامه‌ریزی مشارکتی
ICM	Integrated Crop Management مدیریت جامع محصول
PTD	Participatory Technology Development توسعه‌ی مشارکتی فناوری
IPCM	Integrated Participatory Crop Management مدیریت جامع مشارکتی محصول
JICA	The Japan International Cooperation Agency سازمان همکاری بین‌المللی ژاپن
PRA	Participatory Rural Appraisal ارزیابی مشارکتی روستایی
PES	Payment for Ecosystem Service پرداخت برای خدمات زیست‌بومی
CEPA	Communication, Education and Public Awareness اطلاع‌رسانی، آموزش و آگاهی‌افزایی

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-	روستاهای مرحله‌های ۱ و ۲ بر حسب شرکت‌های مجری
جدول ۲-	مشخصات جمعیت‌شناختی
جدول ۳-	تحصیلات کشاورزان مرجع به تفکیک روستاها
جدول ۴-	میانگین مساحت اراضی زراعی و باغی کشاورزان مرجع
جدول ۵-	خودارزیابی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع
جدول ۶-	خروجی‌ها و هدف‌های مرحله‌ی ۲ طرح
جدول ۷-	بودجه‌ی کل طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
جدول ۸-	شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی کنونی
جدول ۹-	شیوه‌های گردآوری اطلاعات بر حسب پرسش‌های ارزیابی
جدول ۱۰-	تفاوت میان ارزیابی و ارزش‌یابی
جدول ۱۱-	روستاهای نمونه‌ی ارزیابی کمی
جدول ۱۲-	معیارهای انتخاب روستاهای نمونه برای مرحله‌ی ارزیابی کیفی و مشارکتی
جدول ۱۳-	تغییر درآمد ناشی از کاربست توصیه‌های کشاورزی پایدار
جدول ۱۴-	میزان یادگیری و کاربرد روش‌های کشاورزی پایدار

جدول ۱۵-	اولویت‌بندی کشاورزان پایدار مرجع از روش‌های کشاورزی پایدار در روستاهای نمونه‌ی پیمایش کیفی.....۵۱
جدول ۱۶-	هزینه و فایده و عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار.....۵۳
جدول ۱۷-	چکیده‌ی یافته‌های کیفی درباره‌ی زنان روستاهای نمونه‌ی پیمایش.....۶۴

فهرست نمودارها

نمودار ۱-	ترکیب قومی کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش.....۱۳
نمودار ۲-	ترکیب سنی کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش.....۱۴
نمودار ۳-	سطح تحصیلات کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش.....۱۴
نمودار ۴-	نحوه‌ی تامین مالی برای تولید کشاورزی.....۱۶
نمودار ۵-	شیوه‌های بهره‌برداری از زمین۱۶
نمودار ۶-	میانگین مساحت زمین‌های زراعی و باغی کشاورزان مرجع.....۱۸
نمودار ۷-	خودارزایی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع.....۲۰
نمودار ۸-	دست‌اندرکاران کشوری طرح.....۲۶
نمودار ۹-	تغییر درآمد ناشی از کار بستِ توصیه‌های کشاورزی پایدار.....۴۱
نمودار ۱۰-	میزان اجرای تکنیک آزمون خاک به تفکیک روستاها.....۴۴
نمودار ۱۱-	میزان اجرای خاک‌ورزی حفاظتی به تفکیک روستاها.....۴۵
نمودار ۱۲-	برداشت روستاییان قراقلو از دلیل‌های بروز بحران دریاچه‌ی ارومیه.....۴۶

فهرست نقشه‌ها

نقشه‌ی ۱-	موقعیت مکانی کانون‌های طرح در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی.....۸
-----------	---

ارزیابی اجتماعی-اقتصادی فرآیند الگوسازی مشارکت جامعه‌ی محلی در استقرار کشاورزی پایدار

چکیده‌ی گزارش

طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه با الگوسازی مشارکت جوامع محلی در انجام فعالیت‌های کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی گونه‌های در معرض خطر» به عنوان یکی از نمونه‌های اجرایی برنامه‌های جامع مدیریت تالاب‌ها و مشارکت مردم در فرآیند احیای تالاب‌ها با هدف کاهش مصرف آب و نهاده‌های شیمیایی در چارچوب برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه ارومیه و کمک به تامین حق‌آبه دریاچه‌ی ارومیه از سوی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از سال ۱۳۹۳ در دست اجراست. در چند سال گذشته، عملکرد طرح به مدد بازدیدهای مستمر و ارزیابی‌های فنی/تخصصی از دیدگاه بوم‌شناختی به دفعات پایش شده است. برای سنجیدن اثرگذاری آن بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی مردم ساکن در روستاهای زیر پوشش، تا زمان این ارزیابی، کوشش نظام‌مند، جامع یا گسترده‌ای صورت نگرفته بود. هدف اصلی از این ارزیابی آن است که دریابد الگویی که برای جلب مشارکت روستاییان در جهت استقرار کشاورزی پایدار در منطقه‌ی مورد نظر عرضه می‌کند، تا چه اندازه کارساز است، و اگر کم‌وکاستی‌هایی دارد، چه‌گونه می‌تواند آن‌ها را مرتفع کند. هم‌چنین، انتظار دارد که نتیجه‌های این ارزیابی بتواند به درک عمیق‌تر از چه‌گونه‌ی اثرگذاری طرح بر زندگی و معیشت مردم روستاهای برگزیده یاری رساند. گستره‌ی جغرافیایی این ارزیابی عبارت است از ۲۵ روستا از ۷۵ روستای مرحله‌های نام‌برده که در بازه‌ی زمانی دی ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۳۹۶ از سوی یک گروه ده نفره، به مدد ابزارهای مرسوم پژوهش‌های ترکیبی کمی-کیفی، مورد پیمایش قرار گرفت. چکیده‌ی یافته‌ها و تحلیل‌های ارزیابی بدین شرح است:

مهم‌ترین تأثیرهای اقتصادی طرح بر معیشت روستاییان

- اکثریت کشاورزان مرجعی که توانسته بودند آموزه‌های کشاورزی پایدار را به کار بندند از کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت محصول‌شان اعلام رضایت کردند؛
- با به کارگیری شیوه‌های کشاورزی پایدار،
 - درآمد کشاورزان مرجع روستاهای کردنشین بیش از درآمد کشاورزان مرجع روستاهای ترک‌نشین افزایش یافته است؛
 - کشاورزان مرجع در روستاهای گل و مرجانلو بیش‌ترین میزان افزایش درآمد را داشته‌اند؛
 - کشاورزان مرجع در روستاهای زرمانلو، للکلو و فیروزآباد نتوانسته‌اند از این آموزه‌ها برای افزایش درآمدشان بهره‌ای بگیرند؛
- برخی از شیوه‌های کشاورزی پایدار، مانند «خاک‌ورزی حفاظتی» و «آزمون خاک»، سبب کاهش هزینه‌های تولید کشاورزی شده است؛
- کشاورزان مرجعی که درآمدشان با اجرای شیوه‌ها و توصیه‌ها کشاورزی پایدار افزایش یافته است، ساکن روستاهایی اند با میانگین مساحت اراضی بالاتر و بنیه‌ی اقتصادی قوی‌تر.

مهم‌ترین تأثیرهای اجتماعی طرح بر زندگی روستاییان

- افزایش آگاهی‌های کشاورزان درباره‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار، تا جایی که شماری از آن‌ها رویه‌ی مرسوم کشت‌وکارشان را تغییر دادند؛
- برقراری پیوند میان استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه یا، به زبان روستاییان، میان 'خشک شدن' دریاچه‌ی ارومیه و 'کشاورزی غیر اصولی'، هر چند، با این باور که دریاچه تنها با تغییر الگوی کشت از سوی آن‌ها احیا نمی‌شود و تأثیر عامل‌های دیگری- در مقیاس‌های بزرگ‌تر- مهم‌تر است؛

- آشنایی زنان روستایی با نقش بالقوه‌ی‌شان در استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه.

موثرترین شیوه‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار

- ابتکار عمل‌ها، مایه گذاشتن از امکانات و ارتباط‌های شخصی و انعطاف‌پذیری برخی از شرکت‌های مجری در تطبیق دادن روش و محتوای آموزش با نیازهای واقعی کشاورزان مرجع؛
- کاربست شیوه‌های مشارکتی در قالب آموزه‌های FFS، IPCM و PDM برای جلب همراهی کشاورزان مرجع با همراهی با طرح؛
- فراهم آوردن زمینه‌ی انتقال مستقیم تجربه‌ی کشاورزان به هم‌دیگر؛
- برگزاری فعالیت‌های ظرفیت‌سازی مشترک دستگاه‌های مجری، ناظر و هماهنگ‌کننده که به درک عمیق‌تری از روش‌های مشارکتی انجامیده است.

چالش‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار

- زمان‌بندی اجرای طرح، بدین معنا که بازه‌ی زمانی یک‌ساله برای انجام دادن همه‌ی فعالیت‌ها در یک روستا (با تاکید بر موازین مشارکت) و کسب اطمینان از اثربخشی آن‌ها بسیار کوتاه بوده است؛
- تمرکز ناکافی بر جلب مشارکت روستاییان (برای از میان بردن زمینه‌ی بی‌اعتمادی آن‌ها) در مرحله‌های نخستین طرح، به دلیل‌هایی مانند:
 - آشنایی محدود دست‌اندرکاران/ذی‌نفعان (و بلکه ناآشنایی برخی از آن‌ها) برای به کارگیری شیوه‌های مطلوب در این زمینه؛
 - اتکای بیش از اندازه‌ی طرح به راهبری فردی استقرار کشاورزی پایدار.
- پاسخ‌گو نبودن پاره‌ای سرفصل‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی به نیازهای واقعی کشاورزان مرجع به دلیل:
 - نامناسب بودن زمان عرضه‌ی آموزش؛
 - مستمر نبودن برخی آموزش‌ها تا فراگیری آن از سوی همه‌ی گروه هدف میسر باشد؛
 - ناهماهنگی سنی و تحصیلات کشاورزان مرجع؛
 - نبود تخصص‌های لازم نزد همه‌ی شرکت‌های مجری برای آموزش و اجرای همه‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار؛
 - نبود آموزش‌ها و/یا کمک‌های فکری درباره‌ی مهارت‌های مربوط به بازاریابی و عرضه‌ی مناسب محصول سالم و/یا کسب آمادگی در برابر بلاهای طبیعی؛
- نبود آموزش‌های گروه‌سازی لازم برای تشکیل «گروه کشاورزان مرجع» و «شبکه‌ی کشاورزان تابعی» (یا کشاورزان پیرامونی).
- ناهماهنگی میان دست‌اندرکاران/ذی‌نفعان طرح در دو شکل:
 - صرفاً عملیاتی؛
 - بینشی/رویکردی در باب موضوع‌های 'مشارکت' و 'ترویج'.
- تردید نسبت به کارآمدی روش‌های آبیاری متناسب با حفاظت از منابع آبی، با در نظر گرفتن خودداری کشاورزان مرجع برای کاربست آن آموزه‌ها، به دلیل‌های از جمله:
 - پر هزینه بودن (از جمله هزینه‌های نگهداری به دلیل فرسودگی و خرابی تجهیزات، سوخت موتورهای دیزلی، برق‌کشی برای آبیاری تحت فشار، پرداخت دست‌مزد کارگر در آبیاری حلقوی-تشتکی در باغ‌ها)؛
 - کافی نبودن تسهیلات و وام‌های موجود برای پرداخت هزینه‌هایی مانند لوله‌کشی؛
 - ناعادلانه بودن سهمیه‌ی آب؛

- نامناسب بودن زمان دسترسی به آب؛
- نداشتن مجوز استفاده از چاه؛
- کمبود برق؛
- طولانی بودن روند اداری برای گرفتن خدمات مورد نیاز؛
- بی تاثیر بودن به کارگیری این روش در میزان حق آبه‌ی پرداختی؛
- مقرون به صرفه نبودنِ کاربستِ این روش‌ها در زمین‌های زیر یک هکتار و کم‌تر.

فرصت‌های پیش رو برای بهبود عملکرد طرح

- تقویت هر چه بیش‌تر مدیریت یک‌پارچه/تلفیقی از راه:
 - یک‌سان‌سازی برداشت‌های رایج در میان دستگاه‌ها اجرایی، ناظر و هماهنگ‌کننده درباره‌ی مفهوم‌های 'مشارکت' و 'ترویج' برای به توافق رسیدن درباره‌ی رویکرد طرح؛
 - جلب پشتیبانی مستمر نقش‌آفرینان دیگر به انجام دادن اقدام‌هایی که فصل مشترک‌شان احیای دریاچه‌ی ارومیه است؛
 - تشریک مساعی برای یافتن راه‌حل‌هایی مانند برقراری معافیت‌های مالی یا برخورداری کشاورزان مرجع از پاره‌ای امتیازهای هدفمند؛
 - تبدیل فعالیت‌های ظرفیت‌سازی طرح به 'برنامه‌ی ظرفیت‌سازی' با تداوم رویکرد مشارکتی جهت تضمین ادامه‌کاری کمیته‌های استانی و کمیته‌های فرابخشی، حتی پس از قطع منابع مالی پشتیبانان کنونی؛
 - عرضه، تبلیغ و ترویج نمونه‌های موفق مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی؛
 - خودداری از 'مقصریابی'، به معنای انداختن مسئولیت بروز بحران و/یا کم‌وکاستی‌ها به عهده‌ی یک دستگاه اجرایی و/یا یک گروه اجتماعی، تا سبب هم‌دلی و همراهی جماعت‌های روستایی و نهادهای مربوط دیگر گردد.
- بازبینی در چند روبه‌ی اجرایی، مانند چه‌گونگی:
 - انتخاب روستا، کشاورز مرجع و سرفصل‌های آموزشی، به ویژه سرفصل‌های مربوط به شیوه‌های بهینه‌ی مصرف آب کشاورزی؛
 - پشتیبانی از کشاورز در مرحله‌های پساتولید؛
 - گنجاندن زنان و فرزندان کشاورزان مرجع، به طور ویژه، در برنامه‌ی «اطلاع‌رسانی، آموزش و آگاهی‌افزایی» (CEPA) و درآمدزایی‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تا هم‌افزایی فعالیت‌ها تاثیر بیش‌تری بر جلب مشارکت گروه هدف طرح داشته باشد.
- تعیین شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی روشن‌تر برای پایش‌ها و ارزش‌یابی‌های آتی، با مشارکت دست‌اندرکاران/ذی‌نفعان از راه:
 - اختصاص دادن سرفصلی از فعالیت‌های ظرفیت‌سازی به مبحث شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی؛
 - و تقسیم جزیی‌تر آن‌ها (با استفاده از توصیه‌ی کتابچه‌های راهنما برای پایش و ارزش‌یابی برای طرح‌های حفاظت از تنوع زیستی)؛
- ارزیابی هم زمان سالانه (یا دو سالانه) از تاثیرهای بوم‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی و مشارکتی عملکرد طرح در روستاهای نمونه‌ی مشترک.

۱- پیش‌گفتار

طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه با الگوسازی مشارکت جوامع محلی در انجام فعالیت‌های کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی گونه‌های در معرض خطر» به عنوان یکی از نمونه‌های اجرایی برنامه‌های جامع مدیریت تالاب‌ها و مشارکت مردم در فرآیند احیای تالاب‌ها با هدف کاهش مصرف آب و نهاده‌های شیمیایی در چارچوب برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه ارومیه و کمک به تامین حق‌آبه دریاچه‌ی ارومیه از سوی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از سال ۱۳۹۳ در دست اجراست. این طرح که حاصل همکاری مشترک سازمان حفاظت محیط زیست ایران، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد و دولت ژاپن است از ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۶ وارد چهارمین مرحله‌ی فعالیت‌ها خود گردید. در سال‌های نخست و دوم، طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» با زیر پوشش قرار دادن ۵۳.۸۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی و باغ‌های ۷۵ روستا در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه فضای مناسبی را در فرآیند احیای دریاچه‌ی ارومیه برای مشارکت جامعه‌های محلی، دستگاه‌های دولتی در سطح استانی، شهرستان و روستا و نیز سازمان‌های مردم نهاد فراهم کرد و کوشید کمربند سبزی را پیرامون دریاچه‌ی ارومیه بگستراند. چنین برآورد می‌شود که اجرای طرح در منطقه‌های مورد نظر توانست در مرحله‌های نخست و دوم طرح میانگین ذخیره‌ی آب مصرفی کشاورزی را به ۳۵ درصد برساند و در همین مدت از مصرف کود شیمیایی نیز به میزان ۴۰ درصد به طور میانگین بکاهد.^۱ به سخن دیگر، کاربری‌های عرضه شده توانست در مدیریت آب و خاک زراعت‌های موجود در محدوده‌های روستاهای زیر پوشش خود اثر بگذارد. هدف مهم طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در مرحله‌ی سوم آن بود که هم‌چنان در همان روستاها- با جلب مشارکت روستاییان به کاربری‌های سازوکارهای نوین برای کاهش مصرف آب کشاورزی، کود و سموم شیمیایی- شیوه‌های کشاورزی پایدار را ترویج کند و نیز فعالیت‌های خود در ۱۵ روستای جدید آغاز، تکمیل و تثبیت کند. در سال جاری قصد دارد با افزایش تعداد روستاهای زیر پوشش به ۱۱۰ عدد که ۴۴ درصد کل روستاهای منطقه‌ی بوم‌شناختی دریاچه‌ی ارومیه را در برمی‌گیرد، از راه جلب همکاری هر چه بیش‌تر جامعه‌ی روستایی، بر کاهش روند مصرف آب کشاورزی تاثیر بیش‌تری بگذارد.

در ارزیابی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه، متخصصان برای نداشتن توانایی لازم برای مدیریت منابع آب چندین دلیل برشمرده‌اند. به دو مورد مرتبط آن به طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» اشاره می‌کنیم: یکی آن که میان ذی‌نفعان، دست‌اندرکاران و بهره‌برداران همکاری و مشارکت بایسته و شایسته‌ای وجود ندارد و دیگری آن که الگوی مصرف آب کشاورزی با محدودیت منابع آبی خوانایی ندارد.^۲ طرح حاضر، در صورت تحقق هدف‌های خود، خواهد توانست شیوه‌های موثر برای جلب مشارکت جامعه‌ی روستایی را در استقرار کشاورزی پایدار بنمایاند و از این حیث برای مدیریت بهینه‌ی منابع آبی در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه الگویی به دست دهد.

۱-۱ ضرورت ارزیابی اجتماعی-اقتصادی

در چند سال گذشته، عملکرد طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» به مدد بازدیدهای مستمر و ارزیابی‌های فنی/تخصصی از دیدگاه بوم‌شناختی به دفعات پایش شده است. هر چند، برای سنجیدن اثرگذاری آن بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی مردم ساکن در روستاهای زیر پوشش تا زمان این ارزیابی کوشش نظام‌مند، جامع یا گسترده‌ای صورت نگرفته بود. البته طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و شریکان اجرایی آن اذعان دارند که سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای احیای دریاچه‌ی ارومیه به طور چشم-گیری افزایش یافته است و کشاورزان و روستاییان بسیاری با نقش و مسئولیت خود در احیای دریاچه‌ی ارومیه آشنا شده‌اند اما

برای آن که بتوان کیفیت این طرح را از حیث جلب مشارکت هر چه بیش‌تر جامعه‌ی روستایی به سود احیای دریاچه‌ی ارومیه در مرحله‌های آتی بهبود بخشید، لازم آمد تا روند فعالیت‌های دو مرحله‌ی نخستین، یعنی مرحله‌های ۱ و ۲، از دیدگاه اجتماعی-اقتصادی نیز تحلیل شود و میزان اثربخشی آن‌ها بررسی گردد. در پاسخ‌گویی به این ضرورت است که شرح خدماتی برای ارزیابی حاضر تهیه و تدوین شد و مفاد آن از دی ماه ۱۳۹۵ به اجرا درآمد. هم‌اکنون نتیجه‌های آن در قالب این گزارش عرضه می‌شود.

۲-۱ هدف ارزیابی اجتماعی-اقتصادی

هدف اصلی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از این ارزیابی آن است که دریابد الگویی که برای جلب مشارکت روستاییان در جهت استقرار کشاورزی پایدار در منطقه‌ی مورد نظر عرضه می‌کند تا چه اندازه کارساز است، و اگر کم‌وکاستی‌هایی دارد، چه‌گونه می‌تواند آن‌ها را مرتفع کند. هم‌چنین، انتظار دارد که نتیجه‌های این ارزیابی بتواند به درک عمیق‌تر از چه‌گونگی اثرگذاری طرح بر زندگی و معیشت مردم روستاهای برگزیده یاری رساند. از این رو، هدف‌های جزئی‌تری را نیز به شرح زیر برای ارزیابی اجتماعی-اقتصادی طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» تعریف کرد:

- بررسی و تشخیص اثرگذاری روند احیای دریاچه‌ی ارومیه بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی روستاییان زیر پوشش طرح در مرحله‌های ۱ و ۲؛
- بررسی و شناسایی میزان تاثیر خروجی‌ها و دستاوردهای طرح بر زندگی و معیشت روستاییان زیر پوشش طرح در مرحله‌های ۱ و ۲؛
- بررسی و شناسایی میزان اثربخشی اجتماعی-اقتصادی فعالیت‌های مرحله‌های ۱ و ۲ طرح در روستاهای برگزیده؛
- بررسی مشکل‌ها و مانع‌های احتمالی موجود در تحقق هدف‌های طرح؛
- ارائه‌ی راهکارهای اجرایی بر پایه‌ی تجزیه و تحلیل موردهای یاد شده در بندهای پیشین.

۳-۱ گستره‌ی جغرافیایی

یادآور می‌شویم که طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» نخست ۴۱ روستا و سپس در سال دوم ۳۴ روستای دیگر را زیر پوشش فعالیت‌های خود قرار داده بود. به این ترتیب این طرح تا پایان سال ۱۳۹۴، از کل روستاهای پهنه‌ی بوم‌شناختی دریاچه‌ی ارومیه، ۱۶ درصد روستاها را در مرحله‌ی اول و ۳۰ درصد روستاها را در مرحله‌ی ۲ در برگرفته بود.^۳ برای به دست دادن یک ارزیابی از عملکردهای اجتماعی-اقتصادی طرح در این ۷۵ روستا می‌بایست، دست‌کم، وضعیت یک سوم از آن‌ها بررسی می‌شد. با در نظر گرفتن تعداد ذی‌نفعان مستقیم طرح و چه‌گونگی پراکندگی آن‌ها در روستاهای متعدد گستره‌ی جغرافیایی ارزیابی کنونی تعیین شد (برای جزییات بیش‌تر نگاه کنید به [بخش ۵-۱-۲](#)). نقشه‌ی ۱ با جانمایی کمربندی سبزی که طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» قصد دارد پیرامون دریاچه‌ی ارومیه ایجاد کند، گستره‌ی کلی جغرافیایی ارزیابی کنونی را نیز نشان می‌دهد.

نقشه‌ی ۱- موقعیت مکانی کانون‌های طرح در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی



منبع: طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

۴-۱- دست‌اندرکاران و بهره‌مندان بالقوه‌ی گزارش ارزیابی

در طراحی و اجرای فرآیند ارزیابی حاضر، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از نیروی کارشناسان و مشاوران خود و نیز از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی مجری طرح استقرار کشاورزی پایدار بهره‌جسته است؛ به این ترتیب که در گفت-وگوهای مقدماتی با مدیران عامل چند شرکت علاقه‌مند از دیدگاه‌های آنان در باب مولفه‌های این ارزیابی و روند اجرایی آن آگاهی یافته است. سپس با در نظر گرفتن مقتضیات موجود طی نشست‌های مشورتی درون‌سازمانی دیگری محورهای کلی این ارزیابی را تعیین کرده است. اما در عین حال، در مرحله‌های اجرایی، دست‌اندرکاران دیگری نیز برای فراهم آوردن شرایط لازم برای انجام دادن این ارزیابی به جمع اولیه پیوستند. در این میان همکاران اجرایی طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، یعنی بخش‌های مرتبط در اداره‌های کل سازمان حفاظت محیط زیست و معاونت ترویج جهاد کشاورزی، و نیز شرکت‌های مجری طرح در ۲۴ روستای برگزیده در شکل‌های گوناگون مددکار انجام دادن این ارزیابی بودند.

بی‌شک مدیریت و نیروی کارشناسی این دستگاه‌ها و نهادها از زمره‌ی بهره‌مندان بالقوه‌ی گزارش ارزیابی کنونی خواهند بود. بنابراین لازم است که در موقع مقتضی در جریان یافته‌ها و درس‌آموخته‌های این طرح در مرحله‌های ۱ و ۲ قرار گیرند و از نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌های این ارزیابی آگاهی یابند. البته دفاتر استانی ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه و شوراهای منطقه‌ای اجتماعی-فرهنگی آن نیز ممکن است مایل باشند بخش‌هایی کلی‌تر این گزارش را از نظر بگذرانند. هم‌چنین طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در سطح ملی نیز با نهادهای دولتی مرتبط با احیای دریاچه‌ی ارومیه در تعامل است که می‌توانند خوانندگان احتمالی بخش‌هایی از این گزارش باشند. پشتیبانان بین‌المللی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در این طرح، یعنی دفتر برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد و سفارت ژاپن در ایران، نیز از بهره‌مندان بالقوه‌ی گزارش ارزیابی به شمار می‌آیند.

۲- زمینه و بستر ارزیابی

۲-۱ زمینه کلی

پاره‌ای مطالعات اجتماعی اقتصادی که اخیراً انجام شده است و نیز بررسی‌های اولیه‌ی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران نشان می‌دهد که اُفتِ آب دریاچه‌ی ارومیه در سالیان اخیر پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی خطیری بر دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به همراه آورده است. بارزترین تاثیر آن در زندگی روستاییان ساکن پیرامون دریاچه‌ی ارومیه و تالاب‌های اقماری آن بر اشتغال اهالی است. یادآور می‌شویم که مهم‌ترین منبع درآمد اهالی این منطقه‌ها از راه کشاورزی است. چنین برآورد شده است که- در مقایسه با کل کشور- وابستگی درآمد خانوارهای استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به مشاغل آزاد کشاورزی عبارت از ۲۵ درصد است. این رقم برای کل کشور ۱۸ درصد گزارش می‌شود. هم‌چنین گفته می‌شود که وضعیت اقتصاد کشاورزی دو استان با یکدیگر در دهه‌ی گذشته تا اندازه‌ای با هم تفاوت دارد؛ بدین معنا که در حوضه‌ی آبریز دریاچه ارومیه سهم استان آذربایجان غربی از اشتغال و ارزش افزوده‌ی کشاورزی افزایش و سهم استان آذربایجان شرقی کاهش یافته است. با این همه، در منطقه‌های روستایی هر دو استان میانگین درآمد، به نسبت منطقه‌های شهری، با شتاب بیش‌تری کاهش یافته است. باید افزود که در منطقه‌های روستایی هر دو استان، ۱۵ درصد افراد شاغل در بخش کشاورزی در دو دهک پایین درآمدی قرار دارند.^۴ پس میزان وابستگی این جمعیت کم‌درآمد به کشاورزی برای گذران زندگی، اغلب به عنوان تنها گزینه‌ی معیشتی، نکته‌ی درخور اهمیتی است.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که آب مصرفی بخش صنعت در برابر آب مصرفی بخش کشاورزی ناچیز است و هر نوع سیاستی برای احیای دریاچه‌ی ارومیه می‌بایست بر بهینه‌کردن مصرف آب کشاورزی تکیه داشته باشد. هنگامی که تاثیرات اجتماعی حاصل از خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه را بر روستاییان می‌شمارند، سخن از کاهش میزان رضایت از زندگی روستایی و افزایش انگیزه‌های مهاجرت به میان می‌آید. با آن که نمی‌توان پی‌آمدهای اجتماعی را با همان سرعت و دقتی اندازه گرفت که تاثیرات اقتصادی و زیست‌محیطی را، با این همه در روستاهایی که مشکل آب کشاورزی و گاه آب آشامیدنی حاد شده است، رگه‌هایی از احساس بی‌اعتمادی و بدبینی به متولیان دولتی و نگرانی از سلامت جسمانی و روحی‌روانی به شکل بارزی به چشم می‌خورد که بر میل به مشارکت اجتماعی تاثیر منفی می‌گذارد. این پی‌آمدها در شهر و روستا، و نیز روستا به روستا، تفاوت دارد. به

هر رو در این بستر کلی است که طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» به اجرا درآمده است. ارزیابی حاضر نیز در همین پیش‌زمینه‌ی کلی صورت گرفت.

البته ارزیابی اجتماعی-اقتصادی طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در روستاهایی انجام شد که یک یا دو سال شاهد رفت‌وآمد و فعالیت تسهیل‌گران شرکت‌های مجری بودند و شماری از کشاورزان ساکن در آن روستاها درگیر فرآیند استقرار کشاورزی پایدار شده بودند. جدول ۱ نام روستاها را بر حسب شرکت‌های مجری و موقعیت جغرافیایی‌شان نشان می‌دهد.

جدول ۱- روستاهای مرحله‌های ۱ و ۲ بر حسب شرکت‌های مجری

استان	شهرستان	نام شرکت	ادامه‌ی فاز ۱	ادامه‌ی فاز ۲
آذربایجان غربی	میاندوآب	پدیده سبز آنیل	للكلو	فیروزآباد و اسلام آباد
		نازچین سپید آذران	حاج حسن علیا	گرده رش و حاج حسن سفلی
		نوین خدمات دهقان	حاج حسن خالصه و نظام آباد	-
		خوشه سازان قوشاچای	تازه کند للکلو	ملک آباد
	نقده	شرکت آذر کشت سلدوز	گل، درگه ارسخان، درگه سنگ و عطاله	شهرک المهدی، ممیند و گرده قیط
	سلماس	یاشیل چالش	آغ زیارت، میناس، خان تختی، آخته خانه، سلطان احمد، قره قشلاق، یالقوز آغاج، یوشانلو، قزلجه و آغ اسماعیل	-
	ارومیه	یشیل اورمان چی چست	-	قراغلو، آده، یورقون آباد، چیچکلوی بخش قلعه و صفر قلی خان
		رویان پروران نگین سبز	اوصالو و آییلو	زیرمانلو و خداوردیخان
		دانش پژوهان سبز گستر ارومیه	ساریبگلوی معین، تبت، شاهین آباد، نظرآباد و قشلاق خنجر	-
		شکوفه‌گران نو گستر	گزنق	چیچکلوی منصور
		پانیز کشت آذربایجان	-	صفر بهی
		اتحاد سبز نوگرایان	برنج آباد، قازان اعلی، ساریجالو و فقی‌بیگلو	-
	مهاباد	نوین گستر مهاباد	خورخوره، داشخانه، قره داغ و قره قشلاق	گاپیس، گرده یعقوب و قره قشلاق
		شرکت مهاباد زرع	-	-
	تسوج	شرکت ۱۹۳۸ شبستر	چهرگان، مزارع تسوج و قره تپه (انگشت جان، امستجان و قلعه مراغوش)	-
آذربایجان شرقی	اسکو	معین کشاورز آذربایجان سهند	-	سرای، مهدینلو و مرجانلو
	ملکان	آریاکشت	-	گدکلو، شریفلو و حسن آباد
	آذرشهر	آذرهمسو	-	تیمورلو، دستجرد و قشلاق
	عجب‌شیر	گلفام کشاورز	-	خضرو و شیشوان
	بناب	پدیده کشاورز بناب	-	قره چیق، آخوند قشلاق و خانه برق قدیم

منبع: طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

یادآور می‌شویم که در دو سال نخست، فعالیت‌های مربوط به کشاورزی پایدار بر پایه‌ی راهبردی زیر عنوان «مدیریت جامع مشارکتی محصول» (IPCM) در ۷۵ روستا به تفکیک زیر به اجرا در آمده بود. راهبرد IPCM با افزودن جنبه‌هایی از مشارکت به نوعی از مدیریت کشاورزی، زیر عنوان «مدیریت جامع محصول» (ICM)، تکیه دارد. در مدیریت جامع یا تلفیقی محصول نمی‌توان تنها به سه مرحله‌ی کاشت، داشت و برداشت در کشاورزی اکتفا کرد، بلکه می‌بایست دو مرحله‌ی مهم و تأثیرگذار پیش از کاشت و پس از برداشت را نیز در نظر گرفت. اعمال این نوع مدیریت در ایران، از میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۸۰ شمسی به این سو، به طور آزمایشی در چندین استان (مانند اصفهان، خوزستان و مازنداران) اجرا شده است. در بیش‌تر این موارد، مدیریت تلفیقی آفات (IPM) - که جزیی از مدیریت جامع محصول به شمار می‌آید - به همراه رویکردی زیر عنوان مدرسه در مزرعه (FFS) به آزمون گذاشته شد^۵ تا دستور عمل‌های آن روشن گردد و بتوان آن‌ها را در مقیاس گسترده‌تری به کار برد. بررسی جنبه‌های مثبت این راهبرد و چالش‌های موجود برای کاربست آن توجه پژوهش‌گران و دانشگاهیان را به خود جلب کرد.^۶ در این میان نیز معاونت ترویج وزارت جهاد کشاورزی در صدد برآمد تا «برنامه‌ی ملی ترویج و توسعه کشاورزی پایدار» را بر پایه‌ی سه محور مدرسه در مزرعه، مدیریت تلفیقی آفات و مدیریت جامع مشارکتی محصول تهیه و تدوین کند.^۷

گفته می‌شود که ویژگی‌های اصلی راهبرد مدیریت جامع مشارکتی محصول عبارت است از:

- جامعه‌محوری؛
- مزرعه‌محوری/کشاورزمحوری؛
- ظرفیت‌سازی؛
- سازگاری با محیط‌زیست؛
- چند ذی‌نفعه بودن؛
- اثرسنجی داشتن؛
- نوآوری.^۸

البته همه‌ی آن محورهایی که در بالا آمده است، در دو سال نخست طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»، مجال ظهور کامل نیافتند اما جنبه‌های مهمی از این راهبرد به محک آزمون گذاشته شد. تا پیش از اجرای این طرح، برای اصلاح روش‌های مدیریت تولید کشاورزی از راه ایجاد زمینه‌ای برای تعامل میان بهره‌برداران و متخصصان فناوری کشاورزی کوششی در سطح مزرعه با محوریت کشاورز صورت نگرفته بود. به همین شکل، سابقه‌ای از فعالیت‌های ترویج و توسعه‌ی کشاورزی در کار نیست که خواسته باشد هم بر تولیدات بیش‌تر با کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت محصولات کشاورزان تکیه کند و هم در صدد باشد از راه ایجاد حساسیت و افزایش آگاهی در روند آب مصرفی آن‌ها در سطح مزرعه تغییر ایجاد کند.

۲-۲ زمینه و بستر پیمایش کمی

در ادامه، با مرور داده‌های اسنادی و هم‌چنین یافته‌های حاصل از پیمایش کمی، زمینه و بستر جمعیت‌شناختی و شرایط اجتماعی و اقتصادی ۲۴ روستای نمونه‌ی این ارزیابی را به طور اجمالی توضیح می‌دهیم. نتیجه‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در مجموع، جمعیتی معادل ۲۸.۶۳۶ نفر در قالب ۸.۷۷۷ خانوار در این ۲۴ روستا سکونت دارند. بدین ترتیب،

میانگین بُعد خانوار در این ۲۴ روستا برابر است با ۳.۲۶ نفر. از میان این جمعیت، ۱۴.۸۶۷ نفر را مردان و ۱۳.۷۶۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند، به طوری که میانگین نسبت جنسی در این روستاها معادل ۱۰۸ مرد در برابر ۱۰۰ زن است. ده روستا بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارند، روستای قره‌چپق پرجمعیت‌ترین و زرمانلو کم‌جمعیت‌ترین این روستاها شمرده می‌شود. اطلاعاتی درباره‌ی نرخ رشد جمعیت در این روستاها، به طور ویژه، در سالیان اخیر به دست نیامد ولی تابع سرشماری‌های کلی کشوری، از جمعیت روستایی، در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، کاسته و به جمعیت شهری افزوده شده است. در جدول زیر، جمعیت هر کدام از روستاها به تفکیک آمده است:

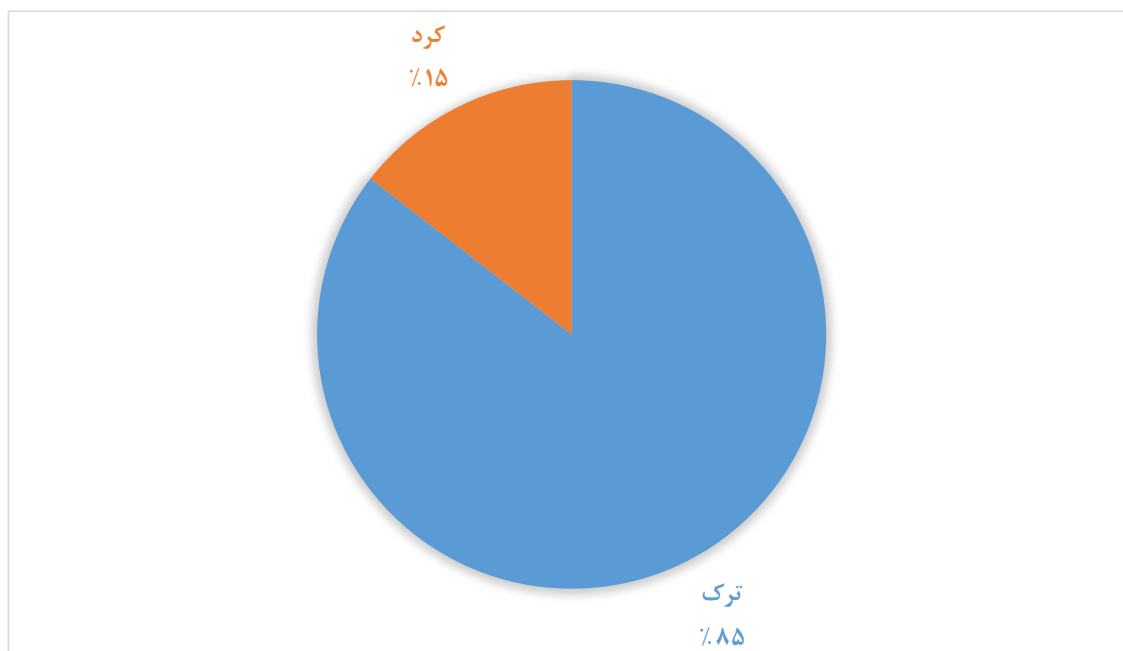
جدول ۲- مشخصات جمعیت‌شناختی

استان	شهرستان	روستا	تعداد خانوار	جمعیت	بُعد خانوار	تعداد مردان	تعداد زنان	نسبت جنسی
آذربایجان غربی	سلماس	۱- آخته خانه	۱۶۸	۵۴۲	۳.۲۳	۲۷۶	۲۶۶	۱۰۴
		۲- سلطان احمد	۳۰۱	۱.۱۶۵	۳.۸۷	۶۲۹	۵۳۶	۱۱۷
		۳- خان تختی	۱۲۰	۳۹۳	۳.۲۸	۲۱۲	۱۸۱	۱۱۷
	ارومیه	۴- فقی بیگلر	۷۵	۳۲۱	۴.۲۸	۱۶۰	۱۶۱	۹۹
		۵- قشلاق خنجر	۵۱	۱۵۰	۲.۹۴	۷۸	۷۲	۱۰۸
		۶- آیلو	۳۶	۱۱۴	۳.۱۷	۶۱	۵۳	۱۱۵
		۷- زرمانلو	۲۵	۷۴	۲.۹۶	۳۷	۳۷	۱۰۰
		۸- قراقلو	۱۲۲	۳۶۸	۳.۰۲	۱۷۸	۱۹۰	۹۴
	نقده	۹- گل	۲۴۸	۸۱۰	۳.۲۷	۴۰۳	۴۰۷	۹۹
		۱۰- شهرک المهدی	۱۹۰	۶۵۹	۳.۴۷	۳۳۶	۳۲۳	۱۰۴
	مهاباد	۱۱- خورخوره	۳۴۳	۱.۳۵۴	۳.۹۵	۶۸۸	۶۶۶	۱۰۳
		۱۲- گاپیس	۹۵	۴۲۶	۴.۴۸	۲۱۲	۲۱۴	۹۹
	میاندوآب	۱۳- للکلو	۴۶۴	۱.۶۴۰	۳.۵۳	۹۱۵	۷۲۵	۱۲۶
		۱۴- نظام آباد	۲۱۰	۶۸۴	۳.۲۶	۳۵۲	۳۳۲	۱۰۶
		۱۵- فیروز آباد	۵۰۸	۱.۷۰۴	۳.۳۵	۹۰۲	۸۰۲	۱۱۲
		۱۶- گرده رش	۴۵۷	۱.۵۴۸	۳.۳۹	۷۸۶	۷۶۲	۱۰۳
آذربایجان شرقی	ملکان	۱۷- گدکلو	۴۴۰	۱.۴۸۱	۳.۳۷	۸۵۵	۶۲۶	۱۳۷
	بناب	۱۸- قره چپق	۱.۷۶۱	۵.۴۵۶	۳.۱۰	۲.۷۹۸	۲.۶۵۸	۱۰۵
		۱۹- خانه برق قدیم	۴۹۷	۱.۶۵۰	۳.۳۲	۸۵۱	۷۹۹	۱۰۷
	عجب‌شیر	۲۰- خضرو	۱.۱۱۵	۳.۵۰۵	۳.۱۴	۱.۸۳۰	۱.۶۷۵	۱۰۹
	آذرشهر	۲۱- دستجرد	۵۱۹	۱.۶۰۸	۳.۱۰	۸۳۹	۷۶۹	۱۰۹
	اسکو	۲۲- سرای	۳۳۲	۹۲۷	۲.۷۹	۴۶۷	۴۶۰	۱۰۲
		۲۳- مرجانلو	۱۲۰	۴۲۳	۳.۵۳	۲۱۶	۲۰۷	۱۰۴
	شبستر	۲۴- قره تپه	۵۸۰	۱.۶۳۴	۲.۸۲	۷۸۶	۸۴۸	۹۳
	مشخصات جمعیتی کل روستاهای نمونه		۸.۷۷۷	۲۸.۶۳۶	۳.۲۶	۱۴.۸۶۷	۱۳.۷۶۹	۱۰۸

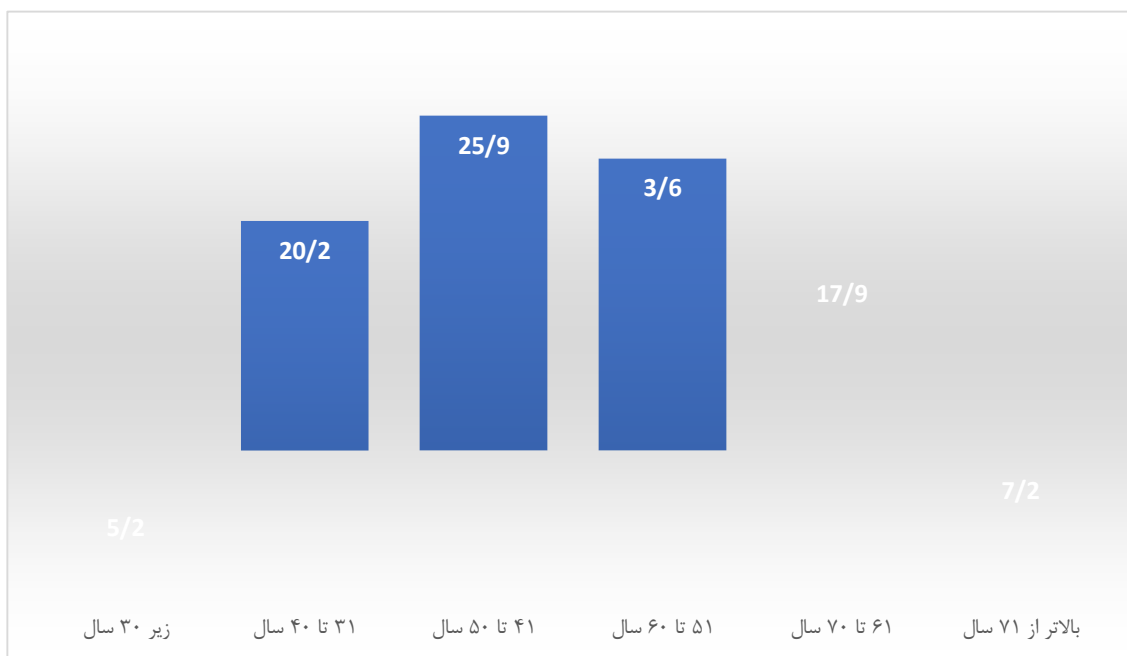
منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

یافته‌های حاصل از پیمایش کمی اطلاعاتی را درباره‌ی شرایط عمومی کشاورزان مرجع در اختیار گروه ارزیابی گذاشت. یادآور می‌شود که در این پیمایش حدود ۹۹ درصد پاسخ‌گویان مرد و حدود ۱ درصد (۳ نفر) از آن‌ها زن‌اند. همچنین، در زمان ارزیابی، ۹۴ درصد آن‌ها متأهل و ۶ درصد مجرد بودند. از نظر سنی، ۴۸.۷ درصد پاسخ‌گویان بیش‌تر از ۵۱ سال سن داشتند. پس از آن‌ها، ۴۶.۱ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۱ تا ۵۰ سال و در نهایت ۵.۲ درصد زیر ۳۰ سال سن داشتند. از نظر سطح تحصیلات، ۲۰.۷ درصد پاسخ‌گویان بی‌سواد بودند، ۵۴.۴ درصد در حد ابتدایی و راهنمایی و ۱۷.۲ درصدشان در حد متوسطه درس خوانده بودند و ۷.۸ درصد کشاورزان مرجع از تحصیلاتی بالاتر برخوردار بودند. از نظر قومیت ۸۵.۵ درصد پاسخ‌گویان ترک و حدود ۱۴.۵ درصد کُرد بودند.

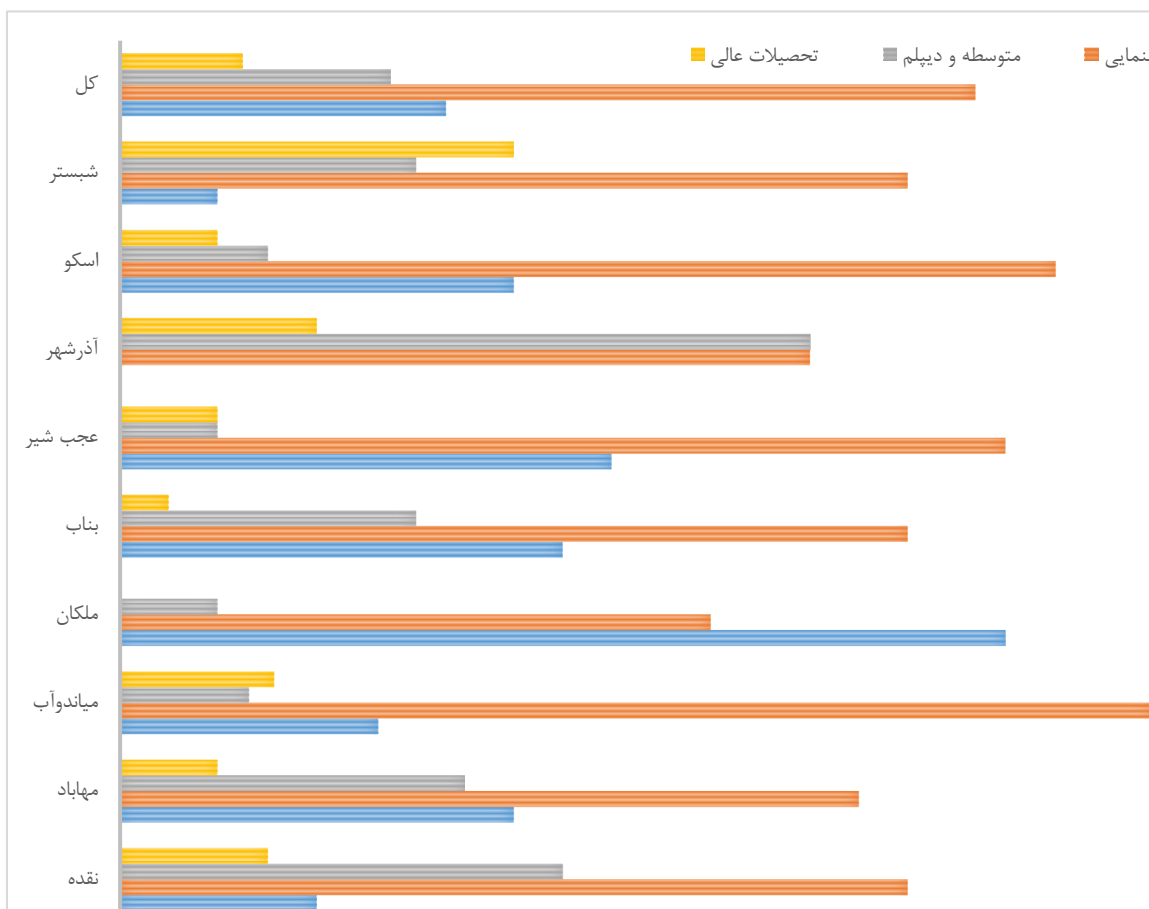
نمودار ۱- ترکیب قومی کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش



نمودار ۲- ترکیب سنی کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش



نمودار ۳- سطح تحصیلات کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش



بررسی سطح تحصیلات کشاورزان مرجع به تفکیک ۲۴ روستا (جدول ۳) گواه آن است که بالاترین میزان بی‌سوادی مربوط به کشاورزان روستای گدکلو در شهرستان ملکان با ۵۶.۲ درصد و پس از آن روستای سلطان احمد (از توابع سلماس) با نسبت ۵۴.۵ درصد است. در مقابل، کم‌ترین میزان بی‌سوادی مربوط به کشاورزان روستای قره‌تپه در شهرستان شبستر است. در همین روستا شمار کشاورزانی که توانسته‌اند دوره‌های کاردانی و کارشناسی را بگذرانند، چشم‌گیر است. در مجموع، حدود یک پنجم کشاورزان مرجع بی‌سواد اند و بیش از نیمی از آن‌ها تا پایان دوره‌ی راهنمایی آموزش رسمی دیده‌اند.

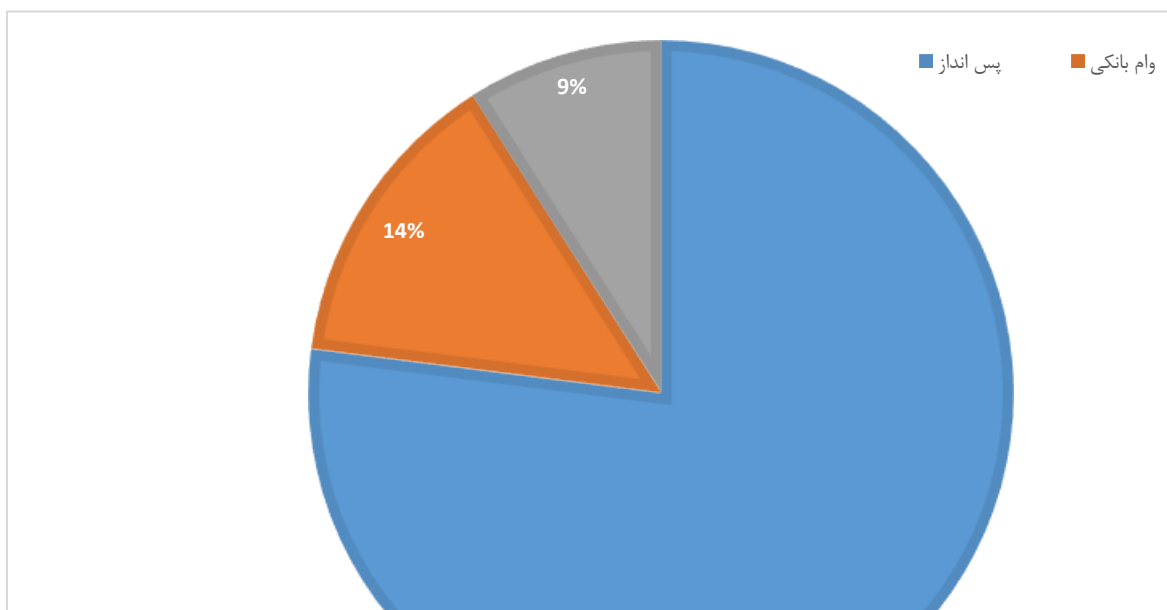
جدول ۳- تحصیلات کشاورزان مرجع به تفکیک روستاها (به درصد)

شهرستان	روستا	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه و دیپلم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد و بالاتر
سلماس	آخته خانه	۱۲.۵	۳۱.۲	۳۷.۵	۱۸.۸	۰.۰	۰.۰	۰.۰
	سلطان احمد	۵۴.۵	۳۶.۴	۹.۱	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰
	خان تختی	۲۵.۰	۵۰.۰	۱۸.۸	۶.۲	۰.۰	۰.۰	۰.۰
ارومیه	فقی بیگلو	۰.۰	۰.۰	۵۰.۰	۵۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰
	قشلاق خنجر	۱۱.۱	۲۲.۲	۳۳.۳	۲۲.۲	۰.۰	۰.۰	۱۱.۱
	آیلو	۰.۰	۴۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۰.۰	۲۰.۰	۰.۰
	زرماتلو	۸.۳	۱۶.۷	۳۳.۳	۲۵.۰	۰.۰	۱۶.۷	۰.۰
	قراقلو	۲۵.۰	۱۸.۸	۲۵.۰	۱۸.۸	۶.۲	۰.۰	۶.۲
نقده	گل	۲۵.۰	۱۲.۵	۳۱.۲	۳۱.۲	۰.۰	۰.۰	۰.۰
	شهرک المهدی	۰.۰	۱۸.۸	۳۷.۵	۲۵.۰	۶.۲	۶.۲	۶.۲
مهاباد	خورخوره	۱۸.۸	۳۷.۵	۱۸.۸	۱۸.۸	۶.۲	۰.۰	۰.۰
	گاپیس	۳۱.۲	۲۵.۰	۱۲.۵	۲۵.۰	۶.۲	۰.۰	۰.۰
میاندوآب	للكلو	۲۶.۷	۴۶.۷	۱۳.۳	۰.۰	۰.۰	۶.۷	۶.۷
	نظام آباد	۷.۱	۵۷.۱	۱۴.۳	۰.۰	۰.۰	۱۴.۳	۷.۱
	فیروز آباد	۲۵.۰	۴۳.۸	۱۲.۵	۱۸.۸	۰.۰	۰.۰	۰.۰
	گرده رش	۶.۲	۵۶.۲	۱۸.۸	۱۲.۵	۶.۲	۰.۰	۰.۰
ملکان	گدکلو	۵۶.۲	۳۷.۵	۰.۰	۶.۲	۰.۰	۰.۰	۰.۰
بناب	قره چیق	۱۸.۸	۳۱.۲	۱۸.۸	۲۵.۰	۰.۰	۰.۰	۶.۲
	خانه برق	۳۷.۵	۳۱.۲	۱۸.۸	۱۲.۵	۰.۰	۰.۰	۰.۰
عجب‌شیر	خضرو	۳۱.۲	۲۵.۰	۳۱.۲	۶.۲	۰.۰	۶.۲	۰.۰
آذرشهر	دستجرد	۰.۰	۲۵.۰	۱۸.۸	۴۳.۸	۶.۲	۶.۲	۰.۰
اسکو	سرای	۲۵.۰	۳۷.۵	۱۸.۸	۱۲.۵	۰.۰	۶.۲	۰.۰
	مرجانلو	۲۵.۰	۴۳.۸	۱۸.۸	۶.۲	۰.۰	۰.۰	۶.۲
شبستر	قره تپه	۶.۲	۳۱.۲	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۶.۲	۰.۰
مجموع		۲۰.۷	۳۲.۸	۲۱.۶	۱۷.۲	۲.۶	۳.۲	۲.۰

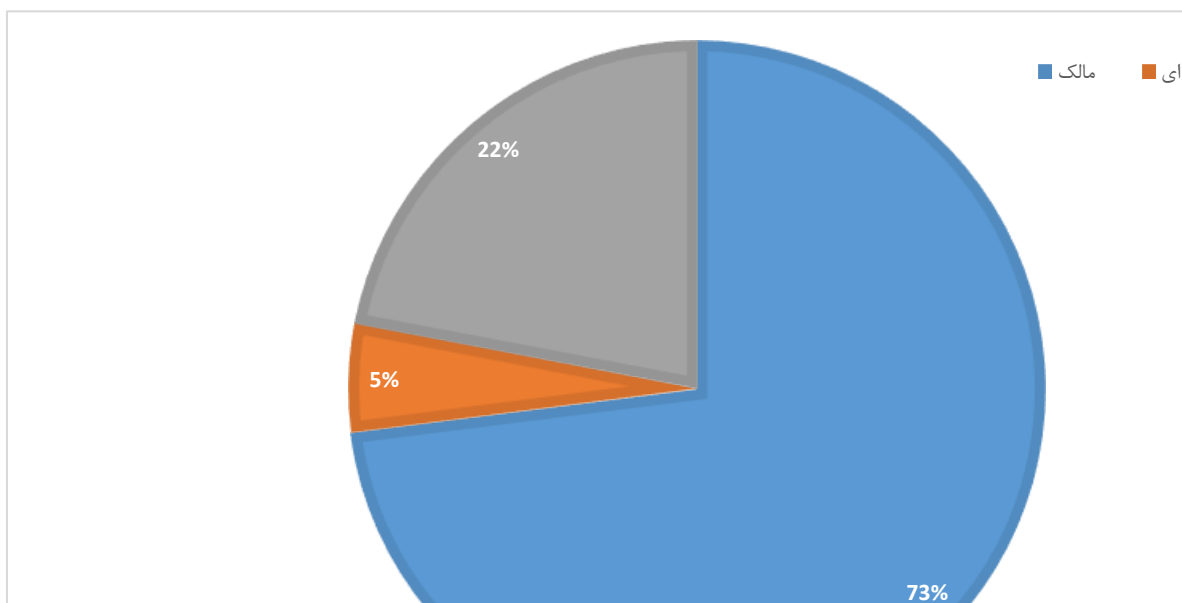
بر اساس یافته‌های پیمایش درباره‌ی نحوه‌ی تامین مالی برای فعالیت‌های کشاورزی، اکثریت کشاورزان یعنی حدود ۷۷ درصد آن‌ها اذعان داشتند که منابع مالی مورد نیاز برای کارهای کشاورزی را از طریق پس اندازشان فراهم می‌آورند. پس از آن‌ها، ۱۴ درصد ابراز کردند که این منابع مالی را از طریق وام بانکی تامین می‌کنند. در نهایت، ۹ درصد اظهار داشتند که منابع مالی را از طریق وام

شخصی با بهره به دست می‌آورند. در خصوص شیوه‌های بهره‌برداری از زمین نیز، اکثریت کشاورزان یعنی حدود ۷۳ درصد ابراز کردند که مالک زمین کشاورزی اند. در مقابل، تنها ۵ درصد کشاورزان مرجع اظهار داشتند که مالک زمین نبوده و زمین را به شکل‌های مختلف اجاره می‌کنند. حدود ۲۲ درصد نیز اعلام کردند که هم دارای زمین کشاورزی هستند و هم زمین‌های دیگران را اجاره می‌کنند.

نمودار ۴- نحوه‌ی تامین مالی برای تولید کشاورزی



نمودار ۵- شیوه‌های بهره‌برداری از زمین

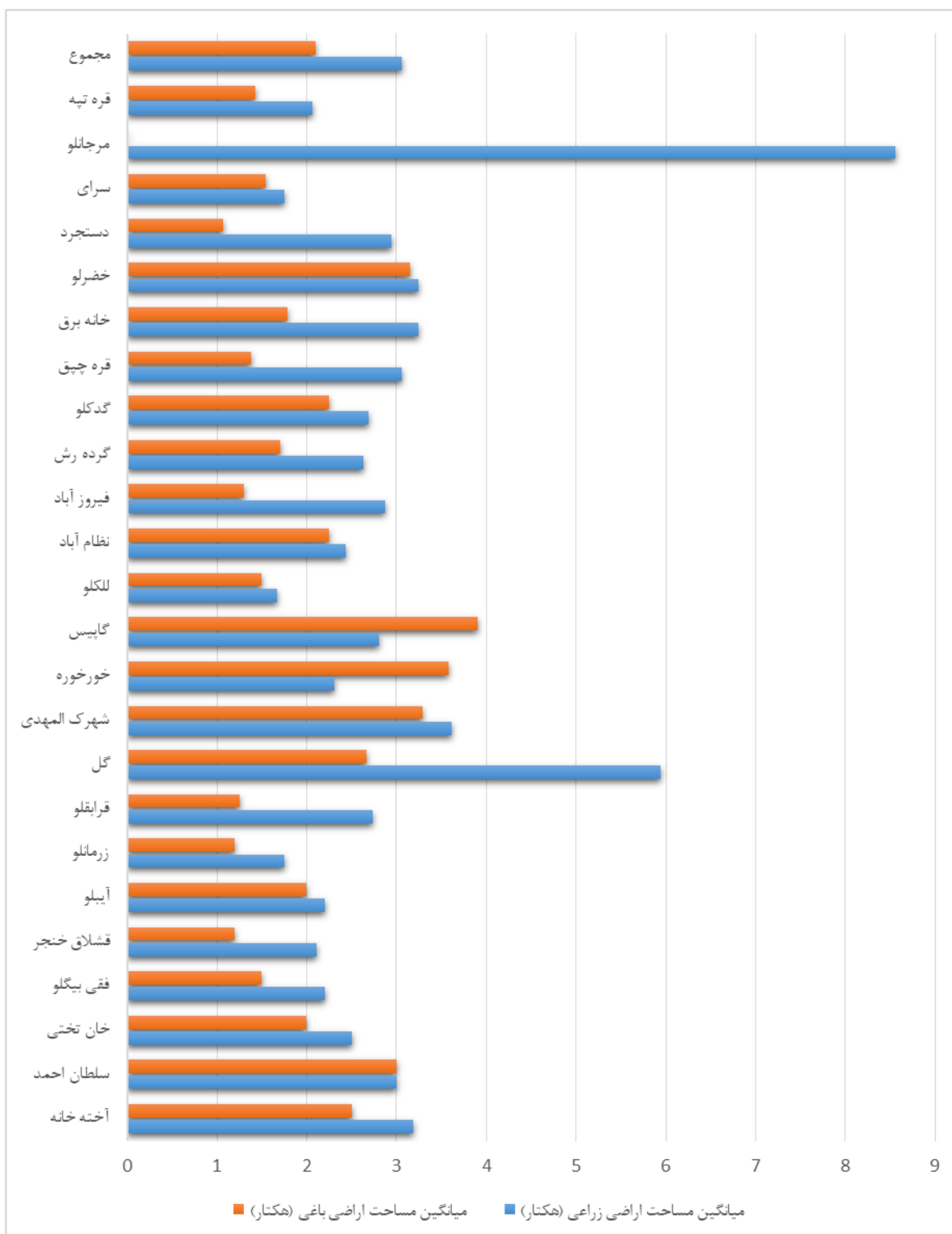


جمع بندی اظهارات کشاورزان مرجع حکایت از آن دارد که میانگین مساحت اراضی زراعی برای محصولات غالب معادل ۳۰۶ هکتار و میانگین مساحت اراضی باغی معادل ۲۰۱ هکتار است. مقایسه‌ی مساحت اراضی کشاورزی به تفکیک روستاها نشان می‌دهد که میانگین مساحت اراضی زراعی مربوط به کشاورزان مرجع در روستاهای مرجانلو (از توابع شهرستان اسکو) و گل (از توابع شهرستان نقده) بالاتر از سایر روستاها است. در مقابل، میانگین مساحت اراضی زراعی مربوط به کشاورزان مرجع در روستاهای للکلو (از توابع شهرستان میاندوآب)، زرمانلو (از توابع شهرستان ارومیه) و سرای (از توابع شهرستان اسکو) کم‌تر از سایر روستاها است. از سوی دیگر، بیش‌ترین میانگین مساحت اراضی باغی مربوط به روستای گاپیس (از توابع شهرستان مهاباد) و کم‌ترین میانگین مساحت اراضی باغی مربوط به روستای مرجانلو (از توابع شهرستان اسکو) است.

جدول ۴- میانگین مساحت اراضی زراعی و باغی کشاورزان مرجع

نام روستا	میانگین مساحت اراضی زراعی (هکتار)	میانگین مساحت اراضی باغی (هکتار)
آخته خانه	۳۰۱۹	۲۰۵۰
سلطان احمد	۳۰۰۰	۳۰۰۰
خان تختی	۲۰۵۰	۲۰۰۰
فقی بیگلو	۲۰۲۰	۱۰۵۰
قشلاق خنجر	۲۰۱۱	۱۰۲۰
آیبلو	۲۰۲۰	۲۰۰۰
زرمانلو	۱۰۷۵	۱۰۲۰
قرابقلو	۲۰۷۳	۱۰۲۵
گل	۵۰۹۴	۲۰۶۷
شهرک المهدی	۳۰۶۲	۳۰۲۹
خورخوره	۲۰۳۱	۳۰۵۸
گاپیس	۲۰۸۱	۳۰۹۱
للکلو	۱۰۶۷	۱۰۵۰
نظام آباد	۲۰۴۳	۲۰۲۵
فیروز آباد	۲۰۸۸	۱۰۳۰
گرده رش	۲۰۶۳	۱۰۷۰
گدکلو	۲۰۶۹	۲۰۲۵
قره چپق	۳۰۰۶	۱۰۳۸
خانه برق	۳۰۲۵	۱۰۷۹
خضرو	۳۰۲۵	۳۰۱۵
دستجرد	۲۰۹۴	۱۰۰۷
سرای	۱۰۷۵	۱۰۵۴
مرجانلو	۸۰۵۶	۰۰۰۰
قره تپه	۲۰۰۶	۱۰۴۳
مجموع	۳۰۰۶	۲۰۱۰

نمودار ۶- میانگین مساحت زمین‌های زراعی و باغی کشاورزان مرجع

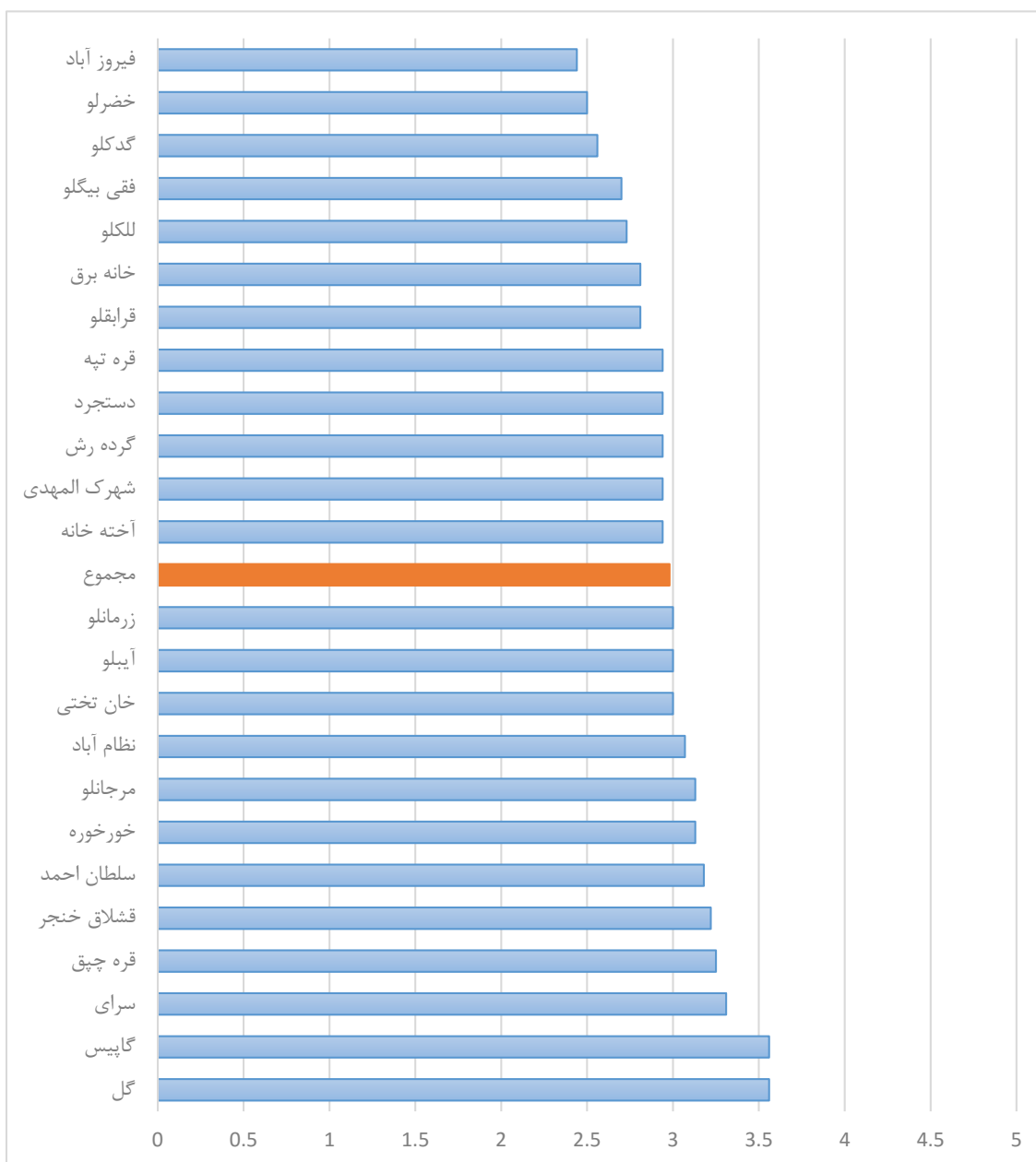


از نظر وضعیت اقتصادی، ۶۱.۸ درصد پاسخ‌گویان بنیهِی مالی خانوادهِی خود را نسبت به سایر اهالی روستا در حد متوسط ارزیابی کردند، پس از آن‌ها ۱۹.۵ درصد اظهار داشتند که وضعیت اقتصادی‌شان ضعیف‌تر از دیگر اهالی روستا است و ۱۸.۷ درصد عنوان داشتند که وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به سایر اهالی روستا دارند. بررسی خودارزیابی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع به تفکیک روستاها حاکی از آن است که کشاورزان مرجع روستاهای کردنشین گل و گاپیس بیشتر از سایر روستاها اظهار داشته‌اند که وضعیت اقتصادی خوبی دارند و در مقابل کشاورزان مرجع روستاهای فیروزآباد و خضرو اظهار داشتند که وضعیت اقتصادی ضعیف‌تری دارند.

جدول ۵- خودارزیابی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع (به درصد)

نام روستا	وضعیت اقتصادی					نمره‌ی میانگین هر روستا
	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	
آخته خانه	۱۲.۵		۶۸.۸	۱۸.۸		۲.۹۴
سلطان احمد		۹.۱	۶۳.۶	۲۷.۳		۳.۱۸
خان تختی		۱۸.۸	۶۲.۵	۱۸.۸		۳.۰۰
فقی بیگلر		۳۰.۰	۷۰.۰			۲.۷۰
قشلاق خنجر			۸۸.۹		۱۱.۱	۳.۲۲
آیلو		۴۰.۰	۴۰.۰		۲۰.۰	۳.۰۰
زرمانلو		۱۶.۷	۶۶.۷	۱۶.۷		۳.۰۰
قراقلو		۳۱.۲	۵۶.۲	۱۲.۵		۲.۸۱
گل			۵۶.۲	۳۱.۲	۱۲.۵	۳.۵۶
شهرک المهدی		۱۸.۸	۶۸.۸	۱۲.۵		۲.۹۴
خورخوره		۶.۲	۷۵.۰	۱۸.۸		۳.۱۳
گاپیس		۶.۲	۴۳.۸	۳۷.۵	۱۲.۵	۳.۵۶
للكلو		۲۶.۷	۷۳.۳			۲.۷۳
نظام آباد		۷.۱	۷۸.۶	۱۴.۳		۳.۰۷
فیروز آباد	۱۲.۵	۳۱.۲	۵۶.۲			۲.۴۴
گرده رش		۱۸.۸	۶۸.۸	۱۲.۵		۲.۹۴
گدکلو	۱۲.۵	۲۵.۰	۵۶.۲	۶.۲		۲.۵۶
قره چپق			۸۱.۲	۱۲.۵	۶.۲	۳.۲۵
خانه برق	۱۲.۵	۲۵.۰	۳۱.۲	۳۱.۲		۲.۸۱
خضرو	۱۲.۵	۳۷.۵	۳۷.۵	۱۲.۵		۲.۵۰
دستجرد		۸.۱۸	۶۸.۸	۱۲.۵		۲.۹۴
سرای			۶۸.۸	۳۱.۲		۳.۳۱
مرجانلو		۱۸.۸	۵۰.۰	۳۱.۲		۳.۱۳
قره تپه		۲۵.۰	۵۶.۲	۱۸.۸		۲.۹۴
میانگین کل	۲.۹	۱۶.۷	۶۱.۸	۱۶.۷	۲.۰	۲.۹۸

نمودار ۷- خودارزیابی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع



۲-۳ زمینه و بستر پیمایش کیفی

گروه ارزیابی از میان ۲۴ روستای مورد پیمایش کمتی، هفت روستای سلطان احمد (سلماس)، گل (نقده)، گاپیس (مهآباد)، نظام آباد (میاندوآب)، قراقلو (ارومیه)، قره چیق (بناب) و مرجانلو (اسکو) را برای گردآوری داده‌های بیشتر و دقیق‌تر درباره‌ی وضعیت اجتماعی اقتصادی آن‌ها برگزید. بر پایه‌ی پیمایشی کیفی در این روستاها اطلاعاتی به شرح زیر استخراج شد:

۲-۳-۱ ترکیب قومی کشاورزان

به طور کلی در میان ۲۴ روستایی که برای مطالعه برگزیده شده بودند، سه روستای کردنشین وجود داشت که دو تای آنها، یعنی روستاهای گل و گاپیس، برای پیمایش کیفی نیز انتخاب شدند. برای درک بهتر این موضوع که آیا قومیت عامل تعیین کننده‌ای در چگونگی پیشرفت طرح بوده است یا خیر می‌بایست بررسی بیش‌تری صورت می‌گرفت. سایر روستاهای منتخب برای ارزیابی کیفی همگی ترک نشین اند.

۲-۳-۲ الگوی رایج معیشت و مالکیت

با مقایسه‌ی میزان اراضی کشاورزان مرجع در این هفت روستا درمی‌یابیم که این میزان در روستاهای گل و مرجانلو بیش‌تر از پنج روستای دیگر است. با ترسیم نقشه‌ی این روستاها، با مشارکت کشاورزان، مشخص شد که الگوی مالکیت آنها تا اندازه‌ای با یک-دیگر متفاوت است؛ برای نمونه، کشاورزان روستای قراقولو اکثراً خرده مالک اند و مساحت زمین‌هایشان معمولاً یک هکتار یا اندکی کم‌تر است. در روستای گاپیس، نظام آباد و سلطان احمد نیز کم و بیش همین الگوی مالکیت (یعنی خرده مالکی) دیده می‌شد و تعداد بزرگ‌مالکان انگشت شمار بود. از آن گذشته، در برخی از روستاها اکثر کشاورزان صاحب زمین بودند در حالی که در برخی دیگر تعداد کشاورزانی که صاحب زمین نبودند نیز چشم‌گیر بود. به عنوان نمونه در روستای گل و گاپیس تعدادی از کشاورزان مرجع عنوان کردند که زمینی ندارند یا صرفاً کارگری می‌کنند یا از بزرگ‌مالکان برای کشاورزی زمین اجاره می‌کنند. در روستای قراقولو، دو تن از زنان روستایی نیز دست به همین کار زده‌اند.

در برخی از روستاها نیز دام‌داری، در کنار کشاورزی، یکی دیگر از منابع درآمد روستاییان بود. مثلاً در روستای سلطان احمد و مرجانلو تعداد زیادی از کشاورزان، در خانه‌هایشان از دام نیز نگهداری می‌کردند و با آن که از میزان درآمد حاصل از دام‌داری چندان راضی نبودند اما اذعان داشتند که کمک خرج خانواده‌شان است. مسئولیت رسیدگی به گاوها و دوشیدن شیر بر عهده‌ی زنان است. در روستاهای دیگر نیز، به جز سلطان احمد، زنان روستایی در کنار کار کشاورزی به دام‌داری نیز مشغول اند. در روستای گل، ۸ نفر از زنان روستا سر زمین‌های روستا کارِ کارگری انجام می‌دهند. در روستای قراقولو، چند تن از زنان پرورش قارچ و زعفران روی آورده‌اند. در روستای قره‌چیق، که بزرگ‌تر از روستاهای دیگری این پیمایش است، یک کارگاه تولیدی پوشاک وجود دارد با ۲۰ کارگر زن در دو شیفت، و هم چنین حدود ۸ تا ۱۰ زن نیز به فروشندگی در مغازه‌های متعدد آن مشغول به کار اند. در روستاهای گاپیس، قره‌چیق، سلطان‌احمد و نظام‌آباد به طور مشخص چندین زن روستایی از راه آرایش‌گری و خیاطی در کسب درآمد خانواده‌شان سهیم اند.

۲-۳-۳ وضعیت اقتصادی

متوسط درآمد کشاورزان مرجع در روستاها فاصله معناداری با یکدیگر ندارد. هر چند که بنا بر اظهارات خود روستاییان، در مجموع، درآمد کشاورزان مرجع در روستاهای کردنشین گل و گاپیس بیش از روستاهای ترک‌نشین است. هنگام ارزیابی کیفی در این دو روستا مشخص شد که برخی از کشاورزان منبع درآمد دیگری به غیر از کشاورزی هم دارند. به عنوان نمونه تعدادی از کشاورزان، به ویژه در روستای گل، کامیون‌دار هستند و به دلیل نزدیکی به مرز به عنوان راننده‌ی ترانزیت نیز کار می‌کنند یا کامیون‌شان را اجاره می‌دهند. بنابراین به طور کلی سطح درآمدشان بیش از افرادی است که تنها از راه کشاورزی امرار معاش می‌کنند.

روستاهای قراقلو و نظام‌آباد هر یک دارای یک صندوق اعتبارات خرد برای زنان اند، و صندوق زنان قره‌چپق نیز به تازگی راه افتاده است.

۲-۳-۴ وضعیت اجتماعی

وضعیت اجتماعی هفت روستای نمونه‌ی پیمایش کیفی به مدد ترسیم نقشه‌ی منابع روستا، به طور جداگانه، با دو گروه زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفت. از لحاظ منابع اجتماعی، میان این روستاها با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. برای نمونه هر هفت روستا دارای شورا، دهیاری، مسجد، مدرسه، مراکز خدمات کشاورزی و نیز برخی امکانات دیگر مانند مغازه‌های خواروبار فروشی بودند. در یک روستا (مانند قره‌چپق) دهیاری دارای ساختمان مشخصی بود که مردم روستا می‌توانستند به آن مراجعه کنند. در روستاهای دیگر، که جمعیتی به مراتب کم‌تر دارند، چنین امکاناتی نبود. یا مثلاً در برخی روستاها نظیر گاپیس و قراقلو تنها یک مدرسه ابتدایی وجود داشت که دختران و پسران با هم در آن درس می‌خواندند، در حالی که در روستاهای دیگر چندین مدرسه در پایه‌ی ابتدایی و متوسطه دایر بود. همچنین به جز روستای مرجانلو که خانه‌ی بهداشت ندارد، شش روستای دیگر دارای خانه‌ی بهداشت اند که برخی از خدمات پایه را در اختیار روستاییان می‌گذارند، و در روستای قره‌چپق یک درمانگاه نیز وجود دارد. علاوه بر آن در تمام روستاها مرکز خدمات کشاورزی وجود داشت اما همه به یک اندازه فعال نبودند و امکانات و تجهیزات یکسانی نمی‌توانستند در اختیار کشاورزان بگذارند. به طور کلی روستاهای که بزرگ‌تر و پر جمعیت‌تر بودند یا دسترسی‌شان به مرکز شهرستان آسان‌تر بود، طبعاً از امکانات و منابع اجتماعی بیش‌تری برخوردار بودند.

۳- عملکرد «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»

در طی این مدت، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، در مجموع، در ۹۰ روستای حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه فعالیت‌هایی را عمدتاً در عرصه‌های مدیریت خطر خشک‌سالی، پرداخت برای خدمات زیست‌بومی، ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد، و استقرار سازمان‌های مدیریت محلی منابع آب انجام داده است و کوشیده است، با برگزاری بیش از ۳۵۰ کارگاه در سطح روستا و آموزش و ظرفیت‌سازی گروه‌های اجتماعی روستایی گوناگون، زمینه‌ی مشارکت جامعه‌های محلی را فراهم آورد. همچنین با تربیت فنی/تخصصی ۱۵۰ روستایی و ایجاد اشتغال برای ۲۰۰ متخصص محلی از راه به کارگیری ظرفیت‌های ۴۱ شرکت و سمن محلی/ملی و جلب همکاری ۲۰۰۰ متخصص محلی شیوه‌های کشاورزی پایدار را به ۸۰۰۰ نفر روستایی زیر پوشش خود شناسانده است و شماری از آن شیوه‌ها را پیاده کرده است تا بتواند الگوی رایج کشت را به سوی بهره‌برداری خردمندانه از منابع آبی سوق دهد.^۹ البته تا پایان مرحله‌ی ۲، تقریباً تمام کشاورزان در ۴۱ روستا با روش‌های کشاورزی پایدار برای فصل اول زراعی (کشت محصولات پاییزه) آشنایی یافته بودند و ۷۵ درصد آن‌ها یک تکنیک کشاورزی پایدار را در باغ یا مزرعه‌ی خود به کار بسته بودند.^{۱۰} البته برای آن که تصویر روشن‌تری از عملکرد طرح در سال‌های نخست و دوم طرح داشته باشیم، لازم است هدف‌ها و خروجی‌های مورد انتظار طرح را یک بار از نظر بگذرانیم.

۳-۱ هدف‌ها و خروجی‌ها

در مرحله‌ی نخست، قصد اصلی از اجرای طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» تحقق سه هدف زیر اعلام شد:

- آشناسازی اهالی ۴۱ روستای حوضی آبریز دریاچه‌ی ارومیه با شیوه‌های کشاورزی پایدار، با امید این که ۳۵ درصد آب مصرفی کشاورزی در این روستاها ذخیره گردد؛
- افزایش آگاهی و درک جامعه‌ی محلی از نقش مهم‌شان در استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه؛
- بررسی گزینه‌های استحصال آب و آزمودن دست‌کم یک گزینه در سه جزیره‌ی اصلی دریاچه‌ی ارومیه.^{۱۱}

زمانی که این طرح برای یک سال دیگر تمدید شد، دستاورد اصلی از اجرای آن 'مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه از راه الگوسازی برای جلب جامعه‌ی محلی به کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی گونه‌های در خطر' در نظر گرفته شد و خروجی‌ها/برون‌داده‌های متعدد آن به صورت زیر تنظیم شد تا بر پایه‌ی آن‌ها فعالیت‌های گوناگون شکل گرفته و عملی گردد:

جدول ۶- خروجی‌ها و هدف‌های مرحله‌ی ۲ طرح

خروجی‌ها/برون‌داده‌ها	هدف‌ها
(۱) گسترش کشاورزی پایدار در ۱۲ روستای اقماری (با میانگین ۷۰۰ هکتار برای هر روستا) هم زمان با استحکام بخشیدن به کشاورزی پایدار در ۴۱ روستای پیشاهنگی که در سال ۲۰۱۴ استفاده از این شیوه‌ها را آغاز کرده بودند.	گسترش روش‌های کشاورزی پایدار به ۱۲ روستای اقماری (با مساحت هر کدام ۷۰۰ هکتار) که در مجاورت ۴۱ روستای پیشین اند و، دست‌کم، ۸۰۴۰۰ هکتار از مزرعه‌ها و باغ‌ها را در بر دارد.
	همه‌ی کشاورزان ۴۱ روستای مورد نظر کاملاً با راه و روش کشاورزی پایدار آشنایی یافته‌اند و، دست‌کم، ۷۵ درصد آن‌ها یک شیوه‌ی کشاورزی پایدار را در مزرعه یا باغ خود به کار می‌برند.
	کشاورزان مرجع، دست‌کم، در ۲۰ درصد از مزرعه‌ها و باغ‌های هر روستا شیوه‌های کشاورزی پایدار برای کشت بهاره را به اجرا درآورده‌اند.
	دست‌کم در دو نقطه یک شیوه‌ی معیشتی جایگزین و سازگار با منابع آبی معرفی و به کار رفته است.
	دست‌کم یک تشکل مدیریت محلی آب در دو نقطه شکل گرفته است.
(۲) گسترش کشاورزی پایدار در ۲۲ روستای جدید حوضی دریاچه‌ی ارومیه (با میانگین ۷۰۰ هکتار در هر روستا) که به ذخیره‌ی آبی به میزان دست‌کم ۳۵ درصد بیانجامد.	روش‌شناسی کشاورزی پایدار بازبینی و روزآمد می‌شود.
	بیشتر و دو گروه کشاورز مرجع، متشکل از دست‌کم ۱۰ کشاورز، در هر روستا تشکیل می‌گردد.
	روش‌های کشاورزی پایدار به همه‌ی کشاورزان روستاهای مورد نظر معرفی می‌شود و دست‌کم ۴۰ درصد آن‌ها یک شیوه‌ی کشاورزی پایدار را در مزرعه‌شان به کار می‌گیرند.
	برای چهار محصول اصلی برنامه‌های عمل به شکل مشارکتی تهیه و تدوین می‌شود.
	کشاورزان داوطلب با به کارگیری برنامه‌ی عمل مشارکتی شیوه‌های کشاورزی پایدار را در مزرعه‌شان به اجرا در می‌آورند.
	دست‌کم یک برنامه‌ی ظرفیت‌سازی برای کارشناسان معاونت ترویج جهاد کشاورزی به اجرا در می‌آید.

خروجی‌ها/برون‌دادها	هدف‌ها
۳) بسیج اجتماعی برای احیای دریاچه‌ی ارومیه و حفاظت از تنوع زیستی	دست‌کم یک کارگاه ظرفیت‌سازی درباره‌ی افزایش آگاهی برای سازمان‌های غیر دولتی فعال در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه برگزار می‌شود.
	یک کارزار آگاهی‌رسانی همگانی با مشارکت مردم و مقامات و رسانه تدارک دیده می‌شود.
	یک نظام پایش مشارکتی و پخش اطلاعات بر پایه‌ی مرکز فناوری اطلاعات ایجاد می‌شود.
	برنامه‌ی مدیریت دو تالاب اقماری دریاچه‌ی ارومیه تدوین می‌شود و دست‌کم یک فعالیت بر پایه‌ی بُرد-بُرد برای هر کدام تدارک دیده می‌شود.

منبع - CIWP Mid-Year Reporting 2016

یادآور می‌شویم که ملاک ارزیابی کنونی مُفاد جدول بالاست و پرسش‌های این بررسی و پیشنهادهایی که در پی می‌آید بر پایه‌ی خروجی‌ها و هدف‌های یاد شده شکل گرفته است.

۳-۲ ذی‌نفعان و بهره‌گیران

همان‌طور که در سندهای اولیه‌ی طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» آمده است، دستگاه‌ها و نهادهای زیر برای تحقق هدف‌های طرح همکاری خواهند کرد:

- اداره‌ی کل سازمان حفاظت محیط زیست در آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی؛
- اداره‌ی کل جهاد کشاورزی در آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی؛
- وزارت نیرو؛
- دستگاه‌ها و نهادهای کشوری مربوط دیگر؛
- دستگاه‌های متولی در سطح محلی؛
- جماعت‌های محلی، سازمان‌های غیر دولتی و تشکلهای محلی مربوط.^{۱۲}

البته قصد اصلی از طراحی ساختار اجرایی برای استقرار کشاورزی پایدار به شکل کنونی آن بوده است که بتواند میان کشاورزان محلی، تشکلهای محلی کشاورزان، بدنه‌ی کارشناسی اداره‌های کل در هر دو استان و مدیریت‌های مربوط استانی پیوندی مستحکم ایجاد کند و هماهنگی هر چه بیش‌تری برای اجرای طرح فراهم آورد.^{۱۳} [بخش ۳-۴](#) با تفصیل بیش‌تری به نقش‌آفرینان اصلی این ساختار خواهد پرداخت.

۳-۳ پشتیبانان بین‌المللی

در اجرای طرح حاضر، دو نهاد بین‌المللی، یعنی برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد و دولت ژاپن، نیز همکاری داشته‌اند. برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد بیش از یک دهه از راه‌های گوناگونی به اجرای طرح حفاظت از تالاب‌های ایران یاری رسانده است. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران که زاییده‌ی همکاری‌های مشترک سازمان حفاظت محیط زیست ایران، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد و سازمان

تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) است، می‌کوشد از راه تهیه و تدوین برنامه‌ی زیست‌بومی تالاب‌های کشور و یاری رساندن به اجرای این برنامه‌ها در حفاظت منابع و زیست‌بوم‌های آبی و ایجاد هماهنگی‌های میان‌بخشی سهمی داشته باشد. برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد از سال ۱۳۸۴ به این سو از اجرای این طرح در حوضه‌ی آبخیز ۱۵ تالاب مهم کشور حمایت کرده است. فرآیند تهیه و تدوین «برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه‌ی ارومیه» نیز در همین راستا از سال ۱۳۸۶ آغاز شد و در سال ۱۳۸۷ به پایان رسید. یکی از هدف‌های این برنامه عبارت است از مدیریت پایدار منابع آب و کاربری اراضی کشاورزی که اقدام‌های مربوط به استقرار کشاورزی پایدار در چارچوب تحقق همین هدف می‌گنجد. نقش نظارتی و پشتیبانی‌های فنی، تعهدهای مالی و نقش نظارتی برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد در طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»- به عنوان زیر مجموعه‌ای از کل طرح حفاظت از تالاب‌های ایران- همان جنبه‌هایی است که تاکنون بر عهده داشته است.^{۱۴}

گفت‌وگو میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ژاپن درباره‌ی احیای دریاچه‌ی ارومیه برای نخستین بار در شهریور ۱۳۹۲ صورت گرفت. پس از برگزاری چندین نشست، سرانجام در سال ۱۳۹۳، دولت ژاپن به طور رسمی متعهد شد که برای احیای دریاچه‌ی ارومیه مبلغ یک میلیون دلار آمریکا را از طریق برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد در اختیار دولت ایران قرار دهد، بدین شکل که این مبلغ به بودجه‌ی طرح مشترک سازمان حفاظت محیط زیست ایران با برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران افزوده شود ولی به طور اختصاصی صرف اجرای فعالیت‌هایی گردد که در راستای احیای دریاچه‌ی ارومیه صورت می‌پذیرد. به این ترتیب مرحله‌ی ۱ طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» با پشتیبانی مالی دولت ژاپن به اجرا درآمد که از آن پس تاکنون هر سال این قرارداد تمدید شده است. پیش از این دولت ژاپن در چندین نوبت در چارچوب طرح‌هایی که «سازمان همکاری بین‌المللی ژاپن» (JICA) به اجرا درآورده بود، مانند طرح «مدیریت بوم‌شناختی تالاب انزلی»، در عرصه‌ی مدیریت منابع آبی در ایران همکاری کرده بود و دارای تجربه بود. مشاوران و کارشناسان سازمان همکاری بین‌المللی ژاپن یکی از جنبه‌های تاثیرگذار این طرح‌ها را پیشبرد مدیریت مشارکتی آب می‌دانند؛ بدین معنا که زمینه‌ی مناسب برای اراده‌ورزی آزاد کشاورزان برای ذخیره‌سازی آب مصرفی کشاورزی فراهم آید و نیز ساختاری برای مدیریت مشارکتی تالاب ایجاد و تقویت گردد. سازمان همکاری بین‌المللی ژاپن در سمیناری با شرکت مدیران و کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی زیر عنوان «مدیریت مشارکتی آب از راه همکاری مشترک با کشاورزان» که در آذربایجان غربی برگزار شد، بر اهمیت جلب اعتماد کشاورزان تاکید ورزید و توضیح داد که برانگیختن کشاورزان برای آن که خودشان در مصرف آب کشاورزی صرفه‌جویی کنند مستلزم کاربست مهارت‌های تسهیل‌گری معینی است.^{۱۵}

جدول زیر، جنبه‌های مالی تعهدات پشتیبانان بین‌المللی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران را نشان می‌دهد. یادآور می‌شویم که این بودجه برای تامین کل هزینه‌ی فعالیت‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تا سال ۲۰۱۹ در نظر گرفته شده است:^{۱۶}

جدول ۷- بودجه‌ی کل طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

بودجه (به دلار ایالات متحد آمریکا)	نهاد مسئول
۵۰۰.۰۰۰	دولت ایران
۵۱۵.۸۲۱	برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد
۳.۰۰۰.۰۰۰	دولت ژاپن

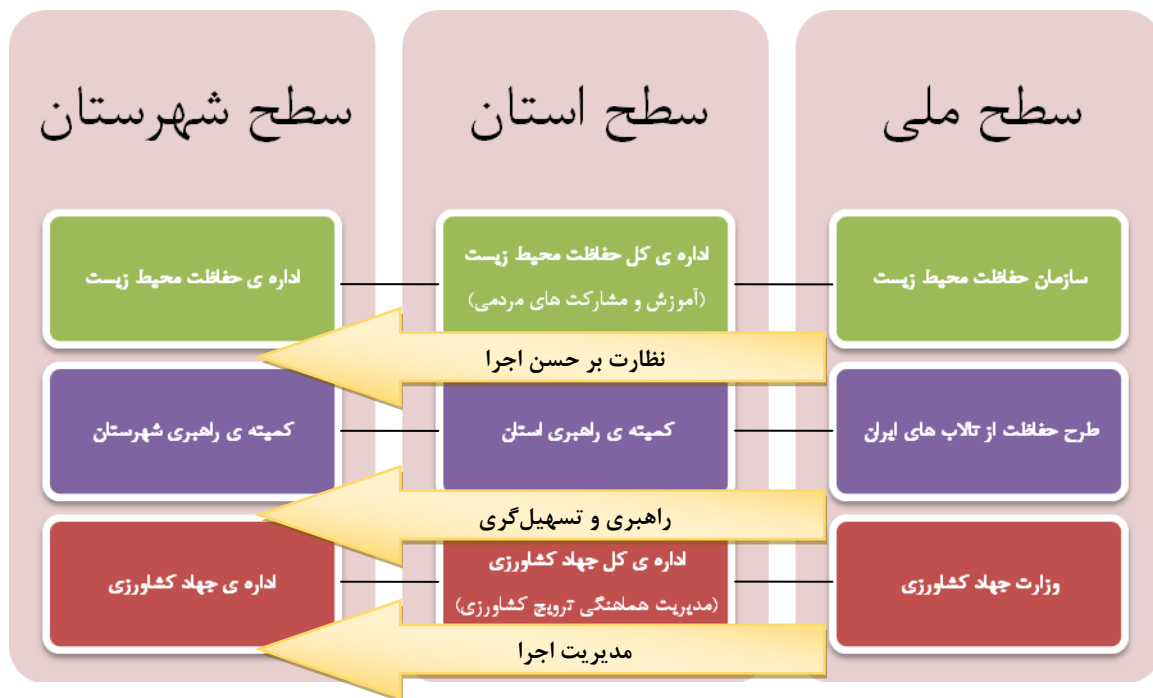
منبع - وب‌گاه رسمی برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد در ایران

۳-۴ همکاران اجرایی

۳-۴-۱ بخش‌های دولتی

راهبری، اجرا و نظارت بر اجرای طرح «مشارکت در احیای دریاچه ارومیه ...» در مرتبه نخست بر عهده سازمان‌های دولتی قرار دارد. در این ارتباط به طور مشخص دو اداره‌ی کل جهاد کشاورزی استان‌های آذربایجان شرقی و غربی متولی اجرا و نظارت بر طرح هستند. بنابر تقسیم کار میان‌سازمانی، مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی در اداره‌ی کل جهاد کشاورزی هر استان مسئول اجرای طرح است که عملیاتی اجرایی را به شرکت‌های خدمات مشاوره، فنی و مهندسی کشاورزی مورد نظر خود واگذار می‌کند. از سوی دیگر، اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست در هر استان مسئول نظارت بر حسن اجرای طرح است که در مرحله‌های اول و دوم طرح این نظارت مستقیماً در سطح استانی انجام می‌گرفته، اما از دور سوم به بعد نظارت به اداره‌های شهرستان واگذار شده است. در این میان، نمایندگان دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به عنوان تسهیل‌گر اجرای طرح میان بخش‌های دولتی و پشتیبانان بین‌المللی ایفای نقش می‌کند.

نمودار ۸- دست‌اندرکاران کشوری طرح



بدین ترتیب، می‌توان اذعان داشت که راهبری، اجرا و نظارت بر اجرای طرح «مشارکت در احیای دریاچه ارومیه ...» در قالبی «میان بخشی» اداره می‌شود. در حال حاضر سازوکارهای مدیریتی در سطح‌های استان و شهرستان افزوده شده است تا کلّ فرآیند به شکلی جامع‌تر اداره شود. در مجموع، بنا براسناد طرح و روایت افراد دست‌اندرکار در مدیریت و نظارت بر اجرای طرح، می‌توان ساختار اجرایی طرح در بخش دولتی را، در ارتباط با سلسله مراتب اداری، در سه سطح ملی، استان و شهرستان را در نمودار ۸ به طور مشخص دید.

در این جا یک نکته را باید افزود که در سطح محلی هم ساختاری برای پیشبرد هدفهای طرح پیش‌بینی شده است؛ به این معنا که با شکل‌گیری «گروه کشاورزان مرجع»، و در پی آن تشکیل «شبکه‌های تابعی»، ساختاری محلی ایجاد می‌شود که در پیوند، و در واقع زیر نظر شورای اسلامی روستا، مدیریت فرآیند استقرار کشاورزی پایدار را در سطح روستا به دست خواهد گرفت.^{۱۷}

۳-۴-۲ سازمان‌های مجری

از سال ۱۳۸۶، پیرو اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی در کشور، دفترهای خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی در هر استانی تأسیس شد تا اجرای شماری از طرح‌های ترویجی را بر عهده بگیرد. این ساختار حقوقی دربرگیرنده‌ی شماری از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی با تخصص‌های گوناگون است که برای انجام دادن فعالیت‌های مربوط در مرکز دهستان‌ها مستقر می‌شوند.^{۱۸} با بررسی مقررات مربوط به این دفاتر و پرس‌وجو و گفت‌وگو با شماری از مدیران شرکت‌های مجری ویژگی‌های شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی در حوزه‌ی کشاورزی از این قرار است:

این شرکت‌های خدماتی-مشاوره‌ای در چارچوب شرکت‌های سهامی خاص با مسئولیت محدود توسط حداقل ۵ نفر فارغ‌التحصیل از گرایش‌های ترجیحاً زراعت، باغبانی، دام که هیچ‌کدام کارمند دولت و یا طرف قراردادهای دولتی نباشند، در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها در شهرستان مربوطشان ثبت می‌شوند. پس از آن برای گرفتن مجوز خدمات مشاوره‌ای اسناد و مدارک لازم را به همراه درخواست‌نامه به مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان مورد نظرشان تحویل می‌دهند تا پس از صدور تاییدنامه‌ی رسمی فعالیت خود را آغاز کنند. در برنامه‌ی عملیاتی استقرار شبکه‌ی خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی مصوب کمیته‌ی مشترک کارشناسی، تدوین برنامه‌ی عملیاتی استقرار شبکه خدمات مشاوره‌ای را چنین تعریف کرده‌اند: هر نوع مشاوره، راهنمایی و آموزش در امور فنی، تولیدی، اداری، بازرگانی، مالی و سایر امور مربوط به کشاورزی و همچنین نظارت فنی بر فرآیند تولید در عرصه‌های زراعی، باغی، دامی و منابع طبیعی و صنایع وابسته به کشاورزی و خدمات فنی و مهندسی کشاورزی نظارت فنی کلیه‌ی خدمات اجرایی در زمینه کشاورزی مانند گیاه‌پزشکی، مکانیزاسیون کشاورزی، تأمین و توزیع نهاده‌های کشاورزی، خدمات بازرگانی، خدمات مالی و بیمه‌ای را در برمی‌گیرد. بر اساس این برنامه، حیطه‌ی عمل و استقرار شرکت‌ها را پهنه‌بندی مشخص می‌کند که مهم‌ترین شاخص‌های آن عبارت‌اند از: میزان اراضی آبی و دیم، تعداد روستاهای تحت پوشش دهستان، تعداد واحد دامی، عرصه جنگل و مرتع، تولید آبیان، روستاهای در دسترس و نزدیکی به مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی و راه‌های دسترسی ارتباطات و سایر امکانات نظیر تلفن، آب، برق. بنابراین شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی پس از دریافت مجوزهای لازم و تایید صلاحیت فنی و تخصصی و احراز رتبه‌ی لازم می‌توانند مسئولیت یک پهنه را برای ارائه‌ی خدمات یاد شده عهده‌دار شوند.

طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»، بر پایه‌ی ساختار اجرایی پیش‌بینی شده‌ی خود، در نظر گرفت که از این نیروی محلی بهره بگیرد. از این رو، اداره‌های کل جهاد کشاورزی استان‌های آذربایجان غربی و شرقی از تعدادی از این شرکت‌ها دعوت کردند تا مسئولیت اجرایی طرح را در روستاها عهده دار شوند. در مجموع، در مرحله‌ی ۱ طرح، ۱۱ شرکت مجری در آذربایجان غربی و ۱ شرکت مجری در آذربایجان شرقی در ۴۱ روستا فعالیت خود را آغاز کردند. در مرحله‌ی ۲ طرح، ۹ شرکت در آذربایجان غربی و ۵ شرکت در آذربایجان شرقی فعالیت‌های خود را در ۳۴ روستای جدید ادامه دادند. یادآور می‌شویم که برخی از شرکت‌ها مانند پدیده‌ی سبز آنیل، نازچین سپیدآذران، آذرکشت سلدوز و نوین گستر مه‌باد در هر دو مرحله همکاری داشتند (جدول ۱).

بنابر گفته‌های مدیران برخی از شرکت‌های مجری در مرحله‌های ۱ و ۲ طرح، دلیل دعوت از آن‌ها برای همکاری آن بوده است که شرکت‌شان، بنا برنام‌ی عملیاتی یاد شده، مسئولیت آن پهنه‌ها را به عهده داشته‌اند. هر چند که تعدادی از مدیران شرکت‌ها خاطر نشان کردند از راه شرکت در مناقصه برای اجرای این طرح برگزیده شده‌اند.

۴- روش‌شناسی و پایه‌ی مفهومی ارزیابی‌های ترکیبی کمی و کیفی

ارزیابی فرصت‌هایی که طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» تاکنون در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی پیش روی روستاییان قرار داده است، و درک و فهم روندهای تاثیرگذار و نیز چالش‌های جلب مشارکت کشاورزان برای کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی مستلزم در پیش گرفتن روش‌هایی بود که بتوان به مدد آن‌ها در کم‌ترین زمان بیش‌ترین، ولی عمیق‌ترین، اطلاعات را گرد آورد. از سه گزینه‌ای که پژوهش‌گران معمولاً برای ارزیابی یا اثرسنجی طرح و برنامه‌های اجرایی در برابر خود دارند (یعنی الف- گردآوری و تحلیل داده‌های کمی، ب- گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی و پ- روش ترکیبی) رویکرد ترکیبی را برگزیدیم. امتیاز این رویکرد آن است که کاستی‌های دو روش جداگانه‌ی نخست را با ترکیب، سنجش، و تحلیل داده‌ها و یافته‌های به دست آمده از بررسی‌های کمی و کیفی برطرف می‌سازد. هر چند گروه ارزیابی ابزار دیگری را نیز، زیر عنوان روش «سه‌گوش‌سازی» (triangulation) اطلاعات به کار گرفت تا داده‌های به دست آمده از مرجع‌های گوناگون را راست‌آزمایی و در صورت لزوم دوباره بررسی کند. البته طراحی روندهای ارزیابی به روش ترکیبی تا اندازه‌ی زیادی وقت‌گیرتر از دو روش نخست یاد شده است، زیرا می‌بایست دقت بسیاری خرج داد تا بتوان از بروز ناسازها در حین کار جلوگیری کرد.

امتیاز گردآوری داده‌های کمی در این فرآیند آن بود که محاسبه‌ی عددها و رقم‌های به دست آمده درباره‌ی مولفه‌ها و متغیرهای پژوهش (جدول ۸) امکان می‌داد تا بتوان نتیجه‌های حاصل از بررسی وضعیت ۲۵ روستا را تا اندازه‌ای به کل روستاهای زیر پوشش طرح تعمیم داد، اما برای توضیح روند و سمت‌وسوی فعالیت‌های طرح در هر یک از روستاها تکافو نمی‌کرد. از سوی دیگر، امکان نداشت بتوان تنها به نتیجه‌های حاصل از کاربست روش‌های کیفی (به دلیل کارآیی این روش‌ها در مقیاس‌های کوچک) اتکا کرد، مگر آن که محدوده‌ی جغرافیایی ارزیابی به کل روستاهای زیر پوشش گسترش می‌یافت. با این همه، کاربست روش‌های کیفی مزیتی انکارناپذیر دارند و آن این است که گرایش و سمت‌وسو را مشخص می‌سازند و در طرحی مانند طرح استقرار کشاورزی پایدار که پای مشارکت گروه‌های هدف در میان است، جزئیات پرآب‌ورنگ‌تر و برجسته‌تری از فعالیت‌های روستاییان را به تصویر در آوردند. در این روش ترکیبی، نخست داده‌های کمی در شماری از روستاها گردآوری و سپس تحلیل شدند تا گذشته از ثبت یافته‌ها و انطباق آن‌ها با داده‌های به دست آمده از روش‌های دیگر، امکان‌گزینش روستاهایی را برای گردآوری داده‌های کیفی فراهم آورند. در روش‌های ترکیبی، برای انجام دادن مرحله‌های گوناگون و نیز ترکیب داده‌ها و تحلیل آن‌ها چند رویکرد متفاوت وجود دارد که ارزیابی حاضر رویکرد «دنباله‌گیری» (sequencing) را در پیش گرفته است.^{۱۹}

برای پیمایش کمی از شاخص‌ها و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی (به شرح جدول ۸) استفاده شد تا برپایه‌ی آن‌ها پرسش‌نامه‌ای تهیه گردد. هم‌چنین گروه ارزیابی از فرصتی که برای ورود به روستاهای مورد نظر در اختیار داشت بهره جست تا مجموعه‌ای از پرسش‌های باز (open questions) را نیز مطرح سازد و پاسخ‌ها را ثبت و ضبط کند.

جدول ۸- شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی کنونی

شاخص‌ها	متغیرها
۱	نحوه مدیریت و بهره‌برداری از منابع
	میزان بهره‌برداری از منابع
۲	معیشت جامعه‌ی محلی
	هزینه/درآمد خانوار
	نابرابری‌های اقتصادی
	نرخ اشتغال/ بیکاری
۳	مشارکت اجتماعی
	میزان دربرگیرندگی ^{۲۰}
	کیفیت تعامل میان جامعه‌های محلی و نهادهای دولتی
	سطح مشارکت مردم
۴	شرایط جمعیت‌شناختی
	میزان مشارکت به تفکیک گروه‌های سنی
	میزان مشارکت به تفکیک بُعد خانوار
۵	سرمایه‌ی اجتماعی
	اعتماد اجتماعی
	هنجارهای اجتماعی
۶	مناسبات و روابط اجتماعی
	شبکه‌ی روابط
	مناسبات جنسیتی
	مناسبات قومیتی
۷	ظرفیت‌ها و دارایی‌های اجتماعی و اقتصادی
	مناسبات مذهبی
	ظرفیت شرکت‌های مجری
	ظرفیت سمن‌های محلی
	مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی

برای پیمایش کیفی ابزارهایی مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری با دست‌اندرکاران و افراد خبره‌ی کلیدی در سطح‌های استانی و محلی و نیز بحث‌های دست‌جمعی با گروه‌های معینی از روستاییان در نظر گرفته شد. گروه ارزیابی هم‌چنین، با به کار بستن چند ابزار از مجموعه‌ی روش‌های مبتنی بر ره‌یافت‌های مشارکتی روستایی (PRA)، جامعه‌ی روستایی را نیز درگیر پردازش و تحلیل اطلاعات می‌کرد. برای نمونه، جهت فهمیدن مهم‌ترین رویدادها و پی‌آمدهای آن‌ها از دیدگاه روستاییان از ابزاری موسوم به «خط سیر زمانی»، برای آگاهی یافتن از الگوی مالکیت و نیز جانمایی مهم‌ترین منابع و داشته‌های روستاییان از «نقشه‌کشی اجتماعی»، و برای تشخیص سودمندی و نیز درک چالش‌های روستاییان برای بهره‌گیری از آموزه‌هایی که فراگرفته‌اند از «جدول هزینه-فایده» و «نمودار پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها» بهره گرفت. انتخاب این دسته از ابزارهای مشارکتی با بازدیدهای اولیه از روستا و پس از پرسش‌گری‌های کمی با روستاییان قطعیت یافتند.

گذشته از پیمایش‌های کمی و کیفی، گروه ارزیابی اسناد مرتبط با طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» را گردآوری و مرور کرده است تا پیش از آغاز فعالیت و نیز در حین کار، با اتکا به مفاد این نوشته‌ها و نیز بررسی نوشتارگان‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان در این عرصه، نتیجه‌گیری‌های خود را کامل‌تر و مستدل‌تر کند. در مجموع، برای گردآوری داده‌ها به تفکیک پرسش‌های پژوهش حاضر و محورها و شاخص‌های مورد نظر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از روش‌های زیر (جدول ۹) استفاده شد:

جدول ۹- شیوه‌های گردآوری اطلاعات بر حسب پرسش‌های ارزیابی

پرسش‌ها	محورها	شیوه‌ی گردآوری اطلاعات		
		مطالعه‌ی اسنادی	پیمایش کمی	پیمایش کیفی
مهم‌ترین تأثیرات اجتماعی-اقتصادی فعالیت‌های مرتبط با استقرار کشاورزی پایدار بر زندگی و معیشت روستاییان چیست؟	اثربخشی اجتماعی فعالیت‌ها و برون‌دادهای طرح	✓	✓	✓
	اثربخشی اقتصادی فعالیت‌ها و برون‌دادهای طرح			
موانع و مشکلات موجود برای جلب مشارکت روستاییان در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی از چه قرار است؟	نشانه‌های مشارکتی بودن طرح	✓		✓
	استفاده از رهیافت‌های مشارکتی از سوی شرکت‌های مجری طرح			
	تأثیر مشارکت جامعه‌ی محلی در مدیریت و بهره‌برداری از منابع آبی		✓	✓
ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران طرح برای بهبود کیفیت فعالیت‌هاشان در این طرح و نیز کاهش یا رفع موانع چه فرصت‌هایی را در پیش رو دارند؟	نشانه‌های دربرگیرندگی فعالیت‌ها و برون‌دادهای طرح			
	کیفیت تعامل میان کشاورزان و جامعه‌های محلی با نهادهای دولتی	✓		✓
	تأثیر برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های مجری در پیشبرد فعالیت‌ها و برون‌دادهای طرح			
طرح تا چه اندازه توانسته است توجه و مشارکت کشاورزان را نسبت به احیای دریاچه جلب کند؟	نشانه‌های تغییر در مدیریت و بهره‌برداری از منابع از سوی کشاورزان زیر پوشش طرح	✓	✓	
	تفاوت این طرح با طرح‌های مشابه از دیدگاه کشاورزان و کارشناسان سازمان‌های همکار طرح			✓
طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای تحقق هدف‌های اجرایی‌اش در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی به مدد مشارکت روستاییان، و نیز کاهش یا رفع موانع شناسایی شده چه گام‌هایی می‌تواند بردارد؟				✓
برای تضمین و تداوم اثربخشی برون‌دادهای دستاوردهای خود، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، به طور ویژه، چه فعالیت‌هایی را می‌تواند در برنامه‌های مرحله‌های آینده خود بگنجاند؟				✓

در پایان، لازم می‌دانیم بر تفاوت میان 'ارزیابی' و 'ارزش‌یابی' از یک طرح و/یا برنامه‌ی اجرایی از نظر مفهومی تاکید کنیم و یادآور شویم که گزارش حاضر دربرگیرنده‌ی آن تحلیل‌ها و پیشنهادهایی است که از یک 'ارزیابی' انتظار می‌رود. آشکار است که توفیق در راهبری طرح‌های اجرایی و تحقق هدف‌های از پیش تعیین شده مستلزم طراحی و مدیریت دقیقی است. با این همه، نمی‌توان همه‌ی چالش‌های احتمالی را پیش‌بینی کرد و برای هر یک راه‌حلی در نظر گرفت. از این رو، مدیران و مجریان اغلب سازوکاری برای پایش فعالیت‌های اجرایی در نظر می‌گیرند تا از پیشرفت کار اطمینان حاصل کنند. البته، در این میان، پشتیبانان مالی و/یا دست‌اندرکاران اصلی نیز خواهان آن اند که از پیشرفت کار و چه‌گونگی تخصیص بودجه به تناوبی که از پیش به توافق رسیده‌اند، باخبر گردند. هر چه عرصه‌ی کار خطیرتر، گسترده‌تر و طولانی‌مدت‌تر باشد تنوع و چه‌گونگی مراقبت از امور پیچیده‌تر می‌گردد. در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای و/یا آموزشی افزون بر پایش‌های همیشگی و ارزش‌یابی‌های میان‌دوره‌ای و پایانی، در مقطع‌هایی انواع و اقسام مطالعات دیگری نیز صورت می‌گیرد، به ویژه اگر طرح و برنامه‌ای برای نخستین بار باشد که به اجرا درمی‌آید. گاه به ارزش‌یابی پایانی نیز اکتفا نمی‌شود و، مدتی پس از پایان طرح، بررسی دیگری صورت می‌گیرد تا از پایداری اثرات آن طرح و برنامه و نیز کارآیی روش‌های ابداعی اطمینان حاصل شود. گاه نیز در میانه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها انجام دادن پژوهش‌های موضوعی در دستور کار قرار می‌گیرد. قصد اصلی از این گونه مطالعات بسته به موضوع کار متفاوت است. اما آن چه میان این نوع بررسی مشترک است، آن است که فرد یا گروه پژوهش‌گر و نیز مسئولان اجرایی می‌دانند که چون طرح و برنامه‌ی مورد نظر پایان نیافته است، هنوز امکان بازبینی روند اجرایی و بهبود بخشیدن روش‌های کار وجود دارد. این نکته یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان مفهوم 'ارزیابی' و 'ارزش‌یابی' است. بدین معنا گردآوری و تحلیل اطلاعات در فرآیند ارزیابی حکم به شکست یا توفیق طرح و برنامه‌ی مورد نظر نمی‌دهد، بلکه جنبه‌های مثبت را برای تکرار آن عمل‌ها شناسایی می‌کند و جنبه‌های ضعیف‌تر روند اجرایی را صرفاً برای بهبودبخشی روش‌های کار می‌نمایاند که این امر خود نیز مستلزم رسیدن به توافق درباره‌ی تغییرات احتمالی میان دست‌اندرکاران است. به سخن دیگر، فرآیند ارزیابی بیش از آن که بر واری و موشکافی نتیجه‌های مورد نظر طرح استوار باشد، در صدد است تا تجربه‌های آزموده شده در حین اجرای طرح را استخراج و دسته‌بندی کند تا بتوان میان موثرترین و چالش‌انگیزترین آن‌ها تمایز قایل شد. جدول ۱۰ تفاوت‌های میان ارزیابی و ارزش‌یابی را از چندین جنبه نشان می‌دهد.^{۲۱}

جدول ۱۰- تفاوت میان ارزیابی و ارزش‌یابی

ابعاد تفاوت	ارزیابی	ارزش‌یابی
محتوا: مناسبت زمانی، هدف اصلی	تکوینی: مداوم، بهبودبخشی	انباشتی: نهایی، کیفیت سنجی
گرایش: کانون تمرکز اندازه‌گیری	فرآیندمدار: روند اجرایی چه‌گونه پیش می‌رود	نتیجه‌مدار: چه حاصل شده است
یافته‌ها: کاربردهای یافته‌ها	تشخیصی: شناسایی جنبه‌هایی که باید بهبود یابد یا تقویت شود	قضاوت‌گرانه: یک استاندارد یا رتبه‌ای کسب شود که ملاک ارزش‌یابی، آن استاندارد یا رتبه است

منبع - Assessment and Evaluation

۵- فرآیند ارزیابی

۵-۱ گام‌های اجرایی

این ارزیابی در چهار گام انجام گرفت که چکیده‌ای از هر یک در این بخش به شرح زیر آمده است:

۵-۱-۱ طراحی روش ارزیابی و آماده‌سازی برای اجرا

در این گام، به منظور تدقیق روش کار، نخست بخشی از اسناد مربوط به طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» مورد مطالعه قرار گرفت تا از پیشینه و نیز فرآیند آن تصویری کلی به دست آید. پس از آن با توجه به ماهیت چند وجهی این ارزیابی، الگوی اجرایی این پژوهش و نیز ابزارهای کمی و کیفی مورد نیاز طراحی شد و به همراه توضیحاتی به طرح حفاظت از تالاب‌های ایران ارائه شد تا مقدمات اجرای کار را تدارک ببینند و هماهنگی‌های لازم با دیگر نهادهای دست‌اندرکار در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی (مانند اداره‌ی کل جهاد کشاورزی، اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست و نیز شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی مجری طرح) برای بازدید میدانی فراهم آید.

علاوه بر آن، برای تسهیل در فرآیند اجرای کار، و نیز بهره‌مندی از تجربه و دانش نیروهای استانی، شش نفر به عنوان نیروی همکار برگزیده شدند و به استخدام درآمدند. ویژگی این افراد آن بود که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در زمینه‌ی جلب مشارکت جامعه‌های روستایی برای استقرار کشاورزی پایدار فعالیت کرده بودند و همچنین به زبان و فرهنگ روستاهای نمونه‌ی پیمایش در هر دو استان آشنایی داشتند. قرار بود که این شش نفر در چارچوب سه گروه دو نفره با این ارزیابی همکاری کنند.

بدین منظور، نخست، گروه ارزیابی طی نشست‌هایی ملاک‌هایی را برای شناسایی نیروهای همکار در نظر گرفت و شرح وظایف آنان را تدوین کرد تا طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، با پخش فراخوانی در هر دو استان آذربایجان شرقی و غربی، واجدان شرایط را به ارسال درخواست‌نامه، به همراه شرح احوال و تجربه‌های خود، تشویق کند. تا پایان موعود زمانی ارسال درخواست‌نامه‌ها، ۹۴ نفر درخواست همکاری کردند. در مرحله‌ی بعدی، شرح احوال درخواست‌کنندگان بر پایه‌ی شاخص‌هایی مانند ویژگی سنی، محل سکونت، آشنایی با نرم افزارهای ضروری کامپیوتری، آشنایی با زبان‌های ترکی و کردی، سابقه‌ی کار بررسی شد و از ۱۳ نفر برای مصاحبه‌ی حضوری دعوت شد. از این تعداد، شش نفر زیر عنوان ارزیابان استانی در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۵ انتخاب شدند.

با انتخاب قطعی همکاران استانی، از آن‌ها دعوت شد تا در یک نشست کارگاهی کلیات طرح ارزیابی و روش کار را به شکل جمعی مرور کنند. این نشست در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۹۵ در محل ساختمان شماره‌ی ۲ اداره‌ی کل جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی برگزار شد. در این کارگاه، شرکت‌کنندگان با هم آشنا شدند، گروه‌های کوچک‌تری برای فعالیت‌های میدانی شکل گرفت، و نیز ملاک‌های انتخاب روستاهای نمونه و ابزار گردآوری اطلاعات کمی تعیین شد. سپس چکیده‌ای از هدف‌های طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» و دامنه‌ی این ارزیابی و خروجی‌های مورد انتظار آن برای ارزیابان استانی تشریح شد. در ادامه و پس از گروه‌بندی، نوبت به شناسایی برخی از چالش‌های احتمالی در کار میدانی رسید و ارزیابان استانی راه‌هایی را پیشنهاد کردند که مورد بحث و گفت‌گوی همگانی قرار گرفت. پس از آن، مختصری در رابطه با روش نمونه‌گیری روستاها و پاسخ‌گویان در پیمایش کمی توضیح داده شد و سپس نوبت به مرور مهارت‌های پرسش‌گری رسید.

در این بخش از کارگاه شرکت‌کنندگان به جز تمرین پر کردن یک پرسش‌نامه‌ی نمونه و محک زدن مهارت‌هاشان در انجام دادن این کار، پرسش‌های برگه‌ی پرسش‌نامه را یک‌بار به زبان ترکی و یک‌بار به زبان کردی مطرح کردند و یک به یک پرسیدند تا همه‌ی اصطلاح‌ها و شیوه‌ی پرسش‌گری یک‌سان گردد. در آخرین مرحله، خود ابزار- یعنی پرسش‌نامه‌ی طراحی شده- به بحث جمعی گذاشته شد تا همکاران استانی نظرهای اصلاحی‌شان را مطرح کنند و تغییرات لازم وارد آید.

در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۹۵، به منظور آزمودن پرسش‌نامه هر ده نفر گروه ارزیابی پس از هماهنگی با مدیرعامل شرکت پانید کشت به روستا صفری از روستاهای شهرستان ارومیه رفتند تا پیش از پر کردن پرسش‌نامه‌ها در روستاهای نمونه‌ی پیمایش کمی، برای کسب اطمینان از کارایی این ابزار، اقدام به آزمودن آن در این روستا کنند.

تسهیل‌گر شرکت از کشاورزان مرجع دعوت کرده بود تا در مسجد گرد هم آیند. به این ترتیب هر شش نفر همکار استانی فرصت یافت تا با یک کشاورز مرجع صحبت کند و پرسش‌نامه‌ی آزمایشی را پر کنند. نقش اعضای دیگر گروه ارزیابی آن بود که با بررسی چم‌وخم کار آن‌ها در حین پرسش‌گری و پاسخ کشاورزان مرجع دریابد که برای بهبود کار چه اصلاحاتی را باید وارد آورد. پس از طی این مرحله، در همان مسجد محل انجام دادن مصاحبه‌ها، نشست‌های داخلی برگزار شد تا ارزیابی‌های آخرین تبادل‌نظرها را درباره‌ی مفاد پرسش‌نامه و روش کار با آن را انجام دهد. در خلال این جلسه باز هم وارد کردن تغییراتی در پرسش‌نامه پیشنهاد شد که، پس از بررسی جمعی و کسب توافق، تغییرات اعمال شد. بدین ترتیب مقدمات اجرای گام اول یعنی پیمایش کمی فراهم شد و گروه ارزیابی آماده شد تا گام بعدی کار را آغاز کند.

۵-۱-۲ گردآوری داده‌های کمی

به منظور انجام ارزیابی کمی، بهره‌برداران طرح، یعنی کشاورزان مرجع، در روستاهای تحت پوشش مرحله‌های ۱ و ۲ به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب شدند. بنا بر سندهای موجود تعداد کشاورزان مرجع، در آن دو دوره، در مجموع ۱۹۵۰ نفر بوده است. بر این اساس، بر پایه‌ی فرمول کوکران، با ضریب خطای ۰.۰۵، تعداد ۳۸۴ کشاورز از ۲۴ روستا به عنوان نمونه‌ی معتبر در نظر گرفته شد. شیوه‌ی نمونه‌گیری برای اجرای این پیمایش، با توجه به ناهمگنی میان روستاها، به صورت «نمونه‌گیری مُطَبَق» برنامه‌ریزی شد. به این ترتیب، قرار شد در هر روستا، ۱۶ پرسش‌نامه ضمن پرس‌وجو با ۱۶ کشاورز مرجع تکمیل شود.

در انتخاب روستاهای نمونه، مولفه‌هایی هم‌چون جمعیت، سطح زیر کشت، ادوات کشاورزی و توانا‌فروش در نظر گرفته شد. این روستاها به گونه‌ای انتخاب شد که بازتاب طیفی از روستاها (از نظر سطح جمعیتی و وضعیت اقتصادی) باشند. هم‌چنین موقعیت جغرافیایی این روستاها نیز در انتخاب آن‌ها دخالت داده شد تا پراکندگی جغرافیایی محل اجرای طرح در شهرستان‌های مختلف هر دو استان آذربایجان شرقی و غربی پوشش داده شود.

جدول زیر نام روستاهای نمونه‌ی پژوهش حاضر را به تفکیک شهرستان و نیز به تفکیک شرکت‌های مجری استقرار کشاورزی پایدار نشان می‌دهد:

جدول ۱۱- روستاهای نمونه‌ی ارزیابی کمی

شرکت مجری طرح	شهرستان	روستا	ارزیابان استانی
یاشیل چالش	سلماس	(۱) آخته خانه	گروه الف خانم سمیرا قربانی آقای عبدالله وهابی
		(۲) سلطان احمد	
		(۳) خان تختی	
رویان پروان تکین سبز	ارومیه	(۴) فقی بیگلو	
		(۵) زیرمانلو	
		(۶) آیلو	
		(۷) قشلاق خنجر	
دانش پژوهان سبز گستر ارومیه یشیل اورمان چی چست		(۸) یورقون آباد	

ارزیابان استانی	روستا	شهرستان	شرکت مجری طرح
گروه ب - خانم مریم وزیری - آقای حسین مرادیان گروه پ - آقای بهرام حسنزاده - آقای بهرام طهماسی	۹) گل	نقده	شرکت آذر کشت سلدوز
	۱۰) شهرک المهدی	مه‌آباد	نوین گستر مه‌آباد
	۱۱) خورخوره	میاندوآب	پدیده سبز آنیل
	۱۲) گاپیس		
	۱۳) للکلو		
	۱۴) فیروزآباد	ملکان	نوین خدمات دهقان
	۱۵) اسلام آباد		
	۱۶) نظام آباد	بناب	پدیده کشاورز بناب
	۱۷) گدکلو		
	۱۸) قره چیق	عجب‌شیر	گلفای کشاورز
	۱۹) خانه برق قدیم		
	۲۰) خضرو	آذرشهر	آذر همسو
	۲۱) دستجرد	اسکو	معین کشاورز آذربایجان سهند
	۲۲) سرای		
	۲۳) مرجانلو	شبستر	شرکت ۱۹۳۸ شبستر
	۲۴) قره تپه		

بدین ترتیب سه گروه دو نفره- که در گام پیشین به عنوان همکار استانی طرح برگزیده شدند- از ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۵ به مدت سه هفته در ۲۴ روستا به گردآوری داده‌های کمی پرداختند. گروه مشاوران شیوه‌نامه‌ای را برای ایشان تهیه کرده بود ([پیوست ۸-۲-۲](#) شیوه‌نامه و [پیوست ۸-۲-۱](#) نسخه‌ی پر نشده‌ی این پرسش‌نامه را نشان می‌دهد). در مجموع آن‌ها موفق به تکمیل ۳۵۳ پرسش‌نامه شدند. از ۳۵۳ کشاورز مرجع، ۳۴۸ نفر از آن‌ها به طور کامل به همه‌ی ۱۹ پرسش (باز و بسته) پاسخ دادند. اختلاف عددی میان تعداد پرسش‌نامه‌هایی که در عمل پر شد با تعدادی که تخمین زده شده بود بر اعتبار نتیجه‌گیری‌ها تاثیری نمی‌گذارد، زیرا این دامنه‌ی خطا از ابتدا پیش‌بینی شده بود. هم‌چنین گروه ارزیابی در جریان پیمایش دریافت که حجم جامعه‌ی آماری، یعنی تعداد کشاورزان مرجع، در شماری از روستاها کم‌تر از میزانی بود که در گزارش‌های رسمی آمده بود. برای نمونه، در گزارشی نام دو داوطلب به چشم می‌خورد که در واقعیت یک کشاورز مرجع وجود داشت که بر روی دو زمین (که یکی از آن دیگری بود) روش-های کشاورزی پایدار را می‌آزمود و در دوره‌های آموزشی شرکت داشت.

۵-۱-۳ گردآوری داده‌های کیفی

در زمان طراحی روش برای انجام دادن این ارزیابی بر آن شدیم تا بخشی از اطلاعات را به صورت کیفی گردآوری کنیم و بدین منظور از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته‌ای با دست‌اندرکاران و افراد خبره‌ی کلیدی در سطح‌های استانی و محلی، به عنوان یکی ابزارهای پیمایش کیفی، استفاده کردیم. چارچوب پرسش‌های مطرح شده در [پیوست ۸-۲-۳-۱](#) و فهرست مصاحبه‌شوندگان در [پیوست ۸-۱](#) آمده است.

شیوه‌ی دیگری که برای گردآوری داده‌های کیفی در روستا در نظر داشتیم، راه‌اندازی بحث‌های گروهی و نیز به کار بستن چند ابزار متکی به ره‌یافته‌های مشارکتی روستایی (متناسب با موضوع‌های ارزیابی) بود تا بدین واسطه جامعه‌ی روستایی را نیز درگیر

گردآوری و تحلیل اطلاعات کنیم (پیوست ۸-۲-۳)، اما طبقاً به دلیل ماهیت عمیق و زمان‌بر این شیوه نمی‌توانستیم به تمام ۲۴ روستایی که در مرحله‌ی کمی مورد ارزیابی قرار گرفته بودند، مراجعه کنیم. به همین علت لازم بود تا روستاهایی را انتخاب کنیم که بتوانند معرف و بازتاب‌دهنده‌ی تنوع و تفاوت‌های موجود باشند تا بدین واسطه گروه مشاوران بتواند شرایط عملی اجرای طرح استقرار کشاورزی پایدار را از نظر اجتماعی و اقتصادی در محیط‌ها و بافت‌های جماعت‌های گوناگون بررسی کند.

بنابراین معیارهایی را جهت انتخاب روستاها مبنا قرار دادیم که بتواند تنوع و تفاوت‌های میان آن‌ها را برجسته سازد و بر اساس اطلاعات اسنادی موجود و نیز اطلاعات به دست آمده از مرحله‌ی پیمایش کمی، شش معیار زیر را برای انتخاب روستاهای نمونه برگزیدیم:

- ترکیب قومی کشاورزان مرجع: با توجه به این که شرایط فرهنگی و هویتی متغیر مهمی در مسایل اجتماعی است و همچنین بررسی تحلیل یافته‌های پیمایش کمی مشخص کرده بود که ارتباط معناداری میان برخی از متغیرهای وابسته و ترکیب قومی وجود دارد، از این رو، در انتخاب روستاهای نمونه لازم آمد سهمیه‌ی مشخص و متناسبی با ترکیب قومی کشاورزان جهت ارزیابی کیفی و مشارکتی اختصاص یابد.
- وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع: وضعیت و موقعیت اقتصادی نیز از جمله متغیرهای مستقلى است که در تعیین سایر متغیرها نقش دارد. در این ارزیابی وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع، به عنوان یک معیار، صرفاً بر پایه‌ی خوداظهاری آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. اطلاعات پایه در این زمینه موجود نبود تا اظهارات آن‌ها با آمار و ارقام رسمی تطبیق داده شود.
- میانگین مساحت اراضی کشاورزان: مساحت اراضی زیر کشت نیز متغیر مستقل دیگری است که در تعیین سایر متغیرها دارای اهمیت است: نخست آن که اثرگذاری و اجرایی شدن بسیاری از توصیه‌ها و تکنیک‌های کشاورزی پایدار عملاً نیازمند وسعت مناسبی از زمین است؛ و دوم آن که مساحت زمین به طور غیر مستقیم می‌تواند بازنمای شرایط اقتصادی کشاورزان نیز باشد. از این رو، در انتخاب روستاهای نمونه، ضرورت داشت که روستاهایی با میانگین کم مساحت اراضی و نیز روستاهایی با میانگین زیاد مساحت اراضی مورد بررسی قرار گیرند تا مشخص شود که اجرای شیوه‌های کشاورزی پایدار از نظر اجتماعی و اقتصادی در چنین شرایطی به چه صورت است.
- فاصله روستا تا مرکز شهرستان: فاصله روستاها تا مرکز شهرستان نیز به نوعی بازنمای میزان دسترسی به امکانات، خدمات، زیرساخت و حتی قدرت سیاسی محلی است. به عبارت دیگر، پیش فرض ما این است که تأثیرات اجرای طرح از نظر اجتماعی و اقتصادی در روستاهایی که نزدیکی و دسترسی بیش‌تری به منابع و قدرت دارند با آن‌هایی که دورتر هستند و دسترسی کم‌تری دارند، متفاوت است. برای بررسی بیش‌تر این تفاوت و تحلیل آن لازم بود تا در انتخاب روستاهای نمونه، هم روستاهایی برگزیده شوند که از مرکز شهرستان فاصله‌ی زیادی دارند، و هم روستاهایی که به مرکز شهرستان نزدیک هستند تا با مقایسه یافته‌های این دو نوع روستا، تفاوت دسترسی به منابع و قدرت و ارتباط آن با تأثیرات طرح مشخص شود.
- کاربست روش‌های بهینه‌ی آبیاری: اجرایی شدن یا نشدن توصیه‌ها و تکنیک‌هایی که در جریان طرح به روستاییان آموزش داده شده است، بر اساس اظهارات خود کشاورزان در جریان اجرای نظرسنجی، متغیر مهمی دیگری است که مبنای انتخاب

روستاهای نمونه قرار گرفت تا بتوان بررسی کرد که اگر روش‌های کشاورزی پایدار در روستاهایی به صورت موفق اجرا شده به چه دلیل‌هایی بوده و، بر عکس، اگر در روستاهایی اجرا نشده به خاطر چه مانع‌هایی بوده است. در این ارتباط، یکی از روش‌هایی که هم از نظر حفاظت از منابع آبی دارای اهمیت است و هم کشاورزان مرجع پاسخ‌های متنوعی را در پیمایش کمی به آن داده بودند، یعنی «روش‌های بهینه آبیاری»، را معیار دیگری برای انتخاب روستا در نظر گرفتیم؛ بدین شکل که هم روستاهایی برگزیده شوند که از این روش به میزان زیادی استفاده کرده‌اند و هم روستاهایی که این روش را به کار نگرفته‌اند.

- تغییر درآمد ناشی از به کارگیری توصیه‌ها: پرسش دیگری که در جریان پیمایش کمی از کشاورزان مرجع پرسیده شد، و جواب‌های متنوعی به دنبال داشت، درباره‌ی میزان تغییر درآمد آن‌ها در نتیجه‌ی اجرای شیوه‌های کشاورزی پایدار بود. برای گروه ارزیابی اهمیت داشت که دریابد در چه شرایطی امکان افزایش یا کاهش درآمد کشاورزان مرجع محتمل‌تر است. به همین دلیل لازم آمد تا روستاهای نمونه به نوعی بازتاب این تفاوت نیز باشند.

با توجه به مقایسه و ترکیب اطلاعات مربوط به این معیارها به تفکیک هر روستا و همچنین با توجه به تقسیم‌بندی‌های کشوری، در نهایت هفت روستای گل، گاپیس، قربقلو، نظام آباد، سلطان‌احمد، قره چیق و مرجانلو جهت انجام دادن ارزیابی‌های کیفی و مشارکتی انتخاب شدند. جدول زیر ویژگی روستاهای نمونه را در کنار هم نشان می‌دهد.

جدول ۱۲- معیارهای انتخاب روستاهای نمونه برای مرحله‌ی ارزیابی کیفی و مشارکتی

استان	شهرستان	روستا	ترکیب قومی	وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع (میانگین از ۱ تا ۵)	میانگین مساحت اراضی کشاورزان (هکتار)	فاصله‌ی روستا تا مرکز شهرستان (کیلومتر)	کاربست روش‌های بهینه‌ی آبیاری (درصد اجرا)	تغییر درآمد ناشی از کاربری توصیه‌ها (میانگین از ۱ تا ۵)
آذربایجان غربی	سلماس	سلطان‌احمد	ترک	۳.۱۸	۳.۰۰	۱۸.۳	۸۱.۸	۳.۵۵
	ارومیه	قربقلو	ترک	۲.۸۱	۲.۷۳	۱۸.۶	۱۸.۸	۳.۵۶
	نقده	گل	کرد	۳.۵۶	۵.۹۴	۱۵.۹	۸۷.۵	۴.۱۹
	مهاباد	گاپیس	کرد	۳.۵۶	۲.۸۱	۲۶.۰	۶۸.۸	۳.۸۷
	میاندوآب	للكلو	ترک	۲.۷۳	۱.۶۷	۲۰.۰	۳۳.۳	۲.۹۳
		نظام‌آباد	ترک	۳.۰۷	۲.۴۳	۱۶.۸	۲۱.۴	۳.۶۴
آذربایجان شرقی	بناب	قره چیق	ترک	۳.۲۵	۳.۰۶	۵.۲	۳۱.۲	۳.۷۵
	اسکو	مرجانلو	ترک	۳.۳۱	۸.۵۶	۲۳.۲	۶.۲	۴.۰۰

در این روستاها، گروه ارزیابی- علاوه بر انجام دادن مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری با دهیاران، اعضای شوراهای اسلامی روستاها و برخی از کشاورزان مرجع و تسهیل‌گران- با خانواده‌های کشاورزان نیز وارد بحث‌های گروهی شد تا دریابد که این طرح تا چه حد و چه‌گونه بر زندگی روستاییان تاثیر گذاشته است. ارزیابان در کنار مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها، برای یافتن به روایت مشترکی از

رویدادهایی که برای کشاورزان دارای اهمیت بود، از ترسیم خط سیر زمانی بهره گرفت و برای شناخت «الگوی مالکیت» در هر روستا از دیدگاه خود اهالی به نقشه‌کشی اجتماعی (با گروه‌های جداگانه‌ای از زنان و مردان) پرداخت و برای آن که دریابد که آموزه‌های مربوط به استقرار کشاورزی پایدار تا چه اندازه و به چه قیمتی به حال کشاورزان مرجع سودمند افتاده است، از ابزاری با عنوان «جدول هزینه و فایده» و «نمودار بازدارنده و پیش‌برنده» به شکل مشارکتی استفاده کرد.

۵-۱-۴ تلفیق و تحلیل یافته‌ها و تدوین گزارش نهایی

آن چه در گزارش نهایی این مطالعه آمده حاصل تلفیق و تحلیل یافته‌های کمی و کیفی است. بدین منظور پس از گردآوری داده‌های کمی، گروه مشاوران آن‌ها را به مدد نرم افزار SPSS تحلیل کرد تا بتواند، منطبق با شاخص‌هایی که در نظر داشت، خروجی‌های مورد نظر را به دست آورد. برای تحلیل یافته‌های کیفی نیز تمام مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی را که با اجازه‌ی افراد ضبط شده بود، پیاده‌سازی، کدگذاری و سپس مقوله‌بندی کرد. سرانجام، خروجی‌های کمی و کیفی بر پایه‌ی پرسش‌های اصلی این پژوهش با یکدیگر تلفیق شد و پس از تحلیل آن‌ها به کمک گفت‌وگوی جمعی گروه مشاوران، فرآیند تدوین گزارش نهایی آغاز شد. هم‌چنین در این گام، فیلم‌های گرفته شده در طی ارزیابی در هم آمیخته و به شکل یک فیلم واحد تدوین شد تا به بیان دیگری مضمون اصلی این گزارش را بازگو کند. (نسخه‌ی نهایی فیلم همراه با گزارش نهایی در اختیار دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران قرار می‌گیرد).

۵-۲ محدودیت‌های ارزیابی

در ارزیابی طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» از دیدگاه اجتماعی-اقتصادی لازم است به وجود چند محدودیت اشاره کرد. برای نمونه، پیمایش کیفی (به ویژه نوبت آخر در روستاهای آذربایجان شرقی)، به خلاف پیمایش کمی، هم‌زمان شد با اوج فصل کاری کشاورزان. برای آن که این هم‌زمانی مانع گردآوری اطلاعات لازم نشود گروه ارزیابی استانی، مدیران و تسهیل‌گران شرکت‌های مجری و خود کشاورزان مرجع راهنمایی کردند که نشست‌های گروهی و خانوادگی در یک نوبت و عمدتاً پس از پایان کار ایشان در مزرعه صورت گیرد. در چند نوبت، انجام مصاحبه‌های کیفی در سر زمین کشاورزی، در فاصله‌ی زمان استراحت روستاییان انجام یافت.

گاه پیش می‌آید که در روند ارزیابی در پژوهش‌های کوتاه مدتی از این دست، که فرصت چندانی برای جلب اعتماد و همکاری روستاییان وجود ندارد، خللی بیفتد. اما این محدودیت در ارزیابی کنونی با دعوت به کار از تسهیل‌گران استانی که در شرایطی بسیار مشابه در سال‌های گذشته فعالیت داشتند، به خوبی مهار گشت. البته مسئولیت پیشین یکی دو تن از همکاران استانی ممکن بود این گمان را به ذهن خطور کند که به فرض از سوی آنان جانب‌داری یا تعصب خاصی نسبت به روستاهای نمونه‌ی ارزیابی پیش بیاید که هنگام تقسیم جغرافیایی روستاها برای گردآوری اطلاعات این مسئله در نظر گرفته شد و گروه ارزیابی استانی برای پیمایش کمی به روستاهایی رفتند که یا زیر پوشش شرکت‌شان نبود یا خود تسهیل‌گر آن نبودند. البته در پیمایش کیفی، در گردآوری داده‌ها مسئولیت مستقیمی بر دوش آن‌ها گذاشته نشد. هرچند، در عمل، در پیاده کردن بخشی از روش‌ها همکاری تام و تمام داشتند. گزینش و چینش نیروهای ارزیابی استانی به این شکل، به دلیل آن بود که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای درگیر کردن شماری از تسهیل‌گران شرکت‌های مجری در این فرآیند مزیتی قایل بود و در نظر داشت که شماری از کارشناسان شرکت‌های مجری از نزدیک با جنبه‌هایی از ارزیابی آشنا شوند تا بلکه در ادامه بتوان بر پایه‌ی یافته‌های این تجربه

مبحث‌های «خود ارزیابی»، «خود پایشی»، «خود ارزش‌یابی» و سرانجام «پایش و ارزش‌یابی مشارکتی» را میان ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران طرح باز کرد.

یکی از موضوع‌های مورد بررسی در این ارزیابی می‌بایست مقایسه‌ی میان تفاوت عملکرد این طرح با طرح‌های مشابه باشد. البته در شرح خدمات این مشاوره روستاهای شاهی برای گردآوری اطلاعات تعیین نشده است تا بتوان این مقایسه را به مراتب دقیق‌تر انجام داد. از این رو، سنجش این موضوع جامع نیست و فقط بازتاب

دیدگاه مدیران، کارشناسان، تسهیل‌گران روستایی و کشاورزانی است که در ارزیابی کیفی طرف صحبت قرار گرفتند و از تجربه‌ی خود با طرح‌های دیگر سخن گفتند.

سال ۱۳۹۳ چغندر قند کاشتم با استفاده از تکنیک خاک‌ورزی حفاظتی. بعد از آن که محصول‌ام را برداشت کردم دیگر به زمین دست نزدم تا دوباره در آخر پاییز همان سال با این که زمین‌ام آماده نبود، با استفاده از همان تکنیک، این بار در آن گندم کاشتم (بذر مرغوب پیشگام). برداشت من در سال ۱۳۹۴، در کل ۱۸ تن و نیم بود که ۹ تن و ۲۵۰ کیلو آن گندم بود از هر هکتار، در حالی که در سال قبل برداشت‌ام ۶ تن بود.

کشاورز مرجع، روستای گل

اما گذشته از همه‌ی مورد‌های یاد شده در بالا، نبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی از پیش تعیین شده مهم‌ترین محدودیتی است که این ارزیابی با آن روبه‌رو شد. با نگاهی به سندهای طرح در می‌یابیم که معدودی برون‌داد و هدف اجتماعی-اقتصادی از پیش تعیین شده است، از جمله آن که در مرحله‌ی ۱ طرح به «افزایش

آگاهی و درک جامعه‌ی محلی از نقش مهم‌شان در استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه» اشاره رفته است. از سوی دیگر، در متن سندی که در اختیار دولت ژاپن و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد درباره‌ی هدف‌ها و روندهای اجرایی گذاشته شده است، بر افزایش «آگاهی و توانایی‌های جامعه‌ی محلی برای نقش‌پذیری آن‌ها در احیای دریاچه‌ی ارومیه و استقرار کشاورزی پایدار در کانون‌های آزمایشی» تکیه شده است.^{۲۲} در مرحله‌ی ۲، اشاره‌های بیش‌تری به جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی طرح شده است (جدول ۶). با این همه، سازوکاری، شاخصی یا سنجه‌ای برای اندازه‌گیری پیشرفت فعالیت‌هایی که آن هدف‌ها را متحقق کند (تا زمان انجام دادن ارزیابی حاضر) تدارک دیده نشده است. شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی آن دسته از متغیرهای آماری اند که برای پایش دگرگونی در پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی مورد نظر هر طرح و برنامه به کار می‌روند. البته گاه می‌شود فرآیند تهیه یا تدقیق این گونه شاخص‌ها را به زمان اجرای طرح و برنامه‌ی مورد نظر نیز موکول کرد، ولی، در هر صورت، نمی‌توان انتظار داشت که بتوان بدون داشتن علامت یا نشانه‌ای برای پیشرفت کارها عملکرد خود را در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به شکل مطلوب ارزیابی کرد. در [بخش ۶](#) و [بخش ۷](#) به این موضوع باز می‌گردیم.

۶- یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها

«طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در دو سال نخست کار خود هم توفیق‌هایی به دست آورده است و هم با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. یافته‌های این ارزیابی نیز موید بسیاری از این دستاوردها و نیز بازتاب شماری از چالش‌هاست. اما لازم است، پیش از توصیف و تحلیل یافته‌های خود، یک نکته‌ی کلی را یادآور شویم: نخست آن که پایش تاثیرات اجتماعی طرح و برنامه‌های توسعه‌ی منابع آبی در کشور رواج چندانی ندارد ولی هم اکنون متخصصان و کارشناسانی به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان از کنار مسئله‌هایی مانند پویایی‌های درونی جمعیت، سبک زندگی و نظام‌های فرهنگی و اقتصادی که هم زیر تاثیر چه‌گونگی مدیریت

آب قرار می‌گیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند، به آسانی گذشت. دوم آن که حل و فصل چالش‌های موجود برای بهره‌برداری بهینه از منابع آبی را نمی‌توان تنها در گرو کاربست ابزارها و شیوه‌های فن‌مدارانه دانست. بدین معنا، انجام دادن ارزیابی‌های اجتماعی-اقتصادی و گنجاندن یافته‌های آن پژوهش‌های مربوط به شیوه‌های یک‌پارچه/تلفیقی مدیریت منابع طبیعی در دستور کار شماری از دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی قرار گرفته است.^{۲۳}

۶-۱ مهم‌ترین تأثیرات اجتماعی-اقتصادی طرح بر زندگی و معیشت روستاییان

ارزیابی حاضر که بخش عمده‌ای از اطلاعات خود را از کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش گردآورده است، در حین گفت‌وگو با آن‌ها، چنین دریافت که «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» توانسته است به طور کلی این امیدواری را در میان کشاورزان مرجع به وجود آورد که کسانی دارند به وضعیت آن‌ها رسیدگی می‌کنند و از این جهت ابراز خشنودی می‌کردند. این برداشت کلی را می‌شکافیم تا ببینیم این رضایت کلی از بابت چه جنبه‌هایی فراهم آمده است. هر چند از پیش می‌دانیم که تنگنای اجتماعی-اقتصادی بسیاری گریبان‌گیر روستاییان حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه است که این طرح، در مقیاسی که اجرا می‌شود و با هدف‌هایی که پی می‌گیرد، بنا ندارد و نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه‌ی مشکل‌ها و مسئله‌های زندگی کشاورزان ساکن آن حوضه باشد:

۶-۱-۱ افزایش محصول و درآمد کشاورزان

همان طور که در [بخش ۲-۲](#) (نمودار ۵) آمده است، کشاورزان مرجع روستاهای نمونه‌ی پیمایش کمی با در نظر گرفتن مجموعه‌ی شرایطشان- در قیاس با روستاییان دیگر- بنیه‌ی اقتصادی خود ارزیابی کردند. در ادامه‌ی آن خود ارزیابی، ۶۰ درصد آن‌ها از میزان درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی خود پس از آشنایی و کاربست آموزه‌های کشاورزی پایدار اعلام رضایت کردند و حتی کسانی در لفظ رضایت خاطر خود را مدیون پیاده شدن طرح در روستا دانستند. تحلیل یافته‌های کمی از طریق جدول‌های تقاطعی نشان می‌دهد که درآمد کشاورزان مرجع روستاهای کردنشین بیش از درآمد کشاورزان مرجع روستاهای ترک‌نشین افزایش یافته است. هنگام پرس‌وجوهای مشابه در حین پیمایش کیفی، روستاییان و تسهیل‌گران شرکت‌های مجری جزییات بیش‌تری را تشریح کردند. بررسی این اظهارات از خلال پاسخ به پرسش‌نامه‌های مرحله‌ی پیمایش کمی، به تفکیک روستاها، نشان می‌دهد که کشاورزان مرجع در روستاهای گل و مرجانلو بیش‌ترین میزان افزایش درآمد را داشته‌اند، ولی کشاورزان مرجع در روستاهای زرمانلو، للکلو و فیروزآباد به گفته‌ی خودشان نه تنها نتوانستند از این آموزه‌ها برای افزایش درآمدشان بهره‌ای بگیرند، بلکه در طی این مدت درآمدشان کاهش هم یافته است.

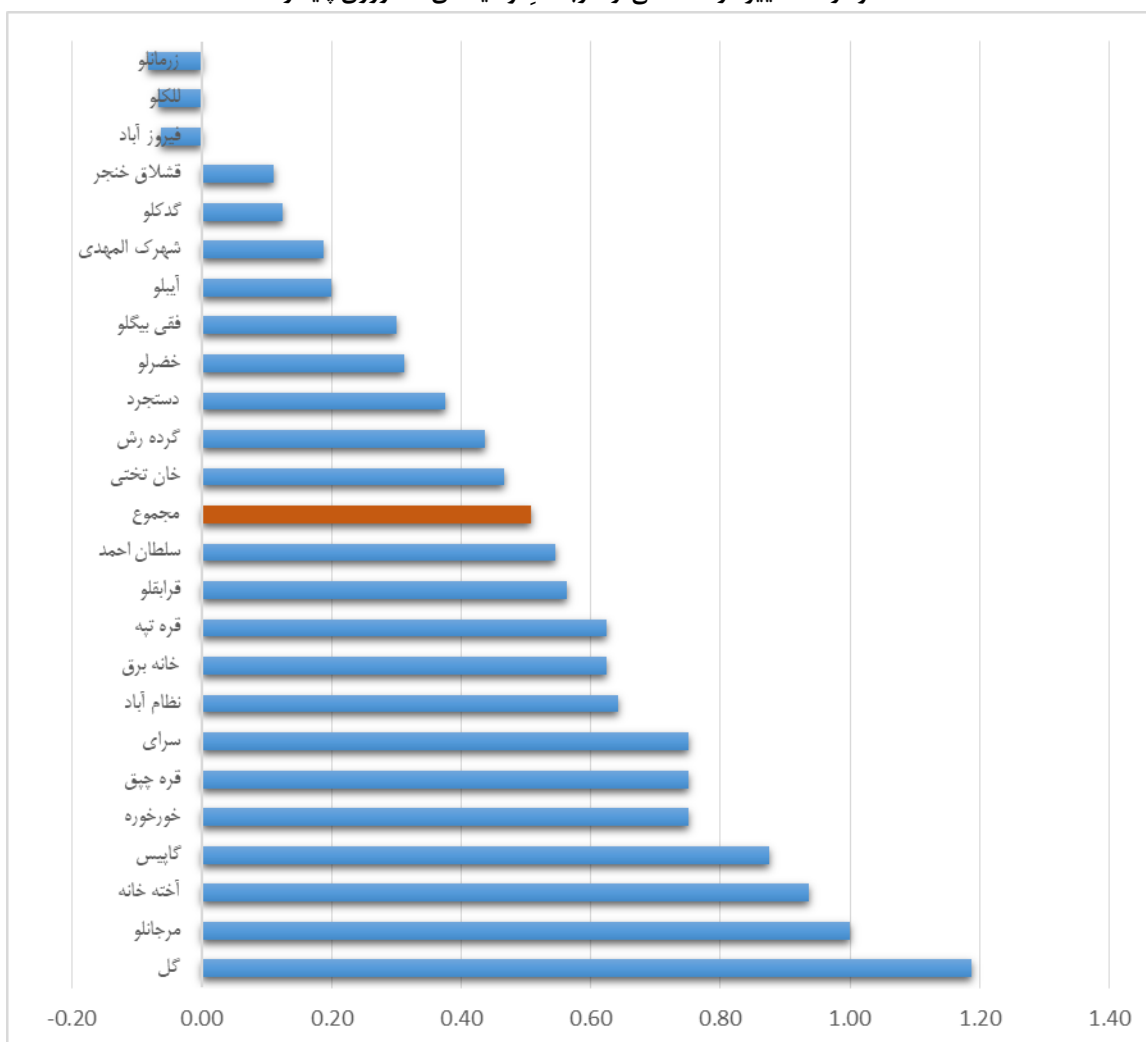
جدول ۱۳ و نمودار ۹ همین اظهارات را با عدد و رقم تخمین می‌زند.

جدول ۱۳- تغییر درآمد ناشی از کاربست توصیه‌های کشاورزی پایدار

نام روستا	خیلی کمتر شده	کم‌تر شده	تغییری نکرده	بیش‌تر شده	خیلی بیش‌تر شده	نمره‌ی میانگین هر روستا
آخته خانه			۱۲.۵	۸۱.۲	۶.۲	۰.۹۴
سلطان احمد		۹.۱	۳.۲۷	۶۳.۶		۰.۵۵
خان تختی		۱۳.۳	۲۶.۷	۶۰.۶		۰.۴۷
فقی بیگلو		۱۰.۰	۵۰.۰	۴۰.۰		۰.۳۰
قشلاق خنجر		۴۴.۴	۱۱.۱	۳۳.۳	۱۱.۱	۰.۱۱
آیلو			۸۰.۰	۲۰.۰		۰.۲۰
زرمالو		۳۳.۳	۴۱.۷	۲۵.۰		-۰.۰۸
قراقلو		۱۲.۵	۱۸.۸	۶۸.۸		۰.۵۶
گل			۶.۲	۶۸.۸	۲۵.۰	۱.۱۹
شهرک المهدی		۱۸.۸	۴۳.۸	۵۳.۷		۰.۱۹
خورخوره			۲۵.۰	۷۵.۰		۰.۷۵
گاپیس		۶.۲	۶.۲	۸۱.۲	۶.۲	۰.۸۸
للكلو		۴۰.۰	۲۶.۷	۳۳.۳		-۰.۰۷
نظام آباد			۳۵.۷	۶۴.۳		۰.۶۴
فیروز آباد		۴۳.۸	۲۵.۰	۲۵.۰	۶.۲	-۰.۰۶
گرده رش		۶.۲	۴۳.۸	۵۰.۰		۰.۴۴
گدکلو	۶.۲	۶.۲	۵۶.۲	۳۱.۲		۰.۱۳
قره چیق		۱۲.۵	۶.۲	۷۵.۰	۶.۲	۰.۷۵
خانه برق		۱۲.۵	۱۸.۸	۶۲.۵	۶.۲	۰.۶۳
خضرلو		۱۲.۵	۴۳.۸	۴۳.۸		۰.۳۱
دستجرد		۱۲.۵	۴۳.۸	۳۷.۵	۶.۲	۰.۳۸
سرای		۱۲.۵		۸۷.۵		۰.۷۵
مرجانلو				۱۰۰.۰		۱.۰۰
قره تپه		۶.۲	۲۵.۰	۶۸.۸		۰.۶۳
مجموع	۰.۳	۱۲.۷	۲۶.۲	۵۷.۶	۳.۲	۰.۵۱

البته که انتساب افزایش درآمد شماری از کشاورزان مرجع به اجرای فعالیت‌های طرح، بدون گردآوری اطلاعات پایه درباره‌ی وضعیت اقتصادی آن‌ها در آغاز کار، میسر نیست زیرا مرجعی برای مقایسه در دست نیست. با این همه، نتیجه‌های پیمایش کمی در جایی که می‌گویند درآمد حدود ۲۶ درصد کشاورزان مرجع در روستاهای نمونه‌ی این پیمایش تغییری نکرده است یا درآمد حدود ۱۳ درصد آن‌ها حتی کمتر هم شده است، تأمل‌انگیز است زیرا این امر انگیزه‌ی آن کشاورزان مرجع را برای کاربست مداوم آموزه‌های مربوط به کشاورزی پایدار را ضعیف‌تر می‌کند.

نمودار ۹- تغییر درآمد ناشی از کاربری توصیه‌های کشاورزی پایدار



یادآور می‌شویم که برخی از روستاییان و کارشناسان بر آن بودند که افزایش درآمد حاصل از کشاورزی لزوماً با افزایش میزان محصول یا بهتر شدن کیفیت آن بیش‌تر نمی‌شود و به نمونه‌هایی اشاره کردند که کشاورزان مرجع نتوانسته‌اند درآمد خود را افزایش دهند با آن که با آموزه‌های کشاورزی پایدار آشنا شده بودند و با کاربری آن‌ها محصول با کیفیت تولید کرده بودند یا حتی میزان برداشت‌شان هم بیش‌تر شده بود، زیرا با مشکل‌هایی مانند نبود تقاضای بازار برای محصول مورد نظر، شکستن قیمت از سوی دلال‌ها و هزینه‌هایی انبارداری تحمیلی روبه‌رو بودند. «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» از بابت یاری رساندن به کشاورزان مرجع برای روبارویی با این مشکل‌ها، دست‌کم در مرحله‌های ۱ و ۲، تمهیدی اختیار نکرده بود.

۶-۱-۲ کاهش هزینه‌های کشاورزی

تسهیل‌گران شرکت‌های مجری و کشاورزان مرجع بر آن بودند که برخی از شیوه‌های کشاورزی پایدار، به طور ویژه، سبب کاهش هزینه‌های تولید کشاورزی می‌شود. برای نمونه به «خاک‌ورزی حفاظتی» و «آزمون خاک» اشاره داشتند که روش اول از هزینه‌های آماده‌سازی زمین می‌کاهد و روش دوم روشن می‌سازد که آیا اصلاح سم و کود مصرفی مورد نیاز است و میزان و نوع آن را مشخص می‌کند که عموماً از میزان مصرف رایج کمتر برآورد می‌شود و در نتیجه هزینه‌ی کم‌تری به بار می‌آورد. هم‌چنین برخی توصیه‌های دیگر مانند زمان آبیاری مناسب نیز- که آن هم عموماً از میزان رایج کمتر است- هزینه‌های تولید کشاورزی را پایین می‌آورد. جدول تقاطعی هزینه و فایده و عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده (ص ۵۳) به تفکیک هر شیوه و هر یک از روستاهای هفت‌گانه‌ی پیمایش کیفی تاثیر هر آموزه را بر هزینه‌های تولید کشاورزی- از دیدگاه کشاورزان مرجع- نشان می‌دهد.

... بعضی از کشاورزان به ما می‌گفتند که مثلاً هشت بار آبیاری می‌کنند و این کار برایشان هزینه دارد، ضمن آن که آب کافی هم ندارند. ما بررسی کردیم و گفتیم سه بار آبیاری کافیه و اگر این کار را بکنند هم هزینه‌ی کم‌تری برای آب می‌پردازند و هم محصول‌شان دو برابر می‌شود. آن‌ها هم همین کار را کردند و نتیجه‌اش را هم به چشم دیدند.

تسهیل‌گر شرکت مجری، روستای گاپیس

در پایان این بخش، با مقایسه‌ی گفته‌های کشاورزان مرجع و شرایط و بستر اجتماعی-اقتصادی اجرای طرح، می‌توان استدلال کرد که روستاهایی که موفقیت بیش‌تری در اجرای شیوه‌ها و توصیه‌ها کشاورزی پایدار نشان داده‌اند و/یا از فرصت‌های بیش‌تری برای افزایش درآمد از راه تولید کشاورزی پایدار بهره گرفته‌اند، عموماً همان روستاهایی‌اند که میانگین مساحت اراضی بالاتری دارند و نیز ساکنان آن از بنیه‌ی اقتصادی قوی‌تر برخوردار‌اند؛ بدین سبب که هم توانستند، به شکل موثرتری، از آن دسته از شیوه‌هایی استفاده کنند که مستلزم داشتن زمین‌های بزرگ‌تری است تا تغییر الگوی کشت در آن‌ها مقرون به صرفه باشد و هم برای تکرار آزمون و خطاها تا رسیدن به نتیجه‌ی مثبت دارای امکانات مالی بودند.

۶-۱-۳ افزایش آگاهی روستاییان

«طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در دو سال نخست فعالیت خود از سازمان‌های غیر دولتی فعال در حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه پشتیبانی کرد تا آن‌ها بتوانند درباره‌ی اهمیت و نقش جامعه‌ی محلی در احیای دریاچه‌ی ارومیه دست به آگاهی-رسانی بزنند. این فعالیت‌ها مخاطب عام را در نظر داشته است و در راستای تحقق برون‌داد ۳، یعنی بسیج اجتماعی برای احیای دریاچه‌ی ارومیه و حفاظت از تنوع زیستی، صورت گرفته است. مدیران و کارشناسانی که در هر استان از بدو کار با طرح همکاری داشتند، مسلم می‌شمردند که آگاهی عمومی نسبت به دریاچه‌ی ارومیه و تالاب‌های اقماری در میان ساکنان این منطقه افزایش چشم‌گیری یافته است. اما این طرح هم‌چنین اقدام‌هایی را انجام داده است که اساساً هدف‌شان بالا بردن معلومات کشاورزان در دو عرصه‌ی زیر بوده است. در ادامه، به روندهای اجرایی و چه‌گونه‌گی اثرگذاری این دو جنبه در روستاهای مورد پیمایش می‌پردازیم:

۶-۱-۳-۱ درباره‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار

هنگام بررسی مبحث آموزش شیوه‌های کشاورزی در روستاهای مورد پیمایش، و سپس بررسی دقیق‌تر تاثیر آن آموزش‌ها بر میزان کاربست آن آموزه‌ها، آشکار شد که کشاورزان به طور کلی آموزش‌ها را مفید دانسته‌اند. از حیث روش آموزش، هر چه قالب برگزاری

دوره‌های آموزشی عملی‌تر بوده، آن آموزه‌ها را بهتر فرا گرفته بودند. با این همه، لزوماً از همه‌ی سرفصل‌های آموزشی به یک اندازه استقبال نکرده‌اند و به دلیل‌هایی که در ادامه خواهد آمد از تمامی آن‌ها در فعالیت تولیدی خود استفاده نکرده‌اند.

با در نظر گرفتن بسآمد دوره‌ها در این روستاها، دریافتیم که شرکت‌های مجری آموزش‌هایی مانند بذر مالی و ضدعفونی کردن بذرها، پرورش نهال و نشاء با کود و سم بیولوژیک، انتخاب بهترین زمان و فاصله‌ی آبیاری، استفاده از کودهای مناسب حیوانی و ارگانیک و برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین را (خواه زیر همین عنوان‌ها یا عنوان‌های مشابه) بیش از بقیه‌ی سرفصل‌ها به کشاورزان عرضه کرده‌اند. هم‌چنین دریافتیم که کشاورزان مرجع (از میان همه-

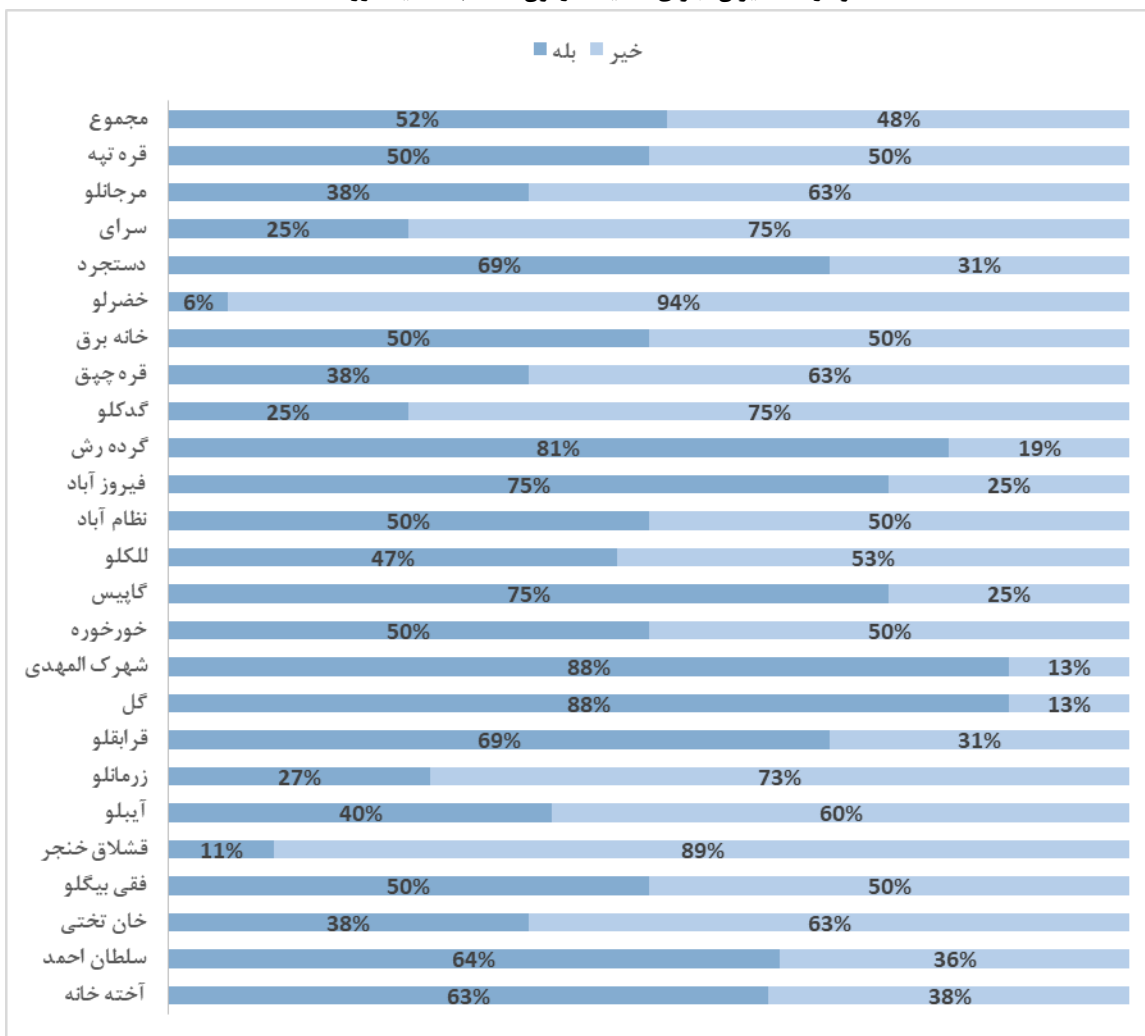
... در واقع کشاورزان برای انجام کشاورزی پایدار نیاز به انگیزه داشتند ولی تا زمانی که مهندسین از طرف شرکت‌ها به روستا نیامده بودند امکان اجرای کشاورزی پایدار نبود. ... کشاورزی در آن زمان واقعاً مرده بود، هم از لحاظ آب و هم از لحاظ خاک، ... در نتیجه ما احتیاج به یک سری برنامه‌های جامع داشتیم. برای انجام این برنامه‌ها هر هفته ۲ تا ۳ ساعت کلاس عملی برای کشاورزان گذاشته می‌شد. نتیجه‌ی برگزاری این کلاس‌ها به وجود آمدن انگیزه در کشاورزان بود برای تغییر کشاورزی سنتی به مدرن و استفاده‌ی بهینه از آب و سم کمتر.

تسهیل‌گر شرکت مجری، روستای گل

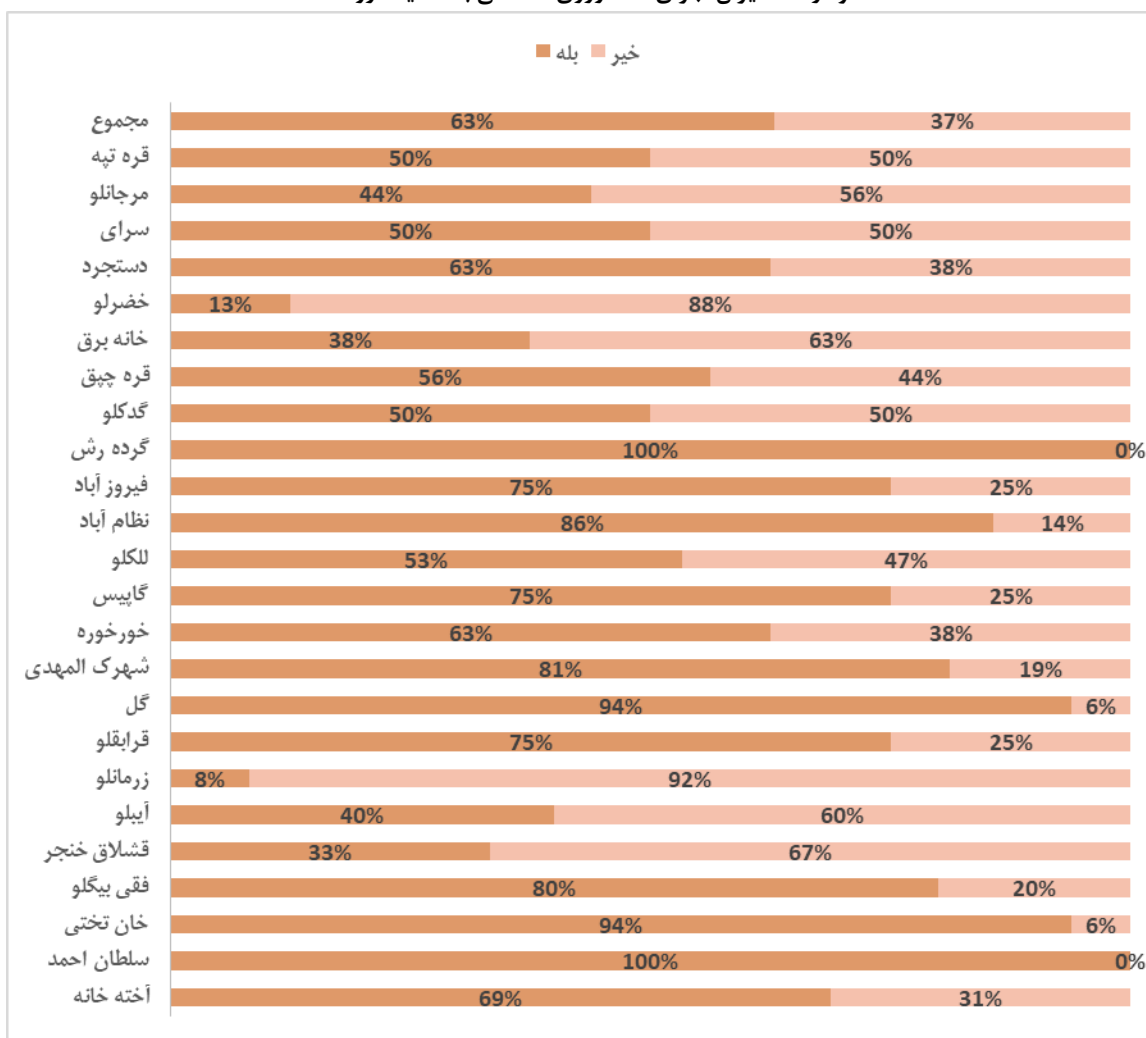
ی آموزه‌ها) شیوه‌ها و توصیه‌هایی از جمله آزمون خاک، خاک‌ورزی حفاظتی، مبارزه با علف‌های هرز، تسطیح مناسب زمین، برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین، استفاده از بذر جدید، کرت‌بندی مناسب و کوچک کردن کرت‌ها را بیش از بقیه به کار بسته‌اند. البته، به گفته‌ی شرکت‌های مجری، افزون بر خود آموزه‌ها و روش ارائه‌ی آن‌ها، هر جا که تسهیل‌گران روستایی می‌توانستند ارتباط خود را با کشاورزان مرجع به طور منظم و مستمر حفظ کنند، انگیزه و اشتیاق کشاورزان برای آزمون شیوه‌های کشاورزی پایدار بالا می‌گرفت و نتیجه‌ی کار بارزتر می‌شد.

در هر صورت، جزییات بیش‌تر را درباره‌ی میزان کاربست دو شیوه‌ای که در کل بیش از آموزه‌های دیگر مورد استقبال کشاورزان مرجع قرار گرفته بود، در نمودارهای ۱۰ و ۱۱ می‌بینید. این نمودارها نشان می‌دهد که بیش‌ترین نسبت اجرای آزمون خاک مربوط به دو روستای گل و شهرک المهدی و کم‌ترین میزان اجرای آن مربوط به دو روستای قشلاق خنجر و خضرو است. هم‌چنین کشاورزان مرجع در روستاهای گرده‌رش و سلطان احمد بیش از دیگران و در روستاهای خضرو و زمانلو کم‌تر از دیگران از روش خاک‌ورزی حفاظتی بهره گرفته بودند.

نمودار ۱۰- میزان اجرای تکنیک آزمون خاک به تفکیک روستاها



نمودار ۱۱- میزان اجرای خاک‌ورزی حفاظتی به تفکیک روستاها



۱-۳-۲ درباره‌ی پیوند میان استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه

یکی از پرسش‌های خطیری که این ارزیابی در برابر خود داشت، آن بود که، نخست، دریابد آیا افرادی که زیر پوشش طرح قرار دارند، میان فعالیت‌های جاری برای آزمودن شیوه‌های کشاورزی پایدار با احیای دریاچه‌ی ارومیه پیوندی قابل اند و اگر میان این دو فرآیند ارتباطی می‌بینند، از چه جنس است و نقش و مسئولیت خودشان و دیگران در تقویت این پیوند چه می‌تواند باشد. برای آن که بتوان به این پرسش‌ها پاسخ درخوری عرضه کرد، گروه ارزیابی دو وجه را از هم متمایز ساخت: الف) طرح حاضر، در دو سال نخست، چه کوشش‌هایی را برای توضیح و تشریح این ارتباط در پیش گرفته است؛ ب) روستاییان، به ویژه کشاورزان مرجع، چه برداشتی در این باره دارند.

در پاسخ به پرسش نخست، گروه ارزیابی، با مرور گزارش‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در پایان مرحله‌ی ۱، دریافت که فعالیت‌های آگاهی‌رسانی متعددی برای آشناسازی و حساسیت‌انگیزی روستاییان منطقه با نقش جامعه‌ی محلی در احیای دریاچه‌ی ارومیه و استقرار کشاورزی پایدار به انجام رسیده است. از جمله آن که در سال ۱۳۹۳، برای ۱۶۴ نفر از کشاورزان ۴۱ روستای زیر پوشش «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» بازدیدهایی از دو دسته مزرعه تدارک دیده شده بود؛ یک دسته با به

کارگیری شیوه‌های کشاورزی پایدار به توفیق‌هایی دست یافته بودند و دسته‌ی دیگر بر اثر بحران دریاچه‌ی ارومیه صدمه خورده بودند. در این بازدیدها کشاورزان با هم و با کارشناسان به گفت‌وشنود پرداختند و هم چنین کتابچه‌های راهنما و نوشته‌های آموزشی درباره‌ی دلیل‌های خشک شدن دریاچه و راه‌های نجات آن دریافت کردند.^{۲۴} هم‌چنین حدود هزار کتابچه درباره‌ی حفاظت از محیط زیست تهیه و میان روحانیان و افراد کلیدی روستاهای زیر پوشش طرح پخش شده بود.^{۲۵} یکی دیگر از فعالیت‌هایی که بر افزایش آگاهی روستاییان تاثیر مثبتی گذاشته بود، برگزاری نمایشگاهی بود از محصولات کشت پاییزه‌ی کشاورزانی که از شیوه‌های کشاورزی پایدار بهره گرفته بودند و خود چه‌گونگی انجام دادن مرحله‌های گوناگون را برای بیش از ۴۰۰ کشاورز و بازدیدکننده از آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی تشریح می‌کردند.^{۲۶}

هم‌چنین، در گفت‌وگو با روستاییان، گروه ارزیابی متوجه شد که اغلب کشاورزان مرجع، خواه زیر تاثیر فعالیت‌های یاد شده خواه از راه‌های دیگر، میان 'خشک شدن' دریاچه‌ی ارومیه و 'کشاورزی غیر اصولی' ارتباطی را برقرار می‌دیدند. هر چند، در خلال بحث‌های گروهی چنین ابراز می‌کردند که دریاچه تنها با تغییر الگوی کشت از سوی آن‌ها احیا نمی‌شود و تاثیر عامل‌های دیگری را، در مقیاس‌های بزرگ‌تر، مهم‌تر می‌شمردند. یک نمونه از این مباحث در نمودار ۱۲ آمده است:

نمودار ۱۲- برداشت روستاییان قراقلو از دلیل‌های بروز بحران دریاچه‌ی ارومیه



با پرس‌وجو از تسهیل‌گران روستایی و شرکت‌های مجری استقرار کشاورزی پایدار روشن شد که رابطه‌ی میان دو فرآیند احیای دریاچه‌ی ارومیه و استقرار کشاورزی پایدار به شکل یک‌سانی به مثابه‌ی آموزه‌ای با اصول و استانداردهای ثابت برای کشاورزان مرجع شکافته نمی‌شود و بستگی به ابتکار عمل و معلومات خود تسهیل‌گران دارد. شرکت‌های مجری درباره‌ی چه‌گونگی آموزش شیوه‌های کشاورزی رایج و کشاورزی پایدار هم خود تجربه دارند و هم به دستور عمل‌های معینی از سوی جهاد کشاورزی دسترسی دارند. از سوی دیگر، سازمان حفاظت محیط زیست، ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه و دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران نیز نوشته‌ها و بسته‌های آموزشی چند رسانه‌ای و کتابچه‌های راهنما برای آموزش مفهوم حفاظت از محیط زیست و راه‌های گوناگون آن در زندگی روزمره انتشار داده‌اند. اما «طرح مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» توصیه‌ی خاصی به شرکت‌های مجری برای

بهره‌گیری از این مرجع‌های آموزشی در بدو ورود به روستا نکرده است. هر چند، بر مضمون‌های کتابچه‌های راهنما و نوشته‌های آموزشی برای آگاهی‌رسانی همگانی نظارت داشته است.^{۲۷}

در پاسخ به پرسش بعدی (پرسش ب، ص ۴۶)، برخی شرکت‌های مجری بر آن بودند که تاکید اصلی طرح بر آموزش عملی روستاییان درباره‌ی فناوری کشاورزی پایدار از راه‌های مشارکتی بوده است، در نتیجه کشاورزان از زبان تسهیل‌گران روستایی- در بدو ورودشان به روستا- شنیده بودند که استقرار کشاورزی پایدار بدون مشارکت کشاورزان میسر نخواهد بود. البته شماری از خود روستاییان ابراز کردند که، از همان نخستین بازدید تسهیل‌گران، می‌دانستند که حضور شرکت‌های مجری به خاطر مشکل آب دریاچه‌ی ارومیه است. ضمن آن که، حتی در سال‌های نخستین طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»، بیش‌تر کشاورزان جلوه‌های ناگوار خشکی دریاچه را به چشم دیده بودند و تسهیل‌گران کوشش خاصی برای نشان دادن این ارتباط را لازم نمی‌شمردند و به گمان آنان همان توضیحات مقدماتی تکافو می‌کرده است، حال آن که برداشت و تحلیل کشاورزان درباره‌ی دلیل بروز بحران آب بیش‌تر بر پایه‌ی شنیده‌هایشان بوده که لزوماً توضیح درست یا کاملی نبوده است و به کشاورزان برای تحلیل مسئله کمک نمی‌کرده است. از سوی دیگر، مدیران و کارشناسان گوناگون بخش دولتی به کوشش‌های طرح برای ایجاد حساسیت و دغدغه در میان کشاورزان اذعان داشتند. هر چند، شماری از آن‌ها اشاره کردند که نبود امکانات بیش‌تر سبب می‌شود تا نتیجه‌های مطلوب در عمل فراهم نیاید. در مجموع، می‌توان گفت که یک بُعد از قضیه- یعنی تاثیر مصرف ناپایدار آب کشاورزی بر خشکی دریاچه- تا اندازه‌ی زیادی برای کشاورزان در روستاهای زیر پوشش طرح روشن شده است، اما این امر لزوماً در وجه مثبت آن- یعنی تاثیر کنترل مصرف آب کشاورزی بر احیای دریاچه- برای همه‌ی کشاورزان مرجع، و در پی آن برای اهالی روستا، چندان جا نیفتاده است.

معمولاً همین ابهام یا تردید جامعه‌ی محلی نسبت به رویکردهای غیر مرسوم سبب می‌شود راه‌کاری مانند کشاورزی پایدار به آسانی و در دم مورد پذیرش قرار نگیرد. اما ریشه‌ی تردید را در عرصه‌های دیگری به جز فعالیت‌های آگاهی‌رسانی باید جست. به سخن دیگر، نمی‌توان از وجه تاثیر مستقیم و سریع افزایش آگاهی، به فرض بر تغییر الگوی کشت، وارد شد و انتظار داشت که صرف فعالیت‌های آگاهی‌رسانی و آموزشی، ولو به مشارکتی‌ترین شکل، می‌تواند آن تردیدها و ابهام‌ها را بر طرف سازد. در فرآیند حفاظت از تنوع زیستی، اغلب این دست از فعالیت‌ها را با افزایش و تقویت پهنه‌ی مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور همراه می‌کنند. نمی‌توان آگاهی‌های همگانی درباره‌ی دلیل خشکی دریاچه‌ی ارومیه را افزایش داد ولی هم‌زمان زمینه را برای فعالیت مشترک و گروهی جامعه‌ی روستایی در نهادهای تصمیم‌گیری و مدیریت در قالب تشکلهای محلی، یا با هر سازوکار مرتبط دیگری، فراهم نیاورد و کشاورزان را از این جهت تقویت نکرد. (در بخش‌های ۲-۲-۶ و ۴-۲-۶ باز به این موضوع خواهیم پرداخت). البته باید افزود که طی این ارزیابی تجربه‌های متعددی بازگو شد، گواه آن که کشاورزانی به طور فردی از بیش‌تر شدن معلومات و امکانات‌شان برای مشارکت در فرآیند دریاچه‌ی ارومیه ابراز رضایت کرده بودند.

۲-۶ موثرترین شیوه‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار

طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» بنا به گفته‌ی خویش می‌کوشد تا با استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار، که آن فرآیند را بر پایه‌ی آموزش و مشارکت کشاورز می‌گذارد، با حفظ هم‌زمان منفعت و درآمد کشاورزان، از مصرف منابع آبی و نهاده- های کشاورزی بکاهد و از این راه به تامین بخشی از حق‌آبه‌ی دریاچه‌ی ارومیه یاری برساند. برنامه‌ریزان و مجریان طرح برای

اجرای این فرآیند چند محور را تعریف کرده است، از جمله: ورود به جامعه‌ی محلی؛ برنامه‌ریزی مشارکتی؛ اجرای شیوه‌های فنی مورد نظر در سطح مزرعه‌ها برای کشت پاییزه و بهاره؛ مستندسازی فرآیند با همراهی کشاورزان مرجع. برای هر یک از این محورها اقدام‌های معینی در نظر گرفته شد.^{۲۸} نقش کشاورزان در پیشبرد همه‌ی این فعالیت‌ها برجسته است. به همین دلیل جلب توجه و همراهی آن‌ها، برای دستگاه‌های مجری و ناظر، اهمیت اساسی یافت. در طی دو سال، شماری از فعالیت‌های ریز و درشت به اجرا درآمد که بیش‌ترین تاثیر را در جلب مشارکت کشاورزان مرجع گذاشت پاره‌ای از این فعالیت‌ها، هم از دیدگاه کشاورزان و هم در چشم مجریان و ناظران طرح، موثرتر جلوه کرده است. با این همه، تمام دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان، برای موثرتر شمردن یک روش یا یک فعالیت، لزوماً معیار مشترکی نداشتند. کشاورزان مرجع، عموماً، آن شیوه‌هایی را موثرتر می‌دانستند که هر چه سریع‌تر درآمد آن‌ها را از راه کاهش هزینه‌ها و افزایش میزان عملکرد و تولید محصولات افزایش می‌داد. برای گروه‌های دیگر، شیوه‌هایی که بر جنبه‌های مدیریتی اثر مثبت می‌گذاشت، مهم‌تر می‌نمود؛ بدین معنا که اگر آن شیوه‌ها روند اجرای طرح و رسیدن به هدف‌های طرح را آسان‌تر می‌ساخت، آن‌ها نیز ابراز خشنودی می‌کردند. اما اگر اجرای شیوه‌هایی وقت‌گیرتر و دشوارتر از آب درمی‌آمد و نظارت بر آن پیچیده‌تر می‌شد، در موثر بودن آن شیوه ابراز تردید می‌کردند. به هر رو، جنبه‌هایی را به شرح زیر- از دیدگاه هر دو گروه- می‌آوریم:

۶-۲-۱ ابتکار عمل‌های شرکت‌های مجری

بر پایه‌ی گفت‌وگوهای گروه ارزیابی با مدیران و/یا تسهیل‌گران شرکت‌های مجری و روستاییان، به نظر می‌رسد که فرآیند اجرای طرح در مرحله‌های اول و دوم طرح، کم و بیش در چارچوب واحدی در تمام روستاها اتفاق افتاده است. چکیده‌ی روایت آن‌ها حاکی از آن است که الف) تسهیل‌گران با مقدمه‌چینی‌هایی وارد روستا شده‌اند و گروهی از کشاورزان را در محلی- که معمولاً مسجد روستاست- گرد هم آورده‌اند تا پس از معرفی طرح، از آن‌ها برای شرکت در دوره‌های آموزشی دعوت کنند و ب) پس از آن کار خود را با حدود ۱۵ کشاورز داوطلب، در قالب کشاورزان مرجع، ادامه داده‌اند. در این روند، تسهیل‌گرانی بوده‌اند که، برای فراخواندن شمار بیش‌تری از روستاییان و جلب توجه آنان، به همکاری دهیار یا اعضای شورای اسلامی روستا بسنده نکردند و از راه‌های گوناگونی، مانند به کارگیری شبکه‌های ارتباطی خود و گاه پیوندهای خانوادگی، گستره‌ی حضور خود را در روستا فراخ‌تر کردند. هم‌چنین، اگر در هنگام عرضه‌ی سرفصل‌های آموزشی دریافتند که نیاز آموزشی کشاورزان مرجع چیزهای دیگری است، آن سرفصل‌های تازه را هم در دستور کار خود گنجانده و به چشم دیدند که هر قدر که برای تطبیق روش و محتوای کارشان با نیازهای واقعی کشاورزان انعطاف بیش‌تری به خرج می‌دهند، کشاورزان مرجع به آموزه‌های کشاورزی پایدار توجه بیش‌تری نشان می‌دهند. یک نمونه‌ی موفق دیگر تسهیل‌گری است که نتوانسته بود تا زمان مقرر کشاورزی را بیاید که پاپیش بگذارد و برای نشان دادن شیوه‌های کشاورزی پایدار مزرعه‌اش را در اختیار بگذارد. برای آن که زمان مناسب را از دست ندهد خودش اقدام به اجاره‌ی زمینی کرد تا بتواند شیوه‌های مورد نظر را در برابر چشم روستاییان بیازماید و به صرف توصیه‌های لفظی اکتفا نکند. نمونه‌های دیگری هم یافت می‌شود که تسهیل‌گران برای پیشبرد کار از امکانات، ارتباطات و ظرفیت‌های شخصی‌شان مایه گذاشته باشند و توانسته باشند از مراکز خدمات کشاورزی و بخش خصوصی، برای کشاورزان مرجع، ماشین‌آلات و ابزارهای کشاورزی بگیرند یا در بازاریابی محصولات کم‌آب‌خواه مددکار کشاورزان باشند یا خدمات مربوط به آزمون خاک را به طور رایگان در اختیار گذاشته باشند.

در مرحله‌های ۱ و ۲، آموزه‌هایی مانند FFS و IPCM که راهنمای عمل مدیریت طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» بوده است، بر تقویت مشارکت میان بخش دولتی و روستاییان و میان خود روستاییان تاکید داشته است. این رویکرد در جاهایی که شرکت‌های مجری با چالش‌های اساسی روبه‌رو نبوده‌اند تا اندازه‌ی زیادی راه‌گشا بوده است؛ بدین معنا که چارچوبی متشکل از گام‌های اجرایی معینی را پیش روی تسهیل‌گران روستایی گذاشته است تا بتوانند با حضور پیوسته‌ی خود دست به اعتمادسازی بزنند، و نیز برای تشویق کشاورزان به انجام دادن اقدامی جمعی برای حل-

و فصل مشکل‌هاشان بهره‌گیرند. به گواه مصاحبه با مدیران و تسهیل‌گران شرکت‌های مجری، طی این مسیر دشوار بوده است و روستاییان نیز بر این نکته اذعان داشتند. هر چند، نمونه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد دمیدن روحیه‌ی مشارکتی در فرآیند کار توانسته است در موردی میان خود روستاییان نیز منجر به عمل مشترکی شود که هم منفعت همگانی را محفوظ نگه دارد و هم در راستای تحقق هدف‌های اصلی طرح باشد. برای نمونه، به گفته‌ی مشاور ظرفیت‌سازی طرح، در یکی از روستاها، کشاورزی که خود مجوز استفاده از چاه عمیق داشته است زیر تاثیر آموزه‌های مشارکتی داوطلب شده است که مجوزش را برای تجمیع چاه‌ها در اختیار بگذارد یا در روستای سلطان احمد اهالی تصمیم گرفتند تا برای آب‌رسانی از چاه‌های مشترک به زمین‌های کشاورزی بدون کمک دولت لوله‌گذاری کنند. البته یادآور می‌شویم که کشاورزان خود به نکته‌ای یا دستاوردی بر

من فکر می‌کنم مشارکت در جاهایی بیشتر اتفاق افتاده که تسهیل‌گرها بهتر کار کردند، بیشتر وقت گذاشتند، صبور بودند و توانایی‌های خوبی هم داشتند. حتی ما الان تسهیل‌گرهایی داریم که تکنیک‌های مشارکتی را هم به کشاورزان آموزش داده‌اند و اگر خودشان نباشند کشاورزان از همان ابزارها استفاده می‌کنند و جلسات‌شان را می‌گردانند.

... بر اساس تجربه‌ی ما مشارکت در روستاهای کوچک‌تر بیشتر از روستاهایی که جمعیت زیاد دارند و در حال تبدیل شدن به شهر هستند، اتفاق می‌افتد.

کارشناس فنی، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

پایه‌ی کار مشترک‌شان با کشاورزان دیگر، در حین پاسخ به پرسش‌های باز در پیمایش کمی و نیز هنگام بحث‌های گروهی در پیمایش کیفی، اشاره‌ای نکردند. چه بسا هنوز زمینه‌ی این گونه تشریک مساعی کشاورزان چندان فراهم نیامده است تا امتیازهای آن به چشم کشاورزان مرجع و ذی‌نفعان دیگر بارز جلوه کند.

مدیریت استانی جهاد کشاورزی و طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای نشان دادن تاثیر مثبت به کارگیری روش‌های مشارکتی در جلب همکاری روستاییان برای استقرار کشاورزی پایدار مثال آوردند که هم اکنون ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه بخشی از منابع مالی خود را به راه‌اندازی فعالیت‌هایی به روش طرح حاضر اختصاص داده است و در صدد است در سطح گسترده‌ای از شرکت‌های شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی برای استقرار کشاورزی پایدار از راه جلب مشارکت روستاییان بهره بگیرد.

۶-۲-۳ فراگیری کشاورزان از یک‌دیگر

به خلاف مورد بالا، کشاورزان بسیاری به مزیت این نوع دانش‌اندوزی، یعنی فراگیری از یک‌دیگر، اشاره کردند. مدیران و کارشناسان هر دو استان هم به کارآیی این روش آموزش اذعان داشتند. فراهم آوردن زمینه‌ی انتقال تجربه‌ی کشاورزان به یک‌دیگر از سوی شرکت‌های مجری سبب شده است تا از یک سو روستاییان دیگر، خواه مرجع خواه غیر مرجع، از زبان اعضای گروه همگن خود با

فناوری‌های نوین و نامرسوم آشنا شوند، و از سوی دیگر کشاورزی که تجربه‌ی خود را بازگو می‌کند، در عمل، نشان می‌دهد که چه‌گونه می‌توان- به مدد ظرفیت‌سازی برای کشاورزان مرجع- بدنه‌ای/سامانه‌ای از دانش بومی برای استقرار کشاورزی پایدار ایجاد کرد. اطلاعات فراهم آمده گواه آن است که کشاورزان به تجربه‌ها و سخنان کشاورزان دیگر درباره‌ی اثر شیوه‌های کشاورزی پایدار بر کاهش برخی از هزینه‌ها، افزایش میزان عملکرد و تولید محصولات بیش از آموزش‌ها و توصیه‌های هر کارشناس و مهندسی اعتماد می‌ورزند و به آزمودن آن شیوه‌ها ترغیب می‌شوند.

۴-۲-۶ برنامه‌ی ظرفیت‌سازی

برنامه‌ریزان، مجریان و پشتیبانان مالی و فنی طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» جملگی بر ضرورت به کارگیری رویکرد 'ظرفیت‌سازی' تکیه می‌کنند. فارغ از این که آیا برداشت و/یا چشم‌داشت آن‌ها از روند ظرفیت‌سازی و نتیجه‌ی حاصل از آن یک‌دست باشد یا نباشد، از همان بدو کار، فعالیت‌هایی در این زمینه پیش‌بینی شد. گروه‌های هدف این فعالیت‌ها، نخست، کارشناسان و تسهیل‌گران شرکت‌های مجری بوده‌اند، تا بتوانند پیش از ورود به روستا آمادگی لازم را بیابند.^{۲۹} در ادامه‌ی این روند، برنامه‌های ظرفیت‌سازی بسیاری برای کشاورزان مرجع تدارک دیده شد. بدنه‌ی کارشناسی اداره‌های کل جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست نیز، در مرحله‌ی بعدی، هدف برنامه‌های ظرفیت‌سازی قرار گرفت.

۴-۲-۶-۱ کشاورزان مرجع

در بخش‌های پیشین به برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی روستاییان اشاره شد. اما، در این جا، نمونه‌هایی را می‌آوریم که گواهی می‌دهند فرآیند ظرفیت‌سازی بر رفتار کشاورزان مرجع تا اندازه‌ی زیادی اثر گذاشته است. پیشاپیش تاکید می‌شود که برنامه‌های ظرفیت‌سازی- با هر رویکردی که برای افراد میان‌سال به بالا برگزار شود- به شرط استمرار، پیوستگی و مرتبط بودن آموزه‌ها با نیازهای واقعی زندگی است که می‌تواند رفتار و بینش مخاطبان خود را دگرگون کند. باید افزود که مدت زمان اجرای کل فعالیت- های طرح در روستاهای مورد پیمایش چندان کوتاه، و برنامه‌های ظرفیت‌سازی چندان ناپیوسته و تجربی، بودند که نمی‌توان، با قطعیت، حکم به تغییر رفتار و بینش کشاورزان مرجع در آن مدت داد و مدرک مستدلی در این باره عرضه کرد. با این همه، گروه ارزیابی نشانه‌هایی یافت که- در صورت جمع شدن همه‌ی شرایط لازم- می‌توان به تاثیر برنامه‌های ظرفیت‌سازی در جلب مشارکت روستاییان برای استقرار کشاورزی پایدار امیدوار شد. برای نمونه، پیمایش کمی نشان می‌دهد که از میان ۳۴۸ کشاورز مرجعی (که پرسش‌نامه‌شان معتبر شمرده می‌شد) بیش از ۸۰ درصد آنان از ۱۹ روشی که یاد گرفته بودند، دست‌کم، ۹ روش را به کار گرفتند. جدول ۱۴ جزییات بیش‌تری را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴- میزان یادگیری و کاربرد روش‌های کشاورزی پایدار (به درصد)

	توصیه‌ها و تکنیک‌های کشاورزی پایدار	آیا آموزش دیده اید؟		آیا به کار بسته اید؟	
		بله	خیر	بله	خیر
۱	انتقال مناسب آب با لوله‌کشی یا کانال‌کشی	۸۰.۲	۱۹.۸	۴۶.۶	۵۳.۴
۲	انتخاب بهترین زمان کشت	۸۴.۷	۱۵.۳	۸۸.۵	۱۱.۵
۳	انتخاب بهترین زمان و فاصله‌ی آبیاری	۸۶.۸	۱۳.۲	۸۸.۵	۱۱.۵
۴	استفاده از روش‌های بهینه‌ی آبیاری	۸۴.۵	۱۵.۵	۲۹.۹	۷۰.۱
۵	استفاده از کودهای حیوانی و ارگانیک	۸۶.۸	۱۳.۲	۸۴.۸	۱۵.۲
۶	استفاده از کود شیمیایی بر اساس آزمون خاک	۷۸.۴	۲۱.۶	۵۱.۹	۴۸.۱

۷	تسطیح مناسب زمین	۸۳.۰	۱۷.۰	۹۲.۰	۸.۰
۸	کرت بندی مناسب و کوچک کردن کرت ها	۸۸.۵	۱۱.۵	۸۹.۱	۱۰.۹
۹	خاک ورزی حفاظتی	۷۳.۹	۲۶.۱	۶۲.۹	۳۷.۱
۱۰	برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین	۸۶.۸	۱۳.۲	۸۹.۴	۱۰.۶
۱۱	رعایت میزان بذر مصرفی	۸۵.۹	۱۴.۱	۸۱.۳	۱۸.۷
۱۲	کاشت با دستگاه خطی کار	۷۳.۹	۲۶.۱	۵۰.۹	۴۹.۱
۱۳	بذر مال و ضد عفونی بذور، نهال و نشاء با کود و سموم بیولوژیک	۸۷.۶	۱۲.۴	۸۵.۱	۱۴.۹
۱۴	استفاده از ارقام مقاوم به کم آبی و شوری	۸۶.۵	۱۳.۵	۷۷.۰	۲۳.۰
۱۵	مبارزه با علف های هرز	۸۶.۲	۱۳.۸	۹۳.۷	۶.۳
۱۶	مبارزه بیولوژیک با آفات	۵۸.۶	۴۱.۴	۲۷.۶	۷۲.۴
۱۷	هرس باغات	۵۵.۹	۴۴.۱	۴۹.۱	۵۰.۹
۱۸	استفاده از چال کود در باغ ها	۶۷.۸	۳۲.۲	۵۱.۴	۴۸.۶
۱۹	کالیبراسیون ادوات کشاورزی	۹.۶۰	۳۹.۱	۵۹.۵	۴۰.۵

در پیمایش کیفی، تسهیل گران روستایی بر تاثیرپذیری بیش تری از آموزه ها تاکید داشتند. برای نمونه، در روستای گل، با مشاهده- ی عملکرد کشاورزان مرجع، اساسا شخم عمیق دیگر رواج ندارد، مگر آن که بخواهند بقایای گیاهی را که باقی مانده است به داخل خاک برگردانند تا در زمان کاشت مانعی برای دستگاه های خودکار ایجاد نشود. یادآور می شویم که کشاورزان مرجع در روستاهای مورد پیمایش کیفی از دو روش خاک ورزی حفاظتی (شخم کم) و آزمون خاک بیش ترین استفاده را کرده بودند. جدول ۱۵ جزئیات بیش تری را نشان می دهد.

جدول ۱۵- اولویت بندی کشاورزان پایدار مرجع از روش های کشاورزی پایدار در روستاهای نمونه ی پیمایش کیفی

	توصیه ها و روش های کشاورزی پایدار	سلطان احمد	قربقلو	گل	گاپیس	نظام آباد	قره چیق	مرجانلو	فراوانی
۱	خاک ورزی حفاظتی (شخم کم)	*		*	*		*		۴
۲	آزمون خاک		*		*	*	*		۴
۳	جایگزینی کود حیوانی به جای شیمیایی	*		*			*		۳
۴	بذر اصلاح شده (پیشنهاد رقم مناسب)	*	*		*				۳
۵	روش های نوین آبیاری (تحت فشار و تشتکی)			*	*	*			۳
۶	استفاده از سموم و کود در زمان مناسب				*			*	۲
۷	برگرداندن بقایای گیاهی به زمین			*					۱
۸	کشت مکانیزه		*						۱
۹	استفاده از چال کود در باغات				*				۱
۱۰	تسطیح اراضی					*			۱
۱۱	کوچک کردن کرت ها					*			۱
۱۲	مبارزه با علف های هرز							*	۱
۱۳	کشت جایگزین							*	۱

اما کشاورزان مرجع ابراز می‌کردند که برای به کارگیری هر یک از این شیوه‌ها با فرصت‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو بودند که دانستن نقطه‌نظرهای آنان برای ایجاد جرح و تعدیل در برنامه‌های ظرفیت‌سازی آتی اهمیت دارد. گروه ارزیابی بحث و نظر کشاورزان مرجع را در جدول ۱۶ دسته‌بندی کرد.

اظهارات کشاورزان مرجع در این روستاها نشان می‌دهد که شماری از مسئله‌ها کاملاً رنگ‌وبوی محلی دارد و روستا به روستا، کشاورز به کشاورز، تسهیل‌گر به تسهیل‌گر تفاوت می‌کند و چه بسا نتوان تاثیر مثبت برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را با تجویزی یک‌سان و از بالا قوت بخشید. با این همه، مرور دقیق‌تر این گفته‌ها فصل‌های مشترک میان روستاهای زیر پوشش را می‌نماید. برای نمونه، بررسی ستون‌های مربوط به فایده‌ها و نیز عامل‌های پیش‌برنده یا مشوّق برای کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار گواه آن است که کشاورزان مرجع الف) زیر تاثیر برنامه‌های آموزشی، به جنبه‌های فنی/علمی شیوه‌های کشاورزی پایدار برای جلوگیری از فرسایش خاک و صرفه‌جویی در میزان استفاده از منابع آبی آشنایی یافته‌اند؛ ب) دریافته‌اند که شماری از این آموزه‌ها برایشان فایده دارد زیرا میزان محصول را افزایش می‌دهد، کیفیت محصول را بالا می‌برد، از هزینه‌های تولید می‌کاهد و در موردهایی سبب آسانی کارها هم می‌شود؛ پ) از این که در جاهایی به تجربه‌های موفق کشاورزان دیگر و/یا توصیه‌های تسهیل‌گران شرکت‌های مجری گوش فرا دادند و از آن در کار خود بهره گرفتند، منفعت بردند؛ و ت) از این که شماری از این روش‌ها می‌توانست در شرایط کم‌آبی هم به ایشان امکان دهد تا به کار کشاورزی بپردازند، خشنود اند و این را انگیزه‌ای برای کاربست آموزه‌ها می‌شمارند. (به مفاد ستون‌های مربوط به هزینه‌ها و عامل‌های بازدارنده یا موانع برای کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار در [بخش ۴-۶](#) خواهیم پرداخت).

جدول ۱۶- هزینه و فایده و عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
خاک‌ورزی حفاظتی	سلطان‌احمد	سلماس	-	- مصرف کم‌تر آب - استفاده‌ی بهینه از کود حیوانی - عدم تخریب خاک - جلوگیری از ناهمواری زمین	- کمبود ادوات کشاورزی - عدم اطلاع کشاورزان	- بازدهی محصول بیش‌تر می‌شود - کمبود آب، ما را تشویق کرد که شخم کم‌تری بزنیم
	گل	نقده	-	- نفوذپذیری عمقی آب به خاک کم‌تر می‌شود - کاهش علف هرز - افزایش حاصل‌خیزی - افزایش عملکرد با شخم نزدن - هزینه‌های آماده‌سازی کم‌تر می‌شود	- عدم آگاهی کشاورزان - طرز فکر قدیمی (باورهای اشتباه)	- جواب‌گو نبودن روش‌های قدیمی
	گاپیس	مهاباد	- هزینه‌اش برای برخی محصولات مثل چغندر بیش‌تر است	- کار راحت‌تر می‌شود - میزان مصرف بذر مدیریت می‌شود - از کل زمین یک‌نواخت استفاده می‌شود - محصول بیش‌تر می‌شود	-	- در دسترس بودن دستگاه‌های مکانیزه - با وجود هزینه‌ی زیاد، باز هم از روش سنتی بهتر است
	قره‌چق	بناب	-	- مصرف کم آب - مواد آلی، از روی خاک، زیر خاک نمی‌رود - فرسایش کم خاک - زمین صاف می‌شود	- بقایا و علف‌های هرز به زیر خاک نمی‌رود تا پوسیده شود - به دلیل کوچک بودن مساحت زمین‌ها استفاده از ادوات به صرفه نیست	- کم‌تر بودن هزینه‌ها - مصرف کم‌تر آب

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
آب و خاک				- هزینه‌ها کم‌تر می‌شود	- با این روش، عمق کم‌تری از خاک نرم می‌شود - طی چند سال استفاده از این روش لایه‌ی رویین خاک سبک و لایه‌ی زیرین سفت شده و نیاز به شخم عمیق پیدا می‌کند - برای برخی از محصولات خوب و برای برخی جواب‌گو نیست - حجم آب مورد نیاز کم‌تر، ولی تعداد دفعات آبیاری بیش‌تر است	
	قراقلو	ارومیه	-	- توصیه‌ی کودی مناسب‌تر - براساس آزمون خاک - دانستن ویژگی‌های خاک	- عدم ارتباط با جهاد کشاورزی - عدم انتقال تجربیات بین کشاورزان - رسیدن به نتایج آزمون خاک زمان‌بر است	- پیش از این کار، تناژ محصول پایین آمده بود - سال اول ریسک کردم و به تخصص کارشناسان اعتماد کردم - سر زدن‌های تسهیل‌گران و کارشناسان به روستا، برخلاف مهندسان جهاد کشاورزی
	گاپیس	مهاباد	- هزینه کودهایی که بعد از آزمون توصیه می‌شود، زیاد است	- اطلاع پیدا کردن از کمبوهایی خاک - حذف استفاده‌ی بی‌رویه‌ی از برخی کودهایی که ضروری نبود - کاهش مسمومیت خاک	- طرز فکر - در دسترس نبودن بعضی کودهای پیشنهادی ناشی از آزمون خاک - وجود کودهای تقلبی	- در چارچوب طرح، آزمون خاک رایگان انجام شده است - تجارب بقیه‌ی کشاورزان
	نظام‌آباد	میاندوآب	- هزینه‌ی آزمون خاک بالاست - هزینه کودی که بعد از آزمون توصیه می‌شود خیلی بالاست	- مقدار مناسب کود بعد از آزمون مشخص می‌شود - از مسموم شدن زمین جلوگیری می‌شود		- قبلاً میزان علف‌های هرز در زمین‌های ما بیش‌تر بود. - از وقتی به راهنمایی مهندسان گوش دادیم و نتیجه را در مزارع

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
						دیگر دیدم، تشویق شدیم که آزمون خاک را انجام دهیم
	قره‌چق	بناب	- بالا بودن هزینه‌ی آزمایشگاه	- به چه کودهایی نیاز هست و کمبودها مشخص می‌شود. - نوع بافت و ساختمان خاک را می‌شناسیم - میزان مصرف مواد کودی را مشخص می‌کند - نیاز کودی و غذایی گیاه را مشخص می‌کند	- نبود آزمایشگاه در خود شهرستان - زمین‌ها اجاره‌ای هست و بیش‌تر برای مالک مفید خواهد بود تا زارع - طرز تفکر و نگرش قدیمی داریم و روش‌های جدید را تجربه نکردیم و ندیدیم - نبود الگوی کشت و صنایع تبدیلی	- برنامه‌ی آموزش کشاورزان در تلویزیون - این که آزمایشگاه‌ها هزینه نگیرند و نمونه‌برداری از مزارع را انجام دهند
فایده‌های کود حیوانی به جای شیمیایی	سلطان احمد	سلماس	- هزینه‌ی خرید کود حیوانی زیاد است - برخلاف کود شیمیایی، کود حیوانی هزینه‌ی حمل و نقل دارد - هزینه‌ی کارگر هم دارد	- تا سه یا چهار سال تأثیرش در زمین باقی می‌ماند - باعث نگهداری آب در زمین می‌شود - بازدهی محصول بیش‌تر می‌شود - از فرسایش خاک جلوگیری می‌کند - باعث سبک نگه داشتن آب می‌شود	- کمبود و دسترسی دشوار	- در روستای ما به دلیل دام‌داری زیاد، کود حیوانی زیاد است - چون می‌دانیم که محصول را افزایش می‌دهد
	گل	نقده	- هزینه‌ی کارگری دارد	- نگه‌داشتن رطوبت و املاح خاک - جلوگیری از فشردگی خاک - خسارت کم‌تر به زمین (جلوگیری از مسمومیت زمین) - سبزی‌نگی افزایش پیدا می‌کند - نیاز مجدد به کود شیمیایی کم	- عدم دسترسی کشاورزان به کود حیوانی - وقت بیش‌تری می‌خواهد - افزایش علف هرز	- حضور کارشناسان سازمان در روستاها - کاهش هزینه‌ها در بلندمدت - شرکت در کلاس‌های ترویجی

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
بذر اصلاح شده				- تر می‌شود - دفعات آبیاری کم‌تر می‌شود - «می‌تونه یه سوپر کود باشه»!		
	قره‌چپق	میاندوآب	- هزینه‌ی کارگری - هزینه‌ی حمل و نقل بالاست - اگر بنا باشد بخریم، قیمت خرید بیش‌تری از کود شیمیایی دارد	- محصول زیاد می‌شود - زمین سفت نمی‌شود - ریشه در زمین خوب رشد می‌کند - آب کم‌تری می‌خواهد - ماندگاری محصول بیش‌تر می‌شود	- کم بودن کود حیوانی - زمان‌بر بودن آماده سازی جهت مصرف - نتیجه و بازدهی نیاز به مدت زمان بیش‌تری دارد - بیش‌تر به نفع مالکی - ان می‌شود تا اجاره کننده‌ی زمین چون بازدهی باری سال‌های بعد بیش‌تر است	- تجربه کشاورزان قدیمی - جهت ترمیم خاک؛ به علت این که کود شیمیایی خاک را خراب می‌کند - جایگزین کردن با کود شیمیایی که گران قیمت است - برای امتحان، بار اول انگیزه داشتم
	سلطان احمد	سلماس	- چون از سال قبل بذر باقی‌مانده بود، باید مجدد هزینه می‌کردم و بذر قبلی را هدر می‌دادم - دسترسی به بذر جدید کم است و به همین دلیل هزینه‌اش نیز زیاد می‌شود - چون پول نقد از فروش محصول زود به دست کشاورز نمی‌رسد، به راحتی نمی‌تواند بذر جدید با قیمت بالاتر خرید کند	- جلوگیری از بیماری و آفات - مصرف آب کم - بازدهی بیشتر محصول	- برخی از بذره‌های جدید ریزش بیش‌تری دارند و نیاز است به موقع برداشت شود و ماشین‌آلات می‌خواهد	- تشویق کارشناسان کشاورزی با مشاهده‌ی تجربه‌ی بقیه‌ی کشاورزان دیده بودیم که محصول بیش‌تری برداشت کرده بودند - به آبیاری کم‌تری نیاز دارد
	قراققلو	ارومیه	- هزینه‌ی بذر اصلاح شده گران است	- بذر اصلاح شده عملکرد بیش‌تری دارد - بذور قدیمی ناخالص و حاوی علف هرز است	- بذر اصلاح شده همیشه جواب‌گو نیست و ریسک دارد	- استفاده از تجربیات کشاورزانی که قبلاً کشت کردند

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
روش‌های بهینه‌ی آبیاری	گاپیس	مهاباد	-	- به دلیل آبیاری کم‌تر، خاک-شویی کم‌تر شده - خوابیدگی محصول (ورس) کم شده، ریزش ندارد، آب کم‌تر مصرف می‌شود	- فروش محصول مشکل است - در دسترس نبودن همیشگی رقم پیشنهادی	- مشاهده‌ی تجربه‌ی دیگران - اعتماد به مهندس تسهیل‌گر در ارتباط با پیشنهادات
	گل	نقده	- هزینه‌ی نگهداری بالا (به دلیل فرسودگی و خرابی تجهیزات) - هزینه‌ی سوخت موتورهای دیزلی	- رشد هم‌زمان و یکنواخت - صرفه‌جویی در وقت - میزان مصرف آب کم‌تر می‌شود - جلوگیری از فشردگی خاک - آبیاری در زمان مناسب - برای از بین بردن بعضی از آفات و بیماری‌ها مفید است	- دشوار برای کسانی که مجوز استفاده از چاه ندارند - عدم تخصیص عادلانه‌ی سهمیه آب‌های کشاورزی - عدم آگاهی کشاورزان درباره زمان مناسب آبیاری	- توصیه‌ی کارشناسان کشاورزی - تجربیات کشاورزان دیگر - مواجه شدن با کم آبی - نتیجه نگرفتن از روش‌های سنتی
	گاپیس	مهاباد	- هزینه‌ی بالای استفاده از روش آبیاری تحت فشار - وام‌ها کفایت هزینه لوله‌کشی را نمی‌کند - بالا بودن هزینه‌ی برق‌کشی برای اجرا کردن طرح آبیاری تحت فشار	- هزینه‌های کارگری کم شده - کیفیت محصول بهتر شده - هزینه کودپاشی کمتر شده چون در آبیاری تحت فشار از طریق خود آبیاری انجام می‌دهند - صرفه جویی در مصرف آب	- در دسترس نبودن آب در زمان مناسب - کمبود برق	- کمبود آب باعث روی آوردن به این تکنیک شد
	نظام‌آباد	میاندوآب	- پول کارگر افزایش پیدا می‌کند (برای آبیاری حلقوی-تشتکی در باغ‌ها)	- آب کم‌تری مصرف می‌شود - دفعات آبیاری کم‌تر می‌شود - زمان آبیاری کاهش پیدا می‌کند	-	- تجربه‌ی دیگران باعث تشویق ما شد

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
استفاده از سم و کود در زمان مناسب	گاپیس	مهاباد	- هزینه اقتصادی هر سال - بیش‌تر می‌شود - قیمت سم مناسب خیلی بالا است	- افت کم محصول - کاهش بیماری‌ها	- سم تقلبی و مقاوم شدن آفات و بیماری‌ها به سم	-
	مرجانلو	اسکو	- نبود کود دولتی ارزان و خرید به صورت آزاد و گران که هزینه‌بر می‌باشد و از توان کشاورز خارج است	- جوانه‌زنی و رشد اولیه بهتر می‌شود - افزایش عملکرد و میزان محصول - و زودرس شدن محصول - رشد سریع و مناسب محصول و ایجاد سایه بر روی علف‌های هرز و از بین بردن آن‌ها	- نبود کود کافی و باکیفیت در زمان مناسب تغذیه و نیاز غذایی محصول - به علت زمان نامناسب بارندگی- ها، یا آبیاری‌های نامناسب، زمین خیس است در نتیجه امکان استفاده از کود در زمان مناسب ممکن نیست	- به توصیه و نظرات کارشناسی مهندسان عمل کردیم و تناژ محصول مان بالا رفت - منفعت زیادی برای مان دارد و هم این که از ریز و چروک شدن محصول جلوگیری می‌کند
برگرداندن بقایای گیاهی به زمین	گل	نقده	- بهتر شدن بافت خاک - کم شدن هزینه و وقت - تبدیل شدن به کود - رشد بهتر محصول بعدی - فشردن شدن خاک توسط دام‌ها	- عدم آگاهی کشاورزان نسبت به استفاده از بقایا - ترحم به حیوانات و دام‌ها - بقایا برای مصرف دام به فروش می‌رسد	- اگر بقایا به فروش نرسد، می‌شود این کار را انجام داد	- بهتر شدن بافت خاک - کم شدن هزینه و وقت - تبدیل شدن به کود - رشد بهتر محصول بعدی - فشردن شدن خاک توسط دام‌ها

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
کشت مکانیزه	قراقلو	ارومیه	-	- کشت مکانیزه عملکرد را بالا می‌برد - باعث یک‌نواختی کشت می‌شود - هزینه‌های کارگری کم می‌شود - میزان مصرف بذر کنترل می‌شود	- ادوات در دسترس نیست - ادوات سالم نیست - آگاهی نداریم - در برخی محصولات (مانند آفتابگردان) کشت دستی بهتر است چون امکان انتقال بیماری کم‌تر است	- کشت سنتی و دستی کار هر کسی نیست - تسهیل‌گران پی‌گیری کردند
استفاده از چال‌کود در باغ‌ها	گاپیس	مهاباد	- هزینه برای پرداخت دستمزد نیروی کار زیاد می‌شود	- جذب عناصر مورد نیاز درخت به غیر از محلول‌پاشی	- نیازمند به نیروی کار - زمان‌بر بودن	- چون دیدم که کیفیت محصول بهتر شده باز هم از چال‌کود استفاده می‌کنیم
تسطیح اراضی	نظام‌آباد	میاندوآب	- بالا بودن هزینه‌ی ماشین‌آلات	- آب به همه زمین به طور یک-نواخت می‌رسد - مصرف آب کم می‌شود - آبیاری راحت‌تر می‌شود - زمان آبیاری کوتاه‌تر می‌شود	- کمبود ماشین‌آلات - فرسودگی تراکتورها و ادوات - عدم حمایت دولت برای تعویض ماشین‌آلات	- در شیوه‌ی سنتی کیفیت محصولات پایین‌تر بود - به حرف مهندسان اعتماد کردیم
کوچک کردن کرت‌ها			- هزینه‌ی تراکتور بیش‌تر می‌شود	- زمان آبیاری کمتر می‌شود - زمین سفت نمی‌شود - به محصول، به دلیل آب کم، صدمه نمی‌رسد - عملیات آبیاری راحت‌تر شده است	-	- توضیح کارشناسان ما را قانع کرد

روش	روستا	شهرستان	هزینه	فایده	بازدارنده	پیش‌برنده
مرزهای علف‌های هرز	مرجانلو	اسکو	- گران بودن قیمت سم - هرساله به قیمت سم درصدی اضافه می‌شود و کیفیت آن هم پایین می‌آید	- افزایش تناژ محصول در هکتار - از بین رفتن علف‌های هرز - کاهش رقابت بین محصول و علف هرز برای مصرف نهاده‌ها	- وقت‌گیر بودن مراجعه به فروشگاه‌های سم فروشی به علت مسافت زیادشان با روستا	- ریشه‌کن شدن علف‌های هرز - بازدید از مزارع نمونه و عاری از علف‌های هرز در مزرعه - بالا بودن خلوص محصول و عاری از بذر و بقایای علف‌های هرز
کشت پنبه			- به صرفه نبودن محصولات به علت خرده مالکی و کوچک بودن زمین های کشت	- افزایش عملکرد محصول - کشت ارقام مقاوم به شوری و PH بالا، و سایر شرایط نامناسب زمین‌هایی که کشت نمی‌شود، باعث بهره‌وری بهتر از این نوع زمین‌ها می‌شود - افزایش درآمد، وقتی که برای کشت جایگزین خرید تضمینی در نظر می‌گیرند یا حمایت‌های تشویقی دیگری می‌کنند	- نبود ادوات مناسب کاشت و داشت و برداشت - نبود آب کافی در زمان نیاز محصول	- مصرف کم آب - افزایش درآمد و عملکرد و کاهش هزینه‌ها

از میان مدیران و کارشناسانی که سابقه‌ی همکاری بیش‌تری با طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه» داشتند، کسانی بر آن هستند که، در قیاس با وضعیت امروزی، بسیاری از رویه‌های اجرایی برای استقرار کشاورزی پایدار در روستاهای نمونه در مرحله‌ی ۱ ناروشن بود، برنامه-ریزان و مجریان هنوز تسلط کامل بر چم‌وخم کار را نیافته بودند و در نتیجه افراد-بیش از آن که در یک چارچوب عملی مشترک و هم‌بسته مسئولیت‌های اجرایی خود را پیش ببرند- به تجربه و برداشت‌های خود تکیه می‌کردند یا، به جای کوشش در اعمال مدیریت مشترک/تلفیقی، تابع نظر یک فرد دیگر می‌شدند. برگزاری کارگاه‌های توجیهی برای شرکت‌های مجری و هدایت و همراهی مدیر فنی طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه» در کارهای میدانی به نظر ناکافی می‌آمد. از سوی دیگر، مجموعه‌ی اداره‌های کل جهاد کشاورزی و نیز سازمان حفاظت محیط زیست که وظیفه‌ی ایجاد هماهنگی‌های لازم و نظارت بر اجرا را بر عهده داشتند، خود لازم داشتند تا سازوکار و نظام مشترکی را برای اجرای این مسئولیت‌ها تدارک ببینند. با این همه، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان اصلی طرح اذعان دارند که در مرحله‌ی ۲ بخشی از این ابهام‌ها روشن شد، در انتخاب شرکت‌های مجری و آماده‌سازی تسهیل-گران آن دقت بیش‌تری به خرج رفت، چارچوب «جدول برنامه‌ریزی مشارکتی» (PDM) به کار گرفته شد (که در روش اجرا و برنامه‌ریزی تاثیر مثبت گذاشت)، نحوه‌ی نظارت بر اجرای کار اصلاح شد و، سرانجام آن که، برنامه‌ای زیر عنوان «اقدام مشترک» ملاک نظارت قرار گرفت.

... الان همه یاد گرفتیم در شرکت مشارکتی‌تر کار کنیم، هم با کشاورزان و هم با همکاران خود شرکت مشارکتی‌تر و بهتر شده است. ...
... در فاز ۲ سخت‌مان بود برویم با جامعه‌ی محلی تماس بگیریم. من خودم که می‌رفتم مسجد برای این کار، خیس عرق می‌شدم ولی الان کارمان راحت‌تر پیش می‌رود.
... روند تعیین PDM از این قرار است که اول از همه کارشناسان با هم می‌نشینیم و می‌گوییم که از نظر فنی و اقتصادی خوب است که مثلاً ابعاد کرت را کوچک کنیم یا به جای سوزاندن زمین چه کنیم یا تیلر استفاده کنیم. در مرحله‌ی بعدی می‌بریم در سطح روستا تا روستاییان فکرشان را برای هر محصول مطرح کنند، البته فکری که در سطح مزرعه عملی و مربوط است. سپس ما وظیفه داریم تا این فکرها را جمع بندی، دسته بندی و تلفیق کنیم. بعد می‌دهیم به کمیته‌ی راهبری شهرستان تا تایید کند. دست آخر، PDM هر محصول در کمیته‌ی راهبری استان و از سوی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران نهایی می‌شود.

مدیر عامل شرکت مجری، روستای مرجانلو

البته روند ظرفیت‌سازی نیز هم‌چنان جریان داشت، به طوری که از نیمه‌ی دوم سال ۹۳، فعالیت‌های زیر عنوان «توسعه‌ی ظرفیت مجریان کشاورزی پایدار» شکل گرفت و طرح حفاظت از تالاب‌های ایران اجرای آن را به «موسسه‌ی مطالعات توسعه بازنگر معاصر» بیرون سپاری کرد. چشم‌انداز فعالیت‌های ظرفیت‌سازی گسترش رویکرد و شیوه‌های کشاورزی پایدار در میان نقش‌آفرینان گوناگون آن در سطح‌های مختلف اعلام شده است.^{۳۰} از این رو، از همان آغاز کار تسهیل‌گران و کارشناسان فنی شرکت‌های مجری و نیز کارشناسان فنی اداره‌های کل جهاد کشاورزی و حفاظت محیط زیست در آذربایجان شرقی و غربی گروه‌های مخاطب فعالیت-های ظرفیت‌سازی قرار گرفتند. هنگامی که گروه ارزیابی جویای دلیل راه‌اندازی این فعالیت‌ها شد، پاسخ‌های گوناگونی دریافت کرد زیرا هر کدام از نقش‌آفرینان (از بابت توانایی مجریان و هماهنگ‌کنندگان) کاستی‌های مرحله‌ی ۱ را به شکل متفاوتی می‌دیدند و امیدوار بودند فعالیت‌های ظرفیت‌سازی از آن تنگناها بکاهد یا به کل برطرف‌شان سازد. مدیریت طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از

آن رو بحث ظرفیت‌سازی برای همه‌ی دست‌اندرکاران/ذی‌نفعان را در کل ضروری می‌دانست که چون کارشناسان فنی جهاد کشاورزی و شرکت‌های در کنار هم در کارگاه‌های ظرفیت‌سازی شرکت کنند، نوع رابطه و نگاه‌شان به هم تغییر چشم‌گیری می‌کند، فاصله‌ی فکری‌شان کمتر می‌شود، دغدغه‌های مشترکی می‌یابند و در نتیجه می‌توانند به موضوع استقرار کشاورزی پایدار از دیدگاه نهاد دیگر بنگرند و این هماهنگی میان دستگاه‌های مجری را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، بر آن بود که شرکت‌های مجری برای جلب مشارکت روستاییان نیاز به مهارت‌های بر پایه‌ی رهیافت‌های مشارکتی دارند. در این میان، مدیر فنی طرح مایل بود که شرکت‌های مجری دارای چنان مهارت‌هایی شوند که بتوانند به طور یک‌سان رهنمودهای او را در روستا به کار برند. مدیران و کارشناسان معاونت ترویج جهاد کشاورزی هم انتظار داشتند که ظرفیت شرکت‌ها به شکلی بیش‌تر شود که خودشان را به لحاظ فنی با دفترهای فنی جهاد کشاورزی تطبیق دهند. شرکت‌های مجری نیز خواهان برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کارشناسان فنی اداره‌های کل جهاد کشاورزی بودند تا درک مشترکی از روند طرح به دست آید؛ بدین معنا که کارشناسان معاونت ترویج برای نظارت بر فعالیت‌های تسهیل‌گران در جریان رویکرد مشارکتی طرح قرار گیرند تا دریابند که در اجرای این طرح به خصوص تجویزهای ترویجی مرسوم، که عموماً از بالا-به-پایین به کشاورزان داده می‌شود، کارساز نخواهد بود و امکان جلب اعتماد روستاییان را از آن‌ها سلب خواهد کرد.

از سوی دیگر، دیدگاه برنامه‌ریزان و مجریان فعالیت‌های ظرفیت‌سازی است که انتظار دارد این فعالیت‌ها، با تداوم و پیوستگی خود، به صورت 'برنامه'ی ظرفیت‌سازی درآید تا بتوان (الف) مباحث کشاورزی پایدار (و نه اجرای شیوه‌های کشاورزی پایدار) را به دغدغه‌ی ذی‌نفعان اصلی طرح مبدل ساخت؛ (ب) کشاورزی پایدار پس از پایان یافتن طرح نیز هم‌چنان ادامه یابد؛ (پ) گروه‌های مرجع بومی تربیت شوند. با چنین طیفی متنوعی از دیدگاه‌ها، لازم بود که درباره‌ی فصل مشترک این چشم‌داشت‌ها بحث و گفت‌وگوی بیش‌تر و عمیق‌تر صورت گیرد. در وهله‌ی نخست، نیازهای ظرفیت‌سازی برای مجموعه‌ی دستگاه‌های دست‌اندرکار/ذی‌نفع تعیین شد و سپس طی برنامه‌ریزی مشترکی، برگزاری یک نشست عمومی و یک کارگاه آموزشی برای مدیران جهاد کشاورزی و دو کارگاه آموزشی برای هماهنگ‌کنندگان طرح و کارشناسان شرکت‌های مجری در هر یک از استان‌ها در دستور کار قرار گرفت تا به آن نیازها پاسخ‌گو باشد. محور مشترک میان این گردهمایی‌ها، معرفی و تشریح کامل‌تر راهبرد کشاورزی پایدار و نیز رهیافت‌های مشارکتی برای استقرار کشاورزی پایدار برای کمک به احیای دریاچه‌ی ارومیه بود. در ماه‌های بهمن و اسفند سال ۱۳۹۳، پیش از آن که دومین سال طرح به پایان برسد، فعالیت‌های یاد شده انجام یافت.

برای واریسی دقیق‌تر تاثیر این فعالیت‌ها بر عملکرد متولیان و مجریان طرح می‌بایست بازه‌ی زمانی دوره‌های سوم و بعد از آن را در سال‌های ۹۵ و ۹۶ در نظر گرفت که بیرون از شرح خدمات ارزیابی کنونی است. با این همه، اغلب کسانی که از ابتدا در کارگاه‌های ظرفیت‌سازی از ابتدا شرکت کرده بودند اذعان داشتند که برنامه‌ی ظرفیت‌سازی در تقویت بنیه‌ی تسهیل‌گری ایشان موثر افتاده است، زمینه‌ی آشنایی آن‌ها را با رویکرد مشارکتی فراهم آورده است، به درک آن‌ها درباره‌ی تفاوت میان دو رویکرد 'ترویجی' و 'مشارکتی' - به ویژه در امر استقرار کشاورزی پایدار- یاری رسانده است، و سبب ایجاد زبان مشترکی میان کارشناسان اداره‌های کل و شرکت‌های مجری و طرح

دوره ظرفیت‌سازی نگاه ما را تغییر داد. قبلاً شیوه‌ی کار ما ترویجی و از بالا به پایین بود، اما الان یاد گرفته‌ایم که نظر کشاورز را بپرسیم.

تسهیل‌گر شش روستای مرحله‌ی ۱ و سه روستای مرحله‌ی ۲

حفاظت از تالاب‌های ایران شده است. نیازسنجی آموزشی سال ۹۳ نشان می‌دهد که تسهیل‌گران روستایی خواهان افزایش مهارت-هاشان برای ارتباط‌گیری با مردم و جلب اعتماد کشاورزان بودند. از این جهت، به نظر می‌رسد تاثیر فعالیتهای ظرفیت‌سازی (به شرحی که در بالا آمد) توانسته است این نیاز را برطرف سازد. البته، افزون بر آن، شماری از شرکت‌کنندگان در دوره‌های ظرفیت‌سازی معتقد اند که، بعد از برگزاری کارگاه‌های آموزشی، میان شرکت‌های مجری و کارشناسان جهاد کشاورزی در انجام دادن بعضی از کارها انعطاف و تفاهم بیش‌تری به وجود آمده است. در نتیجه روی‌هم‌رفته، این تجربه چندان مثبت بوده است که اغلب مدیران و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه شد، ابراز نگرانی کردند که شرکت‌های مجری جدیدی که در مرحله‌های بعدی به آن‌ها پیوسته (و خواهند پیوست) از امتیاز درک و فهم نسبتاً مشترکی که درباره‌ی روند اجرایی طرح و مبانی مشارکت و تسهیل‌گری به دست آمده محروم خواهند بود، مگر آن که تمهیدی برای جلوگیری از پی‌آمدهای ناخواسته این امر تدارک دیده شود.

۶-۳ یافته‌های دیگر

گروه ارزیابی، در خلال ارزیابی طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...»، به یافته‌ی دیگری نیز دست یافت که بنا نبود به طور ویژه بر آن تکیه کند. هر چند به دو دلیل لازم دید چکیده‌ای از آن در این بخش بیاورد. پیش از آن، یادآور می‌شویم که یکی از شاخص‌های مورد نظر، در این ارزیابی، موضوع مشارکت اجتماعی است که برای بررسی آن چندین متغیر (جدول ۸) را می‌بایست در نظر داشت، از جمله دربرگیرندگی؛ بدین معنا که آیا می‌توان جلوه‌هایی از آن را در حوزه‌ی فعالیت‌ها و برون‌دادهای طرح در روستاهای نمونه نشان داد. گروه ارزیابی در پرس‌وجوهای خود درباره چه‌گونگی جلب مشارکت اجتماعی (با اتکا به کلی‌ترین مفهوم دربرگیرندگی- یعنی ترکیب سنی، قومی، جنسی و اقتصادی روستاییان ذی‌نفع) دریافت که معیار برگزیدن کشاورز مرجع از سوی شرکت‌های مجری عمدتاً داوطلب شدن روستاییان برای همکاری بوده است. از این بابت، بر پایه‌ی دستور عمل‌ها و مفاد قراردادهای برنامه‌ریزان و

یکی از مسایل ما این بود که مشارکت ۱۰۰ درصد روستاییان را نداشتیم. نسل جوان‌تر (مثلاً ۴۰ تا ۵۰ ساله) بهتر و زودتر توانستند با این مسایل جور شوند. پذیرش طرح‌های جدید برای آن‌هایی که سن‌شان بیش‌تر است، سخت‌تر است. البته به مرور کشاورزان مسن هم از روی دست بقیه نگاه می‌کنند و همان کارها را انجام می‌دهند چون می‌بینند که جوان‌ترها نتیجه گرفتند.

مدیر عامل و تسهیل‌گر هفت روستای مرحله‌ی ۱ و ۲

مجربان طرح التفات خاصی نسبت به اصل دربرگیرندگی، به معنای هدف‌گیری برای جلب مشارکت گروه‌های معینی از جامعه‌ی روستایی، نداشته‌اند. هر چند، تسهیل‌گران روستایی، به مرور، متوجه شده‌اند که میزان استقبال از کاربست آموزه‌های کشاورزی پایدار بستگی به متغیرهایی دارد مانند سن و سال، میزان تحصیلات، بنیه‌ی اقتصادی، شور و شوق و خطرپذیری برای آزمون روش‌های نامرسوم و نوین.

در بخش‌هایی از این نوشته به متغیرهایی مانند وضعیت اقتصادی کشاورزان مرجع و تاثیر آن بر روند اجرایی طرح پرداخته‌ایم. در این جا گروه اجتماعی دیگری، یعنی زنان روستایی، در مد نظر قرار می‌گیرد زیرا، نخست آن که، زنان روستایی، به طور ویژه، در مرحله‌های ۱ و ۲ طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در چارچوب برون‌داد شماره‌ی ۲، هدف شماری از فعالیت‌های آگاهی‌رسانی و حساس‌سازی قرار گرفتند. دوم آن که، از دور سوم طرح به این سو، تشکیل صندوق‌های اعتبارهای خرد برای زنان در شماری از روستاهای زیر پوشش در دستور کار قرار گرفته است. زنان عضو این صندوق‌ها برای راه‌اندازی کسب‌وکاری که با

حفاظت از منابع آبی سازگار باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرند. قصد اصلی از این فعالیت، در دراز مدت، یاری رساندن به احیای دریاچه‌ی ارومیه اعلام شده است. از سوی دیگر، در همین دوران در شماری از روستاهای زیر پوشش از کسب‌وکارهایی به جز کشاورزی نیز برای به دست آوردن الگویی برای راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین و/یا سازگار با منابع آبی پشتیبانی شده است. زنان روستایی در این فعالیت‌ها هم‌کم‌وبیش درگیر شده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد که طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» هم‌اکنون به زنان روستایی به چشم گروه اجتماعی موثری می‌نگرد. این نگاه جدید، با مرور پیشینه‌ی این طرح در خصوص زنان و نیز یافته‌های پیمایش کیفی ارزیابی حاضر می‌تواند دقیق‌تر و عمیق‌تر گردد. هر چند، ارزیابی چه‌گونگی و میزان تاثیرپذیری زنان روستایی از دستاوردهای طرح مستلزم تنظیم شرح خدمات جداگانه‌ای است بر پایه‌ی مفهوم «جنسیت و منابع طبیعی».^{۳۱}

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در گزارش خود از مرحله‌ی ۱ به دولت ژاپن، در مقام پشتیبان مالی، به کوشش‌های خود برای آگاهی‌رسانی به زنان و دختران روستایی برای مشارکت در استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه اشاره کرده و دستاوردهایی را بدین شرح آورده است:^{۳۲}

– برگزاری ۲۰ کارگاه برای ۳۰۰ تن از زنان روستایی درباره‌ی نقش زنان در استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه؛

– برگزاری ۱۰ کارگاه که برای آموزش ۵۰ تن از معلمان و ۷۰۰ تن از دانش‌آموزان درباره‌ی نقش جامعه‌ی محلی در استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه.

در میان روستاهای نمونه‌ی ارزیابی کنونی، ۲۸ تن از زنان روستای خورخوره، ۳۳ تن از زنان روستای قشلاق‌خنجر و ۵۱ تن از زنان روستای فقی‌بیگلو در معرض این برنامه‌های آگاهی‌رسانی در دو سال نخست طرح قرار گرفته‌اند، بدین شکل که در یک تا سه نشست گروهی شرکت داشته‌اند و شماری کتابچه میان‌شان پخش شده است. در این میان، برای زنان خورخوره سه بازدید آموزشی تدارک دیده شده بود. با در نظر گرفتن جدول ۲ که مشخصات جمعیت‌شناختی روستاهای مورد پیمایش این ارزیابی را نشان می‌دهد، حدود ۴۵ درصد زنان قشلاق‌خنجر، ۴ درصد زنان خورخوره و ۳۱ درصد زنان فقی‌بیگلو با نقش زنان در استقرار کشاورزی پایدار آشنایی مقدماتی یافتند. هم‌چنین از مجموع فعالیت‌های آشناسازی شاگردان مدرسه با موضوع کشاورزی پایدار و نقش جامعه‌ی روستایی در احیای دریاچه‌ی ارومیه در آذربایجان غربی ۲۵۹ دختر در پایه‌ی ابتدایی و ۱۸ دختر در پایه‌ی راهنمایی در روستاهای قشلاق‌خنجر، خان‌تختی، سلطان‌احمد، آخته‌خانه، گل و نظام‌آباد- از روستاهای مورد ارزیابی- در برنامه‌های آگاهی‌رسانی طرح شرکت کرده بودند. از شمار دختران دانش‌آموز در برنامه‌های مشابه در آذربایجان شرقی و شمار معلمان زن در هر دو استان نیز گزارشی در دست نیست.

جدول ۱۷- چکیده‌ی یافته‌های کیفی درباره‌ی زنان روستاهای نمونه‌ی پیمایش

← در میان فهرست کشاورزان مرجع در مرحله‌های ۱ و ۲ طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» نام دو زن در روستای قراقلو به چشم می‌خورد. این دو نفر عضو یک خانواده و خواهر اند. زمین‌های کشاورزی‌شان را از پدر به ارث برده‌اند و بعد از فوت او کشاورزی را ادامه داده‌اند. برخی از روستاییان بر این باور اند که چون درآمد حاصل از کشاورزی برای خانواده‌ی آن‌ها اهمیت چندانی ندارد، استفاده از آن زمین‌ها برای کشاورزی به آن‌ها سپرده شده است، وگرنه یا حتماً زمین را اجاره می‌دادند یا کسی را از قوم‌وخویشان را می‌آوردند تا

روی زمین‌ها کار کند.

- ← به گفته‌ی چند تن از تسهیل‌گران شرکت‌های مجری دلیل عدم حضور زنان در میان کشاورزان مرجع آن است که صاحب زمین نیستند و/یا آن که تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور مربوط به آن را به عهده‌ی زنان نیست.
- ← در شش روستا از هفت روستای نمونه‌ی پیمایش کیفی زنان، به ویژه در زمان برداشت محصول، در زمین‌های کشاورزی کار می‌کنند. هیچ یک از زنانی که در بحث‌های گروهی شرکت کرده بودند در مالکیت زمین‌های کشاورزی خانوادگی‌شان سهمی نبودند. اطلاعات‌شان - در مقایسه با مردان کشاورز - در پاره‌ای زمینه‌ها، از جمله مساحت دقیق زمین کشاورزی‌شان، رقم‌هایی که هر سال کاشته می‌شود، میزان آب مصرفی کشاورزی، هزینه‌هایی که برای استفاده از ابزار کشاورزی پرداخت می‌شود بسیار اندک بود. هرگز تا آن زمان برای شرکت در هیچ دوره‌ی آموزشی یا توجیهی مربوط به کشاورزی از آن‌ها دعوتی نشده بود.
- ← در روستای سلطان‌احمد، شرکت زنان روستایی در نشست‌های گروهی، ولو جداگانه از مردان، مرسوم نیست. از این رو، گروه ارزیابی در این روستا تنها توانست در یک دیدار خانوادگی با چند تن از زنان روستایی دیدار و گفت‌وگو کند.
- ← هیچ کدام از این زنان اطلاعات دقیقی درباره‌ی طرح نداشتند، ولی این را می‌دانستند که عده‌ای از طرف 'شرکت‌های کشاورزی' آمده‌اند تا به همسران یا پدران‌شان در زمینه‌ی کشاورزی آموزش‌هایی بدهند. این که این آموزش‌ها چرا و با چه هدفی صورت می‌گیرد، یا اساساً محتوای آن چیست، برای زنان روستایی طرف گفت‌وگوی گروه ارزیابی روشن نبود.
- ← گروه ارزیابی، در نشست‌های گروهی با زنان روستایی، پیشنهاد می‌کرد که در حین صحبت نقشه‌ی روستا را نیز ترسیم کنند تا بتوان نمایی از منابع موجود را از دید آن‌ها به دست آورد. با مقایسه‌ی نقشه‌هایی که مردان لو زنان روستایی کشیده‌اند، در می‌یابیم که زنان روستایی از محل‌هایی که در آن رفت‌وآمد دارند بیش‌تر می‌دانند یا از موضوع‌هایی که در زندگی روزمره‌شان با آن سروکار دارند با خبر اند ولی بسیاری از آن‌ها، با آن که از بدو تولد در آن روستا زندگی کرده بودند، تصویری از نحوه‌ی قرارگیری زمین‌های کشاورزی نداشتند و نمی‌توانستند زمین‌ها را به تفکیک بر روی نقشه جانمایی کنند. درباره‌ی مالکیت زمین‌ها هم چندان چیزی نمی‌دانستند. (به عنوان نمونه زنان روستای گل)
- ← در رابطه با موضوع آب، بسیاری از زنان بر این باور بودند که در یک دهه‌ی گذشته مدام آب روستایشان کم‌تر شده، برخی از زنان جوان‌تر و تحصیل‌کرده‌تر علت این موضوع را کم‌تر شدن آب دریاچه ارومیه می‌دانستند (به عنوان نمونه برخی از زنان روستای گل) و برخی نیز به این نکته اشاره داشتند که در طول این سال‌ها به مرور آب چاه‌هاشان شور شده است. زنان ساکن روستاهای نزدیک دریاچه شرح می‌دادند که چه‌گونه شاهد پس‌روی آب بودند و چه‌گونه در گذشته چندان دریاچه پر آب بود که می‌توانستند از کوچه‌های انتهای روستا تا دم دریاچه بروند، اما حالا چندین کیلومتر با دریاچه فاصله دارند. (به عنوان نمونه زنان روستای قره چیق)
- ← برخی از زنان معتقد بودند که اوضاع اقتصادی در شش هفت سال گذشته بدتر شده است. برخی دلیل این موضوع را کم‌تر شدن آب کشاورزی و برخی افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی، مانند سوخت، را علت کاهش درآمد خانوادگی‌شان می‌دانستند. البته کسی اطلاع دقیقی از میزان تفاوت قیمت‌ها نداشت، اما به واسطه‌ی گلایه‌های همسران و/یا پدران‌شان فکر می‌کنند که کشاورزی از رونق پیشین افتاده است. درباره‌ی خرید محصولات‌شان هم اشاره کردند. که در سالیان اخیر نتوانستند به قیمتی که انتظار داشتند به فروش برسد. هم‌چنین چند نفر ابراز کردند که یا میزان بارندگی چندان کم بوده یا باران و تگرگ بی‌موقع به محصول‌شان خسارت وارد کرده است.
- ← با این همه، برخی از زنان معتقد بودند که با وجود تمام این مشکلات، به طور کلی کار کشاورزی در یک دهه‌ی گذشته آسان‌تر شده است.

یعنی بسیاری از کارهایی که پیش از این باید دستی انجام می‌دادند، حالا به صورت مکانیزه انجام می‌شود و در نتیجه فشار کار بر آن‌ها کمتر شده است. زنان میان‌سال و مسن‌تر می‌گفتند که در گذشته در کار کشاورزی مشارکت خیلی بیشتری داشتند اما در حال حاضر آن‌ها و دختران‌شان در این کارها دخالت کم‌تری دارند، مگر برای چیدن میوه. (به عنوان نمونه زنان روستای گل و گاپیس)

← در روستاهایی که، علاوه بر کشاورزی، نگهداری دام هم مرسوم است مسئولیت این کار تقریباً به طور کامل با زنان است و روزانه وظیفه‌ی غذا دادن به دام‌ها، دوشیدن، تمیز کردن آغل‌ها و آماده کردن شیر برای فروش را به عهده دارند. حتی در روستاهایی که زنان از قدیم عهده‌دار کار کشاورزی نبوده‌اند، مسئولیت نگهداری از دام‌های خانگی به طور کامل بر دوش آن‌ها بوده است. (به عنوان نمونه زنان روستای مرجانلو و سلطان‌احمد)

← البته کارگری زنان در فصل برداشت محصول، در روستاهایی که برخی از اهالی صاحب زمین نیستند، زیاد به چشم می‌خورد. به گفته‌ی این زنان، آن‌ها در زمان برداشت به همسران‌شان، که در طول مدت کاشت و داشت روی زمین دیگران کارگری می‌کنند، ملحق می‌شوند. (به عنوان مثال زنان روستای گل و گاپیس)

← در گفت‌وگو با زنان روستایی درباره‌ی موضوع‌هایی از جمله ازدواج گفته شد که دختران روستایی را زود شوهر می‌دهند، مثلاً بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی (روستاهای سلطان‌احمد، گاپیس و قره‌چپق). در یک مورد (روستای گل) سن ازدواج دختران را عموماً بین ۱۸ تا ۲۴ اعلام کردند.

← درباره‌ی تحصیلات، اگر روستا دارای مدرسه‌ی متوسطه نباشد پسر‌ها را به روستای نزدیک دیگری می‌فرستند، ولی دختر‌ها معمولاً پایان دبستان درس می‌خوانند (روستای گاپیس). البته این مورد روستا به روستا و خانواده به خانواده تفاوت می‌کند.

← شماری از زنان روستایی به معیشت‌های مکمل کشاورزی (روستای قراقولو) و غیر کشاورزی، مانند خیاطی و آرایش‌گری، (روستاهای گاپیس، نظام‌آباد و قره‌چپق) نیز رو آورده‌اند.

← در چندین روستا، شماری از زنان دست به تشکیل صندوق‌های خُرد زده‌اند (روستاهای نظام‌آباد، سلطان‌احمد و قره‌چپق) و معمولاً هفته‌ای دو بار گرد هم می‌آیند (روستای قراقولو). تعداد اعضای این صندوق‌ها را بین ۲۴ تا ۳۰ نفر برآورد کردند.

با مرور کلی یافته‌های بالا، درمی‌یابیم که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، در فرآیند استقرار کشاورزی پایدار، به شرطی می‌تواند جامعه‌ی محلی را برای نقش‌پذیری زنان و دختران روستایی آماده سازد که این گروه اجتماعی را به شکلی مستمرتر و فشرده‌تر - و با تمرکز بیش‌تری - مخاطب برنامه‌های خود قرار دهد. بدین ترتیب است که می‌تواند از مشارکت نیمی از جمعیت در یاری رساندن به احیای دریاچه‌ی ارومیه اطمینان حاصل کند. به سخن دیگر، نوع و بسآمد فعالیت‌های آگاهی‌رسانی با شناخت بیش‌تر و عمیق‌تر هر گروه مخاطب تعیین می‌شود. تا جایی که بررسی شد نیازهای آموزشی زنان و دختران کشاورزان مرجع برای همیاری همسران، پدران و پسران‌شان سنجیده نشده است تا از ظرفیت خانواده‌ی کشاورز مرجع برای شکل‌گیری گروه مرجع بومی در روستاها به سود استقرار کشاورزی پایدار به مثابه‌ی راهکاری برای احیای دریاچه‌ی ارومیه استفاده گردد.

۴-۶ چالش‌های جلب مشارکت روستاییان به استقرار کشاورزی پایدار

در تجربه‌های جهانی، بزرگ‌ترین چالش برای استقرار کشاورزی پایدار را استفاده‌ی بهتر از منابع زیست‌فیزیکی و انسانی موجود می‌دانند. استفاده‌ی بهتر یا، به زبان متخصصان، پایداری، در عین حال مستلزم رعایت پاره‌ای مقتضیات اجتماعی است.^{۳۳} از این رو، هر نظام تولید مواد غذایی و فیبری هنگامی پایداری می‌شود که هدف‌هایی را دنبال کند که جنبه‌های اجتماعی آن، از جمله، بدین قرار است:

- مشارکت کشاورزان و روستاییان در همه‌ی فرآیندهای تحلیل مشکلات و توسعه، جرح و تعدیل و تقویت فناوری‌ها و پایش و ارزش‌یابی؛
- دسترسی به مراتب عادلانه‌تری به منابع و فرصت‌های تولید؛
- استفاده‌ی خلاقانه‌ی بیش‌تری از دانش، رویه‌ها و منابع محلی؛
- ادغام گستره‌ای از منابع طبیعی و کسب‌وکارهای مناسب در محدوده‌ی مزرعه‌ها؛
- افزایش خوداتکایی کشاورزان و جماعت‌های روستایی.

رسیدن به هدف‌های یاد شده، بی‌شک متضمن حل‌وفصل مسئله‌های متعددی است. متخصصانی بر آن اند که به دشواری می‌توان از کشاورزی پایدار تعریفی دقیق و قطعی عرضه کرد. پس برای استقرار اصلی‌ترین شیوه‌های آن، با حفظ موازین بالا، تشریح می‌کنند که هر چه این رویکرد منعطف‌تر باشد و مبنای تجویزی نداشته باشد برای کشاورزان بهتر است، زیرا گزینه‌های آن‌ها را محدود نمی‌کند و امکان تاب‌آوری مستقل آن‌ها را در برابر شرایط سخت فراهم‌تر می‌سازد. از این رو، به کشاورزی پایدار به مثابه‌ی رویکردی می‌نگرند که، بیش از هر چیز فرآیندی است از یادگیری و انطباق با شرایط متغیر تا تحمیل فناوری‌های از پیش تعیین شده به کشاورزان.^{۳۴}

در تجربه‌ی استقرار کشاورزی پایدار در شماری از روستاهای پیرامون حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه، به مثابه‌ی راهکاری برای کمک به احیای دریاچه، هر یک از دستگاه‌های مسئول برنامه‌ریزی، پشتیبانی، هماهنگی و اجرا و نیز خود کشاورزان مرجع با چالش‌های متعددی روبه‌رو بودند که گاه متفاوت و گاه مشابه می‌نماید. برای نمونه، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران خود دشواری-های اساسی بر سر راه استقرار کشاورزی پایدار و احیای دریاچه‌ی ارومیه به مدد مشارکت جماعت‌های روستایی ساکن پیرامون آن را در سه سال گذشته چنین ارزیابی کرده است:^{۳۵}

- نبود همکاری میان‌بخشی میان دستگاه‌های اجرایی مرتبط، به ویژه میان وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست به طوری که نگاه بر سر در اختیار گرفتن منابع- به جای همیاری و توان‌افزایی- رقابت‌هایی هم میان آن‌ها در می‌گیرد؛
- شیوه‌ی متمرکز و بالا-به-پایین تصمیم‌گیری‌ها و هدایت‌گری‌ها سبب می‌شود برقراری رویکردهای مشارکتی و از پایین-به-بالا در اجرا و مدیریت طرح با دشواری بسیار به دست آید؛
- بخش خصوصی و غیر دولتی چندان توسعه نیافته‌اند تا بخش دولتی به آن‌ها اعتماد داشته باشد؛
- جامعه‌های محلی به سازمان‌های دولتی اعتماد ندارد و از این رو از همیاری با آن‌ها تن می‌زنند؛
- آموزش عملی/تجربی درباره‌ی مدیریت منابع آبی برای جامعه‌های محلی تدارک دیده نمی‌شود؛

- به دانش محلی/بومی ارجحی گذاشته نمی‌شود و فرصتی در اختیار جامعه‌های محلی برای تصمیم‌گیری و/یا مشارکت در گفت‌وگوهای مربوط به تالاب‌ها گذاشته نمی‌شود؛
- تخصیص نیافتن به موقع بودجه‌ی کشوری؛
- نبود منابع انسانی مُبَرَز در بخش‌های خصوصی و دولتی؛
- الگوهای مشارکت جامعه‌ی محلی در گفت‌وگوها یا وجود ندارد یا به آزمون گذاشته نمی‌شود؛
- نبود دسترسی به اطلاعات و به شراکت گذاشتن اندک دانش/تجربه از سوی دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان گوناگون.

در میان یافته‌های ارزیابی حاضر، به جلوه‌هایی از چالش‌ها برخوردیم که موید شماری از نکته‌های یاد شده است و در ادامه خواهد آمد. هر چند، گروه ارزیابی دشواری‌هایی دیگری را نیز از زبان مدیران، کارشناسان و کشاورزان در سطح روستا شنید که به شرح زیر دسته‌بندی کرده است. یادآور می‌شویم که شماری از این چالش‌ها در مرحله‌های بعدی طرح حل‌وفصل شدند که به آن‌ها اشاره خواهد شد، ولی شماری هم‌چنان ادامه دارند زیرا یا حل‌وفصل آن‌ها یا به زمان بیش‌تری نیاز دارد یا اساساً از عهده‌ی یک طرح برنمی‌آید و نقش‌آفرینان دیگری باید پا به میدان بگذارند.

۶-۴-۱ زمان‌بندی اجرای طرح

در میان مدیران و کارشناسان، شاید موضوع یک ساله بودن زمان هر مرحله از طرح، و اطمینان نداشتن به تمدید آن در سال (یا سال‌های) بعدی، عمده‌ترین و مشترک‌ترین دل‌نگرانی بود. پی‌آمد حاصل از این چالش هم بر برنامه‌ریزی‌های اجرایی میان مدت و دراز مدت تاثیر منفی می‌گذارد و هم، از جنبه‌های مالی، دستگاه‌های هماهنگ‌کننده و مجری را در تنگنا قرار داده است. این تنگناها هنگامی خود را بیش‌تر می‌نمایند که از مجریان خواسته می‌شود که بر امر مشارکت تاکید کنند و هر چه بیش‌تر زمینه‌ی آن را در روستا و میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان فراهم آورند. اجرای هر طرحی به مدد ره‌یافته‌های مشارکتی زمان‌بر است و فشار آوردن بر تسهیل‌گران و کشاورزان برای رسیدن به شاخص‌های از پیش تعیین شده، در فاصله‌ای کوتاه، از کیفیت مشارکتی کار می‌کاهد. البته طرح حفاظت از تالاب‌های ایران خود اذعان دارد که این مدت کوتاه است و تبّعات ناخواسته‌ای در پی می‌آورد.^{۳۶} از جمله‌ی تاثیرهای منفی یک ساله بودن فعالیت‌ها، نداشتن زمان کافی برای جلب اعتماد روستاییان است یا انجام دادن ارزیابی‌های اولیه و گردآوری مشارکتی اطلاعات پایه که برای سنجیدن میزان موفقیت کار ضروری است. تسهیل‌گران روستایی با این چالش بیش از دیگران، به طور مستقیم، روبه‌رو می‌شوند. گفته شد که تنها راهی که برای رفع آن یا کاهش اثر منفی آن در برابر داشتند، اضافه‌کاری‌هایی وقت‌وبی‌وقت بود که در محاسبه‌های مالی شرکت‌های مجری جایی نداشت و تداوم این مشکل انگیزه‌های آن‌ها را برای ارائه‌ی کار با کیفیت از میان می‌برد تا جایی که در چند مورد معاونت ترویج به شرکت‌های مجری گوشزد کرد که این مشکل را با تقسیم مناسب و عادلانه‌ی بودجه‌ی خود حل‌وفصل کنند.

گذشته از این محدودیت زمانی، بنا بر توافقی‌هایی که میان دست‌اندرکاران اصلی در هنگام امضای سند مرحله‌ی ۲ صورت گرفت، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تنها توانست زیر عنوان پایدارسازی طرح، آن هم با بودجه‌ای اندک، امکان حضور در روستاهای مرحله‌ی ۱ را تضمین کند. از این بابت، هیچ کس ابراز رضایت نمی‌کرد و بر آن بود که برای اثربخشی فعالیت‌هایی که آغاز شده بود- و نیز توفیق در به دست دادن الگوی جامعی از چه‌گونگی استقرار کشاورزی پایدار به مثابه‌ی راهکاری برای سهم داشتن در

احیای دریاچه‌ی ارومیه- می‌بایست، به جای رفتن به سراغ روستاهای دیگر، حضور طرح در همان روستاهای پیشین به تمامی تمدید می‌شد.

به گفته‌ی چند تن از مدیران و کارشناسان استانی، یکی دیگر از پی‌آمدهای محدودیت زمانی آن بود که هرگاه به هر دلیلی نمی‌شد فعالیت‌ها را آن طور که طراحی شده بود گام به گام پیش برد، یا زمان کاربست آموزه‌های کشاورزی پایدار برای کشت‌های بهاره و پاییزه از دست می‌رفت، یا نامتناسب بودن زمان اجرا آن تاثیر دلخواه را ایجاد نمی‌کرد. بنابراین طرح در روستای مورد نظر به پایان می‌رسید، ولی نتیجه‌ی مورد نظر حاصل نمی‌شد.

۴-۶-۲ تمرکز ناکافی بر جلب مشارکت روستاییان در مرحله‌های نخستین طرح

همان طور که اشاره شد، محدودیت زمانی سبب می‌شد تا نتوان برای جلب مشارکت روستاییان به قدر کافی زمان گذاشت. هر چند، تنها چالش طرح در این زمینه زمان نبود. توانایی شرکت‌های مجری، دستور عمل‌ها و مفاد قراردادهای و نیز رویکرد اجرایی اولیه‌ی طرح در این زمینه نیز هر کدام در پیش بردن فرآیند جلب مشارکت روستاییان اثر می‌گذاشتند. برای نمونه، شرکت‌های مجری عموماً، پیش از این طرح، فعالیت‌های خود را در بخش خصوصی در قالب عرضه‌ی خدمات و مشاوره‌های فنی به کشاورزان منطقه تنظیم کرده بودند و تجربه‌ی تسهیل‌گری اجتماعی نداشتند. آن دسته از شرکت‌ها که یا نتوانسته بودند از همان ابتدا تسهیل‌گران دوره دیده را به کار بگیرند، یا در حین کار خود را مجهز به این مهارت کنند، برای جلب مشارکت روستاییان با دشواری‌هایی روبه‌رو شدند. نشست‌ها و کارگاه‌های توجیهی اولیه‌ای هم که از سوی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برگزار می‌شد، نمی‌توانست لزوماً در این خصوص کارساز باشد. در پایان سال دوم، با برگزاری دوره‌ی ظرفیت‌سازی و آشنا شدن شرکت‌های مجری با رهیافت‌های مشارکتی، امکان بازبینی و اصلاح پاره‌ای از روش‌های کار فراهم آمد، به ویژه آن که انتظار می‌رود شرکت‌های مجری رفته رفته به جای آن که یک یا چند تسهیل‌گر روستایی را به کار بگیرند یا چنین نیروهایی را به تدریج تربیت کنند، خود مبتدل به نهادی تسهیل‌گر برای استقرار کشاورزی پایدار در منطقه گردند. این که این چشم‌انداز در طول عمر طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» تحقق می‌یابد یا نه، امری است جداگانه. در این جا تنها برنبود بدنه‌ی تسهیل‌گیری کافی و وافی برای جلب مشارکت روستاییان در بدو کار در میان همه‌ی شرکت‌های مجری تاکید می‌شود. به گفته‌ی کارشناسانی که در این ارزیابی شرکت داشتند، پی‌آمد اصلی این ضعف خود را هنگامی بیش‌تر می‌نمود که نیاز بود اطمینان روستاییان برای آزمودن پیشنهادهای و همراهی با طرح جلب شود. در زمان انجام دادن این ارزیابی، در چندین روستا از زبان اهالی، که در موردهایی عضو شورای اسلامی روستا هم بودند، سخنانی شنیده می‌شد که گواه این بی‌اعتمادی ادامه‌دار به دستگاه‌های مجری بود. با آن که جلب اعتماد جامعه‌ی روستایی به بخش دولتی و/یا خصوصی از دست تسهیل‌گران، به تنهایی، بر نمی‌آید اما داشتن مهارت‌هایی که بتواند این اعتماد را بر انگیزاند، یا دست‌کم، محورها و موضوع‌های مربوط را روشن کند از ضروریات اجرای موفق چنین طرح‌هایی است.

یکی دیگر از چالش‌های مرحله‌ی ۱ و ۲، اتکای بیش از اندازه‌ی طرح به راهبری فردی استقرار کشاورزی پایدار بود. دامنه‌ی فعالیت‌های مربوط به استقرار کشاورزی پایدار در روستاهای نمونه چندان گسترده بود که هدایت امور، از ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های مجری گرفته تا جا انداختن روش‌هایی که تا آن زمان در منطقه به اجرا درنیامده بود و جلب پشتیبانی نهادهای دست-اندرکار دیگر، از عهده‌ی یک تن- با در نظر گرفتن محدودیت‌های زمانی- به درستی نمی‌توانست بریاید. با در نظر گرفتن معیارهای مشارکتی طرح، می‌بایست این نوع راهبری به شکلی درآید که در حین فراهم آوردن زمینه برای تصمیم‌گیری‌های گروهی با تقسیم

در مورد کلزا پیشنهاد کلی دادند و من جزئیات را نمی‌دانستم، اما اکثر زمین‌ها این جا به باغ تبدیل شده و کم‌تر زراعی اند. بهتر است آموزش‌ها بیش‌تر متناسب با نوع کشت ما باشد نه این که محصول جدیدی پیشنهاد کنند که ما ندانیم.

کشاورز مرجع، روستای گاپیس

کار مناسب و افزایش توانایی نهادهای مجری، بر کارآمدی طرح افزوده گردد. از این رو، تمهیدی مانند ایجاد «کارگروه راهبری ملی» طرح در دستور کار قرار گرفت. تا این کارگروه راه انداخته شود و فعالیت خود را آغاز کند، پیشبرد بسیاری از فعالیت‌ها در سطح روستا موکول به تایید راهبر فنی و اجرایی طرح می‌شد که بر کارآمدی لازم تاثیر منفی می‌گذاشت.

در میان گفته‌های مدیران و کارشناسان، اشاره به یکی دو نکته تامل‌انگیز است: نخست، آن که آن‌ها توانایی شرکت‌ها در امر تسهیل‌گری اجتماعی را یک‌دست نمی‌دانستند، دوم آن که اشاره می‌کردند که شاخص‌های معینی برای پایش و ارزش‌یابی اجتماعی-اقتصادی در دست ندارند و این امر سبب می‌شود که نه خودشان و نه دستگاه‌های هماهنگ‌کننده یا ناظر بتوانند میزان موفقیت (یا ناکامی) طرح را از جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی بسنجند. هنگام اشاره به این موضوع، از 'پایش و ارزش‌یابی مشارکتی' یاد شد که در جای خود، در [بخش ۷-۳](#)، به ویژگی‌های آن و امکان گنجاندن این مبحث در برنامه‌ی ظرفیت‌سازی خواهیم پرداخت.

۴-۳ پاسخ‌گو نبودن یا نبود پاره‌ای سرفصل‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی

کاستی‌های فعالیت‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی از دیدگاه مخاطبان و عرضه‌کنندگان این آموزه‌ها و همچنین مدیران و کارشناسان فنی در جاهایی متفاوت و گاه مشابه می‌نماید. برای نمونه، کشاورزان مرجع و تسهیل‌گران شرکت‌های مجری به ناقص ماندن برخی از آموزش‌ها اشاره می‌کردند، بدین معنا که یا زمان کافی برای عرضه‌ی همه‌ی سرفصل‌های آموزشی در اختیار نبود یا زمان عرضه‌ی آن‌ها با روند کار کشاورزی متناسب در نمی‌آمد. درباره‌ی افزودن سرفصل‌های دیگر آموزشی، کشاورزان می‌گفتند که در برابر بلاهای طبیعی آمادگی لازم را ندارند. به سخن دیگر، خود را دارای مهارت‌های لازم برای به دست آوردن اطلاعات درباره‌ی بلاهای طبیعی و راه‌های مقابله با آن‌ها نمی‌دانستند. به چالش‌های دیگری نیز

برای نمونه، ... برگزاری دوره‌های آموزشی می‌افتد به زمستان که دیگر کلزا را کاشته بودند و ما به موقع آموزش‌شان ندادیم و حتی نتوانستیم در زمان مناسب، پیش از کشت، یادآوری‌های لازم را به گوش کشاورز برسانیم.

مدیر عامل و تسهیل‌گر شرکت مجری، مرجانلو

بذرهای مناسب و تشویق آن‌ها در به کارگیری رقم‌های پیشنهاد شده، کشاورزان مرجع به مشکل‌هایی اشاره کرده‌اند که با آموزش متفاوت‌تر یا تکمیلی برطرف می‌شود، جا دارد که مورد توجه قرار گیرد. سخن آخر، درباره‌ی کاستی‌های آموزش‌های فنی از دید کشاورزان مرجع و تسهیل‌گران، آن که همه‌ی چالش‌ها را با آموزش و ظرفیت‌سازی نمی‌توان کاهش داد یا مرتفع کرد- اما قطعاً بازبینی در روش و محتوای آموزشی به شکل ادواری ضرورت دارد.

درباره‌ی آگاهی‌های زیست‌محیطی و نظام‌مند و نیز ناپیوستگی آن پیش از این اشاره شده است ([بخش ۶-۱-۳-۲](#)). درباره‌ی کاستی‌های مرتبط با ظرفیت‌سازی نهادی و اجتماعی، به ویژه درباره‌ی آن که چه‌گونه می‌توان از آموزش و پرورش فرد فرد نیروهای

داوطلب بومی به ایجاد گروه کشاورزان مرجع به مثابه‌ی بدنه‌ی بومی ماهر در امر کشاورزی پایدار در منطقه رسید، از یافته‌های موجود نمی‌توان به نتیجه‌ی خاصی رسید جز آن که این سرفصل، هنوز به طور خاص، در برنامه‌ی آموزش و ظرفیت‌سازی کشاورزان مرجع و/یا تسهیل‌گران گنجانده و آزموده نشده است. اگر در ساختار مدیریتی مورد نظر طرح به «گروه کشاورزان مرجع» و «شبکه‌ی کشاورزان تابعی» اشاره نشده بود، چه بسا پرداختن به این موضوع و ظرفیت‌سازی در این باره ضرورت نمی‌داشت.

از نقطه‌نظرهای کارشناسان درباره‌ی فعالیت‌های ظرفیت‌سازی، یکی آن که پاره‌ای جنبه‌ها هنوز برای ایشان روشن نشده است. برای نمونه، شماری از کارشناسان با کار با کشاورزان فاقد زمین یا اساسا با کشاورزان فقیر در این طرح موافق بودند و موضوع از نظر مفهومی برایشان توجیه شده بود. اما شماری هم علت برگزیدن این رویکرد را در نمی‌یافتند. همین ابهام درباره‌ی تفاوت‌گذاری میان «ترویج» و «مشارکت» نیز خود را نشان می‌دهد. این موضوع‌ها برای مدیران و کارشناسان تقریبا به یک اندازه مناقشه‌انگیز است. چه بسا واکنش به این موضوع لزوما در قالب برگزاری دوره‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی بیش‌تر نباشد، اما ضرورت دارد که نیروی اجرایی درباره‌ی گروه هدف خود و روش‌شناسی فعالیت‌های خود بیش‌ترین توافقات را داشته باشد. برخی از این چالش‌ها، البته، جنبه‌ی معرفتی/شناختی دارد و می‌بایست در فعالیت‌های ظرفیت‌سازی مورد توجه قرار گیرد.

۴-۴-۶ نبود پشتیبانی‌های پساتولید

شماری از سرفصل‌های آموزشی و/یا ظرفیت‌سازی می‌تواند دشواری‌هایی مانند فروش محصولات سالم را تا اندازه‌ای کاهش دهد، برای نمونه، مهارت‌های بازاریابی. هر چند، برای استقرار و استمرار کشاورزی پایدار، بسیاری از ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران بر این باور بودند که می‌بایست گستره‌ی طرح تا جایی پیش رود که از تولید محصول درگذرد و جنبه‌های پس از آن را هم در برگیرد، زیرا کشاورز مرجع برای رقابت با محصولات دیگر نیاز دارد امتیاز روش کار خود را به رُخ خریدار نیز بکشد تا از فروش آن در بازار اطمینان حاصل کند. در حال حاضر، روستاییان برای بازاریابی فرآورده‌های خود فرصت‌های محدودی را در اختیار دارند و این محدودیت را یکی از چالش‌های خود برای به کارگیری شیوه‌های کشاورزی پایدار اعلام می‌کردند و ابراز می‌کردند که اگر میزان درآمدشان از فروش تا جایی بالا باشد که برخی از هزینه‌های تغییر الگوی کشت را بتواند جبران کند، طبعا آن شیوه‌ها را با انگیزه‌ی بیش‌تری به کار می‌گیرند.

به هر رو، کشاورزان مسئله‌ی فروش را یکی از مهم‌ترین مشکل‌های خود می‌دانستند. کسانی هم بودند که برای جا انداختن شیوه‌های نوین کشاورزی، خرید تضمینی محصولات کشاورزی را طلب می‌کردند. متخصصانی هم این روش را توصیه می‌کنند.^{۳۷} به کارگیری این رویکرد هم تنگناهای خود را دارد. با این همه، کشاورزان بر این باور اند که همان طور که خرید تضمینی گندم و/یا چغندر قند کشت آن محصول‌ها را گسترش می‌دهد، چنین حمایتی از فروش محصول‌های کم‌آب‌خواه یا محصول‌هایی که با آفت-کش‌های طبیعی و کود حیوانی به عمل آمده‌اند، بر گسترش کشت آن‌ها اثر می‌گذارد. خرید تضمینی، هم‌چنین امکان سودجویی دلال‌ها و سوءاستفاده از کشاورزان مرجع را کاهش می‌دهد. از نمونه‌های ضرر و زیانی که به این شکل بر کشاورزان وارد آمده است، می‌توان به مورد روستای گل اشاره کرد که واسطه‌ای با وعده و وعید پرداخت مبلغ هنگفتی به روستاییان محصول کدو آن‌ها را در اختیار گرفت و هیچ چیزی هم نپرداخت و شکایت کشاورزان هم به جایی نرسید. هم‌اکنون الگوی رایج فروش محصول‌هایی که خرید تضمینی ندارد از طریق واسطه‌گری است، به این معنا که واسطه‌ها محصول را از کشاورز خریداری کرده به بازار یا کارگاه-ها/کارخانه‌های صنایع تبدیلی می‌فرستند. در این فرآیند عملا سود اصلی عاید واسطه‌ها می‌شود و آن‌ها به این ترتیب می‌توانند

روی قیمت محصول اثر بگذارند. نقشی صنایع تبدیلی هم خیلی مهم است زیرا روند کارشان کشاورزان را به سمت محصول‌های خاصی سوق می‌دهد و عملاً شرایط پس از تولید را تعیین می‌کند. در حال حاضر سازوکاری برای برنامه‌ریزی مشارکتی در این زمینه وجود ندارد تا کشاورزان بتوانند در تعیین نوع کشت و فروش آن نقشی داشته باشند. از این رو، شماری از کشاورزان مرجع ضرورت راه‌اندازی بازارچه‌هایی برای عرضه محصولات سالم را گوشزد می‌کردند و ابراز می‌کردند، که تا تمهیدی برای تضمین خرید محصول‌های کم‌آب‌خواه فراهم نیاید، کشاورزان مرجع یارای تغییر الگوی کشت را نخواهند یافت و هم‌چنان یا به کشت چغندر قند که خرید تضمینی دارد ادامه می‌دهند، یا محصول‌هایی را کشت می‌کنند که در بازار آزاد خریدار بهتری با قیمت بالاتری نصیب‌شان می‌کند.

یک مشکل دیگر هم در انتخاب روستاها بود. این‌ها روستاهایی را انتخاب کرده بودند که اصلاً مشکل آب داشتند، سال به دوازده ماه آب بهشان نمی‌رسید بعد می‌خواستند در این روستاها کشاورز در مصرف آب صرفه جویی کند. خوب این جواب نمی‌داد. ما روستاهایی داریم که این قدر آب دارند که آن را رها می‌کنند به امان خدا، اما طرح در آن روستاها که انجام نمی‌شود. به جای آن می‌روند سراغ روستاهایی که خودشان مشکل آب دارند!

تسهیل‌گر شرکت مجری، روستای للکلو

البته کشاورزان به حمایت‌های در حین تولید نیز اشاره داشتند زیرا چالش‌های ناشی از کمبود نقدینگی نیز گاه بر آن‌ها فشار مضاعفی وارد می‌سازد. برای نمونه، در همان روستای گل ابراز می‌کردند که چه در خرید تضمینی و چه از سوی واسطه‌ها عموماً پول محصول‌شان را به طور قسطی دریافت می‌کنند، حال آن که به هنگام خرید بذر و سم و کود مورد نیازشان می‌بایست مبلغ مورد نظر را یک جا بپردازند.

۴-۵ ویژگی روستاهای نمونه

مدیران و کارشناسان و تسهیل‌گران متعددی، در گفت‌وگو با گروه ارزیابی، به ویژگی روستاهای زیر پوشش طرح اشاره کردند و توضیح دادند که برخی از آن ویژگی‌ها، دشواری‌هایی برای پیشبرد هدف‌های طرح فراهم آورده است. هنگامی که درباره‌ی معیار انتخاب روستاهای مرحله‌ی ۱ و ۲ که پرس‌وجو شد، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران ابراز داشت که در گزینش روستاهای مرحله‌ی ۱ از منطق خاصی پیروی نشده است، هر چند در مرحله‌ی ۲ ملاحظه‌هایی در کار بوده است، مانند آن که روستاهای زیر پوشش به شکلی انتخاب شود که از نظر جغرافیایی تعادلی برقرار باشد تا میان بخش دولتی دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی اختلافی ایجاد یا تقویت نگردد. این ملاحظه‌ها- که لزوماً جنبه‌های بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی را در بر نداشته است- شرکت‌های مجری را در عمل به دغدغه‌های ناخواسته‌ای دچار می‌کرده است. برای نمونه، مدیران و کارشناسان چندین شرکت مجری ابراز کردند که در برخی روستاهای زیر پوشش‌شان، که کمبود آب کشاورزی به حد بحرانی رسیده بود، روستاییان ابتدا از حضور تسهیل‌گران شرکت‌ها استقبال می‌کردند، ولی هنگامی که می‌دیدند مداخله‌های شرکت‌های مجری پاسخ‌گوی مشکل آب روستا نیست به سرعت از طرح دل‌سرد می‌شدند. اگر هم میزان آب آن قدر بود که کشاورز به سختی مجاب می‌شد که برای دسترسی پایدار به این منبع مهم کشاورزی باید شیوه‌های دیگری از هم اکنون به کار بگیرد، باز کار تسهیل‌گران برای جلب مشارکت کشاورزان مرجع با چالش روبه‌رو می‌شد. با این همه، کار در روستاهای بحران‌زده، به ویژه برای آزمون شیوه‌های استفاده‌ی بهینه از آب، دشوارتر و گاه ناممکن بود. نگاهی به فهرست آموزه‌هایی که کشاورزان مرجع به کار بسته‌اند (جدول ۱۶)

نشان می‌دهد که این چالش حل نشده باقی مانده است. هر چند، عامل‌های دیگری مانند هزینه‌های استفاده از آن شیوه‌هایی که ارتباط مستقیم‌تری با حفاظت از منابع آبی دارند و نیز مساحت زمین‌های زراعی نیز در کاربرد آن آموزه‌ها تاثیر داشته است.

هم‌اکنون انتخاب روستاها بر پایه‌ی چارچوبی صورت می‌گیرد که کمیته‌ی راهبری آن را تنظیم کرده است. تحقق هدف‌های طرح و توفیق در الگوسازی برای جلب مشارکت روستاییان، مستلزم پیش گرفتن رویه‌ای است که درباره‌ی چه‌گونگی انتخاب روستاها به توافق رسیده باشد. اگر یکی از مبناهای انتخاب، میزان بحران‌زدگی روستا به دلیل کم‌آبی باشد، نخست می‌بایست یک رشته فعالیت را پیشاپیش برای تثبیت وضعیت انجام داد، تا اعتماد اهالی برای مشارکت و نقش‌پذیری جلب شود. اگر نه، شاید رعایت ترکیبی از معیارهای انتخاب کارسازتر باشد. در هر صورت، ضرورت دارد برای جلوگیری از بروز چالش یاد شده، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان اصلی طرح ابهامی درباره‌ی معیارهای انتخاب نداشته باشند.

۶-۴-۶ ناهماهنگی میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان طرح

ناهماهنگی میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان طرح گاه به دلیل اختلاف‌های نظری حل‌وفصل نشده‌ای است که می‌تواند به دلیل تفاوت در رویکرد و بینش باشد. هرچند، گاه این ناهماهنگی صرفاً عملیاتی است و لزوماً ریشه‌ی عمیقی ندارد. تشخیص این دو از هم ضروری است، زیرا حل موردهای عملیاتی/اجرایی چه بسا چندان دشوار نباشد. ولی حل‌وفصل موردهای رویکردی/بینشی زمان و انعطاف بیش‌تری می‌طلبد و مستلزم به وجود آمدن درک مشترکی از سایه‌روشن‌های فکری/مفهومی میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان اصلی است.

برای اجرای تکنیک‌ها کشاورزان به تجهیزات نیاز دارند، اما در فاصله‌ی ارائه‌ی آموزش‌ها این انتظار کشاورزان که به تجهیزات دسترسی پیدا کنند، برآورده نمی‌شود و در نتیجه به ما بی‌اعتماد می‌شوند. شرایط ارائه‌ی تسهیلات و تجهیزات به کشاورزان خیلی طولانی و اداری است.

تسهیل‌گر شرکت مجری در چهار روستای مرحله‌ی ۱

نخست به ناهماهنگی‌هایی می‌پردازیم که روستاییان به تجربه آن‌ها را در دو سال نخست طرح از نزدیک دریافته‌اند. یادآور می‌شویم برای روستاییان تفکیک میان کسانی که از سوی طرح و برنامه‌های دولتی و غیر دولتی و بخش خصوصی به روستا می‌روند به سادگی میسر نیست و زمان می‌برد. برداشت عمومی آن‌ها این است که تعدادی 'مهندس' و متخصص سراغشان می‌روند که گاهی می‌توانند گرهی از کار آن‌ها بگشایند و گاه مانند خود آن‌ها از حل گرفتاری‌های روستاییان در می‌مانند. هنگامی که به چنین چشم یک‌سانی به تسهیل‌گران روستایی در مرحله‌های ۱ و ۲ طرح می‌نگریستند، تا مدت‌ها، بروز هر گرفتاری با هر دستگاه اجرایی را به آن‌ها نسبت می‌دادند. برای نمونه، در یکی از روستاهای زیر پوشش شرکت پدیده‌ی سبز آنیل، نامه‌ی 'طرح نکاشت' فردای روزی ابلاغ شده بود که آن شرکت ارزیابی محیطی کرده بود. روستاییان گمان کردند عملیات روز پیش برای محاسبه‌ی اندازه زمین‌های کشاورزان برای اجرای 'طرح نکاشت' بوده تا معلوم شود چه کسانی نباید بکارند. با شدت عصبانیتی که روستاییان نشان داده بودند، رفع و رجوع این مشکل بسیار دشوار بوده است. از سوی دیگر، به دلیل تفکیک نکردن شرکت‌های مجری از بخش دولتی، روستاییان انتظار دارند که تسهیل‌گران بتوانند هر گرفتاری‌شان را با هر دستگاه دولتی حل‌وفصل کنند. در زمان پیمایش کیفی، این انتظارات هم‌چنان مطرح بود و شرکت‌های مجری نیز خود رویاروی با این مسئله را چالش‌انگیز می‌شمردند و از این که دستگاه‌ها و نهادهای بالادستی طرح از این بابت زمینه‌سازی نمی‌کردند ناخشنود بودند و می‌گفتند که وقتی روستاییان دست تسهیل‌گران را برای وساطت با اداره‌ی امور آب یا اداره‌ی جهاد کشاورزی بسته می‌بینند، دل‌سرد می‌شوند. این احساس ناامیدی نزد کشاورزان

مرجع هنگامی دو صد چندان می‌شود که با تشویق تسهیل‌گران، برای تامین نیازمندی خاصی جهت آزمون شیوه‌های کشاورزی پایدار، گذارشان به آن اداره‌ها می‌افتد. بنا به گفته‌ی مدیران و کارشناسان شرکت‌های مجری، ناهماهنگی آن دسته از دستگاه‌ها و نهادهای دولتی که در موضوع احیای دریاچه‌ی ارومیه نقش و مسئولیت دارند، گاه در مرحله‌های ۱ و ۲، تا مرز عدم همکاری‌های جدی و نادیده گرفتن یک‌دیگر هم رفته بود. به گمان طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، در سال‌های نخست، جمع کردن دستگاه‌های اجرایی در یک جا و کوشش برای متمرکز ساختن آن‌ها پیرامون یک زمینه، حتی زمینه‌ی مشترکی مانند دریاچه‌ی ارومیه، چالش بزرگی بوده که اکنون برطرف شده است. مصداق این چالش یکی آن که هنوز از زبان مدیران و کارشناسان استانی در جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست شنیده می‌شود که چه‌گونه‌ی تخصیص اعتبارات دولت ژاپن برای نظارت بر اجرای طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» میان دو استان و/یا میان دو نهاد منصفانه نبوده است.

البته در سال‌های اخیر سازوکارهایی تدارک دیده شده است تا ناهماهنگی و نبود روحیه‌ی همکاری میان‌بخشی دولتی را کاهش دهد، از جمله تشکیل کمیته‌ی راهبری استان (که بدنه‌ی کارشناسی معاونت‌های مختلف جهاد کشاورزی را در بردارد) و تشکیل کمیته‌ی فرابخشی (که بنا به ضرورت تشکیل می‌شود و ارگان‌هایی مانند اداره‌ی امور آب هم در آن حضور می‌یابند). اما یکی از دلیل‌هایی که سبب می‌شود تا رسیدن به تفاهم و هماهنگی در این گونه ساختارها نیز چالش‌انگیز باشد آن است که اولویت‌ها و وظیفه‌ی ذاتی دستگاه‌ها یکی نیست و هر کدام از نمایندگی ارگان‌ها و دستگاه‌های مربوط بر پیشبرد هدف‌ها و برنامه‌هایی که براشان تعریف شده است، پا می‌فشارند. در چشم روستایی، یکی از جنبه‌های عملی این تضاد منفعته‌ها آن است که از یک سو او را ترغیب می‌کنند تا با آزمون خاک نوع و میزان سم و کود مناسب زمین‌اش را برآورد کند، و از سوی دیگر بخش دولتی و/یا بخش خصوصی متولی فروش سم و کود آن کالایی را عرضه می‌کند که به گمان او یا کیفیت لازم را ندارد یا گاهی زیان‌آور هم هست. آن گاه که کیفیت جنس عرضه شده مناسب، ولی گران، باشد، ارگان و دستگاهی پشتیبان او در تامین منابع مالی مورد نیازش نیست. پس نخستین نتیجه‌ای که می‌گیرد آن است متولیان امور میان خودشان تفاهمی درباره‌ی استقرار کشاورزی پایدار ندارند. این ناهماهنگی‌ها بی‌اعتمادی روستاییان را در پی می‌آورد.

کشاورزان به این نتیجه رسیدند که درخواست دهند تا کل روستا را آبیاری تحت فشار کنند. خودشان درخواست نوشتند و از تک‌تک کشاورزها، چه آن‌هایی که چاه‌شان مجوز دارد و چه و چه آن‌هایی که ندارد، امضا گرفتند که چاه‌شون رو ببندند و در کل روستا دو تا چاه عمیق بزنند و با آن‌ها کل زمین‌ها را آبیاری تحت فشار کنند. همه‌ی مراحل را رفتند. جهاد هم رفتند. دو سه ماه وقت گذاشتند. در نهایت، اداره‌ی آب، راحت، در یک جمله گفت که نمی‌شود این کار را انجام بدهند. کلاً همه چیز ریخت به هم. می‌گفتند به اون چاه‌هایی که مجوز ندارند نمی‌توانیم از این دو تا چاه آب دهیم! در حالی که اگر بررسی می‌کردند می‌فهمیدند که با توجه به شرایط حتماً می‌شد به تغییر در قوانین باغ‌ها و کشاورزی به نفع دریاچه بدهند.

تسهیل‌گر شرکت مجری، روستای خنجر قشلاق

گاهی وقت‌ها بی‌اعتمادی نسبت به شرکت‌های مجری به دلیل هم‌سان انگاشتن آن‌ها با نمایندگان بخش دولتی نیست. گاهی به مهارت‌ها ناکافی آن‌ها به روش‌های تسهیل‌گری اجتماعی نیز ارتباطی ندارد، بلکه دقیقاً به دلیل ماهیت این شرکت‌هاست. در [بخش ۳-۲-۴](#) چکیده‌ای از ویژگی آن‌ها آمد اما گروه ارزیابی در گفت‌وگو با برخی از روستاییان، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاها

دریافت که در چشم آنان شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی، گذشته از آن که مجری طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» اند، اما دارای منفعت‌هایی هم هستند. به سخن دیگر، این بدگمانی ابراز می‌شد که شرکت‌های مجری، و به تبع آن‌ها تسهیل‌گران، لزوماً درباره‌ی نوع آموزه‌ها و کاربرت آن‌ها از سوی کشاورزان مرجع بی‌طرف نیستند و چه بسا منفعت‌هایی را نمایندگی کنند که خوشایند کشاورزان نباشد. برای نمونه، شاید همان شرکت‌ها در همان منطقه کود و سم و بذر هم به فروش می‌رسانند و/یا خدمات کشاورزی مکانیزه عرضه می‌کنند. در نتیجه، وقتی برخی توصیه‌ها را در زمینه‌ی کشاورزی پایدار ارائه می‌دهند، این تصور در ذهن برخی روستاییان قوت می‌گیرد که به فرض می‌

خواهند در ادامه‌ی کار خودشان یا دوستان‌شان خرید آن رقم بذر یا نهاده‌های دیگر را تحمیل کنند. گاه این بدگمانی تا جایی پیش می‌رفت که ابراز می‌کردند که کسانی که به نام طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» آمده‌اند، تنها به فکر استفاده از منابع مالی دولت ژاپن به سود خود هستند. فرض می‌گیریم که این تصور کشاورزان به مجریان عمومیت نداشته باشد و به دلیل‌های معینی تنها از سوی چند تن در چند روستا ابراز شده باشد. با این همه، هنگامی که این برداشت را در کنار چالش اعتمادسازی در جامعه‌های روستایی در سال‌های نخستین طرح می‌گذاریم، که مورد اذعان اغلب مدیران و کارشناسان قرار داشت، آن گاه به ضرورت تقویت روحیه‌ی مشارکتی از پایین بیش از پیش یقین حاصل می‌کنیم.

از معایب دیگر تردد مختلف به روستا بود. مثلاً هیچ‌گونه توجهی به این که پروژه کشاورزی پایدار هم در حال انجام کار در آن روستاها بود نمی‌کردند که به هر حال اهداف و مطالبی مشترکی داشتند یاد می‌دادند. گروه‌های مختلف وقتی به روستا می‌آمدند دوگانگی برای روستاییان پیش می‌آمد. در نتیجه کار ما هم در روستا سخت می‌شد مثلاً کشاورزان می‌گفتند 'یک جلسه آمدید و دیگه ول کردید'، و این در حالی بود که اصلاً ما اون جلسه رو برگزار نکرده بودیم!

تسهیل‌گر، شرکت مجری در پنج روستای مرحله‌ی ۱

یک جنبه از ناهماهنگی‌ها، نه در میان دستگاه‌ها و ارگان‌های اجرایی با شرح خدمات مجزا بلکه، میان آن دسته از واحدها و نهادهای اجرایی نمود می‌یابد که بنا به وظیفه برای امور مشابهی وارد عرصه‌ی کار می‌شوند. ارزیابی حاضر می‌بایست دریابد که آیا مجری دیگری هم برای استقرار کشاورزی پایدار یا عملیاتی مشابه آن در روستای یا منطقه‌ی مورد پیمایش فعالیت می‌کند و در این صورت، نوع فعالیت و رویکرد آن چه تفاوت‌هایی و چه تداخل‌هایی با طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» دارد. پرس‌وجو در این مورد از کشاورزان و تسهیل‌گران شرکت‌های نشان داد که در دو سال نخست طرح آموزش‌گران و ترویج‌کنندگانی از ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه، در قالب نهادهایی مانند سازمان بسیج مهندسان، به روستاهای نمونه‌ی طرح رفته‌اند و برنامه‌هایی به اجرا درآورده‌اند. این برنامه‌ها لزوماً در هماهنگی با شرکت‌های مجری یا اداره‌های جهاد کشاورزی به اجرا در نیامده‌اند و گاه ناخواسته سبب سردرگمی روستاییان هم شده است. در روش اجرا هم تفاوت‌هایی وجود داشته است، به این معنا که آموزش‌گران در کلاس‌های آموزشی، اغلب طی یک جلسه، مضمون مورد نظرشان را به کشاورزان عرضه می‌کردند. چند تن از تسهیل‌گران شرکت‌های مجری که خود با ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه هم کار کرده بودند، جزئیات بیش‌تری از این تفاوت‌ها را توضیح دادند و تاکید داشتند که شیوه‌ی کار همان شکل مرسوم ترویج فناوری‌های کشاورزی و عرضه‌ی آموزش‌های مرتبط در کلاس‌ها و کارگاه‌ها بوده و کشاورزان به شکلی عملی سر زمین با آموزه‌های مورد نظر آشنا نمی‌شدند. البته در موردهایی برای نشان دادن تاثیر این آموزه‌ها بر روند کشاورزی، فیلم‌های مرتبطی را به نمایش درمی‌آورده‌اند یا آن که به همراه کشاورزان به مزرعه‌های نمونه سر می‌زده‌اند ولی در حل مشکل‌های عملی آن‌ها مداخله‌ای نداشتند. هم‌چنین برای جلب همکاری و مشارکت روستاییان برنامه‌ریزی

خاصی نداشتند، به جز آن که روند دسترسی به وام و تسهیلات برای تجمیع چاه‌ها را توضیح دهند. مدیران و کارشناسان چند شرکت مجری بر آن بودند که با وجود زمان کوتاه آموزش‌ها، فعالیت‌های یاد شده بر کشاورزان منطقه، به ویژه در روستاهایی که زیر پوشش طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» نیستند، پی‌آمد مثبتی داشت و توانست در مدت زمان کوتاهی در بسیاری از روستاها به همین ترتیب اطلاع‌رسانی کند.

شماری از مدیران و کارشناسان میان دیدگاه‌های خود با دیگران، از نظر رویکردی/بینشی، تفاوت‌هایی قایل اند. آن‌ها مهم‌ترین تفاوت را در آن می‌دانند بود که کسانی پابند به کارگیری روش‌های ترویجی برای استقرار کشاورزی پایدار اند و کسانی در صدد اند رویکرد مشارکتی را تسری دهند. هر دو دسته بر این باور اند برای احیای دریاچه‌ی ارومیه روش‌های مرسوم کشاورزی و مدیریت آب مربوط به کشاورزی باید تغییر یابد. کسانی معتقد اند که هرگاه روش‌های کاهش مصرف آب کشاورزی در مقیاسی گسترده، یعنی در تمامی حوضه، از سوی نهادها و واحدهای ترویج به کشاورزان آموخته شود، زمینه‌ی تغییر روش‌های مرسوم آبیاری فراهم می‌آید. کسانی در برابر این رویکرد پای رویکرد مشارکتی را به میان می‌کشند و انتظار دارند که، به جای مروجان کشاورزی، تسهیل‌گرانی تربیت شوند تا بتوانند، با به کارگیری رهیافت‌های مشارکتی، واسطه‌های انتقال مفهوم و ضرورت تغییر الگوهای کنونی کشاورزی به الگوهای کشاورزی پایدار شوند و خود کشاورزان را با این تغییر همراه کنند. بدین معنا میان تسهیل‌گری و ترویج، میان تسهیل‌گر و مروج، تفاوت می‌گذارند. ترویج روش‌های نوین کشاورزی پیشینه‌ای دراز مدت در ایران دارد اما رفتن به میان روستاهای گاه بحران‌زده به نیت تشریح روش کار و باری که تاکنون شنیده نشده یا به اجرا درنیامده و لزوماً هم همراه با مشوق‌ها و انگیزه‌های مرسوم نیستند، به خودی خود امری است دشوار، چه رسد به این که از زبان کسانی شنیده شود که تا همین چندی پیش (و بلکه هم اکنون نیز) در قالب مروجان و مهندسان کشاورزی در این منطقه‌ها فعالیت می‌کردند. یادآور می‌شویم که این تفاوت‌ها لزوماً مختص یک ارگان دست‌اندرکار نیست که به فرض مدیریت و بدنه‌ی کارشناسی یک واحد معین اجرایی در این باره مانند هم فکر کنند. برای نمونه، مدیری رویکردهای FFS و توسعه‌ی مشارکتی فناوری (PTD) را رویکردهای «ترویج» مشارکتی می‌داندست و از اساس بر تمایزگذاری میان «ترویج» و «مشارکت» را نادرست می‌شمرد ولی کارشناسی از همان دستگاه بر این باور بود که تضاد بین نگاه مشارکتی طرح و نگاه فنی مهندسان کشاورزی یکی از چالش‌های موجود است، و نمونه می‌آورد که نگاه مشارکتی با شرح خدمات شرکت‌ها هم‌خوانی ندارد. اغلب مدیران و کارشناسان شرکت‌های مجری که برای نشان دادن این چالش نمونه‌هایی آوردند، عنوان کردند که وجود این تفاوت بینشی موضوع نظارت بر طرح را پیچیده‌تر می‌کند زیرا پایش عملکرد آن‌ها از دو رویکرد گاهی وقت‌ها آن‌ها را سرگردان می‌کند، زیرا نمی‌دانند که برای بهبود کیفیت کار خود می‌بایست پیرو کدام دیدگاه باشند و کدام مقتضیات را رعایت کنند. به گمان آن‌ها، و زیر تاثیر آموزه‌های مشارکتی، چنین برداشت می‌کردند که با رویکرد مشارکتی نمی‌توان از شرکت‌های مجری انتظار داشت با عدد و رقم، پیشرفت کارشان در میان روستاییان و کشاورزان مرجع را اثبات کنند و ابراز می‌کردند که هنگامی که گزارش کاری آن بر پایه‌ی ارزیابی‌های فنی/تخصصی کشاورزی مورد تایید قرار می‌گیرد جایی برای نشان دادن فعالیت‌های آن‌ها از زاویه‌ی جلب توجه و مشارکت آن‌ها وجود ندارد و ارج گذاشته نمی‌شود.

۶-۴-۷- تردید نسبت به کارآمدی همه‌ی شیوه‌های کشاورزی پایدار برای حفاظت از منابع آبی

در این بخش عمدتاً به چالش‌هایی می‌پردازیم که به طور مستقیم به شیوه‌های آبیاری سازگار با حفاظت از منابع آبی مربوط می‌شود. دلیل این توجه ویژه آن است که گروه ارزیابی در بررسی یافته‌های کمی دریافت که کشاورزان مرجع با وجود فراگیری این

شیوه‌ها از کاربرستی آن‌ها- به میزانی که انتظار می‌رفت- خودداری کرده‌اند (جدول ۱۴). پرس‌وجوی بیش‌تر در این باره نشان داد که عامل‌های متعددی سبب شده است تا کشاورزان نتوانند آن طور که شاید و باید از این روش‌ها استفاده کنند. ممکن است شرکت‌های مجری، زیر سرفصل‌ها و عنوان‌های آموزشی گوناگونی، کشاورزان مرجع را با روش‌های آبیاری متناسب با حفاظت از منابع آبی آشنا کرده باشند. پس از مشورت با شماری از کارشناسان اداره‌ی کل جهاد کشاورزی، شرکت‌های مجری و گروه ارزیابی استانی موضوع آموزش و کاربرستی روش‌های آبیاری متناسب با حفاظت از منابع آبی را در پرسش‌نامه گنجانیدیم و میزان آموزش و کاربرستی آن روش‌ها را در ۲۴ روستای نمونه مقایسه کردیم. یادآور می‌شویم که این موضوع در پرسش‌نامه زیر عنوان‌های الف) انتقال مناسب آب با لوله‌کشی یا کانال‌کشی، ب) انتخاب بهترین زمان و فاصله‌ی آبیاری و پ) استفاده از روش‌های بهینه‌ی آبیاری آمده است. میزان آموزش این شیوه‌ها در روستاهای نمونه کم‌وبیش یک‌سان بود و بیش از ۸۰ درصد کشاورزان تایید کردند که در این باره آموزش دیده‌اند، اما در استفاده از آن روش‌ها ۸۸.۵ درصد کشاورزان مرجع زمان و فاصله‌ی آبیاری خود را تغییر داده بودند که این میزان از کاربرستی شیوه با میزان آموزش آن خوانایی دارد. آن چه سبب شد موضوع را در پیمایش کیفی پی بگیریم آن بود که ۵۳.۴ درصد کشاورزان مرجع نتوانسته بودند بر پایه‌ی آموزش خود درباره‌ی انتقال آب کاری صورت دهند و مهم‌تر از آن ۷۰.۱ درصدشان ابراز کرده بودند که در به کارگیری 'روش‌های بهینه‌ی آبیاری' ناکام مانده‌اند. در پیمایش کیفی، دریافتیم که کشاورزان مرجع در روستاهای گل، گاپیس و نظام‌آباد از روش‌های بهینه‌ی آبیاری استفاده کرده‌اند ولی چالش‌هایی هم داشته‌اند (جدول ۱۶). در خلال گفت‌وگو با روستاییان و کارشناسان به شماری از همان گرفتاری‌ها و نیز موردها دیگری اشاره شد. عمده‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- پر هزینه بودن (از جمله هزینه‌های نگهداری به دلیل فرسودگی و خرابی تجهیزات، سوخت موتورهای دیزلی، برق‌کشی برای آبیاری تحت فشار؛ پرداخت دست‌مزد کارگر در آبیاری حلقوی-تشتکی در باغ‌ها)؛
- کافی نبودن تسهیلات و وام‌های موجود برای پرداخت هزینه‌هایی مانند لوله‌کشی؛
- ناعادلانه بودن سهمیه‌ی آب؛
- نامناسب بودن زمان دسترسی به آب؛
- نداشتن مجوز استفاده از چاه؛
- کمبود برق؛
- طولانی بودن روند اداری برای گرفتن خدمات مورد نیاز؛
- بی‌تاثیر بودن به کارگیری این روش در میزان حق‌آبه‌ی پرداختی.

در هنگام بررسی گروهی دلیل‌های بروز این چالش‌ها، کشاورزان و کارشناسان توضیح دادند که به کارگیری این روش برای کسانی که زمین‌هاشان زیر یک هکتار یا کم‌تر مساحت دارد، اصلاً مقرون به صرفه نیست. بزرگ‌مالکان‌اند که بالقوه هم می‌توانند این هزینه‌ها را پرداخت کنند و هم از سود حاصل برخوردار شوند. با در نظر گرفتن این که طرح برای جلب مشارکت این گروه از روستاییان برنامه‌ی ویژه‌ای در نظر ندارد و، به عکس، رویکرد خود را بر جلب مشارکت کشاورزان کم‌درآمد (که عموماً یا مساحت زمین‌هاشان کم‌تر است یا فاقد زمین‌اند) متمرکز می‌کند، این چالش می‌تواند همچنان تداوم یابد. البته با مرور فهرست بالا، می‌توان دریافت که تنها الگوی مالکیت مانع کاربرستی این روش نیست. چه بسا مالکان زمین‌های زراعی یا باغی بزرگ‌تر هم از عهده‌ی رویارویی با مسئله‌هایی مانند نامناسب بودن زمان آبیاری یا درگیر شدن در پیچ‌وخم‌های طولانی مدت اداری برنیایند.

... روش‌هایی که هزینه‌بر بوده خیلی جواب نداده. مثلاً آبیاری تحت فشار و این‌ها پایه‌هاش این‌جا وجود نداشت. کشاورزها خیلی دوست داشتن که انجام بدن اما این قدر فرآیندهای اداری‌اش طولانی‌ه که کشاورز منصرف می‌شه.

عضو شورای اسلامی، روستای قرابقلو

شماری از کارشناسان و مدیران به این طرح بیش‌تر به چشم الگویی برای جلب و افزایش مشارکت کشاورزان در احیای دریاچه‌ی ارومیه می‌نگرند تا سازوکاری قطعی برای ذخیره‌سازی آب مصرفی.^{۳۸} از این رو، بر این باور اند که نه تنها رویکرد طرح به کشاورزانی با بنیه‌ی اقتصادی ضعیف به انسجام و دربرگیرندگی اجتماعی طرح یاری می‌رساند بلکه استمرار کشاورزی پایدار را در منطقه در گرو از یک سو، جلب مشارکت این دسته از کشاورزان و از سوی دیگر، رشد هم‌زمان بدنه‌ای هم‌بسته‌ای

از کشاورز و کارشناس/متخصص می‌دانند. در چنین صورتی، حل‌وفصل چالش‌های بالا را به شرط پا به میدان گذاشتن دستگاه‌ها و نهادهای دیگر میسر می‌دانند. به سخن دیگر، جلب مشارکت کشاورز تنگ‌دست ولی علاقه‌مند به تغییر الگوی کشت و پشتیبانی عملی از او را به سود استقرار کشاورزی پایدار در منطقه می‌دانند.

سخن آخر آن که، بنا بر دو گزارش تخصصی درباره‌ی موضوع آب در روستاهای زیر پوشش طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه...» در مرحله‌های ۱ و ۲، مصرف آب در سطح مزرعه‌ی کشاورزان بر روی زراعت گندم و جو عموماً کاهش یافته است. همین کاهش در سطح مزرعه‌های مشابه در شرق دریاچه‌ی ارومیه بر روی زراعت کلزا نیز مشاهده شده است. با این همه، گفته شده است که این روند کاهش مصرف آب تابع کاربست روش خاصی نبوده است. پیش‌فرض این پژوهش یکی آن بوده است که استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار می‌تواند از مصرف آب و برداشت از منابع آبی با حفظ سطح درآمد کشاورزان بکاهد. در همین گزارش بر 'مدیریت آبیاری'، به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های برای صرفه‌جویی آب تاکید شده است، و هم‌چنین توصیه شده است تا این روش در مرحله‌های بعدی به طور کامل آموخته و نیز آزموده شود. در

این گزارش‌ها به چالش‌هایی از جمله نبود تخصص‌های لازم نزد شرکت-های مجری برای آموزش و اجرای همه‌ی شیوه‌های مورد نظر اشاره شده است. هم‌چنین، برای موفقیت طرح، توجه جدی مدیریت منابع آب منطقه در امور تخصیص منابع آب سطحی و دسترسی به منابع آب زیرزمینی را ضروری دانسته است و هشدار داده است که اثربخشی طرح در موضوع آب در گرو چاره‌جویی در این باره است.^{۳۹} از این زاویه نیز ضرورت همراهی دستگاه‌ها و نهادهای دیگر برای اثربخشی اقدام‌های مربوط به حفاظت از منابع آبی قطعی است. در این بخش دیدیم که کشاورزان مرجع، به طور خاص، با چه دشواری‌هایی برای به کارگیری روش‌های بهینه‌ی آبیاری روبه‌رو شده‌اند. پشت سر گذاشتن این دشواری‌ها پیش از آن که آن‌ها به طور کلی از کاربست آموخته‌های خود دل‌سرد شوند در گرو جلب مشارکت جدی دست‌اندرکاران دیگر- از جمله متولیان امور آب کشور- است، وگرنه هزینه و وقت گزافی برای

بیش‌تر گندم و جو و کلزا کاشتیم که به علت باز نکردن به موقع آب توسط دولت محصول کلزای ما خشک شد و از بین رفت... فقط ۱۰ نفر از کشاورزان روستا تونستن برن لوله بگیرن و بیارن و استفاده کنند. بقیه اهالی به علت عدم توان مالی نتونستن از اجرای طرح آبیاری بارانی و قطره‌ای استفاده کنند. اداره‌ی امور آب از ما چاه آب پروانه- دار می‌خواد که نداریم چون اکثر چاه‌های ما خراب شده و احیای چاه‌ها برای هر کس حدود ۱۰۰ میلیون تومنی خرج برمی‌داره که من هزینه کردم ولی بقیه ندارند. تازه، امور آب برای دادن کنتور آب حجمی سر چاه‌ها هم ۵ تا ۶ میلیون تومن پول می‌خواد که اهالی توان مالی اون رو هم ندارن بدن تا از آبیاری قطره‌ای استفاده کنند.

عضو پیشین شورای اسلامی، روستای مرجانلو

آموزش شیوه‌هایی شده است که در اجرای آن‌ها در سطح مزرعه‌های زیر پوشش طرح تردید بسیاری وجود دارد.

۷- فرصت‌های پیش رو برای بهبود عملکرد طرح

۷-۱ کاربست هر چه بیش‌تر معیارهای مدیریت یک پارچه/تلفیقی

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، بنا به هدف‌های اعلام شده‌ی خود، تنها می‌تواند اقدام‌هایی را در راستای حفاظت از منابع آبی در روستاهای حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه به انجام برساند که شرایط اجتماعی-اقتصادی روستاییان را به مخاطره نیندازد و بلکه به

بهبود کیفیت زندگی و معیشت آن‌ها نیز یاری برساند تا آن‌ها نیز خود به نوبه‌ی خود حفاظت از منابع مورد نیازشان را به عهده بگیرند و از آن‌ها به شکل پایداری بهره‌برداری کنند. این سخن بدان معناست که می‌بایست به هر راه‌کاری از زاویه‌ی کمک به پیشبرد این فرآیند بنگریم و زمینه‌ی عملی کردن آن را بسنجیم. در این بخش، می‌کوشیم پیشنهادها

خلاصه ما این وسط واقعا موندیم. اگر آب نداشته باشیم، کشاورزی نداریم. اگر کشاورزی کنیم، آب تموم می‌شه. شغل‌های دیگه هم که خوابیده.

کشاورز مرجع، روستای گل

و توصیه‌های خود را به فرصت‌های واقعا موجود محدود کنیم. برخی از اقدام‌های لازم برای حل‌وفصل مسئله‌هایی که در بخش پیشین مطرح شد اساسا به تنهایی از عهده‌ی طرح «همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» برنمی‌آید. برای نمونه، از کشت یکی از پرآب‌خواه‌ترین محصولات، یعنی چغندر قند، ولو کسانی در بدنه‌ی کارشناسی هم این درخواست را مطرح کنند، نمی‌تواند جلوگیری کند ولی چه بسا بتواند برای جلب پشتیبانی دیگر نقش‌آفرینان به انجام دادن اقدام‌هایی که فصل مشترک‌شان احیای دریاچه‌ی ارومیه است گام موثرتری بردارد. برای نمونه، دیدیم که کشاورزان برای آزمودن شیوه‌های کشاورزی پایدار نیاز تامین به منابع مالی دارند. هم‌چنین می‌بایست در برابر نوسان قیمت‌های بازار تاب بیاورند. مسایلی از این دست ایجاب می‌کند که اصلاحات و تنظیمات دیگری هم در چرخه‌ی اقتصادی در کار باشد و از این بابت تشریک مساعی شود. در قالب این تشریک مساعی است که می‌توان از راه‌حل‌هایی مانند برقراری معافیت‌های مالی یا برخورداری کشاورزان مرجع از پاره‌ای امتیازهای هدفمند سخن راند و با تصمیم‌گیری جمعی به نتیجه‌ی مطلوب رسید.

کوشش برای جلب این همکاری‌ها، می‌بایست با تقویت ساختارهای مدیریت تلفیقی/یک‌پارچه همراه شود و ادامه یابد. تبدیل فعالیت‌های ظرفیت‌سازی طرح به 'برنامه‌ی ظرفیت‌سازی' با تداوم رویکرد مشارکتی خود می‌تواند ادامه‌کاری کمیته‌های استانی و کمیته‌های فرابخشی را، حتی پس از قطع منابع مالی پشتیبانان کنونی، تضمین کند. اکنون نزد شماری از کارشناسان و متخصصان این گمان وجود دارد که به فرض یک دستگاه، یعنی وزارت جهاد کشاورزی، است که می‌بایست مسئولیت تکرار و تعمیم طرح را در منطقه به عهده بگیرد. اما گزینه‌ی تکمیلی آن، یعنی درگیر کردن نمایندگان ذی‌نفعان در فرآیندهای برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا بر پایه‌ی تجربه‌های به دست آمده‌ی سالیان اخیر در این طرح و نیز تجربه‌های دیگر کشوری و بین‌المللی، می‌تواند زمینه را هر چه بیش‌تر برای مشارکت روستاییان در استقرار کشاورزی پایدار به مثابه‌ی یکی از راه‌کارهای اصلی احیای دریاچه‌ی ارومیه فراهم آورد.^{۴۰}

درست است که الگوی اجرایی این طرح در سطح مزرعه و روستا آزموده شده است و هنوز فرصت گسترش روش خود را در مقیاس بزرگ‌تر نیافته است ولی، در همین حد، هم کوشیده است مدافع نظامی از مشارکت در میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان باشد که بر برنامه‌ریزی‌های مشارکتی تکیه دارد. پافشاری بر به دست دادن الگویی در این خصوص هم‌چنان ضرورت دارد. بی‌شک نشان دادن

نمونه‌های موفق مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی در جلب توجه نقش‌آفرینان دیگر این عرصه خالی از فایده نخواهد بود. بنابراین کلی‌ترین پیشنهاد آن است که جنبه‌های موفق طرح با جزییات بیش‌تری به شکل مستمرتری استخراج گردد و کارآمدی آن‌ها به شکل‌های گوناگون نمایانده شود.

یادآوری یک مسئله‌ی کلی دیگر نیز ضرورت دارد. یکی از جنبه‌هایی که مشارکت دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان متعدد مرتبط با حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه را فراهم می‌آورد آن است که هر کدام از آن‌ها دریابند که چه سهمی در بحران به وجود آمده دارند و چه نقش و مسئولیتی برای احیای آن دارند. این بدان معناست که فضای حاکم بر مدیریت طرح به جای مقصریابی برای مسئله‌هایی که پیش می‌آید، به سوی ایجاد تفاهم میان ذی‌نفعان اصلی پیش برود. در این میان اگر کشاورزان مرجع ببینند که همه‌ی دیگرانی که در پدید آمدن بحران آب نقش داشتند در فرآیند احیای دریاچه مشارکت دارند و تنها از بخش کشاورزی، و عمدتاً از کشاورزان، نیست که انتظار می‌رود الگوی مصرف خود را تغییر دهند، بی‌شک تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در این جاست که نقش اجتماعی گروه کشاورزان مرجع و شبکه‌سازی از آن‌ها و کشاورزان دیگر، اهمیت ضروری می‌یابد تا بتوانند به مثابه‌ی یک گروه ذی‌نفع متشکل در فرآیند احیای دریاچه ایفای نقش کنند و خود پیام‌رسان جلب هم‌دلی و همراهی جماعت‌های روستایی برای استقرار کشاورزی پایدار گردد. از این بابت، گنجاندن سرفصل‌هایی درباره‌ی گروه‌سازی و شبکه‌سازی در دستور کار برنامه‌ی ظرفیت‌سازی ضرورت دارد. دورانی را فرض کنید که این گروه از کشاورزان مرجع از منطقه‌های گوناگون دور هم گرد می‌آیند که نه تنها درباره‌ی تجربه‌های خود در کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار و تاثیر آن‌ها در افزایش درآمد تبادل نظر کنند، بلکه بتوانند درباره‌ی روش‌های حل و فصل مشکلات با ذی‌نفعان دیگر با هم صحبت کنند و تصمیم بگیرند. پیش چشم داشتن این دورنما به همراه برنامه‌ریزی مقطعی برای تحقق آن است که امکان می‌دهد طرح در هر مرحله از کار خود گامی به جلو را تجربه کند. اگر تهیه و تدوین و اجرای فعالیت‌های کشاورزی بر پایه‌ی PDM ها، یا فعالیت‌هایی که هم‌اکنون بر پایه‌ی PTD در شرف اجراست، نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی مشارکتی باشند که هم مقبول دستگاه‌های اجرایی است و هم کشاورزان از آن سود می‌برند، پس گنجاندن جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی در آن فرآیندها امکان اعمال مدیریت تلفیقی/یک‌پارچه را تقویت می‌کند.

هم‌چنین اگر رویکرد 'به‌کاشت' (در برابر رویکرد 'نکاشت') شکل بیانی دیگری از کشاورزی سازگار با حفاظت از منابع آبی در شرایط حاضر در منطقه است^{۴۱}، پس نزدیکی و هماهنگی با دستگاه‌های متولی و مرتبط فرصتی است مغتنم برای هم‌افزایی در این زمینه. هنگامی که مدیریت طرح، در سطح ملی و استانی، رو آوردن ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه را به استقرار کشاورزی پایدار با به کارگیری روش طرح حاضر دستاورد چشم‌گیری می‌شمارد، تعمیم 'برنامه‌ی ظرفیت‌سازی' به شرکت‌های مجری جدید بی‌شک فرصتی است تا نقش‌آفرینان اصلی برای مدیریت مشارکتی مسئله‌ی احیای دریاچه‌ی ارومیه به هم نزدیک‌تر شوند. هر چند، اگر زمینه‌های تکرارپذیر مناسب طرح به سرعت استخراج نشود تا در اختیار مجریان جدید قرار گیرد، امکان آن وجود دارد که به لحاظ شکلی جنبه‌هایی از رویکرد مشارکتی رعایت شود ولی، در عمق قضیه، طرح حاضر امکان نیابد تا تجربه‌های خود را منتقل کند. از این رو، لازم است برای شرکت در برنامه‌ریزی فعالیت‌های پیش رو، از هر راه ممکن، پافشاری کند و مشورت دهد.

۷-۲ تقویت مشارکت در چارچوب یک‌سان‌سازی برداشت از این مفهوم

اعمال مدیریت تلفیقی/جامع مستلزم رسیدن به درک مشترکی از مفهوم و ضرورت مشارکت است. هم‌اکنون این واژه به کرات در این طرح مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی برای آن که بتوان درباره‌ی نقش‌ها و مسئولیت‌های هریک از دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان

در چارچوب مدیریت تلفیقی/جامع فکری کرد و به اجرا گذاشت، یافتن زبان مشترک ضروری است.^{۴۲} هم اکنون که آن انسجام لازم و برداشت یکسان از مفهوم‌های «مشارکت» و «ترویج» وجود ندارد، کوشش برای مطرح ساختن تفاوت‌های بینشی موجود و رسیدن به توافقی اولیه در این زمینه الزام‌آور است. در غیر این صورت، میان تسهیل‌گرانی که می‌آموزند کیفیت مشارکت روستاییان زیر پوشش طرح بی‌اندازه اهمیت دارد و همه‌ی دستگاه‌های نظارتی که از تسهیل‌گران می‌خواهند گزارش عملکردشان را بر مبنای عدد و رقم تهیه کنند، تعارضی ایجاد می‌شود که بر جنبه‌های اجرایی کار تاثیر منفی می‌گذارد.

روشن شدن مفهوم‌ها عموماً می‌تواند پاره‌ای ابهام‌ها را مرتفع سازد و، از این رو، درک سیاست‌ها و رویه‌های مربوط و دلیل آن‌ها برای دستگاه‌های مجری آسان‌تر باشد و از برداشت شخصی از رویکردها و دستور عمل‌ها جلوگیری کند. برای نمونه، گروه ارزیابی در یکی از روستاها متوجه شد که تسهیل‌گر شرکت مجری به کشاورز مرجعی یاد داده است که چه‌گونه از دستگاهی برای پایش آب استفاده کند و آن کشاورز مرتب این کار را انجام می‌دهد و گزارش می‌کند. این امر به خودی خود می‌تواند پسندیده و مطلوب باشد، اما هنگامی که از آن به عنوان مصداق توان‌افزایی روستایی و یکی از جلوه‌های 'پایش مشارکتی آب' یاد می‌شود، می‌بایست تامل کرد. 'پایش مشارکتی آب' برای خودش مقدمات و ابزاری دارد که نمی‌شود به این سطح تقلیل‌اش داد.^{۴۳} اگر طرح مایل باشد که پایشی مشارکتی را بیازماید، می‌بایست مقدمات این کار را در فعالیتهای ظرفیت‌سازی خود بگنجانند.

۷-۳- بازبینی در چند رویه‌ی اجرایی

شماری از اقدام‌های اصلاحی، بیش از آن که مستلزم جلب موافقت و/یا مشارکت همکاران اجرایی طرح باشد، می‌تواند، نخست، از سوی مدیریت و بدنه‌ی کارشناسی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران بررسی گردد تا اگر امکان اجرای آن وجود داشت با دست-اندرکاران و ذی‌نفعان دیگر هم در میان گذاشته شود. یکی از این موردها، بازبینی در معیار انتخاب روستاهای نمونه است. بنا بر یافته‌های این ارزیابی، از دیدگاه اجتماعی-اقتصادی، کاربست آن دسته از شیوه‌های کشاورزی پایدار که با حفاظت منابع آبی مرتبط‌تر اند در روستاهایی پاسخ موثرتری داده است که هنوز موضوع آب بحرانی نیست و توان اقتصادی کشاورز سبب خودداری از کاربست آموزه‌های مربوط به حفاظت از منابع آبی نمی‌شود و نیز مدیریت شهرستان از بابت اعتبار مالی و ابزار کشاورزی پایدار چندان اطمینان دارد که از این بابت نیازمندی‌های کشاورز مرجع را برای آزمودن شیوه‌های بهینه‌ی مصرف آب کشاورزی می‌تواند تامین کند. از سوی دیگر، گروه‌های خاصی در درون جامعه‌ی روستایی بیش از بقیه به‌پذیرش ضمنی یا تلویحی شیوه‌های کشاورزی پایدار رو می‌آورند؛ به این معنا که کشاورزان جوان‌تر و تحصیل‌کرده‌تر به تغییر الگوی کشت تمایل بیش‌تری نشان داده‌اند. پس چه بسا نمی‌بایست معیار انتخاب کشاورز مرجع را تنها بر داوطلب بودن او گذاشت. به سخن دیگر، اگر بتوان انتخاب روستا و کشاورز را هدف‌مندتر در نظر گرفت، چه بسا بهره‌گیری از آموزه‌های کشاورزی پایدار رواج بیش‌تری بیابد. این سخن به معنای تغییر نگرش طرح نسبت به روستاییان کم‌درآمدتر نیست و لازم نمی‌آید تا آن‌ها را از شمول طرح خارج کرد، بلکه می‌بایست برای آماده کردن این گروه از کشاورزان که یا چون زمین ندارند برای تولید کشاورزی زمین‌آواره می‌کنند یا چون تنگنای مالی دارند نمی‌توانند روش‌های پرهزینه کشاورزی پایدار را بیازمایند، مداخله‌های اجتماع‌محور دیگری را انجام داد. برای نمونه، می‌بایست پیش‌طرح‌هایی در قالب کمک‌های بلاعوض مانند «پرداخت برای خدمات زیست‌بومی» (PES) یا تسهیلات مالی ادواری را تدارک دید.

در همین راستا، یعنی مجزا دیدن کشاورزان مرجع مستعد برای استفاده از شیوه‌های کشاورزی پایدار از کسانی که نیاز به حمایت‌های متفاوت و بیش‌تری برای مشارکت در طرح دارند، زنان روستایی و جوانان غیر کشاورز روستایی نیازمند شکل‌های دیگری از حمایت طرح هستند. اکنون که زنان روستایی ساکن در روستاهای نمونه‌ی طرح طرف توجه قرار گرفته‌اند، شایسته است که از یک سو، برای آن‌ها- بر پایه‌ی روش‌های پیشنهادی در برنامه‌ی «اطلاع‌رسانی، آموزش و آگاهی‌افزایی» (CEPA)- زمینه‌ی افزایش آگاهی‌های زیست محیطی و پیوند میان استقرار کشاورزی پایدار با احیای دریاچه‌ی ارومیه فراهم آید و از سوی دیگر، همین برنامه‌های آگاهی‌رسانی برای اعضای خانواده‌ی کشاورزان مرجع نیز پیاده گردد تا بتوان به طور فشرده از زمان کوتاه حضور طرح در هر روستای جدیدی که به آن وارد می‌شود فعالیت‌ها را متمرکزتر کرد تا با هم‌افزایی آن‌ها تاثیر بیش‌تری گذاشت.

۷-۴ تعیین شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی روشن‌تر برای پایش‌ها و ارزش‌یابی‌های آتی

برنامه‌های کاری طرح حفاظت از تالاب‌های ایران عموماً از پیش برای هر یک از دستاوردهای مورد انتظار، برون‌داده‌ها، فعالیت‌ها و هدف‌هایی را تعیین و بودجه‌بندی می‌کند. با آن که برای همه‌ی برون‌دادهای طرح شاخص‌های تعریف شده است، تامل‌انگیز است که چرا برای استقرار کشاورزی پایدار در کانون‌های نمونه، علامت یا نشانه‌ی خاصی نیامده است.^{۴۴} البته شاید بتوان شماری از شاخص‌های کلی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در پایش عملکرد کشاورزی پایدار نیز به کار برد، اما در این صورت نیز به جز سرشماری تعداد نشست‌های معرفی، توجیهی یا آموزشی، تعداد شرکت‌کنندگان (به تفکیک جنس) و تعداد تشکلهای نکته‌های دیگری را نمی‌توان رصد کرد. این نوع شاخص‌گذاری، درست است که برای گزارش‌دهی به پشتیبانان مالی مطلوب می‌نماید و با کاربست آن می‌توان پیشرفت کار را اندازه گرفت، ولی سرشماری تعداد شرکت‌کنندگان- و نه کیفیت حضور- از نظر جنبه‌های مدیریتی و امید به اثرگذاری تکافو نمی‌کند. حال اگر کنار این شاخص‌ها، چند شاخص دیگر تعیین شود، مانند میزان استفاده کشاورزان مرجع از مهم‌ترین و اثرگذارترین آموزه‌های کشاورزی پایدار، می‌توان روند اجرایی را زیر نظر گرفت و از عملکرد موثر طرح اطمینان یافت. هر چند، در آخرین نسخه‌ی برنامه‌ی کاری طرح حفاظت از تالاب‌های ایران- در یکی دو جا- به جنبه‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند آن که هنگامی که معیشت دیگری برای کسب درآمد به روستاییان معرفی می‌گردد تا از فشار بر منابع موجود برای کشاورزی کاسته شود، میزان استقبال روستاییان در قالب مبلغ وام‌هایی که برای راه‌اندازی این گونه معیشت‌ها اندازه گرفته می‌شود. به این ترتیب، یک شاخص اقتصادی تعریف شده تا مورد استفاده قرار گیرد.^{۴۵}

برای آن که بتوان این شاخص‌ها را بر پایه‌ی تجربه‌ی عملی سالیان اخیر تدوین کرد، پیشنهاد می‌شود که سرفصلی از فعالیت‌های ظرفیت‌سازی به مبحث شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی تخصیص یابد تا بتوان همراه با مرور و/یا آموزش مفهوم‌های اصلی در این زمینه از کارشناسان اداره‌های کل و شهرستان جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط زیست و شرکت‌های مجری (اعم از شرکت-های مجری این طرح و طرحی که ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه در صدد تامین منابع مالی آن است) در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی مدد گرفت تا این شاخص‌ها برای طرح حاضر تعریف و تعیین گردند. بنا به توصیه‌ی کتابچه‌های راهنما برای پایش و ارزش‌یابی برای طرح‌های حفاظت از تنوع زیستی،^{۴۶} شاخص‌ها را می‌توان به سه دسته‌ی اصلی الف) اجتماعی، ب) اقتصادی و پ) مشارکت مردمی تقسیم کرد و در زیر هر کدام موردهایی را گنجانند که رصد کردن‌شان با در نظر گرفتن موقعیت طرح از عهده‌ی همکاران اجرایی آن بر می‌آید. با آن که اندازه‌گیری کیفی این دو دسته شاخص دشوار است اما یادآور می‌شویم که بدون داشتن شاخص‌ها هم که نمی‌توان از پیشرفت کار در جهت مطلوب اطمینان یافت. بنابراین داشتن شاخص‌های کمی و نیز

کیفی اجتماعی-اقتصادی و مشارکت مردمی، ولو محدود، ضروری است و لازم است تا فرصت باقی است برای رفع این کاستی فکری کرد. این که روش رصد کردن اثر طرح بر زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم چه‌گونه باشد، امری است جداگانه، ولی می‌توان در حین تعیین شاخص‌ها درباره‌ی روش و تناوب پایش هم به توافق رسید. یک گزینه می‌تواند آن باشد که از مشاوران سه‌گانه‌ی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران (مشاور آب، مشاور ظرفیت‌سازی و مشاور اجتماعی-اقتصادی) برای ارزیابی‌های مشترک یک‌بار در یک سال بهره‌گرفت، بدین معنا که چندین روستای نمونه برای این ارزیابی مشترک با شاخص‌هایی که پیش از آن با توافق همکاران اجرایی طرح به دست آمده است، در نظر گرفته شود تا اثرهای بوم‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی و مشارکتی طرح بر هر یک از روستاها با کمک تسهیل‌گران و کشاورزان مرجع سنجیده شود. به این ترتیب، اطلاعات گردآوری شده، به خلاف اکنون، متمرکزتر خواهد بود و امکان بررسی همه‌جانبه‌ی عملکرد میسرتر می‌شود. در این صورت، هر پیشنهاد و توصیه‌ای برای بهبود کیفیت طرح جامع‌تر خواهد بود زیرا مقتضیات لازم برای پیشرفت همه‌ی شاخص‌ها را در نظر خواهد داشت.

۸- پیوست‌ها

۸-۱ فهرست مصاحبه‌شوندگان

نام و نام خانوادگی	نام سازمان	موقعیت سازمانی
(۱) حجت جباری	اداره‌ی کل سازمان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی	معاون فنی
(۲) علیرضا قریشی		رئیس اداره‌ی آموزش و مشارکت‌های مردمی
(۳) یدالله آذرخوا	اداره‌ی کل سازمان حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی	کارشناس مسئول دبیرخانه‌ی تالاب‌های استان
(۴) علی اکبر نژادرضا	معاونت ترویج اداره‌ی کل جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی	مدیر هماهنگی
(۵) اصغر هم‌دست		کارشناس معین روستا
(۶) بهروز خضولو	معاونت ترویج اداره‌ی کل جهاد کشاورزی آذربایجان غربی	مدیر هماهنگی
(۷) رقیه حیدرزاده		کارشناس معین روستا
(۸) ابوالفضل آبشت	طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	مدیر ملی
(۹) ندا فلسفی	طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	کارشناس
(۱۰) حمید سلطانی	طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	کارشناس
(۱۱) بابک موسوی‌نژاد	موسسه‌ی مطالعات توسعه‌ی بازنگر معاصر	طراح و آموزش‌گر برنامه‌ی ظرفیت‌سازی
(۱۲) آيسان حاجی زاده	شرکت پانیز کشت آذربایجان	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۱۳) سجاد سیفالهی	شرکت اتحاد سبز نوگرایی	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۱۴) قهرمان عبدی	شرکت نوین گستر مهاباد	تسهیل‌گر
(۱۵) مهدی فکری	شرکت آذر کشت	تسهیل‌گر
(۱۶) مهدی زردان	شرکت نوین خدمات دهقان	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۱۷) نوروز شهماخت‌آذر	شرکت پدیده سبز آنیل	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۱۸) لطیف حقی	شرکت دانش پژوهان سبزگستر ارومیه	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۱۹) هاله طارم	شرکت یاشیل اورمان چی چست	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۲۰) رامین خدایی	شرکت پدیده بناب	مدیر عامل و تسهیل‌گر
(۲۱) محمد مصباح	شرکت معین کشاورز آذربایجان سهند	مدیر عامل و تسهیل‌گر

۸-۲ ابزارهای پژوهشی

۸-۲-۱ پیمایش کمی

پرسش‌نامه‌ی پیمایش کمی																																																																																																																																
با سلام و سپاس از همکاری شما طرح «احیای دریاچه‌ی ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی» با هدف کاهش مصرف آب و نهاده‌های شیمیایی جهت احیای دریاچه ارومیه از سوی طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران با حمایت دولت ژاپن از سال ۱۳۹۳ در دست اجراست. این پرسش‌نامه جهت ارزیابی اجتماعی و اقتصادی این طرح آماده شده است. همکاری شما در تکمیل این پرسش‌نامه می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی مدیران و عملکرد مجریان طرح یاری رساند. پیشاپیش از همکاری شما سپاس‌گزاریم.																																																																																																																																
الف. میزان یادگیری و کاربرست توصیه‌های کشاورزی پایدار ۱. در نتیجه عملکرد طرح نسبت به هر کدام از موارد زیر، آگاهی شما چقدر افزایش پیدا کرده؟ و آیا توصیه‌ها و تکنیک‌ها را به کار بسته‌اید؟ <table border="1"> <thead> <tr> <th rowspan="2">#</th> <th rowspan="2">توصیه‌ها و تکنیک‌های کشاورزی پایدار</th> <th colspan="2">آیا به کار بسته‌اید؟</th> <th colspan="2">آیا آموزش دیده‌اید؟</th> </tr> <tr> <th>بله</th> <th>خیر</th> <th>بله</th> <th>خیر</th> </tr> </thead> <tbody> <tr><td>۱</td><td>انتقال مناسب آب با لوله‌کشی یا کانال‌کشی</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۲</td><td>انتخاب بهترین زمان کشت</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۳</td><td>انتخاب بهترین زمان و فاصله آبیاری</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۴</td><td>استفاده از روش‌های بهینه آبیاری</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۵</td><td>استفاده از کودهای حیوانی و ارگانیک</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۶</td><td>استفاده از کود شیمیایی بر اساس آزمون خاک</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۷</td><td>تسطیح مناسب زمین</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۸</td><td>کرت بندی مناسب و کوچک کردن کرت‌ها</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۹</td><td>خاک‌ورزی حفاظتی</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۰</td><td>برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۱</td><td>رعایت میزان بذر مصرفی</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۲</td><td>کاشت با دستگاه خطی کار</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۳</td><td>بذر مال و ضد عفونی بذر، نهال و نشاء با کود و سموم بیولوژیک</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>استفاده از رقم‌های مقاوم به کم آبی و شوری</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>مبارزه با علف‌های هرز</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۶</td><td>مبارزه‌ی بیولوژیک با آفات</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۷</td><td>هرس باغ‌ها</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۸</td><td>استفاده از چال کود در باغ‌ها</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> <tr><td>۱۹</td><td>کالیبراسیون ادوات کشاورزی</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۲</td></tr> </tbody> </table>					#	توصیه‌ها و تکنیک‌های کشاورزی پایدار	آیا به کار بسته‌اید؟		آیا آموزش دیده‌اید؟		بله	خیر	بله	خیر	۱	انتقال مناسب آب با لوله‌کشی یا کانال‌کشی	۱	۲	۱	۲	۲	انتخاب بهترین زمان کشت	۱	۲	۱	۲	۳	انتخاب بهترین زمان و فاصله آبیاری	۱	۲	۱	۲	۴	استفاده از روش‌های بهینه آبیاری	۱	۲	۱	۲	۵	استفاده از کودهای حیوانی و ارگانیک	۱	۲	۱	۲	۶	استفاده از کود شیمیایی بر اساس آزمون خاک	۱	۲	۱	۲	۷	تسطیح مناسب زمین	۱	۲	۱	۲	۸	کرت بندی مناسب و کوچک کردن کرت‌ها	۱	۲	۱	۲	۹	خاک‌ورزی حفاظتی	۱	۲	۱	۲	۱۰	برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین	۱	۲	۱	۲	۱۱	رعایت میزان بذر مصرفی	۱	۲	۱	۲	۱۲	کاشت با دستگاه خطی کار	۱	۲	۱	۲	۱۳	بذر مال و ضد عفونی بذر، نهال و نشاء با کود و سموم بیولوژیک	۱	۲	۱	۲	۱۴	استفاده از رقم‌های مقاوم به کم آبی و شوری	۱	۲	۱	۲	۱۵	مبارزه با علف‌های هرز	۱	۲	۱	۲	۱۶	مبارزه‌ی بیولوژیک با آفات	۱	۲	۱	۲	۱۷	هرس باغ‌ها	۱	۲	۱	۲	۱۸	استفاده از چال کود در باغ‌ها	۱	۲	۱	۲	۱۹	کالیبراسیون ادوات کشاورزی	۱	۲	۱	۲
#	توصیه‌ها و تکنیک‌های کشاورزی پایدار	آیا به کار بسته‌اید؟		آیا آموزش دیده‌اید؟																																																																																																																												
		بله	خیر	بله	خیر																																																																																																																											
۱	انتقال مناسب آب با لوله‌کشی یا کانال‌کشی	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۲	انتخاب بهترین زمان کشت	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۳	انتخاب بهترین زمان و فاصله آبیاری	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۴	استفاده از روش‌های بهینه آبیاری	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۵	استفاده از کودهای حیوانی و ارگانیک	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۶	استفاده از کود شیمیایی بر اساس آزمون خاک	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۷	تسطیح مناسب زمین	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۸	کرت بندی مناسب و کوچک کردن کرت‌ها	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۹	خاک‌ورزی حفاظتی	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۰	برگرداندن بقایای گیاهی کشت قبلی به زمین	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۱	رعایت میزان بذر مصرفی	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۲	کاشت با دستگاه خطی کار	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۳	بذر مال و ضد عفونی بذر، نهال و نشاء با کود و سموم بیولوژیک	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۴	استفاده از رقم‌های مقاوم به کم آبی و شوری	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۵	مبارزه با علف‌های هرز	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۶	مبارزه‌ی بیولوژیک با آفات	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۷	هرس باغ‌ها	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۸	استفاده از چال کود در باغ‌ها	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۱۹	کالیبراسیون ادوات کشاورزی	۱	۲	۱	۲																																																																																																																											
۲. چنانچه توصیه‌های کشاورزی پایدار را اجرا کرده‌اید، چه تأثیراتی در زندگی شما داشته است؟																																																																																																																																
۳. اگر نتوانستید از تکنیک‌های کشاورزی پایدار استفاده کنید، علت چه بوده یا چه موانعی بر سر راه‌تان وجود داشته است؟																																																																																																																																
ب. مشخصات بهره‌برداری ۱. نوع بهره برداری از زمین: ☐ مالک زمین ☐ مستاجر زمین ☐ هر دو ۲. نحوه به کارگیری نیروی انسانی: ☐ نیروی کار خانوادگی ☐ کارگر روزمزد ☐ کارگر دائم																																																																																																																																

۳. مشخصات کشت غالب در سال اجرای طرح

شکل غالب فروش						زمان کشت		مساحت زمین (به هکتار)	نوع محصول	کشت غالب در سال اجرای طرح	
محصول تبدیلی	خرده فروشی	فروش به کارخانه	فروش به واسطه	خرید تضمینی	پیش فروش	پائیزه	بهاره			دیم	زراعی
										آبی	زراعی
											باغی

۴. ابزار کشاورزی: ☐ ابزار سنتی ☐ استفاده از ادوات جدید ☐ هر دو ☐

۵. اصلی ترین منبع مالی مورد نیاز برای کشاورزی را چه گونه تامین می کنید؟

پس انداز ☐ وام بانکی ☐ وام شخصی با بهره ☐ سایر موارد ☐:

۶. در صورت اجرای تکنیک های کشاورزی پایدار، درآمد شما نسبت به گذشته چه تغییری کرده است؟

خیلی کمتر شده ☐ کمتر شده ☐ تغییری نکرده ☐ بیشتر شده ☐ خیلی بیشتر شده ☐

ج. مشخصات عمومی پاسخگو

۱. جنس: ☐ زن ☐ مرد

۲. سال تولد:

۳. وضعیت تاهل: ☐ مجرد ☐ متاهل ☐ مطلقه ☐ بیوه

۴. تعداد اعضای خانواده شما چند نفر است؟

۵. وضعیت تحصیلات:

بی سواد ☐ ابتدایی (و نهضت) ☐ راهنمایی (و سیکل) ☐ متوسطه و دیپلم ☐
 کاردانی ☐ کارشناسی ☐ کارشناسی ارشد و بالاتر ☐ تحصیلات حوزوی ☐

۶. اصل و نسب شما به کدام قوم یا طایفه بر می گردد؟

ترک ☐ کرد ☐ سایر ☐:

۷. وضعیت مالی و اقتصادی خانواده خود را نسبت به سایر اهالی روستا در چه حدی ارزیابی می کنید؟

خیلی ضعیف ☐ ضعیف ☐ متوسط ☐ خوب ☐ خیلی خوب ☐

د. مشخصات پرسش گری

نام شهرستان	نام روستا	تاریخ	ساعت	نام پرسش گر
کد شهرستان:	کد روستا:			کد پرسش گر:

پیش از ورود به روستا برای پرسش‌گری چه کارهایی باید انجام شود؟

- پیش از آغاز پرسش‌گری برای شرکت‌هایی که روستاهای نمونه در آن‌ها فعال هستند نامه‌ای ارسال شده تا آنان در جریان انجام این ارزیابی قرار گیرند. با این وجود حتما پیش از مراجعه به روستا با شرکت تماس گرفته و آن‌ها را در جریان روز مراجعه خود قرار دهید.
- به جز فرد مسئول شرکتی که در روستای نمونه فعال است لازم است با تسهیل‌گر طرح « احیای دریاچه‌ی ارومیه ... » که شخصا فعالیت‌هایی را در روستا انجام داده تماس گرفته و چنانچه موافقت نمود فهرست کشاورزان مرجع را به همراه شماره تماس از او بگیرید تا شخصا به کشاورزان اطلاع دهید چه روزی می‌خواهید برای تکمیل پرسش‌نامه نزد آن‌ها بروید.
- در صورت عدم موافقت تسهیل‌گر برای در اختیار قرار دادن شماره‌های تماس کشاورزان مرجع، از خود او تقاضا کنید به آنان اطلاع دهد که شما قرار است در چه روزی به روستا مراجعه کنید تا آمادگی پذیرش شما را داشته باشند. اما تاکید کنید بهتر است آن‌ها را یک‌جا جمع نکنند تا معطل نشوند و در انجام تک تک مصاحبه‌ها اختلال ایجاد نشود.
- پرسشنامه را دقیق و کامل بخوانید تا سئوالات برایتان ابهامی نداشته باشد. اگر ابهامی در هر یک از سئوالات وجود داشت پیش از مراجعه برای پرسش‌گری آن را با هم گروهی خود و یا اعضای گروه مشاور در میان بگذارید تا حتما ابهام برطرف شود.
- از قبل تمرین کنید که سئوالات را به گونه ای بپرسید که برای کشاورز قابل فهم باشد.
- ادبیات پرسش‌نامه تا جای ممکن با مشارکت خود شما بازنویسی و اصلاح شده است اما اگر هم چنان لازم می‌دانید تا هنگام پرسیدن سئوالات از اصطلاح جایگزینی استفاده کنید، حتما یک بار پیش از شروع پرسش‌گری آن را با گروه مشاور در میان بگذارید تا هر دو طرف نسبت به هم معنی بودن اصطلاح پیشنهادی شما و آن چه در پرسش‌نامه در مد نظر است، اطمینان حاصل کنند.
- حداقل ۲۰ نسخه از پرسش‌نامه را با خود همراه داشته باشید تا با چالش کمبود پرسش‌نامه در روستا مواجه نشوید. همراه داشتن چند خودکار هم کمک می‌کند تا اگر یکی از خودکارها بنا به هر دلیلی کار نکرد، جایگزینی وجود داشته باشد.
- اگر یک زیر دستی همراه داشته باشید که پرسشنامه را روی آن قرار دهید، راحت‌تر می‌توانید پاسخ‌ها را علامت بزنید.

در زمان ورود به روستا برای پرسش‌گری باید به چه نکاتی دقت شود؟

- با وجود آن که در هنگام هماهنگی با تسهیل‌گر روستا از او خواسته اید کشاورزان مرجع را در یک مکان جمع نکنند اما احتمال زیادی دارد که در هنگام ورود به روستا متوجه شوید این اتفاق افتاده و آنها در مسجد، مرکز خدمات و یا هر جای دیگری دور هم جمع شده اند. اگر چنین اتفاقی افتاد ضمن تشکر از تک تک افراد حاضر برای آنان توضیح دهید که قرار است چه کار کنید و تاکید کنید چون مصاحبه‌ها تک به تک انجام می‌شود و زمان زیادی می‌برد برای جلوگیری از معطل شدن آن‌ها، بهتر است که در خانه هایشان یا هر جای دیگری که مایل اند منتظر مراجعه شما شوند.
- اگر کشاورزان مکانی که در آن گرد هم آمده اند را با وجود درخواست شما ترک نکردند سعی کنید در گوشه ای از مکان مستقر شوید و از آنها بخواهید تک به تک برای گفتگو با شما بایند. اگر در زمان مراجعه شما به روستا تسهیل‌گر هم حضور داشت دوستانه از او تقاضا کنید تا با ایجاد فضای گفتگوی جمعی میان افرادی که در انتظار انجام مصاحبه با شما هستند، به انجام مصاحبه‌های فردی توسط شما کمک کند.

- اگر برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها به منازل کشاورزان مراجعه کردید، مطمئن شوید که زمان مناسبی را برای اینکار انتخاب کرده اید و او در حال استراحت، صرف غذا و یا درگیر هر مشغله دیگری نیست و وقت و تمرکز کافی برای گفتگو با شما را دارد. در غیر اینصورت بپرسید که در طول آنروز چه زمان یا مکانی برایش مناسب تر است و بر اساس آن مراجعه نمایید.
- چنانچه کشاورز از شما دعوت کرد که برای تکمیل پرسش‌نامه وارد منزل شوید دعوت را بپذیرید و اصرار نکنید که دم در با شما گفتگو کند. اما این پیشنهاد را شما مطرح نکنید، چون ممکن است او ترجیح ندهد که شما به عنوان فردی غریبه وارد محل سکونت‌اش شوید.
- اگر در زمان صرف وعده‌های غذایی در روستا حضور دارید سعی کنید به گونه ای که جلب توجه نکند در جایی مستقر شوید و غذا را میل کنید تا افراد روستا برای پذیرایی از شما معذب نشوند. (می‌توانید از قبل این سؤال را که مکانی برای تهیه غذا در روستا وجود دارد یا لازم است غذای‌تان را همراه ببرید و هم چنین اینکه برای صرف غذا در کجا می‌توانید مستقر شوید را پیشتر از تسهیل‌گر روستا بپرسید).

در هنگام گفتگو با کشاورزان باید چه نکاتی در مد نظر قرار گیرد؟

- در انتخاب شما و گروه‌بندی‌تان تلاش شده تا حتما یک فرد کُرد زبان و یک فرد تُرک زبان در گروه حضور داشته باشد. بنابراین اگر به روستایی مراجعه کردید که شخصا به زبان مردم آن مسلط نیستید اجازه دهید هم گروهی‌تان مصاحبه‌ها را انجام دهد و شما او را همراهی کنید. مگر آنکه خود کشاورز به شما بگوید که مشکلی با پرسیدن سئوالات به زبان فارسی ندارد.
- سپس خود را معرفی کنید و توضیح دهید سئوالات شما در چه رابطه ای است و چرا آن‌ها را می‌پرسید و این که روستای آنان تنها روستایی نیست که برای ارزیابی به آن مراجعه می‌شود. همچنین تاکید کنید که نام کشاورز را در پرسش‌نامه ثبت نخواهید کرد.
- حتما به این نکته اشاره کنید که قصد ندارید شرکت و یا تسهیلگری که در این روستا فعال است را ارزیابی کنید بلکه می‌خواهید بدانید در کل این کارها چه تاثیری روی زندگی کشاورزان داشته است.
- در ابتدا ممکن است کشاورز بخواهد در رابطه با برخی مشکلات و چالش‌هایی که دارد صحبت کند، چند دقیقه به او وقت بدهید تا حرف‌هایش را بزند و شنونده باشید.
- سئوالات را تک به تک و با دقت بپرسید و چنانچه ابهامی در هر یک از سئوالات وجود داشت، توضیحات بیشتری را ارائه کنید که کشاورز کاملا متوجه منظور‌تان بشود.
- اگر شما متوجه پاسخ کشاورز به سئوالتان نشدید با تکرار آنچه دریافت کردید مطمئن شوید که منظور را درست متوجه فهمیدید.
- از جهت دار پرسیدن سئوالات پرهیز کنید. این جانبداری گاهی به طور ناخودآگاه ممکن است در لحن و نحوه پرسیدن سؤال وجود داشته باشد، بنابراین نسبت به آن حساس باشید.
- ممکن است پس از گفتگو با چند نفر از کشاورزان دریابید که پاسخ‌ها از الگوی ثابتی پیروی می‌کند، در این صورت هشیار باشید که ناخودآگاه به دام حدس زدن پاسخ‌ها پیش از آنکه خود کشاورز به آن پاسخ دهد نیافتید.
- اگر در هنگام مصاحبه با یکی از کشاورزان فرد دیگری در محل حاضر بود(مثلا یکی دیگر از کشاورزان، همسر و یا فرزند کشاورز و ..) برای پیشگیری از اختلال در مصاحبه با هم گروهی‌تان تقسیم کار کنید و یکی از شما با فرد پاسخ‌گو و دیگری با فرد دیگری که در محل حاضر است صحبت کنید تا کار فرد پرسش‌گر راحت تر انجام شود.

در چه شرایطی باید یک پرسش‌نامه باطل شود؟

- اگر فردی که با او مصاحبه می‌کنید بنا به هر دلیل مصاحبه را نیمه کاره رها کرد، باید آن پرسش‌نامه را باطل کنید و فرد دیگری را جایگزین نمایید.
- اگر تعداد سئوالاتی که فرد به آنها پاسخ نداده از ۳ مورد بیشتر شد باید آن مصاحبه‌نامه را باطل کنید و فرد دیگری را جایگزین کنید.
- اگر بنا به هر دلیل اتفاقی روی داد که منجر به ناخوانا شدن پرسشنامه یا از بین رفتن آن شد باید از تکمیل مجدد آن بر اساس آنچه در ذهن‌تان مانده پرهیز کرده و آن پرسش‌نامه را باطل در نظر بگیرید.

اگر تعداد کشاورزان مرجع در روستا کمتر از تعداد مورد نظر شد چکار کنیم؟

با وجود آن که از قبل شرکت و تسهیل‌گر روستای مورد نظر را در جریان تعداد پرسش‌نامه‌هایی که باید در روستا پر شود قرار داده اید اما هم‌چنان ممکن است زمانی که در زمان مراجعه متوجه شوید تعداد کشاورزان حاضر بنا به هر دلیلی کمتر از میزان برآورد شده (۱۶ نفر) است. در این شرایط باید از تسهیل‌گر و یا سایر کشاورزان بخواهید تلفن این افراد را در اختیارتان قرار دهید تا با آنها تماس گرفته و ببینید چطور و در کجا می‌توانید آنان را ملاقات کنید. مثلاً ممکن است این افراد در شهر ساکن باشند یا ... در این صورت لازم است در جایی خارج از روستا با آنها قرار بگذارید.

چگونه پرسش‌نامه‌ها را کدگذاری و داده‌ها را وارد کنیم؟

- برای توصیف و تحلیل یافته‌های پیمایش لازم است پاسخ‌ها و نظرات پاسخ‌گویان به داده‌های آماری ترجمه شوند. اولین گام در این رابطه، کدگذاری پاسخ‌ها است. برای این منظور، هر کدام از سوالات پرسشنامه به مانند یک «متغیر» در نرم افزار آماری SPSS تعریف شده و به هر کدام از حالت‌ها یا گزینه‌هایی که به عنوان پاسخ مشخص شده اند، یک شماره یا «کد» اختصاص می‌یابد. قبل از ورود داده‌ها به این نرم افزار لازم است مراحل زیر انجام شود:
- **کنترل پرسش‌نامه‌های تکمیل شده:** ابتدا پرسشگر باید پرسش‌نامه‌های تکمیل شده را کنترل نماید. هدف این مرحله غربالگری مقدماتی پرسش‌نامه است تا پرسش‌نامه‌های ناقص یا مشکوک جدا شوند. هر چند که باید سعی نمود تا حداکثر داده‌ها را حفظ کرد، ولی پرسش‌نامه‌های ناقص می‌توانند باعث افزایش بی‌رویه میزان داده‌های نامعتبر شده و تحلیل را با مشکل مواجه نمایند. بدیهی است هر چه در مرحله گردآوری داده‌ها دقت بیشتری انجام شود در این مرحله میزان پرسش‌نامه‌های مخدوش کمتر خواهد بود.
- **کدگذاری پرسش‌نامه:** پس از کنترل پرسش‌نامه‌ها و خارج کردن پرسش‌نامه‌های مخدوش نوبت کدگذاری سوالات پرسش‌نامه‌ها است. منظور از کدگذاری، دادن مقادیر عددی به مقولات سوالات پرسش‌نامه است. علت تعریف کد برای سوالات پرسش‌نامه این است که کار ورود داده‌ها به نرم افزار را تسهیل می‌کند. یعنی به جای نوشتن جواب‌ها در نرم افزار تنها اقدام به ورود کد مورد نظر می‌کند. از طرف دیگر دادن مقادیر عددی به مقولات امکان تحلیل‌های آماری مناسب را فراهم می‌آورد. سئوالاتی که به صورت عددی هستند، مانند سال تولد و مساحت زمین که عمدتاً در مقیاس فاصله‌ای هستند، نیاز به کدگذاری ندارند و مستقیماً وارد نرم افزار می‌شوند.
- **دادن شماره به هر پرسش‌نامه:** پس از کدگذاری سوالات و قبل از ورود داده‌ها به محیط نرم افزار باید تمام پرسش‌نامه‌ها شماره گذاری شود، و این شماره بعنوان یک متغیر وارد نرم افزار شود. علت این امر این است که این شماره گذاری هم احتمال ورود تکراری پرسش‌نامه‌ها را از بین می‌برد و هم اینکه در صورت نیاز به مراجعه مجدد به پرسشنامه برای اصلاح ورود داده‌ها می‌توان به

سهولت پرسش‌نامه مورد نظر را پیدا کرد.

- این کدها به تفکیک شماره پرسش‌ها، در یک فایل EXCEL مشخص شده‌اند. بدین ترتیب که برای هر سوال، یک نام اختصاری به عنوان نام متغیر انتخاب شده است و هر متغیر بسته به نوع پاسخ‌های، تنوعی از کدها را دارد.

قبل از ورود داده‌ها، لازم است تا با «خودکار قرمز» بر اساس کدنامه‌ای که در فایل EXCEL آمده، کد پاسخ‌ها بر روی پرسش‌نامه‌ها یادداشت شود. سپس برای هر روستا از فایل EXCEL با نام روستا Save as گرفته شود.

۸-۲-۳ پیمایش کیفی

۸-۲-۳-۱ پرسش‌های اصلی مصاحبه با افراد کلیدی

۸-۲-۳-۱-۱ معاونت ترویج اداره‌های کل جهاد کشاورزی

- به نظر شما در این ۱۱ شهرستان، این طرح چه تغییراتی در زندگی زنان، مردان و جوانان ایجاد کرده و به طور کلی آیا این گروه‌ها مشارکتی در فرآیند طرح داشته‌اند؟ کدام گروه‌ها و چه مشارکتی؟
- آیا این تأثیرات در روستاهای کرد نشین و ترک نشین فرقی می‌کرده است؟
- اثرات این طرح بر زندگی صاحب زمین‌ها، کارگران فصلی و صاحبان مشاغل دیگر به چه شکل بوده است؟
- از نظر جنبه‌های جلب مشارکت روستاییان چه تفاوتی میان مرحله‌های اول و دوم می‌بینید؟ و اگر چنین است این مشارکت چه تاثیری در مدیریت منابع آب داشته است؟
- کیفیت تعامل میان کشاورزان و جهاد کشاورزی پیش از اجرای طرح و پس از آن چه تغییراتی کرده است؟
- به نظر شما ظرفیت‌سازی انجام شده در مرحله دوم برای شرکت‌های مجری تا چه اندازه در فرآیند اجرای طرح و پی‌آمدهای آن تغییر ایجاد کرد؟
- به نظر شما اجرای این طرح تا چه اندازه در ایجاد یا تغییر نگرش کشاورزان نسبت به احیای دریاچه ارومیه نقش داشته است؟ چقدر رفتار آن‌ها را تغییر داده است؟ و آیا نشانه‌هایی از تکرار آن پس از اتمام دوره‌های آموزشی دیده شده است؟
- به نظر شما این طرح با طرح‌های مشابه چه تفاوت‌ها یا هم‌پوشانی‌ها یا شباهت‌هایی دارد؟ با کدام طرح‌ها؟
- به نظر شما برای استقرار کشاورزی پایدار چه موانعی وجود دارد؟
- برای مواجهه با این موانع در کوتاه مدت چه پیشنهادهایی دارید؟ در بلند مدت به سود احیای دریاچه ارومیه چه پیشنهادهایی دارید؟
- چه روستاهایی را برای انجام دادن این ارزیابی پیشنهاد می‌کنید و چرا؟

- تا چه حد از این طرح مطلع هستید ؟
- معیارهای زیست محیطی به چه صورت در این طرح گنجانده شده است؟
- با اطلاعاتی که دارید کدام تجربه به طور مشخص توانسته است به هدف استقرار کشاورزی پایدار از طریق جلب مشارکت روستاییان برای احیای دریاچه ارومیه کمک کند؟
- تا چه حد مشارکتی بودن این طرح را در تمربخشی آن لازم و چقدر مفید می‌دانید؟
- به نظر شما این طرح با طرح‌های مشابه چه تفاوت‌ها یا هم‌پوشانی‌ها یا مشابهت‌هایی دارد؟ با کدام طرح‌ها؟
- به نظر شما برای استقرار کشاورزی پایدار چه موانعی وجود دارد؟
- برای مواجهه با این موانع در کوتاه مدت چه پیشنهادهایی دارید؟ در بلند مدت به سود احیای دریاچه ارومیه چه پیشنهادهایی دارید؟
- چه روستاهایی را برای انجام دادن این ارزیابی پیشنهاد می‌کنید و چرا؟

- کلیات طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» از نظر شما چیست؟ به ویژه از ویژگی‌ها و مشخصات مرحله‌های ۱ و ۲ آن چه می‌دانید؟
- طرح حفاظت از تالاب‌های ایران می‌خواسته با آموزش روش‌های کشاورزی پایدار به حدود ۳۵ کشاورز مرجع در ۷۵ روستا چه تاثیرهایی از بابت اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی بر منطقه بگذارد؟ آیا به جز آموزشی که از سوی شرکت‌های مجری به روستاییان داده شده روندهای دیگری را هم طی کرده است؟ چه روندهایی؟
- فعالیت‌های شما در قالب خروجی شماره‌ی ۲ طرح مبنی بر افزایش آگاهی و توانایی جامعه‌ی محلی برای نقش‌آفرینی در احیای دریاچه‌ی ارومیه و کشاورزی پایدار در کدام یک از روستاهای مرحله‌ی ۱ و مرحله‌ی ۲ به اجرا درآمد؟
- از حیث جلب مشارکت و نیز به کارگیری روش‌های مشارکتی در مرحله‌های ۱ و ۲ کدام تجربه‌ها را موفق می‌دانید؟ لطفاً شرح دهید.
- از نظر شما مسئولیت و نقش اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست در این طرح چیست؟
- از نظر شما مسئولیت و نقش معاونت ترویج در اداره‌ی کل جهاد کشاورزی چیست؟
- مسئولیت و نقش دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران برای ایجاد هماهنگی میان اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست و معاونت ترویج در اداره-

ی کل جهاد کشاورزی؟

- هریک از دستگاه‌های یاد شده و نیز دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران چه نقش و مسئولیتی برای شرکت‌های مجری قایل اند؟ آیا برداشت هر سه دست‌اندرکار در این زمینه یکی است؟ اگر تفاوتی وجود دارد، لطفاً شرح دهید.
- نقش و مسئولیت دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در راهبری شرکت‌های مجری چیست؟
- ارزیابی شما از فرآیند ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های مجری چیست؟
- تفاوت روش‌ها و رویکردی که شما در این طرح به کار گرفته‌اید با روش‌ها و رویکرد «ستاد احیا» و/یا دستگاه‌های دیگر در چیست؟
- برای پیشبرد هدف‌های طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در مرحله‌های ۱ و ۲ با چه چالش‌ها و مانع‌هایی روبه‌رو بودید و چه‌گونه از عهده‌ی برطرف ساختن یا کاهش دشواری‌ها برآمدید؟ لطفاً به تفکیک هر استان شرح دهید.
- برای طراحی مرحله‌های ۳ و ۴ از نتیجه‌ی کارها در مرحله‌های ۱ و ۲ چه آموخته‌اید؟
- پیشنهاد‌های شما برای بهبود کیفیت کارها، به طور خاص، چیست؟

۸-۲-۳-۴ شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی مجری طرح

- به نظر شما در روستاهایی که فعالیت کرده اید ، پروژه‌های انجام شده چه تغییرات در زندگی زنان، مردان و جوانان ایجاد کرده و به طور کلی آیا این گروه‌ها مشارکتی در فرآیند طرح داشته اند؟ کدام گروه‌ها و چه مشارکتی؟
- آیا این تاثیرات در روستاهای متفاوتی که شما کار کردید فرقی می‌کرده است؟ آیا میان این تفاوت ها و قومیت روستاییان (کرد نشین/ ترک نشین) ارتباطی می‌بینید؟
- اثرات این پروژه بر زندگی صاحب زمین‌ها، کارگران فصلی و صاحبان مشاغل دیگر به چه شکل بوده است؟
- از نظر جنبه‌های جلب مشارکت روستائیان چه تفاوتی میان فاز اول و دوم می‌بینید؟ و اگر چنین است این مشارکت چه تاثیری در مدیریت منابع آب داشته است؟
- کیفیت تعامل میان کشاورزان ، جامعه محلی و شما در فرآیند اجرای این طرح چطور پیش رفته و نقش جهاد کشاورزی و بخشداری در این فرآیند را چه‌گونه بوده است؟
- به نظر شما ظرفیت‌سازی انجام شده در فاز دوم برای شرکت های مجری تا چه اندازه در فرآیند اجرای طرح و پیامدهای آن تغییر ایجاد کرد؟
- به نظر شما اجرای این طرح تا چه حد در ایجاد یا تغییر نگرش کشاورزان نسبت به احیای دریاچه ارومیه نقش داشته؟ چقدر رفتار آن‌ها

را تغییر داده؟ و آیا نشانه‌هایی از تکرار آن پس از اتمام دوره‌های آموزشی دیده شده است؟

- به نظر شما این طرح با طرح‌های مشابه چه تفاوت‌ها یا تداخل‌هایی دارد؟ با کدام طرح‌ها؟
- به نظر شما برای استقرار کشاورزی پایدار در روستاهایی که شما فعالیت کردید چه موانعی وجود دارد؟
- برای مواجهه با این موانع در کوتاه مدت چه پیشنهادهایی دارید؟ در بلند مدت به سود احیای دریاچه ارومیه چه پیشنهادهایی دارید؟
- چه روستاهایی را برای انجام این ارزیابی پیشنهاد می‌کنید و چرا؟

۸-۲-۳-۱-۵ سازمان مجری برنامه‌ی ظرفیت‌سازی

- از نظر شما کاستی‌های مرحله‌ی ۱ طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه...» چه بود که اقتضا می‌کرد تا طرح حفاظت از تالاب-های ایران برای مرحله‌های بعدی اجرای یک برنامه‌ی ظرفیت‌سازی را در دستور کار خود بگنجانند؟
- تفاوت روش‌ها و رویکردی که در این طرح به کار گرفته شده است با روش‌ها و رویکرد «ستاد احیا» و/یا دستگاه‌های دیگر در چیست؟ آیا این تفاوت‌ها از آغاز طرح تاکنون کمتر شده است یا بیش‌تر یا فرقی نکرده است؟ آیا می‌توان گفت که در پی برنامه‌ی ظرفیت‌سازی شما تغییری در رویکرد و روش‌های اجرایی معاونت ترویج جهاد کشاورزی در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی و/یا «ستاد احیا» و/یا دستگاه‌های دیگر به وجود آمده است؟ لطفاً درباره‌ی مولفه‌های تاثیرگذار آموزه‌ها (از دیدگاه خود) توضیح دهید.
- به نظر شما آیا آن دسته از شرکت‌ها مجری طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه...» که در برنامه‌های ظرفیت‌سازی شرکت داشتند توانسته‌اند گستره‌ی مشارکت را در روستاها فراخ‌تر کنند؟ به چه ترتیبی؟ تا چه اندازه‌ای؟
- آیا انتظاری که از شرکت‌کنندگان در برنامه‌ی ظرفیت‌سازی داشتید، برآورده شده است؟ اگر پاسخ شما مثبت است که لطفاً یکی دو نمونه‌ی موفق را تشریح کنید. اگر پاسخ شما منفی است، که توضیح دهید چرا نتوانستند.
- به نظر شما مهم‌ترین تاثیری که شرکت‌های مجری می‌توانند بر کشاورزان مرجع بگذارند چیست؟ نقش شرکت‌های مجری برای تاثیرگذاری بر کل روستا چیست؟
- به جز آموزش‌های یافته‌ای آموزشی به شرکت‌های مجری و دستگاه‌های دست‌اندرکار، چه‌گونه می‌توان بر فرآیند مشارکت جامعه‌ی روستایی برای احیای دریاچه‌ی ارومیه تاثیر مثبت گذاشت؟
- آیا آموزه‌های شما در سرفصلی جداگانه به چه‌گونه‌ی آگاهی‌رسانی به روستاییان در قالب خروجی شماره‌ی ۲ طرح مبنی بر افزایش آگاهی و توانایی جامعه‌ی محلی برای نقش‌آفرینی در احیای دریاچه‌ی ارومیه و کشاورزی پایدار پرداخته است؟ اگر بله، چه روش‌هایی را آموختند و اگر نه، چرا نه؟
- از حیث جلب مشارکت روستاییان به سود فرآیند احیای دریاچه‌ی ارومیه، کدام تجربه‌ها را (به ویژه در مرحله‌ی ۲) موفق می‌دانید؟ لطفاً

شرح دهید.

- با توجه به آن که نخستین نشست‌ها و کارگاه‌های ظرفیت‌سازی شما در نیمه‌ی نخست سال ۱۳۹۴ برگزار شد، تاثیر آموزه‌های ارائه شده بر روند اجرایی مرحله‌ی ۲ طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در شش ماه آخر به طور مشخص چه بوده است؟
- برای پیشبرد هدف‌های طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» در مرحله‌های ۳ و ۴، شرکت‌های مجری با چه چالش‌ها و مانع‌هایی روبه‌رو شده‌اند؟ آیا آموزه‌های شما توانسته است به برطرف ساختن یا کاهش دشواری‌ها یاری برساند؟ چه گونه؟
- اساسا خود برنامه‌ی ظرفیت‌سازی با چه چالش‌هایی روبه‌رو بود و چه گونه از عهده‌ی حل یا کاهش دشواری‌ها برآمد؟
- آیا می‌دانید که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از کدام دستاوردهای مرحله‌ی ۲ (خواه دستاوردهای آموزشی/ظرفیت‌سازی خواه غیر آن) برای طراحی مرحله‌های ۳ و ۴ بهره گرفته است؟
- پیشنهادهای شما برای بهبود کیفیت عملکرد شرکت‌های مجری چیست؟ پیشنهادهای شما برای بهبود کیفیت عملکرد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و دست‌اندرکاران دیگر چیست؟
- آیا برنامه‌ی ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های مجری و دست‌اندرکاران در مرحله‌های ۳ و ۴ ادامه یافته است؟ آیا این برنامه همانند برنامه‌ای است که در مرحله‌ی ۲ برگزار شد؟ اگر نه، چه تغییری را به چه دلیلی وارد آورده‌اید؟

پرسش‌های ویژه

- آیا شما می‌دانید سرفصل‌های آموزشی برای عرضه به کشاورزان مرجع چه گونه انتخاب می‌شود؟
- تسهیل‌گران به نقل از شما می‌گفتند که رویکرد اداره‌ی ترویج با رویکرد شما تفاوت و بلکه مغایرت دارد. آیا واقعا این طور است؟ در این صورت، آیا کاربرستی توصیه‌های شما مسئله‌آفرین نیست؟
- برخی از تسهیل‌گران شرکت‌های مجری از صحبت‌ها شما چنین برداشت کرده‌اند که می‌بایست بکوشند تا در هر روستا 'فقیر'ترین روستاییان را جذب کار کنند. آیا این برداشت درست است؟ آیا به نظر شما 'فقیر'ترین روستاییان بیش‌ترین مصرف آب کشاورزی را دارند؟ تسهیل‌گران چه گونه می‌توانند از آموزه‌های شما برای جلب بزرگ‌مالکان بهره بگیرند؟
- گفته می‌شود که شماری از شرکت‌های مجری در مرحله‌های پیشین برای فعالیت در مرحله‌های بعدی کنار گذاشته شدند. آیا این امر بر پایه‌ی میزان پابندی آن‌ها به اصول ره‌یافت‌های مشارکتی صورت گرفته است؟ اگر نه، بر چه پایه‌ای؟ آیا ورود مجریان جدیدی که دوره-های ظرفیت‌سازی شما را نگذرانده‌اند، در کل عملکرد طرح تاثیر خواهد گذاشت؟ چه تدبیری برای خنثا کردن تاثیرات منفی احتمالی اندیشیده شده است؟
- گفته می‌شود که معاونت ترویج جهاد کشاورزی در نظر دارد تا به اتکال شرح خدمات کنونی شرکت‌های مجری طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» ۲/۵ میلیارد تومان اعتبارات «ستاد احیا» را صرف استقرار کشاورزی پایدار در ۲۵ روستای دیگر (در دو استان) کند. آیا این امر بدون ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های مجری جدید واقعا میسر است؟ آیا تمهیدی برای جبران این ضعف در نظر

گرفته می‌شود؟ با توجه به دستاوردها و امتیازهایی که برای برنامه‌ی ظرفیت‌سازی خود قایل اید، لطفاً نظر خود را توضیح دهید.

۸-۲-۳-۱-۶ دهیاری و شوراهای اسلامی روستا

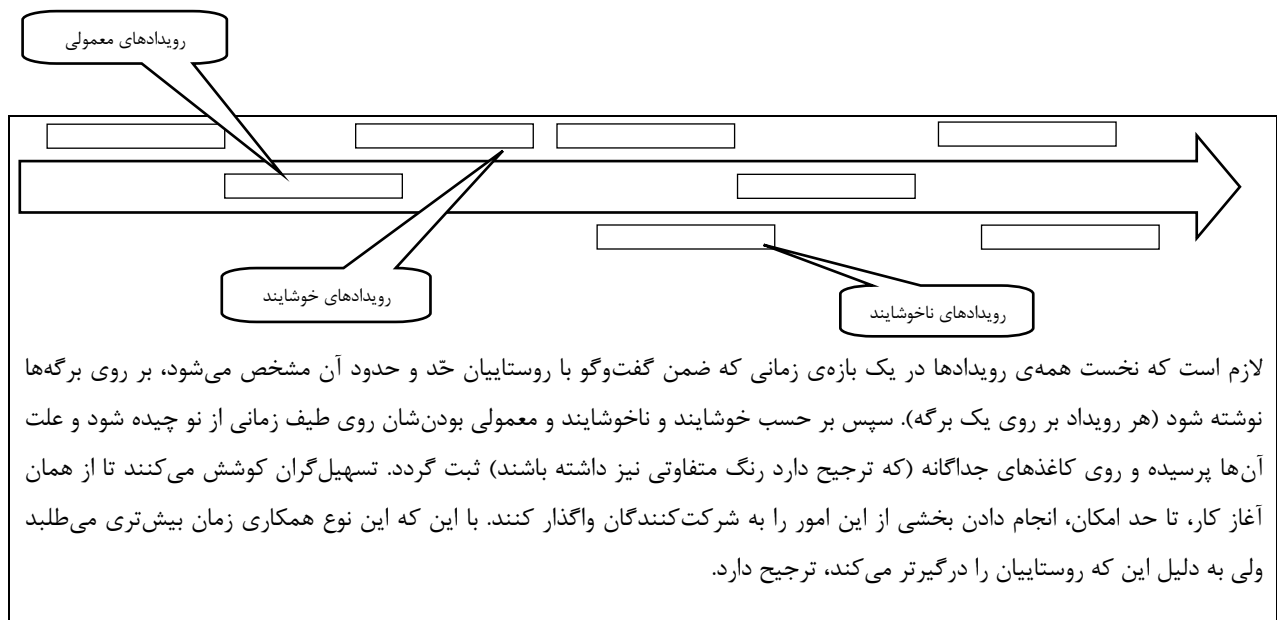
- طرح «مشارکت در احیای دریاچه‌ی ارومیه ...» از چه زمانی در روستای شما آغاز شد و چگونه از آن مطلع شدید؟
- کسانی که برای اجرای طرح به روستای شما مراجعه کردند چگونه کشاورزان را در جریان این طرح قرار دادند؟
- در فرآیند این طرح در روستای شما، چه اقدام‌هایی انجام شده است؟
- چه کسانی از بین کشاورزان بیش‌تر در اجرای این طرح مشارکت کرده‌اند؟
- به نظر شما اجرای این طرح چه تأثیرهایی در زندگی مردم روستا داشته است؟ در زندگی کشاورزان (به ویژه کشاورزان مرجع) چطور؟
- آیا طرح‌های دیگری که تا حدودی شبیه به همین طرح باشند در روستای شما اجرا شده است؟ اگر بله، چه طرح‌هایی بوده است؟ آیا تفاوتی میان آن‌ها و این طرح می‌بینید؟
- به نظر شما این طرح چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟
- آیا پیشنهادی برای بهبود این طرح دارید؟ و آیا قبلاً این پیشنهاد را با کسانی که آن را در روستای شما اجرا می‌کنند در میان گذاشته اید؟
- فکر می‌کنید چنین طرح‌هایی تا چه حد می‌توانند در کاهش مصرف آب به سود دریاچه ارومیه نقش داشته باشند؟

۸-۲-۳-۲-۱ ابزارهای کیفی-مشارکتی به کار رفته

۸-۲-۳-۱-۲ خط سیر زمانی

ترسیم خط سیر زمانی و مشخص کردن رویدادهایی که برای یک جمع معین مهم است، سبب می‌شود تا روایت مشترکی از یک یا چندین موضوع در گذر زمان به دست آید. لازم است که تسهیل‌گران با گروه‌های گوناگونی از جامعه‌ی مورد نظر بنشینند و با ثبت رویدادهای مهم این خط سیر زمانی را با جزییات بیش‌تری مشخص کنند تا بتوان از دیدگاه‌های متفاوتی به موضوع‌های نسبتاً واحدی نگریست.

در این پژوهش، تنها به ثبت تاریخچه‌ی رویدادهایی که در نظر اهالی مهم شمرده می‌شوند نمی‌پردازیم، بلکه مثبت یا منفی بودن آن رویداد را نیز از دیدگاه روستاییان ارزیابی می‌کنیم و در چندین مورد علت منفی یا مثبت بودن آن رویداد را نیز بررسی می‌کنیم. به این ترتیب، در می‌یابیم که آیا اصلاً اقدام‌های مربوط به استقرار کشاورزی پایدار در چشم اهالی چنان اهمیتی دارند که به عنوان نقطه عطفی تاریخی به حساب آیند. هم‌چنین مشخص می‌شود که آیا در فرآیند استقرار کشاورزی پایدار، رویدادی اتفاق افتاده است که از نظر جمع خوشایند نبوده است. علت بروز آن رویداد ناخوشایند هم مورد بحث قرار می‌گیرد. اگر فرصت دست دهد، می‌شود از مقطع کنونی هم پیش‌تر رفت و از روستاییان پرسید که فکر می‌کنند چه رویدادهای خوشایندی و نیز ناخوشایندی، به فرض تا شش ماه دیگر یا یک سال دیگر، ممکن است رخ دهد و چرا در نظر آن‌ها رویدادهای پیش‌بینی شده خوشایند یا ناخوشایند هستند.



۸-۲-۳-۲ نقشه‌کشی اجتماعی

یکی از کارآمدترین شیوه‌ها برای گردآوری اطلاعات به شکلی گروهی و سریع، ولی دقیق و نظام‌مند، نقشه‌کشی اجتماعی است. ویژگی این روش آن است که لازم نیست حتماً کسی سواد بالایی داشته باشد تا در این کار شرکت جوید، حتی لازم نیست چندان سخن‌ور باشد زیرا برای ترسیم نقشه کافی است که مکان‌های پیرامون خود را به مدد علامت یا شکل‌های ساده نشان دهد. البته قصد اصلی از ترسیم نقشه‌ی محل سکونت و/یا کار افراد تنها جانمایی مکان‌ها نیست، بلکه برشمردن ویژگی آن مکان‌ها و اهمیت آن موقعیت‌هاست. یکی از امتیازهای نقشه‌کشی آن است که می‌توان با هر گروه اجتماعی به طور جداگانه (برای نمونه، با زنان یا مردان یا جوانان) نقشه را کشید و دریافت که هر گروه چه اطلاعاتی از پیرامون خود را با دیگران در میان می‌گذارد و چه ویژگی‌هایی از آن مکان‌ها را گوشزد می‌کند. در انتهای این فرآیند هم خود مردم و هم تسهیل‌گران متوجه می‌شوند که چه مکان‌هایی برای چه کسانی به چه دلیلی آن قدر اهمیت دارد که هم جای آن‌ها بر روی نقشه مشخص می‌شود و هم درباره‌ی ویژگی‌های به شکل جمعی صحبت می‌شود. سپس با ترکیب اطلاعات و نقطه نظرهای همه‌ی گروه‌هاست که می‌توان اطمینان یافت که ارزیابی جامعی از موقعیت مورد نظر به دست آمده است.

ثبت و ضبط این گفت‌گوها مهم است. درست است که تسهیل‌گران عموماً با آوردن کاغذ و ماژیک راه را برای ابتکار عمل اهالی برای مستند کردن نکته‌هاشان می‌بندند اما هنگامی که بتوان وقت بیش‌تری برای این کار صرف کرد، روش ثبت گفته‌ها و اطلاعات را نیز می‌توان به اهالی روستا (یا محله) واگذار کرد. در هر صورت، لازم است که تسهیل‌گران به روشنی توضیح دهند که غرض‌شان از اجرای این تکنیک چیست. در این پژوهش، مقصود اصلی آن است که «الگوی مالکیت» هر روستا از دیدگاه خود اهالی مشخص شود. اما آن چه به مدد ترسیم این نقشه روشن خواهد شد، تنها این الگو نیست زیرا یک راست به سراغ بحث درباره‌ی زمین‌های کشاورزی نخواهیم رفت. تسهیل‌گران از راه گفت‌و شنوده‌ای اولیه با روستاییان و گفتن این مطلب که آن‌ها بیش‌ترین معلومات را درباره‌ی محل زندگی‌شان دارند سر صحبت را باز خواهند کرد. هم چنین تسهیل‌گران می‌توانند اشاره کنند که برای آشنایی هر چه بیش‌تر با مسایل روستاییان نیازمند کمک خود اهالی هستند زیرا چه کسی بهتر از آن‌ها با آن محل و منطقه آشناست. در پی این تأکیدهاست که می‌توان سفره را باز کرد و از روستاییان خواست که بگویند مهم‌ترین محل عمومی روستا از نظرشان کجاست! و آیا این محل در دل روستا قرار دارد و اگر نه با اشاره به سفره‌ای که باز شده است (یعنی همان کاغذ بزرگی در وسط)، پس در کجاست و به چه شکلی باید نشان‌اش داد و چه کسی می‌تواند آن را بکشد. امیدوار باشیم که بخت با تسهیل‌گران یار باشد و کسی داوطلب کشیدن شکل آن محل باشد زیرا دیگر از این مرحله به بعد شما می‌توانید با پرسیدن پرسش مناسب بحث را هدایت کنید و همکار دیگر مضمون اصلی گفت‌وگوها را یادداشت کند.

فرصت دهید که خود شرکت‌کنندگان توافق کنند و تصمیم بگیرند که «مهم‌ترین» محل یا «چیز»ی که دارند کجاست و سپس دلیل اهمیت را بپرسید و یادداشت کنید. اکنون این محل یا «چیز» مرجع تصویری شماست. تعیین هر محل دیگر با در نظر گرفتن فاصله و جهت آن نسبت به این «مهم‌ترین» جا یا «چیز» صورت خواهد گرفت. دقت داشته باشید که نقشه‌کشی با جزییاتی که به آن افزوده می‌شود، فرآیندی طولانی خواهد بود. از این رو، مهم است که پس از ۲۵ دقیقه تا نیم ساعت نخست کار تمرکز گفت‌وگوها بر جانمایی مکان‌هایی باشد که در مد نظر شماست. برای نمونه، اگر می‌خواهید تا پایان جلسه بدانید که «الگوی مالکیت» در روستا از چه قرار است از تعیین هر خانه روستایی و ثبت مشخصات آن بگذرید و روی نقشه به فرض با هاشور زدن محله‌های مسکونی را تعیین کنید تا وقت برای مشخص کردن زمین‌ها و باغ‌های کشاورزی داشته باشید.

اگر اهالی علاقه داشتند که تصویری را که ساخته‌اند نزد خود محفوظ نگه دارند، تسهیل‌گران می‌بایست تمهیدی ببیندیشند که روستاییان به خواست خود برسند. از هر نقشه چندین بار به شکل‌های گوناگون در مرحله‌های متفاوت برای ارزیابی‌های اجتماعی می‌توان استفاده کرد. برای نمونه، با ترسیم نقشه‌ی اجتماعی و/یا نقشه‌ی منابع روستا پیش از اجرای فعالیت‌ها و پس از پایان طرح می‌توان نوع و شکل تغییرات حاصل از اجرای طرح به نوعی نشان داد. هم‌چنین هر دفعه می‌توان همان نقشه‌ی اولیه را باز کرد و اطلاعات جدید را به آن افزود. باور طراحان این ابزار آن است که مردم خود بهترین منبع اطلاعات اند و کوشش در بصری کردن دانسته‌های مردم درباره‌ی ابعاد فیزیکی و نیز ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی محل سکونت و/یا کارشان می‌تواند زمینه‌ساز جلب مشارکت آن‌ها در هر چهار مرحله‌ی گردآوری اطلاعات پایه، طراحی برنامه‌های اجرایی، مدیریت و پایش و ارزش‌یابی باشد زیرا می‌توان ضمن کشیدن نقشه به درک مشترک و همگانی از منابع و ظرفیت‌های محلی و ارزیابی تغییرات وارده رسید.

همان‌طور که اشاره شد، در حین کشیدن نقشه تسهیل‌گران پرسش‌هایی مرتبط با موضوع مورد پژوهش خود مطرح می‌کنند. آشکار است که این پرسش‌ها یک‌سان نیست و هر گروه تسهیل‌گر درباره‌ی موضوع مورد نظر خود می‌بایست یک فهرست کلی از پرسش‌های مورد نظرش را تهیه کند. در این پژوهش، نیز لازم است برای آن که توجه اصلی به الگوی مالکیت در هر روستا و ارتباط آن با کاربری آموزه‌های کشاورزی پایدار سنجیده شود، گروه تسهیل‌گران فهرستی از چندین پرسش کلی پیش از رفتن به روستا فراهم آورند.

نمونه‌ی یک نقشه‌ی اجتماعی از یک محله‌ی شهری

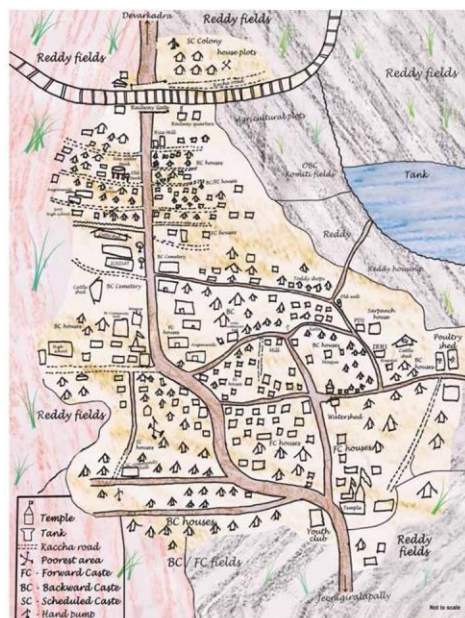
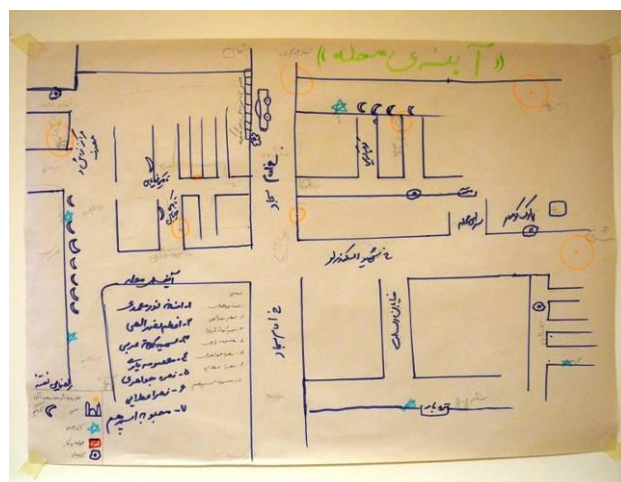


Figure 2. A social map of Dokur village.
Source: Gandhi 2008.



برای آن که دریابیم آموزه‌های استقرار کشاورزی پایدار تا چه اندازه و به چه قیمتی به حال کشاورزان سودمند افتاده است، از یک ابزاری به شکل مشارکتی استفاده می‌کنیم با عنوان «جدول هزینه و فایده». در این مرحله، ارزیابی ما کیفی است، یعنی ضرورتی ندارد که هزینه و فایده را با عدد و رقم مشخص کرد. بنابراین باید تاکید کرد که مقصود گروه تسهیل‌گر آن است که به مدد کشاورزان مرجع دریابد که کاربست هر آموزه از دید آن‌ها دارای چه فایده‌ها و امتیازهایی بوده است و این فایده‌ها را تا حد امکان بتوان در سه دسته‌ی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی جا داد. هم چنین کشاورزان مرجع می‌بایست برای هر بخش از کار چه چیزهایی را از خود یا خانواده‌شان مایه می‌گذاشتند. باز در این جا منظور صرفاً جنبه‌ی پولی نیست بلکه دربرگیرنده‌ی نیروی کار و اعتبار خود و خانواده‌شان (تا حد امکان به تفکیک اعضا) نیز هست. حتی گاه این «هزینه‌ها» می‌تواند به کل روستا تحمیل شده باشد. به فرض چون طرح استقرار کشاورزی پایدار در آن روستا اجرا شده است، به فرض ستاد احیا نیامده است و کسان دیگری در این میان احساس می‌کنند که متضرر شده‌اند. چه بسا هزینه‌های زیست محیطی هم برایشان داشته است. برای نمونه، در ازای فایده‌ای که فرآیند استقرار کشاورزی پایدار برایشان داشته است، کشاورزان مرجع مجبور شده‌اند بخشی از زمین زیر کشت‌شان را به اداره‌ی منابع طبیعی بازگردانند. آشکار است که تا سر صحبت در این باره به طور مشخص باز شود، زمان می‌برد و بحث‌های دیگری هم پیش می‌آید اما لازم است که در هر مقطع بر موضوع اصلی تمرکز شود.

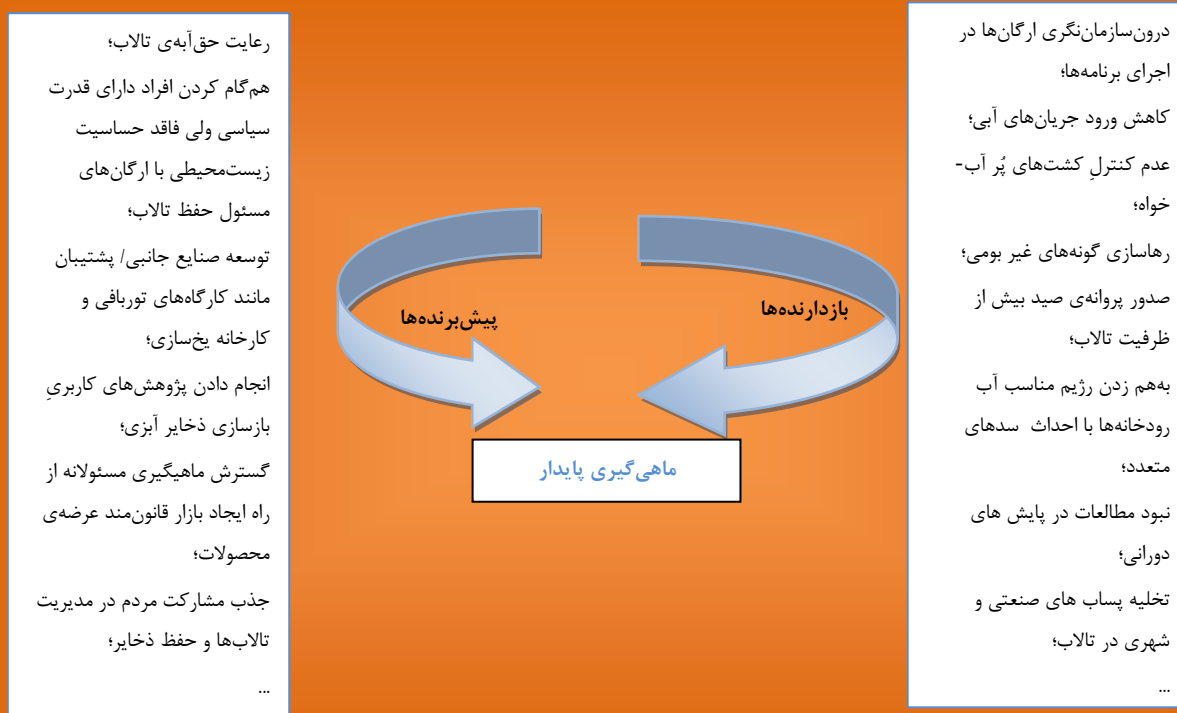
با در نظر گرفتن نتیجه‌های پیمایش کمی هم اکنون کم‌وبیش می‌دانیم که کشاورزان مرجع کدام آموزه را بیش‌تر به کار برده‌اند. اما لازم است در گام نخست از جمعی که تشکیل شده است بپرسیم که بیش‌ترشان کدام شیوه را به کار برده‌اند. اگر در این باره اتفاق نظری نبود و برای نمونه دو یا سه شیوه را نام بردند، و امکان آن برای گروه تسهیل‌گران فراهم بود می‌توان جمع را به دو گروه تقسیم کرد. در گام بعدی برای پر کردن جدول تسهیل‌گران لازم است جزییات بیش‌تری را مطرح کنند تا برای هر اقدام مهم فایده‌ها و هزینه‌ها از سه جنبه‌ی اقتصادی، اجتماعی و محیطی روشن‌تر شود.

	نام تکنیک	فایده			هزینه		
		اقتصادی	اجتماعی	محیطی	اقتصادی	اجتماعی	محیطی
۱	(می‌توان برای جزییات هر تکنیک ردیفی را افزود)						
۲	(می‌توان برای جزییات هر تکنیک ردیفی را افزود)						

اگر بحث و گفت‌وگوها به خوبی پیش برود، می‌توان جنبه‌ی دیگری را نیز به این ابزار افزود و آن این است که از کشاورزان مرجع خواست که از یک تا پنج به هر هزینه یا فایده رتبه بدهند (به این ترتیب که بیش‌ترین هزینه یا فایده را عدد ۵ در نظر بگیرند و کم‌ترین هزینه و فایده را عدد ۱ و از عددهای ۲، ۳، و ۴ برای رتبه‌بندی میان این دو طیف استفاده کنند). رتبه‌بندی نسبت میان مورد‌های ذکر شده را روشن‌تر می‌سازد و امکان مقایسه‌ی دقیق‌تری را میان مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی و محیطی فراهم می‌آورد.

کشیدن این نمودار به شکل دست‌جمعی کمک می‌کند تا تشخیص دهیم که برای انجام هر کاری عامل‌های برانگیزنده اند و چه عامل‌هایی بر انجام یافتن آن فعالیت تأثیری منفی دارد. در برنامه‌ریزی‌های مشارکتی از مطالبی که زیر هر ستون بیاید برای از میان برداشتن موانع و نیز فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای پیش بردن فرآیند استفاده می‌کنند. گروه تسهیل‌گر در این مورد به خصوص، یعنی تعیین عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده در به کارگیری آموزه‌های استقرار کشاورزی پایدار، از کشاورزان مرجع درخواست می‌کند که یا بر سر یکی از تکنیک‌هایی که

به کار گرفته‌اند توافق کنند و همه‌شان در یک بحث گروهی این نمودار را بکشند یا اگر واقعا موافقتی حاصل نمی‌شود دو آموزه را برگزینند که در این صورت دو گروه تشکیل خواهد شد. در هر صورت، گروه تسهیل‌گر از عامل‌های پیش‌برنده و مثبت برای به کارگیری مستمر آن فناوری کشاورزی پایدار از چشم کشاورزان مرجع آغاز می‌کنند. لازم است بر استفاده‌ی «مستمر» و مکرر تاکید شود زیرا ثبت این تجربه هنگامی اهمیت می‌یابد که امکان استفاده‌ی مکرر راه و روش نوین برای کشاورزان فراهم باشد. به سخن دیگر، تسهیل‌گران از کشاورزان می‌پرسند که



الف) کدام تکنیکی را که آموزش دیده‌اند، به کار بسته‌اند؛ ب) کدام تکنیک جدید را اکثر کشاورزان به کار گرفته‌اند؛ پ) کدام تکنیک را بیش از یک بار به کار بسته‌اند یا می‌خواهند به کار ببندند. اگر بتوان آموزه‌ای را انتخاب کرد که هر سه ویژگی را داشته باشد و برای‌اش این نمودار را کشید که چه بهتر وگرنه آن عامل‌های پیش‌برنده‌ی آن تکنیکی را مشخص کنید که دست‌کم یکی از ویژگی‌های الف، ب یا پ را داشته باشد. برای تعیین عامل‌های بازدارنده در اجرای آن تکنیک هم وقتی را بگذارید تا کشاورزان مرجع با بحث و گفت‌وگو بگویند که چه چیزهایی آن‌ها را از به کارگیری آموخته‌شان باز می‌دارد. یادآور می‌شویم که در برشمردن عامل‌های مثبت و منفی برای به کارگیری فناوری آموخته، لازم نیست هیچ ترتیب با اولویتی رعایت شود و هر کشاورزی که هر نشانه و دلیلی را ذکر کرد، بی‌آن که تغییری در کلام‌شان بیاورد می‌بایست روی یک برگه ثبت و در زیر ستون مربوط چسبانده شود.

سرانجام، اگر فرصت دست داد، از کشاورزان مرجع بپرسید که برای کاهش اثرات عامل‌های بازدارنده به نظر آن‌ها خوب است چه اقدام‌هایی را چه کسانی انجام دهند و نیز این که خودشان چه کاری می‌توانند انجام دهند که از شدت و حدت عامل‌های بازدارنده کاسته شود.

در نمونه‌ی زیر، از این ابزار برای یافتن عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده بر سر راه استقرار ماهی‌گیری پایدار در تالاب شادگان در خوزستان از دیدگاه کارشناسان و مدیران استفاده شده است. یادآور می‌شویم که اگر همین نمودار را ماهی‌گیران این تالاب ترسیم می‌کردند چه بسا به عامل‌های پیش‌برنده و بازدارنده‌ی دیگری برای تحقق ماهی‌گیری پایدار اشاره می‌کردند. از تسهیل‌گران انتظار می‌رود سطح بحث و گفت‌وگو را در چارچوب مسائلی که کشاورزان مرجع عنوان می‌کنند، نگاه دارند.

۸-۳ جدول زمانی ارزیابی (نسخه‌ی بازبینی شده)

	موضوع فعالیت	بهمن ۱۳۹۵				اسفند ۱۳۹۵				فروردین ۱۳۹۶				اردیبهشت ۱۳۹۶				خرداد ۱۳۹۶				تیر ۱۳۹۶				مرداد ۱۳۹۶				شهریور ۱۳۹۶			
		۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴
۱	طراحی روش ارزیابی																																
۲	تهیه‌ی شرح خدمات اعضای گروه ارزیابی																																
۳	انتخاب همکاران محلی																																
۴	برگزاری کارگاه مشورتی/ توجیهی																																
۵	آزمودن ابزار پرسش‌گری																																
۶	انتخاب روستاهای نمونه‌ی پرسش‌گری																																
۷	مصاحبه با دست‌اندرکاران کلیدی استان‌ها																																
۸	گردآوری داده‌های کمی																																
۹	تحلیل داده‌های کمی																																
۱۰	انتخاب روستاهای نمونه‌ی پژوهش کیفی																																
۱۱	گردآوری داده‌های کیفی																																
۱۲	تحلیل داده‌های کیفی																																
۱۳	ترکیب و «سه‌گوش‌سازی» یافته‌ها																																
۱۴	راستی‌آزمایی و تصحیح اطلاعات																																
۱۵	تدوین پیش‌نویس گزارش نهایی																																
۱۶	ارسال گزارش نهایی																																

^۱ برای نمونه، و نیز آگاهی بیش تر، نگاه کنید به:

UNDP. 2016. Summary of Trilateral Collaboration between DoE and Government of Japan and UNDP;
Lewis, Gary. 2016. "Statement at the Signing Ceremony of Japanese Contribution to Restoration of Lake Urmia." *United Nation Iran*. Accessed July 27, 2017. <https://un.org.ir/resources/speeches/item/3223-statement-at-the-signing-ceremony-of-japanese-contribution-to-restoration-of-lake-urmia>;
CIWP. 2016. SA Project-Q3 Report;
CIWP. 2015. Quarterly Report;
CIWP. 2016. Mid-Year Report of SA Project;
CIWP. 2015. Quarterly Report (3).

^۲ ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه. راهکارهای اقتصادی، بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه، ص ۲۹. <http://ulrp.sharif.ir/articles>

^۳ UNDP. 2017. "New Japanese Grant Gives Hope for Sustained Recovery in Lake Urmia." *UNDP in I.R. Iran*. Accessed July, 2017. <http://www.ir.undp.org/content/iran/en/home/presscenter/articles/2017/04/10/new-japanese-grant-gives-hope-for-sustained-recovery-in-lake-urmia.html>.

^۴ ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه. مطالعات اقتصادی دریاچه‌ی ارومیه، ص ۴۰ و ص ۵۹. <http://ulrp.sharif.ir/articles>

^۵ برای کسب آگاهی بیش تر نگاه کنید به:

دین‌پناه، غلامرضا و دیگران. مدرسه مزرعه کشاورز FFS رهیافتی نوین در ترویج کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۸۸. http://agrilib.areo.ir/book_230.html;

مرشدی، شهریار و ابوالقاسم مختاری. رویکرد مدرسه در مزرعه، مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی استان بوشهر، ۱۳۸۳. http://agrilib.areo.ir/book_1186.html;

شریفی‌مقدم، محمد و رضا عزتیان. کلیات محتوایی پروژه‌ی الگویی مدیریت جامع بهداشت حرفه‌ای کشاورزی، معاونت ترویج و آموزش سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی و مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، زمستان ۱۳۸۷. <http://mboh.umsha.ac.ir/index.aspx?siteid=14&pageid=2728>;

سازمان حفظ نباتات کشور، 'برگزاری کارگاه آموزشی در کشور تونس'، ۱۳ آبان ۱۳۹۴. <http://ppo.ir/%D8%B5%D9%81%D8%AD%D9%87%D8%A7%D8%B5%D9%84%DB%8C/tabid/36/ctl/Details/mid/2080/ItemID/478/Default.aspx>.

^۶ برای نمونه نگاه کنید به:

میردامادی، سید مهدی و سهیلا سادات موسوی. 'موانع کاربرد رهیافت مدیریت تلفیقی محصول در کشاورزی پایدار'، روستا و توسعه، سال شانزدهم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۵۴-۳۷. <http://www.ensani.ir/fa/content/319937/default.aspx>;

علی‌میرزایی، عرفان و دیگران. 'بررسی تأثیر طرح مدرسه در مزرعه کشاورز بر افزایش سطح اطلاع نخلداران از مباحث مدیریت تلفیقی آفات'، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴۲-۴۱، ۱۳۸۹، صص ۴۹۹-۴۹۱. <https://ijaedr.ut.ac.ir/>.

^۷ پایگاه اطلاع‌رسانی «مرکز تحول و نوسازی اداری» وزارت جهاد کشاورزی به این نکته زیر عنوان 'شناسنامه‌ی خدمات «دفتر ترویج کشاورزی و منابع طبیعی» معاونت ترویج اشاره کرده است:

<http://tahavol.maj.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=GENERALTEXT&CategoryID=48ab87ca-09c2-446d-820c-e2ee5eddd29e&WebPartID=2ab4c7cf-d065-4d29-a22c-0a7c0e97d8fb>

^۸ برای آگاهی بیش‌تر از راهبرد مدیریت جامع مشارکتی محصول نگاه کنید به:

Falsafi, Peyman: Shahpasand, Mohammad Reza. 2014. "Towards Innovative Extension Services in National Agricultural Innovation System in Iran." *Workshop on Innovative Extension Services to Agricultural Productivity*. Manila, Philipinnes;

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه با الگوسازی مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی، ۱۳۹۵.

<<http://www.wetlandsproject.ir/fa/publication/brochures/sustainable-agriculture-brochure>>;

شریفی‌مقدم، محمد. 'برنامه تحولی ترویج برای مشارکت پایدار کشاورزان و بخش کشاورزی در احیای دریاچه‌ی ارومیه'، مروج، شماره‌ی ۱۵۵-۱۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۴-۸.

^۹ اعداد و ارقام یاد شده از این منبع است:

دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران، مشارکت مردم برای نجات دریاچه‌ی ارومیه، ۱۳۹۵.

¹⁰ CIWP. 2017. UNDP Final Report Phase II.

¹¹ CIWP. 2015. Quarterly Report.

¹² CIWP. 2014. Japan-UNDP-CIWP Project Proposal Phase I. p. 5.

^{۱۳} طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. همکاری در احیای دریاچه‌ی ارومیه با الگوسازی مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی، ۱۳۹۵. ص ۱۰.

<<http://www.wetlandsproject.ir/fa/publication/brochures/sustainable-agriculture-brochure>>

¹⁴ UNDP in I.R. Iran. *Conservation of Iranian Wetlands Project- Phase II (Scale-up)*. Accessed August 18, 2017. http://www.ir.undp.org/content/iran/en/home/operations/projects/environment_and_sustainable_development/Wetlands_II.html;

<<http://www.wetlandsproject.ir/fa/about/history-fa>> تاریخچه. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران.

¹⁵ The Japan International Cooperation Agency (JICA). 2014. *Lake Urmia in Peril of Drying-up and JICA's Assistance for Saving the Lake*. Accessed August 18, 2017. <https://www.jica.go.jp/iran/english/office/topics/140610.html>.

¹⁶ UNDP in I.R. Iran. *Conservation of Iranian Wetlands Project- Phase II (Scale-up)*.

¹⁷ CIWP. 2015. Quarterly Report (3). p. 19.

^{۱۸} مدیریت ترویج سازمان جهاد کشاورزی اصفهان. درباره‌ی شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای کشاورزی. <<http://tarvij.agri-es.ir/Default.aspx?tabid=1736>>

^{۱۹} برای آگاهی از جزئیات بیش‌تر، نگاه کنید به:

Marsland, N., Wilson, I., Abeyasekera, S. And Kleih, U. 2001. Combining Quantitative (Formal) and Qualitative (Informal) Survey Methods. *Socioeconomic Methodologies for Natural Resources Research. Best Practice Guidelines*. Chatham, UK: Natural Resources Institute. Accessed on September 1, 2017.

http://portals.wi.wur.nl/files/docs/ppme/BPG10_Marlsandetal_surveymethods.pdf, pp. 11-12.

^{۲۰} این مبحث مربوط می‌شود به این که دریابیم آیا همه‌ی گروه‌های هدف از نتیجه‌ی اقدام‌های طرح بهره‌برده‌اند، و اگر نه چرا و چه‌گونه می‌توان گروه‌های بازمانده از اثرگذاری‌های مثبت را هدف‌گیری کرد. در مدیریت طرح و برنامه‌های توسعه، این یکی از مولفه‌های مهم است و برابر است با عبارت انگلیسی inclusive development. برای آگاهی بیش‌تر از این موضوع نگاه کنید به:

http://www.undp.org/content/undp/en/home/ourwork/povertyreduction/focus_areas/focus_inclusive_development.html

^{۲۱} The Iowa State University Center for Excellence in Learning and Teaching . *Assessment and Evaluation*. Accessed August 20, 2017. <http://www.celt.iastate.edu/teaching/assessment-and-evaluation>.

یادآور می‌شویم که تفاوت‌گذاری میان این دو مفهوم در عرصه‌ی آموزش عالی رواج بیش‌تر و پرسابقه‌تری دارد. برای آگاهی بیش‌تر، نگاه کنید به:

Scriven, M. 1967. *The Methodology of Evaluation*. R.W. Tyler, R M. Gagne, M. Scriven (eds.), *Perspectives of Curriculum Evaluation*, pp.39-83. Chicago, IL: Rand McNally;

The Institute for Teaching, Learning and Academic Leadership. *What Is the Difference between "Assessment" and "Evaluation?"* Accessed August 20, 2017. <http://www.itlal.org/?q=node/93>

^{۲۲} CIWP. 2014. Japan-UNDP-CIWP Project Proposal Phase I. p.4.

^{۲۳} ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه. *راهکارهای اقتصادی، بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه*، ص ۳۰. <http://ulrp.sharif.ir/articles>

^{۲۴} شرکت خدماتی گردش‌گری کانی برازان خورخوره (کانون سبز گردش‌گری کانی برازان). *آگاهی رسانی و ظرفیت‌سازی در خصوص نقش جوامع محلی در احیای دریاچه‌ی ارومیه*. زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۸-۱۷.

^{۲۵} CIWP. n.d. Report to Japan Government about SA Project-Phase I. p. 14.

^{۲۶} CIWP. 2015. Quarterly Report (3). p. 15.

^{۲۷} شرکت خدماتی گردش‌گری کانی برازان خورخوره. *گزارش عملکرد*. (۱۳۹۳)، ص ۱۵.

^{۲۸} طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. *جزوه‌ی الگوسازی مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار*. ۱۳۹۵. ص ۹.

^{۲۹} همان جا.

^{۳۰} موسوی‌نژاد، سید بابک و شهریار رحمانی. *گزارش تحلیل وضعیت و ظرفیت‌سنجی پروژه توسعه ظرفیت مجریان کشاورزی پایدار*. تهران: موسسه مطالعات توسعه بازنگر معاصر. دی ماه ۱۳۹۳. ص ۴.

^{۳۱} موسوی، نسترن و زهرا کاظمی سبزواری. *مطالعات ارزیابی جنسیتی طرح منارید: گزارش نهایی*. ۱۳۹۵. صص ۲۲-۲۰.

^{۳۲} CIWP. Report to Japan Government about SA Project-Phase I.

^{۳۳} Food and Agriculture Organization of the United Nations. 2004. *Building a Common Vision for Sustainable Food and Agriculture- Principles and Approaches*. Rome. Accessed August 28, 2017. <http://www.fao.org/3/a-i3940e.pdf>, pp. 26-28.

³⁴ Pretty, Jules N et al. 1998. Sustainable Agriculture: Impacts on Food Production and Challenges for Food Security. London, International Institute for Environment and Development (IIED). Accessed May 5, 2017. <http://pubs.iied.org/pdfs/6106IIED.pdf>. pp. 5-6.

³⁵ CIWP. 2016. UNDP Report Phase II. p. 24.

³⁶ نه تنها مدیر ملی و کارشناسان طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به این نکته در مصاحبه‌های خود با گروه ارزیابی اشاره داشتند، بلکه ضرورت برنامه‌ریزی-های سه تا پنج ساله برای ایجاد تغییر در الگوی کشت را به «برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد» گزارش کرده‌اند. برای نمونه، نگاه کنید به:

CIWP. 2017. UNDP Final Report Phase II.

³⁷ ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه. راهکارهای اقتصادی، بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه، بند ۱۶، ص ۱۰. <<http://ulrp.sharif.ir/articles>>

³⁸ مدیران و متخصصانی بیرون از ساختار اجرایی طرح، فعالیت‌های سالیان اخیر را برای بهبود وضعیت کشاورزی از سوی تشکلهای محلی در برخی منطقه-ها در کاهش مصرف کود و سم مفید ارزیابی کردند ولی معتقد اند که طرح 'ارتباطی با احیای دریاچه ندارد. حتی تأثیری جدی در روند صرفه‌جویی آب توسط کشاورزان هم ندارد'. نگاه کنید به:

تجربشی، محمد مسعود. سازمان ملل کاری برای دریاچه ارومیه انجام نداده. ۲۷ فروردین ۱۳۹۶.

<<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/01/27/1380181>>

³⁹ طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. گزارش مشاور آب (فاز ۲). ص ۶۶؛

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. گزارش مشاور آب (فاز ۱). صص ۱۲۰-۱۱۶.

⁴⁰ برای کسب آشنایی بیش‌تر از یک نمونه‌ی بررسی نظری/مفهومی از درگیر شدن دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان در مدیریت آب، نگاه کنید به:

Madani, Kaveh. 2010. "Game theory and Water Resources." *Journal of Hydrology*. pp. 225-238. Accessed September 20, 2016.

https://www.researchgate.net/publication/222957808_Game_theory_and_water_resources

⁴¹ به نقل از مسعود علایی، مشاور معاون وزیر و معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، در این نشانی: <http://tn.ai/1522512> و عبدالغفار شجاع، مشاور معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری، در این نشانی:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930901001556>

⁴² رسیدن به برداشتی یک‌سان از مفهوم‌های اصلی تنها برای دست‌اندرکاران کشوری الزامی نیست، بلکه چنین طرحی که پشتیبان‌های بین‌المللی دارد می-بایست در این باره حساسیت بیش‌تری به خرج دهد. برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، به نوبه‌ی خود، شماری از این مفهوم‌ها را تشریح کرده است. برای نمونه، در ص ۷ نشانی زیر در تعریف 'ظرفیت‌سازی' درباره‌ی یکی از ویژگی‌های آن می‌گوید که فرآیندی است طولانی‌مدت. چه بسا با یادآوری همین تعریف به نمایندگی آن در ایران بتوان در دوره‌های بعدی تمدیدِ طرح (اگر چنین چشم‌اندازی وجود داشته باشد) از آن درخواست کرد که هم‌نوا با مدیریت و دستگاه-های اجرایی طرح در سال‌های اخیر دولت ژاپن را متقاعد کند که هر مرحله را طولانی‌تر در نظر بگیرد تا شماری از چالش‌های یاد شده در این گزارش امکان حل‌وفصل شدن بیابند:

Economic and Social Council of the United Nations. 2006. Definition of Basic Concepts and Terminologies in Governance and Public Administration. Accessed August 29, 2017.

<http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan022332.pdf>. pp. 7-8.

^{۴۳} در حوزه‌ی توسعه، برای پایش و ارزش‌یابی مشارکتی طرح و برنامه‌های اجرای و نیز برای 'پایش مشارکتی آب' کتابچه‌های راهنمای متعددی تدوین شده است. در نوشته‌ی زیر، در همان صفحه‌های آغازین، پیش از آن که روش‌های پیشنهادی خود را عرضه کند از مفهوم‌های 'پایش مشارکتی'، 'پایش آب' و 'پایش مشارکتی آب' تعریف‌هایی به دست داده است:

Office of the Compliance Advisor/Ombudsman (CAO). 2008. Participatory Water Monitoring: A Guide for Preventing and Managing Conflict. Accessed on August 4, 2017.

<http://www.cao-ombudsman.org/howwework/advisor/documents/watermoneng.pdf>, pp. 10-14.

^{۴۴} در هر دو برنامه‌ی کاری دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران با مشخصات زیر، برون‌دادهای خود این طرح دارای هدف‌ها و شاخص‌های معین اند ولی برون-دادهای مربوط به کشاورزی پایدار هدف‌گذاری و شاخص‌گذاری نشده‌اند:

CIWP. 2015. Revised Work Plan;

CIWP. 2016. Final Revised Work Plan (New Allocation).

^{۴۵} شاخص شماره‌ی ۷ برای برون‌داد ۲ از سند زیر:

CIWP. 2016. Final Revised Work Plan (New Allocation).

^{۴۶} World Bank. 1998. "Guidelines for Monitoring and Evaluation for Biodiversity Projects." *Biodiversity Series*. Accessed March 29, 2016.

<http://siteresources.worldbank.org/INTBIODIVERSITY/214584-1110959186651/20611829/270310Guidlines0for0monitoring.pdf>, p. 14, pp. 25-28.

Summary of social-economic assessment for “Local Community Participation in Lake Urmia Restoration” project

Lake Urmia lost more than 90% of its total surface within last 2 decade. Out of 5000 Km² there was only 500 Km² left in 2014. This means the lake had lost over 15 Bqm of its volume in this period. Knowing that more than 90% of total water resources in the basin are consumed in agriculture sector, there seems to be a considerable potential for saving water for the benefit of Lake being restored. Public participation for environmental conservation has lately been practiced throughout the world resulting in successful experiences in wetland conservation and restoration. However, little attention has been given to the power of public for environmental conservation in Iran. Hence, a project called “Modeling Local Community Participation for Lake Urmia Restoration” was formulated by Conservation of Iranian Wetlands Project under a joint agreement between UNDP and DoE funded by the government of Japan. The project was designed to provide an executive model of public participation for wetland restoration in Iran. The project has been implemented for 2 years in 75 villages at Lake Urmia basin involving nearly 10000 local people and farmers to take part in the process of Lake Urmia restoration. Final evaluation on socio-economic impacts of the project has been conducted to determine the relevance and level of achievement of project objectives, development effectiveness, efficiency, impact and sustainability. Below is a summary of the assessment:

The results of this assessment are expected to help in deeper understanding of the impact of the plan on the lives and livelihoods of selected villages. The geographical scope of this assessment is 25 villages of 75 villages of the named stages. Which was scrutinized by a group of ten in the period from December 1395 to September 1396, with the help of traditional instruments of quantitative-qualitative combination research. The abstract of the findings and evaluation analyzes is as follows

The most important economic impacts of the plan on rural livelihoods

- The majority of farmers who have been able to apply sustainable agricultural teachings have expressed their satisfaction of reducing production costs and improving product quality;
- By applying sustainable agriculture practices:
 - Income of kurd reference agriculture has been more increased than turk reference agriculture
 - Farmers have the highest increase in income in the villages of Gol and Marjanloo;
 - Farmers have not been able to benefit from these doctrines to increase their income in the villages of Zarjamlou, Lalaklu and Firozabad;
- Some sustainable agriculture practices, such as "conservation soils" and "soil tests", have reduced agricultural production costs;

-
- Farmers whose income has increased with the implementation of sustainable agriculture practices and recommendations are inhabited by villages with an average area of higher land and a more robust economic base.

The most important social impacts of the project on the livelihood of villagers

- Increasing farmers' awareness of sustainable agriculture methods, to the extent that some of them change their traditional cultivation practices;
- Implementation of a link between the implementation of sustainable agriculture and the revitalization of Lake Urmia, or, in the language of the villagers, between the "drying" of Lake Urmia and "non-normative agriculture", though, believing that the lake only changed the pattern of cultivation by They are not restored, and the impact of other factors - on larger scales - is more important;
- Familiarity of rural women with their potential role in establishing sustainable agriculture and revitalization of Lake Urmia

The most effective methods of attracting rural participations to sustainable agriculture

- Initiatives, using from personal communication and facilities, and the flexibility of some of the participating companies to adapt the training method and content to the real needs of reference farmers.
- Applying collaborative practices in the form of FFS, IPCM and PDM teachings to attract farmers by the help of project
- providing the possibility of direct experience transferring for farmers
- holding joint capacity building of executive partners, supervisors and coordinator authorities that caused the deeper understanding of collaborative methods

Challenges to attracting Villagers to Sustainable agriculture

- The timing of the project implementation, which means that the one-year time span for doing all the activities in a village (with emphasis on participation rates) and ensuring their effectiveness is very short;
- Insufficient concentrating on attracting villagers (to eliminate their lack of trust) in the early stages of the project, for reasons such as:
 - Limited familiarity of stakeholders / Practitioners (and also some of them unfamiliarity) to apply the best practices in this regard;
 - To rely more on the size of the plan on individual management of sustainable agricultural deployment
- The lack of accountability of training sections and capacity building to the real needs of farmers due to:

-
- Inappropriate delivery time of training;
 - Interrupting of some of the training until it is possible for the whole target group to learn;
 - _uncoordinated age and education of farmers
 - Lack of expertise required by all administrative authorities for the training and implementing all sustainable agricultural practices.
 - Lack of training and / or intellectual assistance related to marketing skills and appropriate supply of healthy products and / or preparedness for natural disasters;
 - The lack of necessary group training to form the farmers
 - An inconsistency between the stakeholders / practitioner in two forms:
 - Purely operational;
 - An insight / approach on issues of 'participation' and 'promotion'.
 - Concern over the effectiveness of irrigation practices appropriate to the conservation of water resources, taking into account the refusal of reference farmers for the application of these teachings, due to:
 - Costly (including maintenance costs due to burnout and degradation of equipment, diesel engine fuel, electric shock for irrigation under pressure, payroll workers' pay for irrigation in a garden);
 - Lack of facilities and loans available to pay for such expenses as pipelines;
 - Unfair water quotas
 - Inappropriate water availability time;
 - Lack of permission to use wells;
 - Lack of electricity;
 - Longevity of the administrative process for getting needed services;
 - The effectiveness of using this method in the amount of the water right;
 - It is not economical to use these methods in less than one hectare

The upcoming opportunities to improve the performance of the project

- Enhancer as much as possible integrated / consolidated management of the way:

-
- Simplification of common perceptions among the administrative, intendant and coordinator authorities about the concept of “collaborate” and “extension” To agree on a project approach;
 - Recognize the continuing support of other actors to take action that their joint venture is to revive Lake Urmia
 - Collaborating efforts to find solutions such as establishing financial penalties or having reference farmers from some targeted destinations;
 - Converting the capacity building activities of the project into a "capacity building plan" by continuing the participatory approach to ensure the continuity of provincial committees and outreach committees, even after the withdrawal of current support resources
 - _ Supply, advertisement and promoting the successful samples of Collaborative management and planning;
 - A refusal to 'blame', which means giving responsibility to a crisis and / or low-profile one to an executive and / or a social group, for the same cause and with the companionship of the rural congregations and other relevant institutions to make
 - Take some review in a few ways, such as:
 - Selection of village, group farmer and educational headings, in particular, topics related to optimal agricultural water use practices;
 - Supporting the farmer in post-production stages;
 - inclusion of women and children of farmers, in particular, in the information, education and awareness raising (CEPA) program and the revenues generated by the conservation of Iranian wetlands, It is more likely to attract the participation of the target group.
 - Determining more clearly social-economic indicators for future monitoring and evaluations with the involvement of stakeholders / Practitioners:
 - To allocate a section of the capacity building activities to the topic of socio-economic indicators;
 - And their subdivision (using the guidance booklet for monitoring and evaluation for biodiversity conservation projects);
 - An annual (or bi-annual) assessment of the ecological, socio-economic and participatory effects of the project's performance in the common sample villages.